



فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره ۲۲. زمستان ۱۳۹۲

شاپا: X ۲۲۴ - ۱۷۳۵

صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

مدیرمسئول: محمد تقی حسن زاده

سر دبیر: سید نصراله سجادی

دبیر هیئت تحریریه: محمد رضا فضلی

مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

صفحه آرا: پردیس واهب زاده

چاپ و صحافی: نشر دانشگاه هنر

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۲۶۷، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

نشانی الکترونیکی: strategic.studies@msy.gov.ir

اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای

اعتبار علمی - پژوهشی $\frac{۳/۱۸/۸۰۳۳}{۱۳۹۳/۱/۲۵}$ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است

و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
معاون پژوهش و فناوری

کتابی تعیین اعتبار علمی

براساس آیین نامه تعیین اعتبار علمی نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نشریه با عنوان مطالعات راهبردی ورزش و جوانان وابسته به مرکز پژوهشهای راهبردی وزارت ورزش و جوانان در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی مورخ ۹۳/۱۲/۲۱ مطرح و با اعطای اعتبار علمی-پژوهشی موافقت شد. بدون شک تلاش دست اندرکاران نشریه سهم به سزایی در گسترش مرزهای دانش و ارتقای کیفی و کمی جایگاه علمی کشور خواهد داشت. عدم رعایت مفاد آیین نامه مذکور موجب ابطال تاییدیه خواهد شد.

منظر شریفی

مدیرکل دفتر سیاستگذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی

دبیر کمیسیون نشریات علمی

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدجوادی پور

استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار گروه تربیت بدنی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

استادیار گروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی و معاون ساماندهی امور جوانان

وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم انسانی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

استادیار گروه تربیت بدنی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی - پژوهشی مرکز

مطالعات و پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

علیرضا سلیمی آوانسر، علی احمد یحیوی، مجید کاشانی، شراره مهدیزاده،
مریم نجارنهادی، امیر حسین واعظی، شهرام فرج زاده موالو، محمدمهدی شمسایی،
حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه و فریده عقیلی

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

فهرست

اهمیت و نقش اخلاق در ورزش و المپیک

سید محمد حسین رضوی، سید محمد نیازی

۹

بررسی دستاوردهای برنامه خصوصی سازی در دارایی های ورزشی واگذار شده سازمان تربیت بدنی

سارا کشکر، وجیهه نقوی

۱۷

ارتباط فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان

مهرزاد حمیدی، اکبر آفرینش خاکی، رضا نقی پور اصل

۲۹

تبیین ابعاد موثر در تعهد ورزشی ورزشکاران خاص

محمدحسین کمانی، فریبا تابع بردبار، محبوبه شبیانی

۴۱

تأثیر یک دوره ورزش درمانی در آب بر کیفیت سبک زندگی زنان مبتلا به استئوآرتریت زانو

شهرام آهنجان

۵۵

بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی جوانان عضو شبکه های اجتماعی مجازی

امراالله امانی کلاریجانی

۶۷

الگوهای تفسیر قواعد فرهنگی: ارزیابی هنجارهای رسمی و غیررسمی پوشش جوانان

سوسن باستانی، محسن گودرزی، نصیبه عرب

۹۵

جهت گیری ارزشی و سلامت اجتماعی جوانان

مریم قاضی نژاد، فریده وحیدفاضل

۱۱۵

بررسی میزان مهارت مدیریت زمان در بین نوجوانان و جوانان

اسماعیل سعدی پور، هادی بهرامی، احمد مصطفایی

۱۳۳

اهمیت و نقش اخلاق در ورزش و المپیک

سید محمد حسین رضوی^۱

سید محمد نیازی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۴

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اهمیت و نقش اخلاق در بازی های المپیک و اهداف عمده آن و تاثیر این رویداد بزرگ جهانی بر رویکردهای معنوی و اجتماعی در جوامع بشری است. بازی های المپیک، میراثی از انسان های قبل از میلاد است. تمایل ذاتی و همیشگی فطرت انسان به رویکردهای اخلاقی در همه دوران و زمینه ها، او را بر آن داشته تا به منظور رجوع فطرت به اخلاق، نمادهایی پدید آورد که مظهر همبستگی و انسجام آنها باشد. با گذشت زمان، گاهی این رویدادها از اهداف اصلی که مد نظر پدید آورندگان آن است، دور شده و جوامع را با مشکلاتی روبرو می سازد. بنابراین، در هر دوره ای، محققان با مطالعه و تجزیه و تحلیل اهداف این رویدادها با مقتضیات اخلاقی همان دوره و با تکیه بر تمایل ذاتی فطرت انسان ها به رویکردهای اخلاقی، می توانند زمینه اثر بخشی متقابل اخلاق و بازی های المپیک را فراهم آورند. بازی های المپیک و ورزش، یک مکتب کامل تعلیم و تربیت است؛ مکتبی که از طریق آن می توان اهداف گوناگون تربیتی را به نسل جوان منتقل کرد. تواضع و ادب در ورزش، بازی عادلانه و خصایل پهلوانی، بیانگر اخلاق نیکوی ورزشی در رویدادهای بزرگی چون المپیک است. این قلمرو، فضای مناسبی برای توسعه ارزش های بشر دوستانه است و شرکت کنندگان در بازی های المپیک برای کسب تجارب اجتماعی، با رنگ ها، نژاد ها و عقاید مختلف دور هم جمع می شوند و با علاقه ذاتی، این ارزش ها را توسعه می بخشند.

واژگان کلیدی: اخلاق، بازی های المپیک و ورزش

۱. دانشیار دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه شمال (نویسنده مسئول)

مقدمه

بازی های المپیک، میراثی از انسان های قبل از میلاد است که زمان برگزاری آن به سال ۷۷۶ قبل از میلاد مسیح برمی گردد. المپیک باستان، قبل از عصر طلایی تمدن یونان شکل گرفت و جشن های آن هر چهار سال یک بار و به مدت ۱۲۰۰ سال به شکل مداوم برگزار می شد. مورخان در نحوه پیدایش و اصل این بازی ها اختلاف نظر دارند، ولی همگی معتقدند که این بازی ها در دشت المپیا در منطقه آلیس - حدود ۳۰ کیلومتری بندر کاتاکونو در ساحل شمال غربی پلپونه سوس در یونان - برگزار می شد. (بهمنش، ۱۳۷۹: ۳۲)

تاریخ شروع المپیک را ۱۲۵۳ تا ۸۸۴ سال قبل از میلاد حضرت مسیح نقل کرده اند. در آن زمان هم بازی ها با اجرای مراسم و جشن خاص افتتاح می شد و قبل از شروع در معبد زئوس، قربانی می کردند. پیر دو کوبرتن و تعدادی از دوستان فاضل و معلم او، کمیته بین مللی المپیک را در روز ۲۳ ژوئن سال ۱۸۹۴ در جلسه ای در دانشگاه سوربن پاریس بنیانگذاری کردند. او که اطلاعات وسیع و بی نظیری از تاریخ یونان باستان و تمدن آن کسب کرده بود با بیان این که المپیا و المپیک ها، مظهر یک تمدن جامع میان کشورها، شهرها و قهرمانان نظامی و حتی مذاهب باستان هستند، دنیا را پس از سال ها جنگ، ستمگری و دیکتاتوری، متوجه اصول کلی آزادی، آرامش و برادری در سایه ورزش کردن، تندرست شدن و شرکت در مسابقه های ورزشی نمود و با تکاپویی خستگی ناپذیر، نهضت بزرگی برای اصلاح دانش و پاکی نیروهای فکری و جسمی برپا کرد و در این راه با جان و دل کوشش کرد. (Finley, 1976: 36-39)

پیر دو کوبرتن مانند بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت زمان خود، عقیده داشت که از راه ورزش، بسیاری از بحران های اجتماعی قابل حل است و همچنین معتقد بود ایجاد یک سازمان و نظام ورزشی کاملاً رقابت آمیز، می تواند جوانان را تشویق و از خواب غفلت بیدار کند. او توانست این اهداف را در تمام جهان گسترش دهد و نهضتی جهانی پدید آورد که در کاهش ستیزه های سیاسی و درگیری ملت ها موثر باشد. (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۵)

کوبرتن، احیا کننده بازی های المپیک، توسعه دهنده ورزش ها نبود. او یک دانشجو و یک معلم بود و در دنیای مدرن نخستین کسی بود که تشخیص داد چگونه با سازماندهی ورزش ها و بازی ها، ورزشکاران به فواید جسمانی بیشتری دست می یابند. همچنین تصور می کرد فرهنگ مطلوب و کیفیت های معنوی و اخلاقی وجود دارند که کسب شدنی اند. حرفه و تخصصی که بر مبنای هوس و هیجان باشد، کامل نیست و روشن است که تنها حرفه ای به بار می نشیند که بر اصول اخلاقی استوار باشد؛ به ویژه وقتی که دست اندرکاران ورزش باورهای فلسفی و اخلاقی خود را به صورت منطقی و منظم توسعه داده باشند تا بهترین علایق و خواسته های بشر را منعکس سازند. (Burundi, 1963: 56)

ورزشکاران در آموزه های اخلاقی، واقعیت ها و ارزش ها را جستجو می کنند و مربیان نیز از این راه می توانند به مطالعه معنی، ماهیت، اهمیت و منبع ارزش ها در ورزش بپردازند. این مبانی، راهنمای مربی و ورزشکار در تعیین اهداف و اصول و تامین کننده ابزاری منطقی برای ارزیابی ارزش خدماتی ورزش در برنامه های رسمی و غیر رسمی است. توسعه اصول اخلاقی برای داوطلبان ورزش حرفه ای، لازم است؛ چنان که در این صورت، زمینه فکری مشترکی در مورد حرفه تخصصی خواهند داشت و بدرستی قادر به تبلیغ ارزش ها و مفاهیم ورزش خواهند بود. همچنین، انگیزه کافی برای دستیابی به مدارج بالای حرفه ای

خواهند داشت و از توانایی موثر برای ارزیابی عملکردها برخوردار خواهند شد. (Chang, 1985: 56-59) در جامعه متحول امروزی، مردم مشتاق اند تا از چگونگی تاثیر ورزش بر مواردی چون: عملکرد انسان، سطح کیفی زندگی، خلاقیت و ابتکار انسانی آگاه باشند. رعایت اصول اخلاقی کامل در تربیت بدنی و ورزش برای تفسیر ارزش های جامعه موثر بوده و برنامه ها را متناسب با نیاز شکل خواهد داد. بسیاری از متخصصان از آنچه در حوزه حرفه ای شان در جریان است ناخرسندند. آنها با یاری جستن از اصول اخلاقی ورزش از نقش مفید انسانی و اجتماعی خود آگاه می شوند و در این راستا با همکاری یکدیگر تلاش خواهند کرد. اگر تاریخ یونان را که در ۱۲۰۰ سال نقش مهم تمدن یونان در بازی های المپیک را به نمایش گذارده است، مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که خدایان یونان تنها از نظر بدنی کامل نبودند، بلکه فرزانه و باهوش نیز بوده اند و این نشانگر آن است که نوع بشر در پی توسعه همه جانبه ای از جهت جسمانی، ذهنی و معنوی است. (کدخدازاده، ۱۳۷۲: ۱۶)

کوبرتن عقیده داشت عضلات، برای تعالیم معنوی هستند و از ورزش به عنوان وسیله ای برای پاک نگاه داشتن اجتماع و مقابله در برابر شیاطین و اعتیاد به مشروبات الکلی یاد می کرد. وی معتقد بود که ورزش عاملی برای کسب منافع اجتماعی و اخلاقی است و قوانین بازی، سمبل قوانین زندگی آزاد و دموکراتیک اند. (هو چنگ، ۱۳۷۲: ۳۶)

فرد در بازی ها، دموکراسی را در عمل تجربه می کند و قدردانی از او بر پایه قابلیت های حرکتی است. وضعیت و جایگاه اقتصادی، نژاد، زمینه رشد و سایر خصوصیات تبعیضی در بازی نقشی ندارند. اجرا و عملکرد ملاک و اساس موفقیت، پیروزی و برتری است. (کدخدازاده، ۱۳۷۳: ۷۶)

تکامل اخلاقی، جستار گسترده ای است که رشد احساسی، عاطفی و اجتماعی را در بر می گیرد. هدف تکامل اجتماعی با تسهیل سازگاری های شخصی (شخصیتی) و گروهی و تطابق پذیری به عنوان عضوی از جامعه در ارتباط است. فعالیت ها و برنامه های ورزشی به شرط هدایت اصولی، بهترین موقعیت برای چنین سازگاری هایی را فراهم خواهد کرد. در جامعه دموکراتیک، رشد عاطفی و وجدان گروهی و حس زندگی جمعی، ضروری است. مواردی چون: کمک بازیکنان به یکدیگر، احترام به حقوق دیگران، تمایلات شخصی را فدای خواست گروه کردن، واقعیت و عینیت بخشیدن به زندگی جمعی به عنوان عاملی برای موفقیت اجتماع، از مهمترین اهداف برنامه های المپیک است و در تمام عرصه های ورزشی مورد تاکید قرار خواهند گرفت. (Lundy, 1989: 76-78)

لازم است در ورزشکاران حس تعلق به گروه و احساس مسئولیت نسبت به هدایت اعمال در جهت مطلوب، به وجود آید باید مقررات و خصلت های ورزشکاری گسترش یابد و در تمام فعالیت ها و برنامه ها رعایت شود. خصلت هایی چون: تواضع، هم فکری، راست گویی، عدالت، درست کاری، احترام به بالادست، پایبندی به مقررات به طور قابل ملاحظه ای کارایی اجتماعی را بالا خواهد برد. (Miller, 1992: 23) از نظر پیر دو کورتن - بنیانگذار کمیته بین مللی المپیک و دوره جدید المپید - بازی های المپیک تنها یک رویداد ورزشی قلمداد نمی شود، بلکه نقطه عطفی در حرکت وسیع تر اجتماعی و فرهنگی است. حرکتی که از راه بازی و ورزش، زمینه تکامل و رشد انسان را فراهم می سازد و جهان را به مکانی برای سالم زیستن تبدیل می کند. همان طور که نوشته شده است طرح پیشنهادی کوبرتن برای برگزاری بازی های نوین المپیک در واقع یک راه حل اساسی است که به منظور پایان بخشیدن به بحران های عمیق سیاسی و

اجتماعی آن زمان بود. او مانند بسیاری از همفکران خود، معتقد بود که راه حل مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، دگرگونی وضع موجود جامعه است. (Wallechinsky, 1996: 89-91)

وی با این فکر و اندیشه، تشکیل و گسترش باشگاه های ورزشی را دنبال کرد و در ادامه به برپایی نهضتی عظیم تر بر آمد که همان برگزاری بازی های المپیک، هر چهار سال یک بار، بین جوانان سراسر جهان بود. کوبرتن برای انسجام بخشیدن به اندیشه خود، از المپیک باستان کمک گرفت و این اصل را به سراسر جهان برد. او ادعا کرد مشارکت جوانان در رویدادهای ورزشی منجر به پیدایش یک نهضت خواهد شد. نهضتی که می تواند به ستیزه های بین مللی به نحو شایسته ای پایان بخشد و در ضمن حاوی صلح و دوستی و تفاهم ملل باشد. به عبارت دیگر، او بازی های المپیک را پایه ای برای ایجاد تغییرات فرهنگی، اجتماعی و معنوی مناسب دانست و نام المپیز را بر این اندیشه فرهنگی نهاد. (اوست، ۱۳۷۴: ۴۶)

در اساس نامه کمیته بین مللی المپیک به پرورش و تقویت ویژگی های بدنی و اخلاقی که مبنای ورزش را تشکیل می دهند، تاکید و توجه بسیار شده است. ورزش ابزاری برای تعلیم و پرورش جوانان محسوب می شود، زیرا در میادین ورزش و مسابقات، تفاهم و دوستی بسیار نزدیکی بین ملل مشاهده می شود. (Burundi, 1963: 56)

باید توجه داشت که اخلاق ورزشی زیرمجموعه شخصی ارزش شناسی است و به تعریف خصوصیات و معیارهای اخلاقی کمک می کند و به عنوان پایه ای برای رفتار فردی محسوب می شود. تقویت رفتار اخلاقی از مهمترین اعمال ورزش است. ورزشکاری که با رعایت مقررات و قوانین با خصایل پهلوانانه و ورزشکارانه به رقابت می پردازد، بدون شک مورد احترام هم تیمی های خود خواهد بود. رشد موثر اخلاق با طرز برخورد، ادراکات و ارزش ها در ارتباط است؛ به دلیل این که ورزش مواردی از قبیل کمک به افراد برای توسعه پاسخ مناسب به فعالیت جسمانی و شناخت آثار سلامت بخش فعالیت ها و کمک به استفاده بهتر از اوقات فراغت را مورد توجه قرار می دهد. ورزشکاران باید نگرش مثبت و اخلاقی خود نسبت به ورزش، احترام به پیشروان رشته و شرکت در بازی ها و فعالیت های گروهی را توسعه دهند. (کاشف، ۱۳۷۹: ۳-۸)

دست اندرکاران ورزش حرفه ای در سطح المپیک باید جوانان را در تشخیص نظام ارزشی و سنجش ادراکات دیدگاه ها و تفکر درباره آنها یاری دهند. البته این به معنی تحمیل نظام ارزشی شخصی نیست، بلکه به معنی برانگیختن بیشتر ورزشکاران حرفه ای المپیک برای تحلیل و ارزشیابی ارزش ها و نظرات است. اتحاد و همبستگی، زیر بنای اهداف فردی یا گروهی است و در المپیک همواره بر این اصل تاکید می شود. بازی های المپیک باید بر ویژگی های رهبری و اطاعت و پیروی، تاکید کند. این موارد در رسیدن به کمال و لذت، لازم و ملزوم یکدیگرند. (رمضانی نژاد، ۱۳۷۸: ۵۶)

ورزش، در فرهنگ جامعه و ملل جهان جایگاه خاصی دارد. سیاست کشورها، سیستم های حکومتی اقتصاد و فرایندهای تربیتی از آن تاثیر می پذیرند. از آنجا که فعالیت بدنی و ورزش بخش مهمی از میراث فرهنگی ملل است، نه تنها از جنبه زیست شناسی، بلکه از دیدگاه اخلاق، جامعه شناسی و روان شناسی نیز باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (سروستانی، ۱۳۷۲: ۷۶)

اهداف نهضت المپیک نیز از همین واقعیت سرچشمه و توسعه یافته است. در حال حاضر این اهداف با چهار عنوان در منشور المپیک مطرح شده است:

ترویج و توسعه آن دسته از ویژگی های اخلاقی و جسمانی که اساس کار ورزش است. تعلیم و تربیت جوانان از طریق ورزش به منظور ایجاد تفاهم بیشتر بین آنها و دوستانشان و همچنین کمک به ساختن دنیای بهتر و صلح آمیزتر. انتشار و ترویج اصول المپیک در سراسر جهان و ایجاد خیر خواهی جهانی. گرد آوردن ورزشکاران جهان در یک جشنواره عظیم هر چهار سال یکبار در بازی های المپیک. (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۵)

با توجه به اهداف چهارگانه بالا، درمی یابیم این بازی ها چیزی فراتر از تعدادی مسابقات است که به خواهد هر چهار سال یک بار در نقطه ای از گیتی برگزار شود. در این اهداف، مسائل اساسی اخلاقی، آموزشی و پرورش نهضت و فلسفه المپیک در سطح بین مللی نهفته است. بازی های المپیک و ورزش، یک مکتب کامل تعلیم و تربیت است Y مکتبی که با آن می توان اهداف گوناگون تربیتی را به نسل جوان منتقل کرد. تواضع و ادب در ورزش از نشانه های تربیت فردی است و بازی عادلانه، خصایل پهلوانی، بیانگر اخلاق نیکوی ورزشی در رویداد های بزرگی چون المپیک است. ورزش به طور منطقی تجربه بازی آزاد منشا را به آن حدی از کمال می رساند که ورزشکاران اهمیت و ارزش زندگی جمعی و مشارکت در آسایش عمومی را درک می کنند. این قلمرو، فضای مناسبی است برای گسترش ارزش های بشر دوستانه و شرکت کنندگان در بازی های المپیک برای کسب تجارب اجتماعی با رنگ ها، نژاد ها و عقاید مختلف دور هم جمع می شوند و علاقه ذاتی برای گسترش این ارزش ها را به وجود می آورند.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع مروری و تحلیلی است که با بررسی مقاله های پژوهشی و کتاب های تاریخی- فرهنگی در زمینه تمدن و فرهنگ انجام شده است.

بحث و نتیجه گیری

پیمان و تعهد تربیتی المپیک (المپیزم) به عنوان زیر بنای فکری و نظری بازی های المپیک (بزرگترین رویداد ورزشی جهان) به خوبی در منشور المپیک بیان شده است. بر این اساس "کمیته بین مللی المپیک" و سایر تشکیلات علمی- آموزشی وابسته به آن، مانند آکادمی بین مللی المپیک، کتابخانه لوزان سوئیس و همچنین کمیته های ملی المپیک، موظف هستند بازی و ورزش را بخشی از فلسفه زندگی اجتماعی مردم قرار دهند و نقش تربیتی آن را در مراکز آموزشی، تفریحی و ورزشی برای آنان آشکار سازند و در جهت تحقق اهداف اجتماعی- فرهنگی و انسانی ورزش و المپیک در سطح ملی و بین مللی گام بردارند. (رمضانی نژاد، ۱۳۷۸: ۵۶) از طرف دیگر، همان طور که در اهداف بازی های المپیک باستان مشهور است، تلاش برای حفظ آمادگی و برتری جسمانی، توجه به تناسب و زیبایی اندام، بخشی از فلسفه زندگی و آرمان تربیتی یونانیان را تشکیل می داد. (Burundi, 1963: 56) پس اگر بتوان عناصر اصلی یک فلسفه کاربردی را در زندگی امروزی، تدرسی، آرامش و نیکی (تئوری زندگی) نامید، می توان بازی، ورزش و تجلی آنها در المپیک را بخشی از فلسفه زندگی شرکت کنندگان در نظر گرفت؛ چون تندرستی در زندگی با ورزش به دست می آید و بخشی از آرامش در زندگی ناشی از سلامتی و تندرستی است و نهایت این که جوهر

اصلی ورزش، هدایت افراد به سمت خیر و نیکی و پرهیز از رفتارهای ضد آرامش و ضد سلامتی است. (آوست، ۱۳۷۴: ۴۶) یک انسان کامل از فعالیت های فکری مانند فلسفه، برای مغز و ذهن (اندیشه و عقل) و از زیبایی و هنر، برای احساس و از ورزش، برای بدن استفاده می کند. اگر چه حرکت و مهارت نیز بخشی از هنر و برای پرورش احساس زیبا شناختی است، ولی نقش ورزش و المپیک فقط برای بدن نیست، بلکه مراقبت از کل فرد یا خود است. (Lundy, 1989: 76-78) از نظر کوبرتن نیز این اجزا به عنوان فلسفه کاربردی، زندگی افراد بشر را شاد می سازد. بنابراین، آموزش آرمان و اهداف المپیک تلاش برای تعادل، رشد و کمال فردی و انسجام شخصیت است که ریشه های یک حیات لذت بخش را تشکیل می دهد؛ به طوری که از این نظر می توان ورزش و المپیک را در کنار مذهب قرار داد، چون هدف هر دو کامل کردن فرد است و هر دو از آدمی می خواهند که به بالاترین پتانسیل وجودی خود نزدیک شوند. (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۵) از نظر کوبرتن، خالق بدن و عضله همان خالق روح است و زیبایی اخلاقی و زیبایی جسمانی باید در کنار هم باشند و زندگی واقعی نیز خوب زیستن با این دو عنصر است. (کدخدازاده، ۱۳۷۳: ۷۶) همچنین، شکل گیری سازمان ها و تشکیلات ورزشی در سطح منطقه ای و قاره ای با الهام از "کمیته بین مللی المپیک" می تواند نقش خوبی در این زمینه ایفا کنند، چون آنها می توانند از طریق ورزشکاران، صلح و دوستی را از مرزهای خود عبور دهند و آن را مانند سایر کالا، صادر نمایند و در یک داد و ستد بدنی و مهارتی که بهترین مبارزه صلح آمیز است، حقوق بین المللی را بشناسند و رعایت نمایند. (رمضانی نژاد، ۱۳۷۸: ۵۶) این تفاهم بین المللی، دنیا را شاد و دلپذیر می سازد به ویژه این که در فرآیند جهانی شدن می توان از برخی نمادهای المپیک مانند تعداد و نحوه ترکیب حلقه ها، رنگ پرچم المپیک، رنگ حلقه ها و غیره برای وحدت جهانی سود برد. در نهایت ایفای این نقش سازنده در هر جامعه ای به شناسایی محورهای آموزشی حرکت المپیک و برنامه ریزی عملیاتی نیاز دارد؛ به طوری که هر کدام از این محور های آموزشی را می توان دوباره مورد بازبینی دقیق تری قرار داد و با استفاده از شرایط بومی - فرهنگی و روش های خلاق و ابتکاری اهداف بهداشتی، صلح آمیز، تربیتی و فرهنگی المپیک را توسعه بخشید. تردیدی وجود ندارد که بدون وجود چنین پشتوانه فکری و تربیتی، بازی های المپیک، این قدر مهم نمی شوند.

بنابراین برای بقا و تقویت این پشتوانه باید از برنامه های آموزشی سود جست. (آوست، ۱۳۷۴: ۴۰-۴۶) در این راستا، می توان از مدرسه و دانشگاه به عنوان دو مکان فرهنگی برای آموزش محورهای المپیک نام برد و روش های تجربه شده جهانی توسط کمیته بین المللی المپیک و آکادمی بینالمللی المپیک را در سطح ملی و منطقه ای به کار گرفت. کمیته ملی المپیک می تواند با استقرار نمایندگی های ویژه در هر استان، برگزاری دوره های آموزشی، چاپ مقاله ها، کتاب ها و بروشورهای آموزشی، استفاده از رسانه های گروهی و غیره گام های بزرگی بردارد.

منابع

- آوست، دیورا و بوچر، چالز (۱۳۷۴) مبانی تربیت بدنی و ورزش. احمد آزاد. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک
- بهمنش، عطا (۱۳۷۹) بازی های المپیک از آغاز تا امروز. انتشارات هاشمی
- رضائی نژاد، رحیم (۱۳۷۳) «بازی جوانمردانه و فرهنگ ایرانیان». ششمین گردهمایی آشنایی با حرکت المپیک، یونان- المپیا.
- سجادی، سید نصر اله (۱۳۷۹) جنبش صد ساله المپیک. موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور
- صدیق سروسستانی، رحمت ... (۱۳۷۲) «درآمدی بر جامعه شناسی و ورزش». فصلنامه المپیک. کمیته ملی المپیک، شماره ۱.
- کاشف اخلاق، مجید () «بازی های المپیک و مقایسه آن با ورزش در ایران باستان». فصلنامه المپیک. کمیته ملی المپیک، سال نهم.
- کدخدازاده، اسماعیل (۱۳۷۳) آتن باز گشت به مبدا. تهران: انتشارات مولف
- کدخدازاده، اسماعیل (۱۳۷۲) بهای برگزاری بازی های المپیک. تهران: چاپ ایران مصور
- هو چنگ، جو (۱۳۷۲) «مفهوم آسیایی ورزش همگانی و تاثیر آن بر نهضت المپیک». محمد خبیری. نشریه المپیک. سال اول، شماره دوم.
- Brunde, Avery (1963) **Olympic philosophy**. International Olympic Academy. Olympia, Greece, pp: 65.
- Chang, Ju Ho (1985) " **sport for all and the International Olympic Movement**". paper presented at the international Olympic Symposium by the Ministry of sport and KOE. Hyatt Hotel, Seoul, Korea, pp: 56-59.
- Finley, I.M. and pleket, H. W. (1976) **The first thousand Years of Olympic Games**. Geart Britain, pp: 36-39.
- Lundy, Fernand (1989) " **The Olympic Movement. Grandeurs and paradoxes of its Development Successes**". paper presented at the Seoul Olympiad Anniversary conference, Seoul, Korea, pp: 76-78.
- Miller, D. (1992) **Olympic revolution**. The Olympic Biography of Jan Antonio Samaranch. London, pp: 23.
- Wallechinsky, D. (1996) **Summer Olympics, Sport Illustrated**. Boston, New York, Toronto, London, pp: 89-91.



بررسی دستاوردهای برنامه خصوصی سازی در دارایی های ورزشی و گذار شده سازمان تربیت بدنی

سارا کشکر^۱
وجیهه نقوی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

خصوصی سازی، یک تصمیم گیری اقتصادی و مجموعه ای از عملکردهای قانونی و مالی ناشی از آن است. هدف از این پژوهش، مطالعه میزان دست یابی به اهداف برنامه خصوصی سازی در دارایی های ورزشی سازمان تربیت بدنی از دیدگاه مدیران تابعه آن سازمان بود. بدین منظور ۹۰ تن از مدیران ارشد سازمان تربیت بدنی، مدیران کل استانی و فدراسیون ها و مدیران ستادی، مورد پرسش قرار گرفتند. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر استراتژی و مسیر اجرا، توصیفی - پیمایشی بود که به صورت میدانی انجام گردید. ابزار این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته ای بود که در پی اطمینان از روایی و پایایی مناسب، مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که از بین ۹ متغیر مورد نظر این تحقیق، متغیرهای رقابت، منافع مالی و سودآوری، کارایی، ارزشیابی و نظارت، تامین منافع مصرف کنندگان، استفاده از تخصص ها نسبت به قبل از اجرای برنامه خصوصی سازی، بهبود و افزایش داشت، ولی متغیرهای مقررات زدایی، اشتغال و دستمزد، گسترش مالکیت، در مقایسه با قبل از اجرای برنامه، تفاوت معنی داری نداشت. خصوصی سازی به خودی خود مفید و سود آور نیست. ثبات اقتصادی، آزاد سازی اقتصادی، وجود شرایط رقابت کامل در اقتصاد، ایجاد چهار چوب های حقوقی و قانونی مناسب، همگی از شرایط جدایی ناپذیر موفقیت برنامه های خصوصی سازی به شمار می رود.

واژگان کلیدی: اهداف خصوصی سازی، دارایی ورزشی، سازمان تربیت بدنی و مدیران ورزش

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

۲. کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول) E-mail: Vagih13@yahoo.com

مقدمه

از جمله سیاست هایی که امروز توسط دولت مد نظر قرار گرفته است، واگذاری بخش هایی از اداره ها و سازمان های دولتی به بخش خصوصی به دلیل ناکارایی، پایین بودن بهره وری، دوباره کاری، بازدهی کم و مانند آنهاست. به این ترتیب، موج فراگیر و گسترده "دولتی کردن" که در دهه شصت میلادی کشورهای در حال رشد و حتی برخی از کشورهای اروپایی، از جمله انگلستان را فرا گرفته بود، از اواسط دهه هفتاد جای خود را به موج "خصوصی کردن" سپرد که پر شتاب و قدرتمند مقاومت ها را در همه جا در هم شکست و پرچم خود را در جهان به اهتزاز در آورد. (صفازاده، ۱۳۸۱)

در سال ۱۳۶۸ موضوع خصوصی سازی در خط مشی ها و سیاست های "برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی" مطرح شد و زمینه اجرایی آن در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۷۰ به تصویب هیات وزیران رسید. سپس حدود هزار شرکت دولتی معرفی شدند تا به منظور دستیابی به ارتقای کارایی، کاهش تصدی دولت در فعالیت های اقتصادی و غیر ضروری و نیز ایجاد تعادل اقتصادی، استفاده بهینه از امکانات و منابع را فراهم آورند. (نژاد مهدی، ۱۳۸۵)

خصوصی سازی در اصل به عنوان وسیله ای برای بهبود کارایی شرکت های دولتی تلقی می شود. اعتقاد بر این است که خصوصی سازی مداخلات سیاسی در تصمیم گیری را محدود می کند و با مسئول نمودن مدیران در مقابل سهامداران، بهتر از دولت ها می توانند بر عملکرد شرکت ها نظارت کنند و به این ترتیب، انگیزه های مدیریتی را افزایش داده و نظم مالی بازارهای سرمایه ای خصوصی سازی را که مستلزم بازار برای مدیریت شرکتهاست، تامین می نمایند. در این صورت، احتمال ایجاد کارایی تولیدی وجود دارد و یک شرکت می تواند از راه واگذاری، به منابع مالی بخش خصوصی دسترسی پیدا کند.

در مورد نتایج ناشی از خصوصی سازی، اختلاف نظرهای عمیقی میان گروهی از اقتصاددانان، از یک سو و گروهی از جامعه شناسان و سیاستمداران، از سوی دیگر وجود دارد. مخالفان خصوصی سازی با تاکید بر عدالت اجتماعی و خصوصیات گروه های سرمایه گذاری و این که خصوصی سازی منافع اقتصادی در بردارد، مفهوم رفاه اجتماعی و دولت مردمی را زیر سؤال می برند. در مقابل، گروهی بر این باور اند که خصوصی سازی دارای منافع بیشماری از قبیل افزایش کارایی، ایجاد حسن تعاون ملی و مشارکت ملی و کاهش کسری بودجه دولت و... است.

منافع بالقوه خصوصی سازی را می توان به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- کاهش کسری بودجه ۲- افزایش و بالاتر بردن سطح کارایی ۳- ایجاد اطمینان برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی ۴- جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی ۵- دستیابی به فنون جدید برای دولت از طریق گرفتن مالیات از مفرهای جدید ۶- دست یابی به فنون جدید مدیریت ۷- تشویق گسترش بازار سرمایه داخلی ۸- گسترش مالکیت واحدهای تولیدی از راه عرضه سهام آنها در میان اقشار مختلف مردم و به عبارت دیگر، نوعی سرمایه داری خلقی و مردمی به طوری که مردم جملگی خود را در جریان تولید و توزیع، شریک بدانند. (غنی نژاد، ۱۳۸۳)

خصوصی سازی در شکل ظاهری فرایندی است که در آن وظایف و تاسیسات بخش دولتی در هر سطحی به بخش خصوصی انتقال داده می شود، اما در مفهوم حقیقی به اشاعه فرهنگی در تمام سطوح جامعه اطلاق می گردد که دستگاه قانون گذاری، «قضائیه» و «مجریه» و تمام احاد یک کشور باور کنند که

کار مردم را باید به مردم واگذار کرد؛ یعنی، مردم بدون دخالت دولت قادر به انجام وظایف مسئولیت های مربوط به جامعه خود باشند و هیچ نهاد و قدرتی نتواند آنها را از انجام مسئولیت هایشان بازدارد. (وارث، ۱۳۸۰)

در دو دهه گذشته با توجه به مفهوم و اندیشه خصوصی سازی در جامعه جهانی، روز به روز بر حجم تحقیقات انجام شده در این حیطه افزوده شده است، اما چون این مفهوم، در مفاهیم اقتصادی و اجتماعی اثر گذار می باشد، آشکار است که تمام جنبه های آن تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته است. نتایج بررسی اثرات خصوصی سازی در شرکت های تولیدی حاضر در بورس تهران نشان داد که این شرکت ها پس از اجرای برنامه با افزایش کارایی روبرو بوده اند. (میری، ۱۳۷۳) اما نتیجه مطالعات مرجانی (۱۳۷۳) نشان داد که اجرای برنامه خصوصی سازی در شهرداری تهران موجب کاهش هزینه ها نگردید و کاهش مالی خدمات رسانی در این سازمان مشاهده نشد.

سهم ورزش در اقتصاد ملی رابطه مستقیمی با میزان سرمایه گذاری ها در بخش ورزش دارد که در حال حاضر با توجه به محدود بودن و تنگنانهایی که بخش خصوصی برای مشارکت در توسعه ورزش کشور در مقایسه با کشورهای توسعه یافته دارد، بسیار پایین است. (روزنامه اقتصادی، ۱۳۸۵) نتایج مطالعات نشان می دهد که اثرات خصوصی سازی در سازمان تربیت بدنی موجب جلوگیری از اتلاف منابع، امکانات و زمان گردیده و نیز مدیران در بخش خصوصی به دلیل آزادی عمل و قرار نگرفتن در چارچوب خشک قوانین از کارایی و اثر بخشی بهتری برخوردار می گردند و تصمیم گیری آنها، مجموعه در کنترل را بهتر هدایت می کند. (خوش خیر، ۱۳۷۷) همچنین، بررسی ها نشان می دهند که خصوصی سازی به افزایش سود، کاستن نیروی انسانی و تغییر ترکیب آن به سوی بالابردن سطح تحصیلات و تخصص، افزایش بهره‌وری نیروی کار، توجه بیشتر مدیریت به کیفیت خدمات و نظارت بهتر و دقیق تر، سرمایه گذاری بیشتر و جذب منابع غیر دولتی می انجامد. (صادق زاده، ۱۳۷۸) به عنوان مثال، خصوصی سازی در لهستان باعث افزایش رقابت جذب سرمایه گذاری خارجی و حذف قوانین دست و پاگیر شده است. (بهرام نژاد، ۱۳۸۶) سلطان حسینی (۱۳۸۸) گزارش کرد که سرمایه گذاری اولیه برای ایجاد اشتغال در ورزش، پایین تر از سایر مشاغل است. خصوصی سازی باعث تعدیل مالی و توسعه بازارهای سرمایه می شود. (حیدری کرد زنگنه، ۱۳۸۸) خصوصی سازی در ترکیه و پاکستان باعث افزایش نظارت دقیق و مستمر و در روسیه و جمهوری چک باعث افزایش توزیع مالکیت شده است. همچنین، خصوصی سازی در کشور بنگلادش باعث ایجاد تشریفات پیچیده اداری شده است. (محقق، ۱۳۸۹)

در رابطه با موانع خصوصی سازی ورزش در کشور، نتایج تحقیق احمدی (۱۳۸۵) گویای این امر است که هزینه بالای ساخت و خرید اماکن ورزشی و تجهیزات ورزشی، ناکافی بودن تسهیلات ارایه شده دولت، ناهماهنگی واحدهای اجرایی و تعدد مراجع تصمیم گیری و زمانبر بودن ارایه مجوز، بی میلی مردم در صرف هزینه برای امور ورزشی، ناتوانی مالی مردم در استفاده از خدمات بخش های خصوصی، ناتوانی در تامین حقوق و دستمزد منابع انسانی، دخالت موازی و همزمان سازمان تربیت بدنی و سایر نهادهای دولتی، نبود تبلیغ و فرهنگسازی مناسب مطبوعات و صدا و سیما نسبت به بخش خصوصی ورزش، فراهم نبودن زمینه لازم برای قیمت گذاری مناسب به خدمات باشگاه های خصوصی، بی میلی مردم نسبت به ورزش کردن و انجام فعالیت های بدنی، ناامنی سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلند مدت در بخش خصوصی

ورزش، وضعیت نامناسب قانون کار، بیمه و مالیات، قوانین سختگیرانه نهادهای مختلف دولتی در اداره اماکن خصوصی ورزشی، نگرش بدبینانه مردم نسبت به بخش های خصوصی ورزشی و مشکلات مربوط به مدیریت و تامین امنیت باشگاه های خصوصی از مهمترین موانع خصوصی سازی ورزش در کشور است. بررسی علل بروز مشکلات در زمان اجرای برنامه های خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه به خصوص در کشور زیمبابوه نشانگر آن است که ناتوانی در تکمیل به موقع طرح های خصوصی سازی، عدم واقع گرایی منافع مورد نظر، نبود توافق میان سهام داران در مورد مراحل و زمان بندی و افزایش بودجه های خصوصی سازی مانع اجرای برنامه های خصوصی سازی در این کشورها بوده است. (هوزانگارا، کاکتون چاتیوا، ۲۰۰۱).

تامس اف گو ستافن (۱۹۹۹) در فرآیند تحقیقات خود بر اماکن ورزشی و مراکز تفریحات سالم، به این نتیجه رسید زمانی که خصوصی سازی با اصول بنیادی اقتصادی همراه باشد، موفق تر از زمانی است که با فلسفه سیاسی صورت گرفته باشد و همچنین فرایند خصوصی سازی زمانی که مسئله ادامه استخدام کارمندان دولتی با عقد قرارداد همراه باشد، موفق تر است و در نهایت این که طول مدت و باز بودن فرایند، اثری بر موفقیت فرایند ندارد. همچنین، او و همکارانش (گوستافن و همکاران، ۲۰۰۲) در بررسی خصوصی سازی زمین های گلف، اعلام کردند که خصوصی سازی باعث افزایش مسئولیت پذیری، تلاش برای حفظ و نگهداری امکانات و تجهیزات، تقویت قدرت تصمیم گیری دارد و همچنین کارکنان اعلام داشتند برای انجام امور روزانه نیاز به خودمختاری و قدرت بیشتری شدند.

لزوم خصوصی سازی در برخی کشورها، هنوز در سایه تردید و بدبینی است. بلکه و اشنايدر (۲۰۰۴) در مطالعه ای بر ضرورت خصوصی سازی بخش ورزش در اتریش به این نتیجه رسیدند که خصوصی سازی نمی تواند بر جریان نقدینگی، عملکرد کارکنان، میزان مبادلات تجاری بین شرکت ها اثر گذارد، مگر این که ایدئولوژی و جنبه های سیاسی-اقتصادی مربوط به توزیع درآمد، که نقش مهمی در اجرای برنامه خصوصی سازی دارند و همچنین سرعت و تأثیرات اقتصادی خصوصی سازی نیز مورد توجه قرار گیرند. در همین راستا، نتایج تحقیق اومولاون و همکارانش (۲۰۰۵) نشان داد که ورزشکاران و مربیان نیجریایی علاقه ای به خصوصی سازی در بخش ورزش ندارند و انجام آن را فقط در سایه صداقت و صمیمت امکان پذیر می دانند. از طرفی، سهامداران باشگاه ها به دلیل نگرانی های مالی، تمایلی به اجرای برنامه خصوصی سازی ندارند و هیچ یک از سازمان های مشهور و سازمان های خیریه فعال در بخش ورزش نیز جزو برنامه خصوصی سازی نیستند. همچنین خلیفه محمد (۲۰۰۸) در مطالعه خود بر شرکت های عمده پخش مواد دارویی و بهداشتی در اماکن تندرستی و ورزش به این نتیجه رسید که برخلاف همکاری نکردن مسئولان اما لزوم خصوصی سازی این مجموعه شرکت ها، ضروری است، چون موجب می شود که پخش مواد دارویی و بهداشتی به سراسر کشور سودان امکان پذیر گردد و همچنین در هزینه ها صرفه جویی شده و کارایی این شرکت ها را افزایش می دهد. کیگری (۲۰۱۰) اعلام داشت که بعد از خصوصی سازی در سریلانکا تعداد ۲۲۷۳۸ نفر کارگر از کار خود اخراج شدند و مشاغل مدیریتی و کارمندی ۳۳ درصد کاهش یافت. بیردزال و نیلیس (۲۰۱۰) اظهار داشتند که سیاست خصوصی سازی در کوتاه مدت، اثری منفی بر اشتغال دارد، اما در بلند مدت چون منبع بیشتری را برای سرمایه گذاری و رشد فراهم می کند، باعث افزایش اشتغال می شود. در کشور شیلی به سبب طراحی نادرست اجرای خصوصی سازی، شتاب

در واگذاری ها، انتخاب واحدهای بزرگ و مشکل دار در مرحله اولیه واگذاری و فقدان قوانین مقررات خصوصی سازی موفق نبوده است.

شواهد تجربی در کشورهای متفاوت نشان می دهد که انتقال از بخش دولتی به بخش خصوصی، موجب افزایش مشارکت، ایجاد رقابت، تنوع ارایه خدمات و ... می گردد و در نتیجه، از فشار بر بخش های دولتی در ارایه خدمات، می کاهد؛ به طوری که کم کم کیفیت خدمات، بالا می رود و خود به خود خدمات با قیمت کمتری ارایه می شوند و در نتیجه، دولت و مردم از این انتقال سود می برند. اما نتایج برنامه خصوصی سازی در ایران به خصوص در بخش ورزش چگونه بوده است؟ آیا اهدافی که این برنامه به دنبال آن بود، به دست آمد؟

در این تحقیق، محققان در پی بررسی میزان دستیابی به اهداف برنامه خصوصی سازی اماکن ورزشی سازمان تربیت بدنی بودند که به این منظور به بررسی میزان تحقق اهداف نه گانه خصوصی سازی (منافع مالی، کارایی، مقررات زدایی، گسترش مالکیت، گسترش رقابت، تامین منافع مصرف کنندگان، اشتغال و دستمزد، استفاده کارآمد از تخصص ها و ارزشیابی و نظارت) در قبل و بعد از اجرای برنامه پرداختند که نتایج این بررسی در صفحات بعد آمده است.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر استراتژی و مسیر اجرا، توصیفی - پیمایشی بود که به صورت میدانی انجام شد. جامعه آماری پژوهش، مدیران اداره ها تابعه سازمان تربیت بدنی، شامل مدیران ستادی و اجرایی ورزش کشور از جمله ریسان، معاونان و مدیران کل دفاتر سازمان تربیت بدنی (۱۰ نفر)، مدیران کل تربیت بدنی استان ها (۳۰ نفر)، ریسان فدراسیون های ورزشی (۵۰ نفر) بودند که بدون نمونه گیری و به صورت کل شمار، مورد نظر تحقیق قرار گرفتند و از مجموع ۹۰ نفر، ۸۲ نفر به پرسشنامه های تحقیق پاسخ دادند.

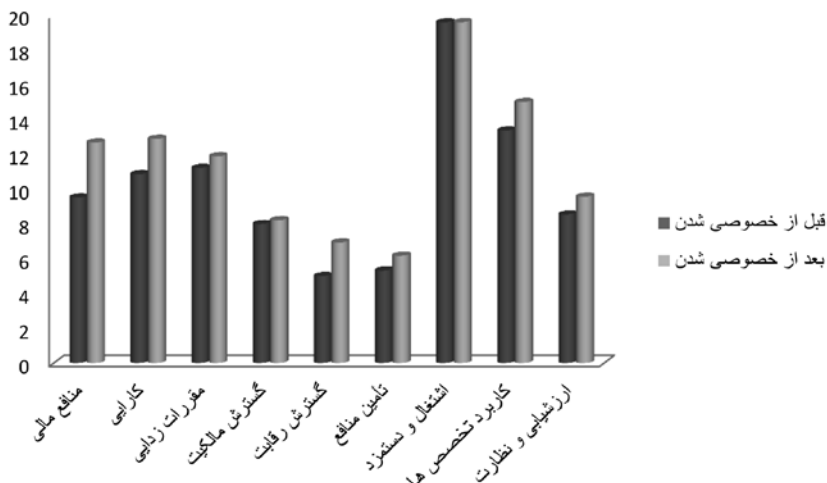
ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته، شامل ۳۴ پرسش ۵ گزینه ای با مقیاس ارزشی لیکرت در ۹ محور فرایندی تهیه و تنظیم شد. در این طبقه بندی، عدد ۵ بیانگر بیشترین اهمیت تاثیر گذاری و عدد ۱ بیانگر کمترین تاثیرگذاری بوده است. روایی پرسشنامه با نظرسنجی از ۱۰ نفر متخصص و صاحب نظر در حوزه مدیریت ورزش حاصل گردید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۹۱ درصد به دست آمد. این پرسشنامه به شکل دو وجهی تهیه گردید که وضعیت باشگاه ها و اماکن ورزشی را در قبل و بعد از خصوصی سازی مورد پرسش قرار می داد.

یافته های پژوهش

دستیابی به منافع مالی

نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان دستیابی به منافع مالی و کسب در آمد بیشتر از دارایی پس از خصوصی سازی و قبل از آن تفاوت معنی داری وجود دارد. از این رو، دستیابی به منافع مالی در مقایسه با شرایط پیش از برنامه خصوصی سازی به میزان ۰/۳۳۱ یا ۳۳ درصد افزایش داشته است.

نمودار ۱: مقایسه میانگین اهداف برنامه خصوصی سازی در قبل و بعد از اجرای برنامه



دستیابی به کارایی

نتایج نشان می دهند تفاوت معنی داری بین میزان بهبود کارایی پس از خصوصی سازی و قبل از آن وجود دارد. به عبارتی دیگر، یافته های تحقیق روشن کننده آن است که در دستیابی به کارایی عملکرد سازمانی در مقایسه با پیش از اجرای برنامه خصوصی سازی به میزان $0/188$ یا ۱۹ درصد افزایش یافته است.

دستیابی به مقررات زدایی

نتایج نشان می دهند تفاوت معنی داری بین میزان مقررات زدایی قبل و بعد از خصوصی سازی وجود ندارد.

دستیابی به گسترش مالکیت

نتایج نشان می دهد تفاوت معنی داری بین میزان گسترش مالکیت قبل و بعد از خصوصی سازی وجود ندارد.

دستیابی به گسترش رقابت

نتایج به دست آمده نشان می دهد تفاوت معنی داری بین میزان رقابت پس از خصوصی سازی و قبل از آن وجود دارد. از این رو، میزان رقابت به میزان $0/39$ یا ۳۹ درصد بعد از خصوصی سازی افزایش یافته است.

دستیابی به گسترش تامین منابع مصرف کنندگان

بررسی تفاوت میانگین های متغیر گسترش تامین منابع مصرف کنندگان در قبل و بعد از برنامه خصوصی سازی گویای معناداری این تفاوت است. پس نتیجه می گیریم که میزان تامین منابع مصرف کنندگان به میزان $0/16$ یا ۱۶ درصد بعد از خصوصی سازی افزایش یافته است.

دستیابی به اشتغال و دستمزد

نتایج به دست آمده نشان می دهد تفاوت معنی داری بین میزان اشتغال و دستمزد قبل و بعد از خصوصی سازی وجود ندارد.

استفاده کارآمد از تخصص ها

تفاوت میانگین های متغیر استفاده کارآمد از تخصص ها در قبل و بعد از برنامه خصوصی سازی معنادار بوده است و نشان می دهد میزان استفاده کارآمد از تخصص ها به میزان ۰/۱۲ یا ۱۲ درصد بعد از خصوصی سازی افزایش یافته است.

ارزشیابی و نظارت

تفاوت میانگین متغیر ارزشیابی و نظارت در قبل و بعد از اجرای برنامه خصوصی سازی معنادار بوده است. از این رو، میزان ارزشیابی و نظارت، به میزان ۰/۱۹ یا ۱۹ درصد بعد از خصوصی سازی افزایش یافته است.

جدول ۱: مقایسه تفاوت میانگین اهداف برنامه خصوصی سازی در قبل و بعد از اجرای برنامه

متغیر	بعد از خصوصی سازی	قبل از خصوصی سازی	انحراف استاندارد قبل از خصوصی سازی	انحراف استاندارد بعد از خصوصی سازی	اختلاف	درجه آزادی	ارزش t	ارزش P
منافع مالی	۹,۵۱	۱۲,۶۷	۳,۰۰۹	۴,۰۱	*۳,۱۵-	۷۷	-۵,۱۷۱	۰,۰۰
کارایی	۱۰,۸۵	۱۲,۸۸	۲,۹۳	۳,۳۷	*۲,۰۴-	۷۷	-۳,۸۳۷	۰/۰۰
مقررات زدایی	۱۱,۲۱	۱۱,۸۸	۲,۸۹	۳,۱۴	-۰,۲۸	۷۷	-۱,۶۳۲	۰,۱۰۷
گسترش مالکیت	۷,۹۹	۸,۲۱	۸,۸۰	۸,۹۵	۰,۲۱۷	۷۷	-۰,۶۱۳	۰,۵۴۲
گسترش رقابت	۴,۹۹	۶,۹۳	۱,۶۴	۲,۰۱	*۱,۹۴۷-	۷۷	-۷,۲۹۹	۰/۰۰
اشتغال و دستمزد	۱۹,۵۸	۱۹,۵۹	۴,۴۲	۴,۳۵	-۰,۰۱	۷۷	۰/۰۰	۰,۹۹
استفاده از تخصصها	۱۳,۳۶	۱۵	۲,۸۶	۴,۸۴	*۱,۶۴-	۷۷	-۲,۱۳۵	۰,۰۳۵
منافع مصرف کنندگان	۵,۳۱	۶,۱۷	۴,۷۷	۴,۷۲	*۰,۸۶	۷۷	-۲,۹۱	۰,۰۰۵
نظارت و ارزشیابی	۸,۰۴	۹,۵۶	۲,۸۶	۳,۳۹	*۱,۵۳-	۷۷	-۲,۸۲۴	۰,۰۰۶

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق با هدف کلی بررسی میزان دستیابی به اهداف خصوصی سازی در سازمان ورزش و تربیت بدنی از نگاه مدیران تابعه انجام شد و نتایج به دست آمده نشان داد که بین دیدگاه متخصصان امر در مورد نقش خصوصی سازی به ترتیب ایجاد رقابت با ۳۹ درصد، کسب منافع مالی با ۳۳ درصد، کارایی با ۱۹ درصد، ارزشیابی و نظارت با ۱۸ درصد، تامین منافع مصرف کنندگان با ۱۶ درصد، استفاده مناسب از تخصص ها با ۱۲ درصد، افزایش روبرو بوده اند. باید توجه داشت که تمامی افراد شرکت کننده در این تحقیق، از کارشناسان و مدیرانی بودند که بر خصوصی سازی، چیرگی داشته و خود به نوعی دست اندرکار خصوصی سازی بوده اند.

نتایج نشان داد که خصوصی سازی نقش به سزایی در افزایش کارایی باشگاه ها و اماکن ورزشی واگذار شده، داشته است. این نتیجه، تاییدکننده نتایج تحقیقات میری (۱۳۷۳)، جوانمردی (۱۳۷۳)، خوش خیر (۱۳۷۷) و اصغرزاده (۱۳۷۴) است که در تحقیقات آنها بر سازمان های مورد نظرشان، کارایی، با افزایش قابل ملاحظه ای در پی اجرای برنامه خصوصی سازی همراه بود. همان طور که اصغرزاده (۱۳۷۴) اظهار داشته است: سرمایه گذاری بخش خصوصی کارآیی نهایی بالاتری نسبت به سرمایه گذاری بخش دولتی دارد و تأثیر مستقیم سرمایه گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی بیشتر است. از این رو، انتظار می رود اماکن ورزشی واگذار شده نیز با افزایش کارایی همراه باشند.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که اجرای برنامه خصوصی سازی موجب بهبود منافع مالی در سازمان های ورزشی گردیده است. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات انجام شده توسط خوش خیر (۱۳۷۷)، صادق زاده (۱۳۷۸) و طاهری (۱۳۷۹) همخوانی دارد. این محققان معتقدند استفاده از برنامه خصوصی سازی در افزایش سود و استفاده بهینه از منابع مالی اهمیت بسیاری دارد.

خصوصی سازی اماکن ورزشی واگذار شده موجب تشدید رقابت شده است. طاهری (۱۳۷۹) و صادق زاده (۱۳۷۸) بر درستی این موضوع در سازمان های مورد مطالعه خود تاکید نموده اند. آنچنان که نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد، اجرای برنامه خصوصی سازی در اماکن ورزشی واگذار شده موجب افزایش میزان بهره برداری از تخصص های انسانی و بهره وری منابع انسانی سازمان شده است.

همچنین، توجه به افزایش منافع مصرف کنندگان و بالابردن سطح نظارت مدیران بر سازمان مربوط و ارزیابی عملکرد، آن بهبود یافته است. نتایج اخیر تایید کننده دستاوردهای تحقیق خوش خیر (۱۳۷۷)، صادق زاده (۱۳۷۸)، طاهری (۱۳۷۹)، میخائیل (۱۹۹۸)، اصغرزاده (۱۳۷۴)، طاهری (۱۳۷۹)، میری (۱۳۷۳)، تامس اف گوستافسن (۱۹۹۹ و ۲۰۰۲) و خلیفه (۲۰۰۸) است.

برخلاف این که نتایج تحقیق حاضر، گویای دستاوردهای مهمی در رسیدن به اهداف خصوصی سازی در بخش اماکن ورزشی خصوصی شده است، ولی میزان تحقق این اهداف، می توانست مطلوب تر باشد. به نظر محققان، رشد دستاوردهای خصوصی سازی در حد کفایت نیست و بر خلاف تاکید چندین ساله ای که دولت بر امر خصوصی سازی اماکن ورزشی و باشگاه ها، به ویژه در ورزش حرفه ای نموده است، رشد مطلوبی در رسیدن به اهداف خصوصی سازی ورزش صورت نگرفته است.

امروزه، خصوصی سازی اماکن و فعالیت های ورزشی در کشورهای بزرگ جهان، موجب جهش و

اعتلای ورزش در جامعه و جهان شده است و از طرفی با صرفه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیاری همراه بوده است. ورزش خود یک صنعت مهم به شمار می رود، چون دارای داده، ستانده و ارزش افزوده است و به همین دلیل تفاوتی با سایر صنایعی که خصوصی شده و از مواهب آن استفاده می کنند، ندارد. خصوصی سازی صنعت ورزش چنانچه با رعایت اصول و ضوابط تخصصی صورت گیرد، اهمی برای توسعه کشور خواهد بود.

از آنجا که در کشور ما اقتصاد، دولتی است، در بخش های مختلف صنعت ورزش به دلیل پشتیبانی مالی و قانونی دولت، میزان رقابت بسیار کم است. به همین دلیل، باشگاه ها و اماکن ورزشی نمی توانند برای سودآوری وارد میدان رقابت گردند و از پشتیبانی سرمایه گذاران و حامیان مالی برخوردار شوند. امروزه مهمترین باشگاه های فوتبال کشور که از اقبال اجتماعی قابل توجهی برخوردارند، در حمایت دولت هستند و امکان سودآوری و افزایش درآمدهای اقتصادی را ندارند. همه انتصابات و بکارگیری نیروهای متخصص در این باشگاه ها با نظارت دقیق دولت صورت می گیرد و در واقع حضور همیشگی بخش دولتی در فرآیند مدیریت و فعالیت های باشگاه مانع اجرای درست اصل ۴۴ می شود.

بسیاری از رشته های ورزشی چون: شنا، بسکتبال، اسکی، تنیس، فوتبال و ... در جهان، صنعت پولسازی محسوب می شوند، اما همین ها در ایران، هزینه بر هستند. فوتبال ایران فقط هزینه زاست و درآمد کسب نمی کند. باشگاه های ایرانی از دولت، بودجه می گیرند و توان درآمدزایی بالایی ندارند. امروزه باشگاه های ورزشی در جهان واحدهایی هستند که برای اهداف اقتصادی تشکیل و اداره می شوند. باشگاه ها برای کسب منافع اقتصادی، ورزش یا ورزش های خاصی را انتخاب می کنند و در آنها فعال می شوند؛ در تاسیس ورزشگاه ها سرمایه گذاری می کنند و سعی می کنند در حوزه های ورزشی انتخابی خود به رده های بالا برسند تا بتوانند بر اساس آن، درآمد بیشتری کسب کنند. باشگاه ها، هواداران خود را دارند و از محل فروش بلیت برای ورود به ورزشگاه، اجازه فیلمبرداری و عکاسی، تبلیغات تجاری در زمین ورزشی یا روی لباس ورزشکاران و دریافت هزینه بابت انتقال بازیکنان به باشگاه های دیگر و نظایر آن، درآمد به دست می آورند. مدیران باشگاه ها بر این اساس باید شرایط خود را طوری تنظیم کنند که هزینه تهیه امکانات ورزشی از جمله ورزشگاه، حقوق و مزایای بازیکنان و مربیان و سایر هزینه های باشگاه را بپردازند، سود به دست آورند، مالیات بدهند و باقیمانده را به صاحبان سهام باشگاه بپردازند. اما در ایران به دلیل درون گرا بودن اقتصاد و دولتی بودن منابع مالی و قانونی باشگاه ها، امکان اجرای کامل برنامه خصوصی سازی در ورزش وجود ندارد.

بر خلاف این که نتایج تحقیق حاضر، گویای افزایش میزان دستیابی به اهداف خصوصی سازی در ورزش در مقایسه با شرایط پیش از اجرای برنامه خصوصی سازی است، اما میزان این رشد مطلوب نیست و برای دستاوردهای مطلوب و آگذاری باشگاه ها و اماکن ورزشی به بخش خصوصی لازم است که اختیارات بیشتری به مسئولان و گردانندگان اماکن و باشگاه های ورزشی داده شود و دولت همچنان حمایت خود را در جهت تسهیل اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به باشگاه ها و اماکن ورزشی ارایه نماید. این امر در تحقیق بلکه و اشنایدر (۲۰۰۴) نیز بسیار مورد توجه بوده است و آنها نیز تأکید داشتند که برای موفقیت برنامه خصوصی سازی ورزش در اتریش باید ملاحظاتی در اقتصاد دولتی مورد تأکید قرار گیرند. باشگاه ها و اماکن ورزشی نیازمند استفاده از استراتژی های مختلفی برای سودآوری اقتصادی هستند.

ثبات اقتصادی، آزاد سازی اقتصادی، وجود شرایط رقابت کامل در اقتصاد، ایجاد چهارچوب های حقوقی و قانونی مناسب سهامی شدن باشگاه ها، استفاده از وام های دولتی و اوراق بهادار، حضور در بورس، استفاده از تخصص صاحب نظران و افراد متخصص، همکاری با سایر ارگان های دولتی و غیردولتی برای تامین نیازمندی های فیزیکی و مالی، تبلیغات و اطلاع رسانی مناسب، جذب حامیان مالی و رفع موانع و چالش های قانونی برای حضور سرمایه گذاران در امر ورزش و ... از جمله راهکارهایی است که به دستیابی مناسب اهداف خصوصی سازی کمک می کند و چنانچه بستر مناسبی به لحاظ قانونی، سیاسی و فرهنگی در جامعه ایجاد شود، از فواید خصوصی سازی در ورزش نه تنها سرمایه گذاران و بخش دولتی سود می برند، بلکه جامعه نیز به شکل مناسبی از آن بهره برداری خواهد کرد.

منابع

- احمدی، آرذر، محمدزاده، حسن و ترتیبیان، بختیار (۱۳۸۵) "بررسی موانع و مشکلات موجود درخصوصی سازی ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه های خصوصی شهرستان ارومیه". اولین همایش ملی شهر و ورزش. تهران.
- بیردزال، ناسی و نلیس، جان (۱۳۸۹) بررسی واقعیت آثار توزیعی خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه. فرهاد مشتاق صفت. تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا
- بهرام نژاد، زهرا (۱۳۸۶) "بررسی مقایسه ای روند خصوصی سازی در روسیه، چین، هند، بولیوی، لهستان و برزیل". بولتن جهان خصوصی سازی. شماره ششم.
- حیدری کردزنگنه، غلامرضا (۱۳۸۸) "راهکارهای ارتقای خصوصی سازی در ایران". پندار پارس.
- خوش خبر، امیر (۱۳۷۷) بررسی و تحلیل آثار خصوصی سازی در سازمان تربیت بدنی. دانشگاه علوم و فنون مازندارن.
- روزنامه ایران اقتصادی، مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۹، ص ۴.
- صادق زاده، جواد (۱۳۷۸) "بررسی امکان سنجی خصوصی سازی راه آهن دانشگاه تهران".
- صفار زاده، غلامرضا (۱۳۸۱) "موانع خصوصی سازی در ایران". ماهنامه تدبیر.
- غنی نژاد، موسی (۱۳۸۳) "خصوصی سازی، مفاهیم و کارکردها". مجله نگاه نو.
- کیکری، سونیتا (۱۳۸۸) خصوصی سازی و نیروی کار؛ با واگذاری بنگاه های دولتی برای کارکنان چه اتفاقی می افتد؟ فرهاد مشتاق صفت. انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران
- محقق، محمدجواد (۱۳۸۹) "الزامات خصوصی سازی و تجربه خصوصی سازی در برخی کشورها". بولتن جهان خصوصی سازی. شماره یک.
- مرجانی، امیر بابک (۱۳۷۳) "بررسی تاثیرات خصوصی سازی سیستم جمع آوری و حمل مواد زاید و رفت و روب شهرداری به هزینه های خدماتی و شهرداری تهران". دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- میری، سید حسین (۱۳۷۳) "تاثیر خصوصی سازی بر کارایی شرکت های دولتی خصوصی شده در بورس اوراق بهادار تهران دانشگاه تهران".
- نژادمهدی، محمدعلی (۱۳۸۵) "خصوصی سازی در چه شرایطی کارآیی دارد؟" هفته نامه آتیه.
- وارث، حامد (۱۳۸۰) "نگرش فراپارادایمی به مدیریت دولتی". فصلنامه دانش مدیریت (ویژه نامه مدیریت دولتی). شماره ۵۵.
- Belke, Ansgar and Schneider, Friedrich (2004) "Privatization in Austria: Some Theoretical reason and first results about the privatization proceeds". CESIFO working paper NO: 1123, presented at CESIFO conference on privatization experiences in the EU.
- Gustavo, Capdevila (2002) "UN consecrates water as public good, human right". Inter-Press Service.
- Gustavo, Trujillo, Lourdes & Nombela (1999) "Privatization and regulation of the

seaport industry”. Policy Research Working Paper Series 2181. The World Bank.

- Khalafallah, Mohamed Gamal (2008) “**Privatization of the Sudanese Central Medical Supplies Public Corporation: Why not?**” Sudanese Journal of Public Health. Vol.3 (2).
- Kikeri, Sunita; Phipps, Verena (2006) **Privatization trends**. The World bankgroupe. Note number 317; pp 1-4. <http://rru.worldbank.org/PublicPolicy> Journal.
- Omolawon, K.O. and Ibraheem, T.O. (2005) **OPINIONS OF ATHLETES, SPORTS ADMINISTRATORS AND SPORTS PHILANTHROPISTS ON PRIVATIZATIONS OF SPORTS**. West African Journal of physical, and Health Education. Vol.9 No. 1.



ارتباط فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان

مهرداد حمیدی^۱
اکبر آفرینش خاکی^۲
رضا نقی پور اصل^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳

هدف کلی این پژوهش، بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی وزارت ورزش و جوانان بود. جامعه آماری این پژوهش را همه کارشناسان وزارت ورزش و جوانان در بخش تربیت بدنی و ورزش تشکیل می دادند که تعداد آنها ۲۹۰ نفر بود. حجم نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان، ۱۶۵ نفر به دست آمد که در نهایت ۱۵۰ پرسشنامه به درستی برگشت داده شد. ابزار پژوهش ۴ پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه فرهنگ سازمانی، پرسشنامه مدیریت دانش و پرسشنامه اثربخشی سازمانی بود که روایی و پایایی آنها تایید شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (رگرسیون چندگانه) استفاده شد. نتیجه یافته ها نشان داد که مولفه های فرهنگ سازمانی به جز سازگاری، پیش بین معناداری برای مدیریت دانش هستند. همچنین، مولفه های فرهنگ سازمانی به جز ماموریت، پیش بین معناداری برای اثربخشی سازمانی بودند. از بین مولفه های مدیریت دانش، کاربرد دانش و تسهیم دانش نیز به ترتیب پیش بین معناداری برای اثربخشی سازمانی بودند. از این رو پیشنهاد می شود مدیران ستادی وزارت ورزش و جوانان با ایجاد فرهنگی که تسهیل کننده شرایط یادگیری و مدیریت دانش باشد، به اثربخشی مدیریت دانش و همچنین به اثربخشی سازمانی کمک کنند.

واژگان کلیدی: فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش، اثربخشی سازمانی و وزارت ورزش و جوانان

۱. دانشجوی رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران
۲. استادیار رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
۳. کارشناس ارشد رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)
E-mail: rezanaghipourasl@yahoo.com

مقدمه

تلاش برای اثربخشی، وجه اشتراک اصلی همه سازمان هاست؛ به گونه ای که بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه مدیریت و سازمان، آگاهانه یا ناآگاهانه و مستقیم یا غیرمستقیم به آن پرداخته اند. آنان همواره در صدد یافتن راه هایی برای تعدیل سازمان خود هستند تا بتوانند بدان وسیله اثربخشی را افزایش دهند. (هال اچ، ریچارد، ۱۳۸۳) اثربخشی و بهره وری با سرعت سرسام آوری در حال افزایش است؛ به طوری که هر سازمانی نتواند در دنیای رقابتی سازمان ها دوام آورد و خود را با نیازهای زمان خویش تطبیق دهد، عقب می افتد و یا در طولانی مدت از بین خواهد رفت. در شرایطی که هر روز تقاضاها تغییر می کند، فناوری ها توسعه می یابد و رقیبان زیاد می شوند، سازمان هایی اثربخش و موفق هستند که همواره دانش جدیدی ایجاد کنند، آن را به طور گسترده در سراسر سازمان گسترش دهند و به سرعت به صورت فناوری ها و محصولات جدید نشان دهند. (Lin, C. H & Tseng, S. M., 2005)

بنابراین، مدیریت سازمان ها می تواند با تکیه بر دانایی برتر، توان تصمیم گیری عاقلانه در موضوع های مهم و بهبود عملکردهای مبتنی بر دانش، راه مناسبی پیدا کنند. پس مدیریت دانش، مهمتر از خود دانش است و در سازمان ها به دنبال آن است تا نحوه چگونگی تبدیل اطلاعات و دانسته های فردی و سازمانی به دانش و مهارت های فردی و گروهی را روشن نماید. (خامدا، ۱۳۸۸) مدیریت دانش، فرآیندی است که به سازمان ها کمک می کند اطلاعات مهم را بیابند، گزینش، سازماندهی و منتشر کنند و تخصصی است که برای فعالیت هایی چون: حل مشکلات، یادگیری پویا و تصمیم گیری، ضروری است. (حسینی، ۱۳۸۵) بکمن (۱۹۹۸) مدیریت دانش را فرآیند توزیع و پخش دانسته های فردی و سازمانی در کل سازمان می داند که به افزایش بازده و عملکرد کل سازمان، می انجامد. درست است که مدیریت دانش می تواند عملکرد سازمانی را بهبود بخشد، اما مدیریت دانش برای قابل استفاده بودن، نیازمند هماهنگی با فرهنگ سازمانی موجود است. هر سازمانی، فرهنگ خاصی دارد که به افراد شیوه معنا و مفهوم بخشیدن به رویدادها را نشان می دهد. بنابراین از فرهنگ سازمانی می توان به عنوان اهرم قدرتمندی برای تقویت رفتار سازمانی استفاده کرد. (Beckman, 1998)

در کارآمدی مدیریت دانش، نقش دوگانه فرهنگ سازمانی، هم به عنوان مانع اصلی و هم عامل توانمندسازی در اجرای مدیریت دانش، اهمیت این عامل را دوچندان کرده است؛ (Akhavan & Jafari, 2006) به گونه ای که مدیریت دانش بدون وجود یک فرهنگ مشارکتی مناسب و بر پایه اعتماد نمی تواند به موفقیت برسد. اگر در فرهنگی، کسب و توزیع دانش به عنوان یک ارزش تلقی شود و کارکنان به اثر بخشی دانش در کنار تجربه باور داشته باشند، برای به دست آوردن آن، تلاش خواهند نمود. در طرف مقابل، فرهنگ سازمانی ضعیف، باعث می شود افراد در تلاش برای نگهداری پایگاه قدرت شخصی و کارآیی خویش، دانسته های خود را تسهیم نکنند و منتشر نسازند. (کالسس، ۲۰۰۰) از این رو، فرهنگ سازمانی، در تسهیل مشارکت افراد و استقرار مدیریت دانش، اهمیت ویژه ای دارد. مدل های زیادی برای تبیین فرهنگ سازمانی وجود دارد. پروفسور دانیل دنیسون (۲۰۰۰) در یکی از رایج ترین آنها مولفه های فرهنگ سازمانی را تعهد به مشارکت، سازگاری، انطباق پذیری و ماموریت یا رسالت برشمرد که در تحقیق حاضر نیز از این الگو استفاده شده است. (Denison, 2000)

فرهنگ سازمانی و نقش آن در مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی موضوعی است که در صنایع مختلف

از جمله تعداد کمی از سازمان های ورزشی داخلی مورد توجه محققان قرار گرفته است. نقوی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «فرهنگ و استراتژی و تاثیر آن بر اثربخشی سازمانی» با نگاهی بر مدیریت دانش اظهار کردند که اقدامات مدیریت دانش تحت تاثیر عوامل سازمانی قرار می گیرد و بر اثربخشی سازمانی تاثیر می گذارد. یافته های این پژوهش نشان داد که مدیریت دانش در رابطه فرهنگ و اثربخشی سازمانی به طور کامل و در رابطه راهبرد و اثربخشی سازمانی، نقش میانجی بازی می کند.

آنته و ترور (۲۰۱۱) مدیریت دانش و عملکرد سازمانی را در ۱۸۹ سازمان جاماییکایی بررسی کردند و دریافتند که ساختار سازمانی، کسب، نگهداری و کاربرد دانش، تاثیر مستقیمی بر بهبود عملکرد سازمان ها دارند، در حالی که تکنولوژی، فرهنگ سازمانی و انتقال دانش، تاثیر غیر مستقیمی دارد. بنابراین نتیجه گیری کردند که فرهنگ سازمانی و تکنولوژی می تواند زیرساخت های استقرار مدیریت دانش را فراهم کند و از طریق نقش واسطه ای مدیریت دانش، عملکرد سازمان را بالا ببرد.

دانش و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی نقش میانجی فرهنگ سازمانی در ارتباط مدیریت دانش و اثربخشی در بخش خدمات، نتیجه گرفتند که هر چند مدیریت دانش بر اثربخشی، تاثیر مستقیم کمی دارد، اما اقدامات مدیریت دانش از راه فرهنگ سازمانی، تاثیری قوی و مثبتی بر اثربخشی سازمانی دارد. در واقع، اقدامات مدیریت دانش، فرهنگ سازمانی را بهبود می بخشد و از این راه، زمینه را برای اثربخشی بیشتر فراهم می کند. هربرت و نولد (۲۰۱۲)، در مقاله ای با عنوان «پیوند فرآیندهای دانش و عملکرد شرکت فرهنگ سازمانی» شرکت هایی که مدیریت دانش را به طور رسمی پیاده سازی کرده بودند با شرکت هایی هم اندازه از صنایع خودشان مقایسه کردند و دریافتند که عملکرد شرکت هایی که مدیریت دانش را به کار برده اند، نسبت به همتایان (گروه کنترل) به مراتب بهتر است، ضمن این که فرهنگ سازمانی قوی تری دارند.

قربانی و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و اثربخشی سازمان تربیت بدنی بر اساس مدل دنیسون (مدلی که در این پژوهش نیز استفاده شده است) نتیجه گرفتند که همه ابعاد فرهنگ سازمانی (تعهد به مشارکت، سازگاری، انطباق پذیری و ماموریت) با اثربخشی، مرتبط اند.

صفاری (۱۳۸۹) در بررسی «رابطه فرهنگ سازمانی و استقرار مدیریت دانایی در سازمان تربیت بدنی» به این نتیجه رسید که وضعیت فرهنگ سازمانی و استقرار مدیریت دانایی در این سازمان پایین تر از حد متوسط (ضعیف) است. همبستگی مثبت بین فرهنگ سازمانی و استقرار مدیریت دانایی نشان می دهد که فرهنگ سازمانی در سازمان تربیت بدنی نقش اساسی در برقراری مدیریت دانایی دارد و هر اندازه فرهنگ سازمانی قوی باشد، استقرار مدیریت دانایی نیز با موفقیت بیشتری انجام می شود.

رحمتی (۱۳۹۰) در «بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش کمیته ملی المپیک ایران» به این نتیجه رسید که فرهنگ سازمانی و کلیه مولفه های آن (تعهد به مشارکت، سازگاری، انطباق پذیری و ماموریت) با مدیریت دانش در کمیته ملی المپیک ایران، رابطه معناداری دارد. ضمن این که فاکتورهای انطباق پذیری، ماموریت و سازگاری پیش بین های معناداری برای مدیریت دانش بودند.

هر سازمانی با توجه به ماموریت و فلسفه وجودی اش ساختارهای سیاسی، تکنولوژیک، فرهنگی و اجتماعی خاص خود را دارد. از دیدگاه فرهنگ نیز ویژگی های منحصر به فرد ورزش، سازمان های ورزشی را از سایر سازمان ها متمایز ساخته است. وزارت ورزش و جوانان در تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۸۹ و پس از ادغام "سازمان تربیت بدنی" و "سازمان ملی جوانان" در مجلس هشتم تشکیل شد. این سازمان عالیترین

مرجع رسیدگی به مسایل مربوط به ورزش و جوانان در ایران است. اثربخشی این سازمان در گرو رسیدن به اهداف آن یعنی توسعه و تعمیم ورزش و تربیت بدنی در قشرهای مختلف جامعه و فراهم کردن فرصت رشد سلامت جسمانی و روانی مردم است. با توجه به این رسالت ملی و سنگین، دانایی محوری فعالیت ها و پرهیز از اقدامات سلیقه ای ضروری است که این دانایی محوری نیز در گرو فرهنگ سازمانی قوی است. با توجه به مزایای مدیریت دانش و شناخت بهتر عوامل موفقیت آن به ویژه فرهنگ سازمانی و نقش آن در اثربخشی سازمانی و با توجه به این که بیشتر تحقیقات انجام شده پیرامون ارتباط فرهنگ سازمانی با مدیریت دانش و اثربخشی در محیط های صنعتی صورت گرفته، بنابراین آزمایش چگونگی این ارتباط در سازمان های ورزشی نظیر وزارت ورزش و جوانان، ضروری است. بنابراین هدف از این پژوهش، بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی وزارت ورزش و جوانان است.

روش شناسی پژوهش

هدف این پژوهش، کاربردی و نحوه گردآوری داده ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، همه کارشناسان وزارت ورزش و جوانان در بخش تربیت بدنی و ورزش بود که در پست سازمانی آنها عبارت کارشناس درج شده و تعداد آنها ۲۹۰ نفر بود. حجم نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان ۱۶۵ نفر به دست آمد. در این تحقیق از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد که در نهایت از ۱۶۵ پرسشنامه پخش شده تعداد ۱۵۰ پرسشنامه بدرستی برگشت داده شد. برای گردآوری داده ها از ۴ پرسشنامه استفاده شد.

الف. پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی: شامل جنسیت، سن، سطح تحصیلات و سابقه خدمت بود.
ب. پرسشنامه فرهنگ سازمانی: این پرسشنامه با الگوگیری از کار رستگار (۱۳۸۸) ساخته شده است و با ۲۹ سوال شامل چهار بخش تعهد به مشارکت (۱۰ گویه)، سازگاری (۶ گویه)، انطباق پذیری (۷ گویه) و ماموریت (۶ گویه) است.

ج. پرسشنامه مدیریت دانش: پرسشنامه مدیریت دانش که با الگوگیری از کار خامدا (۱۳۸۸) ساخته شده است با ۱۹ سوال شامل چهار بخش خلق و دانش اندوزی (۶ گویه)، تسهیم دانش (۳ گویه)، سازماندهی و ذخیره سازی دانش (۴ گویه) و کاربرد دانش (۶ گویه) است.

د. پرسشنامه اثربخشی سازمانی: با ۲۰ سوال و با الگوگیری از تحقیق حمیدی (۱۳۸۲) ساخته شده است. روایی این پرسشنامه ها علاوه بر این که در تحقیقات پیشین مورد بررسی قرار گرفته و تایید شده بود، به تایید ۷ نفر از استادان مدیریت ورزشی رسید. پایایی آنها نیز با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ در یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از آزمودنی ها، برای پرسشنامه های فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۹ و ۰/۷۶ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون رگرسیون چندگانه در سطح معناداری ۰/۰۵) استفاده شد.

یافته های پژوهش

جدول ۱، توزیع آزمودنی های پژوهش از نظر جنسیت، سن، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و سابقه خدمت را نشان می دهد.

جدول ۱: ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی ها

متغیر	جنسیت		سن			رشته تحصیلی		سطح تحصیلات			سابقه خدمت		
	مرد	زن	کمتر از ۳۰ سال	۳۱-۴۰ سال	بیشتر از ۴۱ سال	تربیت بدنی	تربیت بدنی	کارشناسی	کارشناسی و بالاتر	کارشناسی ارشد و بالاتر	کمتر از ۱۰ سال	۱۱-۲۰ سال	۲۱ سال و بیشتر
تعداد	۹۳	۵۷	۳۴	۶۸	۴۸	۵۸	۹۲	۱۴	۹۵	۴۱	۶۱	۶۹	۲۰
درصد	۶۲	۳۸	۲۲/۷	۴۵/۳	۳۲	۳۸/۶	۶۱/۴	۹/۳	۶۳/۳	۲۷/۳	۴۰/۷	۴۶	۱۳/۳

با توجه به جدول مشخص شد از نظر جنسیت، ۶۲ درصد آزمودنی ها مرد و ۳۸ درصد زن بودند. از نظر سطح تحصیلات، بیشتر افراد مدرک کارشناسی داشتند. رشته تحصیلی اکثر کارشناسان تربیت بدنی نبود که برای یک سازمان ورزشی مانند وزارت ورزش و جوانان جای تامل دارد. بیشتر افراد ۱۱ تا ۲۰ سال سابقه کار داشتند.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرها و مولفه های پژوهش

متغیرها	مولفه ها	میانگین	انحراف معیار
فرهنگ سازمانی (۳/۲۴ ± ۰/۶۶)	تعهد به مشارکت	۳/۰۶	۰/۵۸
	سازگاری	۳/۳۲	۰/۶۸
	انطباق پذیری	۳/۱۵	۰/۶۵
	ماموریت	۳/۴۲	۰/۷۱
مدیریت دانش (۳/۰۱ ± ۰/۵۸)	دانش اندوزی و خلق دانش	۲/۸۸	۰/۵۱
	تسهیم دانش	۳/۲۱	۰/۶۷
	سازماندهی و ذخیره دانش	۳/۱۲	۰/۶۴
	کاربرد دانش	۲/۹۶	۰/۵۴
اثربخشی سازمانی	اثربخشی سازمانی	۳/۴۶	۰/۷۶

از بین مولفه های فرهنگ سازمانی، ماموریت، بیشترین میانگین (۴۲/۳) و تعهد به مشارکت، کمترین میانگین (۳/۰۶) را داشت. میانگین کلی فرهنگ سازمانی در وزارت ورزش و جوانان ۲۴/۳ بود. در بین مولفه های مدیریت دانش، تسهیم و انتقال دانش بیشترین میانگین (۲۱/۳) و خلق و دانش اندوزی کمترین میانگین (۸۸/۲) را داشت. میانگین کلی مدیریت دانش ۳/۰۱ و میانگین کلی اثربخشی سازمانی ۴۶/۳ بود.

جدول ۳: تحلیل واریانس و مشخصات آماری رگرسیون بین فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش

Sig	F	Adjusted R2	R2	عامل
۰/۰۰۱	۰/۴۵	۰/۵۵	۰/۵۶	فرهنگ سازمانی

با توجه به جدول ۳ که سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر است، نتیجه می‌گیریم که حداقل یکی از متغیرهای پیشین می‌تواند متغیر ملاک را پیش بینی کند. مقدار R^2 یا ضریب تعیین ۰/۵۶ به دست آمد که نشان می‌دهد مولفه های فرهنگ سازمانی می‌توانند ۵۶ درصد از واریانس یا تغییرات مدیریت دانش را تبیین نمایند. به منظور تعیین این که هر یک از متغیرهای پیش بین (مولفه های فرهنگ سازمانی) تا چه اندازه می‌توانند متغیر ملاک (مدیریت دانش) را پیش بینی کنند از ضریب بتا استفاده شده که نتیجه های آن در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۴: نتیجه های آزمون ضرایب رگرسیون چندگانه بین مولفه های فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش

Sig	T	B	B	عامل
۰/۰۰۱	۲/۲۶	۰/۲۷	۰/۲۴	سازگاری
۰/۰۰۱	۲/۳۴	۰/۲۹	۰/۳۱	انطباق پذیری
۰/۰۰۶	۱/۸۸	۰/۲۳	۰/۱۹	ماموریت

با توجه به ضرایب بتا، انطباق پذیری، سازگاری و ماموریت به ترتیب پیش بین های معنادارتری برای مدیریت دانش است و در این پژوهش مولفه تعهد به مشارکت پیش بین معناداری برای مدیریت دانش نیست.

جدول ۵: تحلیل واریانس و مشخصات آماری رگرسیون بین فرهنگ سازمانی و اثربخشی سازمانی

Sig	F	Adjusted R2	R2	عامل
۰/۰۰۱	۰/۴۰	۰/۵۱	۰/۵۲	فرهنگ سازمانی

با توجه به جدول ۵ که سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر است، نتیجه می‌گیریم که حداقل یکی از متغیرهای پیش بین می‌تواند متغیر ملاک را پیش بینی کند. مقدار R^2 یا ضریب تعیین ۰/۵۲ به دست آمد که نشان می‌دهد مولفه های فرهنگ سازمانی می‌توانند ۵۲ درصد از واریانس یا تغییرات اثربخشی سازمانی را تبیین نمایند. به منظور تعیین این که هر یک از متغیرهای پیش بین (مولفه های فرهنگ سازمانی) تا چه اندازه می‌توانند متغیر ملاک (اثربخشی سازمانی) را پیش بینی کنند، از ضریب بتا استفاده شد که نتیجه های آن در جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۶: نتیجه های آزمون ضرایب رگرسیون چندگانه بین مولفه های فرهنگ سازمانی و اثربخشی سازمانی

عامل	B	B	T	Sig
تعهد به مشارکت	۰/۳۳	۰/۲۶	۲/۱۲	۰/۰۰۱
سازگاری	۰/۲۸	۰/۲۲	۱/۶۸	۰/۰۰۱
انطباق پذیری	۰/۲۶	۰/۱۷	۱/۵۳	۰/۰۰۱

با توجه به ضرایب بتا، تعهد به مشارکت، سازگاری و انطباق پذیری به ترتیب پیش بین های معنادارتری برای اثربخشی سازمانی هستند و در این پژوهش مولفه مأموریت پیش بین معناداری برای اثربخشی سازمانی نیست.

جدول ۷: تحلیل واریانس و مشخصات آماری رگرسیون بین مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی

عامل	R2	Adjusted R2	F	Sig
مدیریت دانش	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۳۲	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۵ که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می گیریم که حداقل یکی از متغیرهای پیش بین می تواند متغیر ملاک را پیش بینی کند. مقدار R^2 یا ضریب تعیین ۰/۴۴ به دست آمد که نشان می دهد مولفه های مدیریت دانش می توانند ۴۴ درصد از واریانس یا تغییرات اثربخشی سازمانی را تبیین نمایند. به منظور تعیین این که هر یک از متغیرهای پیش بین (مولفه های مدیریت دانش) تا چه اندازه می توانند متغیر ملاک (اثربخشی سازمانی) را پیش بینی کنند، از ضریب بتا استفاده شد که نتیجه های آن در جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۵: نتیجه های آزمون ضرایب رگرسیون چندگانه بین مولفه های مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی

عامل	B	B	T	Sig
تسهیم و انتقال دانش	۰/۳۴	۰/۳۲	۲/۲۶	۰/۰۰۱
کاربرد دانش	۰/۳۶	۰/۳۶	۲/۴۴	۰/۰۰۱

با توجه به ضرایب بتا، کاربرد دانش و تسهیم دانش به ترتیب پیش بین های معنادارتری برای اثربخشی سازمانی هستند و در این پژوهش مولفه های خلق، اکتساب، ذخیره سازی و سازماندهی پیش بین معناداری برای اثربخشی سازمانی نبودند.

بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نشان داد که فرهنگ سازمانی می تواند پیش بین مناسبی برای مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان باشد؛ طوری که ۵۶ درصد از تغییرات مدیریت دانش با فرهنگ سازمانی قابل توضیح بود. این ضریب تعیین بالا، اهمیت نقش فرهنگ سازمانی در پیاده سازی فرآیندهای مدیریت دانش را نشان می دهد. بهره برداری از تجربه ها، استعدادها، توان فکری منابع انسانی به ویژه مدیران و معاونان

در قالب فرهنگ سازمانی غنی صورت می‌گیرد. وزارت ورزش و جوانان برای این که بتواند به گونه بهتری از برنامه های استقرار مدیریت دانش استفاده کند و آن را در سازمان با موفقیت پیاده سازی کند، نیاز دارد که در درجه اول فرهنگ سازمانی خود را شناسایی کند و برنامه های مدیریت دانش را متناسب با فرهنگ سازمانی موجود اجرا کند. جلالی و همکاران (۱۳۸۴) نشان دادند که وجود فرهنگ دانش گرا و زیربنای انسانی مناسب (فرهنگ)، مهم ترین دلیل موفقیت پیاده سازی مدیریت دانش در وزارت راه و ترابری است. دی لانگ و فی (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که یک فرهنگ سازمانی قوی در اجرای موثر مدیریت دانش، به تعامل و ارتباط سریع و بدون دردسر افراد در سازمان، حمایت از نوآوری ها و ایده های افراد، واگذاری اختیار و تصمیم گیری بستگی دارد و این فرضیه ها فقط در فرهنگ سازمانی قوی وجود دارد. از میان تحقیقاتی که در این مورد در سازمان های ورزشی صورت گرفته است، پژوهش های صفاری و همکاران (۱۳۸۹) بر روی کارشناسان سازمان تربیت بدنی، گودرزی و همکاران (۱۳۸۸) بر روی مدیران ستادی سازمان تربیت بدنی و رحمتی (۱۳۹۰) در کمیته ملی المپیک به نتیجه های مشابهی دست یافتند و ارتباط مثبت فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش را تایید کردند - این پژوهشگران از الگوهای فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش دیگری استفاده کرده بودند.

همچنین مشخص شد که مولفه های فرهنگ سازمانی شامل انطباق پذیری ($\beta=0/29$)، سازگاری ($\beta=0/27$) و مأموریت ($\beta=0/23$) به ترتیب پیش بین های معنادارتری برای مدیریت دانش در وزارت ورزش و جوانان بودند. بنابراین، هر چه میزان تغییرپذیری، مشتری مداری و یادگیری سازمانی بیشتر باشد، هر چه کارکنان در ارزش های بنیادین اشتراک و هماهنگی بیشتری داشته باشند و هر چه گرایش و جهت استراتژیک، اهداف و مقاصد و چشم انداز وزارت ورزش و جوانان واضح و فراگیر باشد، مدیریت دانش در این وزارت پیشرفت بیشتری می‌کند.

همچنین، یافته های این پژوهش نشان داد که فرهنگ سازمانی می‌تواند پیش بین مناسبی برای اثربخشی سازمانی وزارت ورزش و جوانان باشد؛ به طوری که ۵۲ درصد از تغییرات، اثربخشی سازمانی را تبیین می‌کرد که نشان می‌دهد اثربخشی تا حدود زیادی به فرهنگ سازمان بستگی دارد. نتیجه های تحقیقات پیترو و واترمن (۲۰۰۲) گویای آن است که سازمان های متعالی و برتر فرهنگ قوی و مثبتی دارند، زیرا چنین فرهنگی سطح مشارکت کارکنان، توافق همگان بر نکات راهبردی، افزایش تعهد افراد به سازمان و همسویی میان اهداف کارکنان و اهداف سازمانی را بالا می‌برد و این مهم، عاملی موثر در افزایش بهره وری و اثربخشی است. (نقوی و همکاران، ۱۳۸۹) وجود یک فرهنگ ضعیف و بدون انعطاف، مشارکت و خلاقیت در سازمان موجب می‌شود که کارکنان سازمان هیچ تمایلی به نوآوری، تغییر و خلق ایده های جدید نداشته باشند و از طرف دیگر، از تسهیم و تبادل دانش خود با دیگران بترسند؛ در حالی که یک فرهنگ پویا، مشارکتی و منعطف که اعضای سازمان نسبت به آن شناخت و اعتقاد دارند، در برابر تغییرات به خوبی واکنش نشان می‌دهد و سازمان را به سوی پیشرفت و تعالی می‌برد. قربانی (۱۳۸۸) در بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و اثربخشی سازمان تربیت بدنی بر اساس مدل دنیسون (مدلی که در این پژوهش نیز استفاده شد) نتیجه گرفت که همه ابعاد فرهنگ سازمانی با اثربخشی مرتبط اند. در تحقیق ژنگ و همکاران (۲۰۰۹) گفته شده که فرهنگ سازمانی تاثیر مستقیم اندکی بر اثربخشی سازمانی دارد و این نقش میانجی مدیریت دانش است که تاثیر آن را افزایش داده است. این نتیجه به نوعی با این پژوهش همخوانی نداشت

که دلیل آن را می توان در روش های آماری متفاوت در دو پژوهش دانست، زیرا ژنگ از روش تحلیل مسیر و معادلات ساختاری برای آزمون فرضیات خود استفاده کرده است.

همچنین، مشخص شد که مولفه های فرهنگ سازمانی شامل تعهد به مشارکت ($\beta=0/26$)، انطباق پذیری ($\beta=0/22$) و سازگاری ($\beta=0/17$) به ترتیب بیشترین ارتباط را با اثربخشی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان دارند. بنابراین، مشارکت اعضای سازمان در تصمیم گیری، حفظ ارزش ها، عقاید و انتظارات کارکنان و توانایی تغییر رفتار، ساختار و سیستم سازمان برای ماندگاری در تغییرات محیطی در افزایش اثربخشی سازمان اهمیت دارند. در تئوری دنیسون (۱۹۹۶) مطرح شده که هر یک از چهار عامل فرهنگی از طریق مکانیزم های متفاوتی بر اثربخشی شرکت تاثیر می گذارد.

یافته های پژوهش نشان داد که مدیریت دانش می تواند پیش بین معناداری برای اثربخشی وزارت ورزش و جوانان باشد؛ به طوری که ۴۴ درصد از تغییرات اثربخشی سازمانی با مدیریت دانش تبیین می شد. لی و چوی (۲۰۰۳) دریافتند که یک همبستگی مثبت و معنادار بین عوامل بالقوه مدیریت دانش (چون کسب، اصلاح، ذخیره و به اشتراک گذاری دانش) و عملکرد رقابتی وجود دارد. ایجاد دانش و به اشتراک گذاری سبب بهبود عملکرد و نوآوری می شود. یکپارچه سازی دانش موجب اثربخشی، توسعه محصول و افزایش کارایی می شود.

یادگیری و نوآوری برای سازمان هایی که در پی ماندگاری و اثربخشی هستند، یک نیاز اساسی است و بسیاری از سازمان ها به شدت در پی روش ها و رویکردهای نوآورانه و کارآفرینانه برای بهبود انعطاف پذیری و اثربخشی هستند. در همین راستا، مدیریت دانش در حال تبدیل شدن به یک سلاح انتخابی برای بسیاری از سازمان ها، به ویژه سازمان های بزرگ است که وزارت ورزش و جوانان نیز به عنوان یک نهاد ملی از آن مبرا نیست.

همچنین، مشخص شد که در این پژوهش تنها دو مولفه مدیریت دانش شامل کاربرد دانش ($\beta=0/36$) و خلق و دانش اندوختی ($\beta=0/32$) به ترتیب پیش بین معناداری برای اثربخشی سازمانی وزارت ورزش و جوانان بودند. بنابراین، استفاده واقعی از دانش موجود، انتقال دانش از یک فرد به فرد دیگر، از یک فرد به گروه یا از یک گروه به گروه دیگر، کسب دانش سازمانی مورد نیاز از منابع داخلی و خارجی و قابلیت بازیابی و دسترسی افراد جهت استفاده از دانش به ترتیب موثرترین اقدامات مدیریت دانش هستند که از طریق خواهان نوآوری کردن و بهبود عملکردها، اثربخشی سازمانی را بیشتر می کنند. پس، به مدیران ستادی وزارت ورزش و جوانان پیشنهاد می شود با در نظر گرفتن این اولویت، منابع و امکانات موجود را به فرایندهای مدیریت دانش، اختصاص دهند.

در نهایت، نتیجه های تحقیق نشان داد که فرهنگ سازمانی سهم زیادی بر مدیریت دانش دارد که شاید به این دلیل باشد که فرهنگ پایه و اساس ارزش هایی است که چرایی و چگونگی فرایند مدیریت دانش را توضیح می دهد. از این رو، پیشنهاد می شود که مدیران ستادی وزارت ورزش و جوانان با ایجاد فرهنگی که تسهیل کننده شرایط یادگیری و مدیریت دانش باشد، به اثربخشی مدیریت دانش و به تبع اثربخشی سازمانی کمک کنند.

منابع

- جلالی، سید محمد جواد و همکاران (۱۳۸۴) «طراحی و به کارگیری نرم افزار سیستم جامع مدیریت دانش (مطالعه موردی در وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران)». پنجمین کنفرانس بین ملی مهندسی صنایع.
- حسینی، یعقوب (۱۳۸۵) «بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و استقرار مدیریت دانایی در دانشگاه تربیت مدار». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- حمیدی، مهرزاد (۱۳۸۲) «بررسی رابطه بین ساختار سازمانی، اثربخشی و تعهد سازمانی در حوزه های ستادی سازمان های ورزشی کشور». رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
- خامدا، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی رابطه میان مدیریت آموزش و توسعه منابع انسانی با مدیریت دانش». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- رحمتی، نایب علی (۱۳۹۰) «ارتباط فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش در کمیته ملی المپیک». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران.
- رستگار، عبدالغنی (۱۳۸۸) «بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی با مدیریت دانش در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس قم.
- صفاری، مرجان و شهرزاد، ندا (۱۳۸۹) «رابطه بین فرهنگ سازمانی و استقرار مدیریت دانایی در سازمان تربیت بدنی از نظر کارشناسان این سازمان». مدیریت ورزشی. شماره ۴.
- قربانی، محمدحسین؛ اسدی، حسن و شریفی، مسلم (۱۳۸۸) «ارتباط بین فرهنگ سازمانی و اثربخشی در سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل دنیسون». نشریه علوم حرکتی و ورزش. شماره ۱۴.
- گودرزی، محمود و همکاران (۱۳۸۸) «ارتباط فرهنگ سازمانی با مدیریت دانش مدیران ستادی سازمان تربیت بدنی». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۲.
- نقوی، میرعلی و همکاران (۱۳۸۹) «فرهنگ و استراتژی و تاثیر آن بر اثربخشی سازمانی: با نگاهی بر مدیریت دانش». چشم انداز مدیریت دولتی. شماره ۱.
- حال اچ، ریچارد (۱۳۸۳) «سازمان، ساختار، فرآیند، آوردها». علی پارسیان و محمد اعرابی.
- Akhavan, P & Jafari, M. (2006) "Critical issues for knowledge management implementation at a national level". VINE, Vol. 30, No.1, PP: 52-66.
- Annette, M; Trevor, A. (2011) "Knowledge management and organizational performance: a decomposed view". Journal of knowledge management. Vol 15, No 1 pp. 156-171.
- Beckman, Thomas (1998) "The current state of knowledge management in knowledge management hand book". Springer. Chap 1.
- Danish, R; et al (2012) "Moderating Role of Organizational Culture Between Knowledge Management and Organizational Effectiveness in

Service Sector". World Applied Sciences Journal. 20 (1): 45-53.

- Delong, D. W and Fahey (2000) **"Diagnostic culture barriers to knowledge management"**. Academy of management executive. Vol. 14, No. 4.
- Denison, D. (2000) **"Organizational culture: can it be a key lever for driving organizational change?"** International institute for management development.
- Herbert A. & Nold (2012) **"Linking knowledge processes with firm performance: organizational culture"**. Journal of knowledge management. Vol 15 No. 1, pp. 156-171.
- Lee H., Choi B. (2003) **" Knowledge Management Enablers, Process, and Organizational Performance: An Integrative View and Empirical Examination"**. J Manage Inf Syst. 20 (1).179–228.
- Lin, C. H & Tseng, S. M. (2005) **"The Implementation the knowledge management system"**. Journal of Industrial Management and Data System. Vol. 105, No. 2, PP: 208-222.
- Zheng W., et al. (2009) **"Linking Organizational Culture, Structure, Strategy, and Organizational Effectiveness: Mediating Role of Knowledge Management"**. J. Bus Res.



تبیین ابعاد موثر در تعهد ورزشی ورزشکاران خاص

محمدحسین کمانی^۱

فریبا تابع بردبار^۲

محبوبه شیبانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷

هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی مفهوم تعهد ورزشی و تعیین و تبیین عناصر شکل‌دهنده آن با بهره‌گیری از رویکرد اکتشافی نظریه زمینه‌ای^۴ است. ۱۱ ورزشکار خاص انتخابی مسابقات پارالمپیک و جهانی در رشته‌های ورزشی تیراندازی، دو و میدانی، شنا، فوتبال، بدمینتون و پینگ‌پنگ در مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه شرکت کردند. سپس، تمام مصاحبه‌ها کلمه به کلمه جهت استنتاج و آنالیز محتوا، رونوشت شدند. کد گذاری باز، محوری و انتخابی، به صورت‌بندی مفهومی و شکل‌گیری طبقات انجامید. یافته‌ها نشان داد که سه عامل لذت حاصل از ورزش، کسب جایگاه و جبران ضعف، از مهم‌ترین عوامل ایجاد تعهد ورزشی است. شکل‌گیری طبقات جدید و حذف برخی از عوامل تأثیرگذار بر تعهد ورزشی که در پژوهش‌های پیشین مورد امعان نظر قرار گرفته بود، لزوم توجه به متغیرهای محیطی، فرهنگی و الگوی بومی را آشکار می‌سازد.

واژگان کلیدی: تعهد ورزشی، ورزشکاران خاص، لذت حاصل از ورزش، کسب جایگاه و جبران ضعف

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

۲. استاد یار و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی (نویسنده مسئول)

E-mail: mahboobeh_sheibani@yahoo.com

4. Grounded theory

بیان مسئله

مدیریت ورزش با توجه ویژه به منبع برگشت‌ناپذیری بنام ورزشکار و به منظور تعامل بهینه با وی، از اصول و مبانی دانش روانشناسی برای بالا بردن سطح کارایی بهره می‌گیرد، زیرا بدون شناخت حالات و خصوصیات روانی افراد، استفاده از این منابع و سرمایه‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین علت، امروزه بخش قابل‌توجهی از دانش روانشناسی به روانشناسی ورزش اختصاص یافته است. اصول و مبانی روانشناسی برای بهبود و توسعه اجرای مهارت‌های ورزشی، مورد تاکید بسیار قرار گرفته است. روانشناسی ورزشی با کاربرد نظریه‌ها و مفاهیم روانشناسی در ورزش و فعالیت جسمانی سر و کار دارد و روانشناسان ورزش از فنون ارزیابی و اندازه‌گیری در روانشناسی و راهبردهای مداخله، استفاده می‌کنند تا افراد را در رسیدن به یک عملکرد مطلوب، یاری دهند. بنابراین، می‌توان گفت روانشناسی ورزشی با تجزیه و تحلیل رفتار انسان در رشته‌های مختلف ورزشی، بر جنبه‌های ذهنی عملکرد ورزشکاران تمرکز دارد و به طور علمی ماهیت و فطرت انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد. برخی از روانشناسان، هدف از روانشناسی ورزش را هدایت روانی ورزشکار و ثابت نگاه‌داشتن قدرت ورزشی و تقویت اتکا به نفس او در مقابل تحریکات روانی می‌دانند. (شعبانی بهار، ۱۳۸۸: ۸۲) چگونگی افزایش دقت و تمرکز در اجرای مهارت‌های ورزشی، چگونگی افزایش میزان هوشیاری ورزشکاران در اجرای مهارت‌های ورزشی، چگونگی افزایش اعتمادبه‌نفس و انرژی روانی ورزشکاران، چگونگی افزایش انگیزش ورزشکاران برای بهبود اجرای مهارت‌های ورزشی، چگونگی تعادل و رفتار با تفاوت‌های فردی و شخصیتی ورزشکاران در شرایط مختلف ورزشی از جمله مباحثی است که در این حوزه، مطرح می‌باشد. (همان: ۸۶) موضوعی که ما به آن پرداخته‌ایم، بحث تعهد ورزشی است که یکی از مباحث مهم روانشناسی ورزشی است؛ اما متأسفانه تا کنون در کشور ما به این موضوع توجهی نشده و هیچ منبع و نوشته‌ای در این مورد یافت نمی‌شود. تعهد ورزشی، یک مفهوم روان‌شناختی - مدیریتی است که تمایل و خواست ورزشکار را جهت ادامه فعالیت ورزشی نشان می‌دهد. (روی، ۲۰۰۴: ۹) تعهد ۱ در اصل به عنوان عاملی محسوب می‌گردد که استمرار فعالیت ورزشی ورزشکار را تضمین می‌کند. لذا پرداختن به این موضوع با توجه به شرایط بومی و فرهنگی کشورمان، ضروری به نظر می‌رسد.

تحقیقات انجام شده، گویای این واقعیت است که بسیاری از عدم موفقیت‌های ورزشی، ریشه در علل روانی دارد. (زر، ۱۳۸۶: ۴۴) ما با مراجعه به حافظه خود، می‌توانیم لحظاتی را در مسابقات ورزشی به خاطر آوریم که تیم یا ورزشکاری با وجود آمادگی کامل جسمانی و فنی، به دلیل شرایط نامناسب روانی از ارائه بهترین عملکرد خود ناتوان مانده است.

امروزه، قهرمانان سطوح عالی و المپیک، بخشی از زمان تمرینات خود را صرف تمرین آمادگی روانی می‌کنند. در بسیاری از رشته‌های ورزشی تا ۱۰ نفر اول مسابقات جهانی، به لحاظ فنی و جسمانی در یک سطح‌اند و آنچه نفرات برتر را متمایز می‌سازد، آمادگی روانی آن‌هاست. (تفاوتی که ایجاد تفاوت می‌کند) در دنیای امروز، رقابت دیگر فقط بر سر تکنیک برتر نیست؛ ورزشکاری پیروز است که از آمادگی روانی بالاتری برخوردار است. یکی از مفاهیم مهم روانشناسی که باعث می‌شود دلایل ادامه فعالیت یک ورزشکار

مشخص گردد، تعهد ورزشی است. ما با این مسئله به دفعات مواجه بوده‌ایم که یک ورزشکار مطرح در سطح ملی و آسیایی، ناگهان به دلایل نامشخصی ورزش را کنار گذاشته و از صحنه رقابت دور می‌شود، در صورتی که همین ورزشکار می‌توانست رکورددار آسیا یا جهان باشد. تعهد ورزشی به معنی خواست، تصمیم و دلیلی است که باعث می‌شود ورزشکار به ورزش خود ادامه دهد و آن را ترک نکند. (زر، ۱۳۸۶، ۵: ۴۵) ما در این پژوهش به بررسی ابعاد و ویژگی‌های تعهد ورزشی می‌پردازیم تا بتوانیم با شناخت نیازهای ورزشکاران نخبه که از منابع کمیاب و برگشت‌ناپذیر ورزش می‌باشند، ضمن پر کردن خلأ ناشی از فقدان مطالعاتی از این دست، به صورت‌بندی مطالب همت گماریم.

پیشینه تحقیق

اولین تلاش‌های علمی توسط اسکانلن ۱ و همکاران (۱۹۹۰) به منظور آزمون نمونه تعهد ورزشی ۲ و تبیین رابطه بین ساختارهای فرضی و متغیرهای نهایی تعهد ورزشی، صورت گرفت. نتایج بیانگر تأثیر متغیرهای لذت ۳ و سرمایه‌گذاری، در تعهد بازیکنان لیگ‌های کوچک بیس‌بال، سافت بال، شناگران، بازیکنان هندبال زن فرانسه و اعضای کلوپ سلامت یونان می‌باشد.

ساختارهای تعهد همچنین در پیش‌بینی رفتارهای تمرینی ورزشکاران نخبه راگبی، هاکی سالن، نخبگان کشتی، اسکیت بازان و بازیکنان رشته‌های هاکی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. (اسکانلن و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۶۱)

به طور همزمان، توسعه نمونه تعهد ورزشی به وسیله اشمیت ۴ و استین ۵ (۱۹۹۱) پیشنهاد شد. آن‌ها سازه‌های تعهد را برای ایجاد نمونه شناختی فرسودگی ورزش استفاده کردند- این امر منجر به تمایز بین جاذبه‌های حقیقی ورزش، مبتنی بر تعهد و مواردی که برخی مواقع موجب اغفال افراد به سمت ورزش می‌شود، گردید. نمونه به پیش‌بینی ماندگاری، فرسودگی و ترک ورزش می‌پردازد. گزارش رادک ۶ و ویس ۷ (۱۹۹۷) تایید این پیش‌بینی‌ها بود. کارپنتر ۸ (۱۹۹۳) نمونه را به وسیله اضافه کردن تعدادی از پیش‌بین‌های قبلی تعهد ورزشی توسعه داد که شامل ساختارهایی بر پایه جذابیت مانند: رضایت از ورزش، جوایز و هزینه‌ها است، سایر متغیرها شامل؛ حضور دیگران، حمایت اجتماعی و ادراک توانایی‌هاست. در یک نمونه مختلط جنسی از ورزشکاران نوجوان، کارپنتر ۶ عامل تعهد ورزشی را تعیین کرد که شامل لذت، سرمایه‌گذاری‌های شخصی، شناخت فرصت‌ها، جذابیت‌های دیگر، حمایت والدین و احساس وظیفه (تعهد) نسبت به شخص مربی است. پژوهش‌های بعدی این سازه‌ها را به نمونه‌ای توسعه یافته تغییر داد. حمایت اجتماعی، به عنوان یک جزء اضافی جهت درک بیشتر در نمونه کلی قرار گرفت. مدت کوتاهی

1. Scanlan
2. Sport Commitment
3. Enjoyment
4. Schmith
5. Stein
6. Radeck
7. Weiss
8. Carpenter

پس از ارائه نمونه، پژوهش بر روی مسائل مربوط به اندازه‌گیری و رابطه میان سازه‌های کلیدی متمرکز شد. (اسکانلن و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۶۵)

بر اساس نظر اسکانلن، سیمونز، کارپنتر و اشمیت (۱۹۹۳) پرسشنامه‌ای با ۲۸ گویه به منظور اندازه‌گیری تمام ۶ سازه نمونه تعهد ورزشی طراحی شد. جهت اندازه‌گیری تأثیر تعهد ورزشی، نظرسنجی در یک نمونه بزرگ از ورزشکاران جوان (هر دو جنس) که در رشته‌های مختلف ورزشی و با زمینه فرهنگی متفاوت فعالیت داشتند، انجام شد. در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی جهت توسعه بیشتر ساختار تعهد ورزش صورت گرفته است. کارپنتر و اسکانلن (۱۹۹۸) ماهیت پویای تعهد ورزش را توصیف کردند. در نمونه‌ای که شامل بازیکنان راگی بود، دریافتند که چگونه تعهد ورزشی در فصل رقابت به عنوان تابعی از تغییرات در لذت، فرصت‌های موجود و محدودیت‌های اجتماعی متفاوت است. کارپنتر و کلمان (۱۹۹۸) نیز یافته‌های مشابهی را در نمونه بازیکنان نخبه نوجوان کریکت، گزارش دادند. (اسکانلن، استین و راویزا، ۱۹۸۹: ۷۱)

در یک سری از مطالعات اخیر، اسکانلن و همکارانش (۲۰۰۳) به منظور بازمینی، تجدیدنظر و گسترش نمونه تعهد ورزشی، روش‌شناسی کمی و کیفی را توأمان مورد استفاده قرار دادند. آن‌ها کاربرد و اهمیت تأثیر مؤلفه‌های تعهد را در یک نمونه از ورزشکاران سطح مبتدی و حرفه‌ای بین‌المللی از نیوزلند مورد آزمون قرار دادند. بازیکنان زن، عضو تیم نت بال سرخس نقره‌ای و بازیکنان مرد، عضو تیم مشهور تمام سیاه بودند.

بر اساس مشکلات مشاهده‌شده در پژوهش‌های قبلی، تعدادی از سازه‌ها جهت درک بیشتر، از نو طراحی شد. برای مثال، فعالیت‌های جایگزین به جای اولویت‌های دیگر، قرار گرفت و این احتمال را مطرح کرد که آیا فعالیت‌های دیگر جذاب هستند یا خیر. علاوه بر آن، متغیر حمایت اجتماعی کارپنتر به نمونه اضافه شد. یافته‌های پژوهش اسکانلن و دیگران (۲۰۰۳) حاکی از آن بود که لذت ورزش و فرصت‌های موجود، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های تعهد ورزش به شمار می‌روند. آن‌ها دریافتند که لذت، در متغیرهای مختلف دیگر به ویژه فرصت‌های موجود و سرمایه‌گذاری شخصی نیز دخیل بوده است.

به طور کلی، اسکانلن و همکارانش استنتاج کردند که یافته‌هایشان بیانگر تعهد ورزشکاران نخبه فعال است. همچنین، جزئیات مفیدی برای توسعه پرسشنامه‌های آتی فراهم می‌کند. مهم‌تر آنکه، محققان استنتاج کردند که یافته‌هایشان، تحقیقات قبلی را تایید و تنقیح می‌کند و حمایتی برای اعتبار بیرونی نمونه فراهم می‌آورد. پس از اسکانلن، ادموند روی (۲۰۰۴) با بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای، به بررسی و بازمینی نمونه تعهد ورزشی اسکانلن پرداخت. وی تلاشی برای توسعه و تعمیم نمونه و محدودیت‌های ادراکی انجام داد. نمونه وی متشکل از ۲۵ ورزشکاری بود که در مسابقات بین دانشگاهها در سطح ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کردند. آن‌ها در ورزش‌های کشتی، بسکتبال، راگی، فوتبال، دو صحرانوردی و سه‌گانه فعالیت داشتند. تمام شرکت‌کنندگان در یک مصاحبه نیمه ساختار یافته، بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه شرکت کردند. پنج مؤلفه با ساختار اصلی تعهد ورزشی مطابقت داشت که شامل لذت، جایگزین‌های موجود، سرمایه‌گذاری ها، محدودیت‌های اجتماعی و فرصت‌های موجود می‌باشد. اما وی سه مؤلفه به این نمونه افزود که شامل

1. Simons

2. Edmond Roy

برتری طلبی - غایت طلبی، انتقال و عملکردهای انطباقی - کپی کردن، می‌شد. به طور کلی، نمونه تعهد ورزشی به عنوان یک چارچوب توضیحی برای فعالیت ورزشی به شمار می‌رود و یک دلیل موجه از رفتار مشارکتی مانند باقی ماندن، ترک خدمت و فرسودگی شغلی را فراهم می‌کند. (روی، ۲۰۰۴: ۱۲)

در ورزش ما متأسفانه تا کنون راهکار، برنامه، تحقیق یا روش تدوین شده‌ای جهت شناخت عوامل تعهد ورزشی و ایجاد محیط و بستر مناسب جهت ادامه فعالیت ورزشکاران وجود ندارد. از طرفی ما نمی‌توانیم از راهکارها و برنامه‌های کشورهای دیگر بدون تطابق فرهنگی و بومی استفاده نماییم. از همین رو بر آن شدیم تا با توجه به شرایط بومی کشورمان، ویژگی‌های تعهد ورزشی را در ورزشکاران خاص نخبه کشور بررسی کنیم تا بتوانیم نمونه بومی تعهد ورزشی را، ترسیم نماییم.

چارچوب نظری

در زمینه تعهد ورزشی، پژوهش‌های زیادی در دست نیست. ابتدا نمونه اسکانلن و همکاران در سال ۱۹۹۳ تدوین گردید که به نمونه تعهد ورزشی اسکانلن معروف است. پس از آن در سال ۲۰۰۴، ادموند روی با مطالعه بر روی ۲۵ ورزشکار به بازنگری و تجدیدنظر در نمونه پرداخت و مؤلفه‌هایی را به نمونه اسکانلن اضافه کرد.

در کشور ما متأسفانه تا کنون این نمونه بر روی ورزشکاران حرفه‌ای آزمون نشده است. بنابراین، ما بر آن شدیم در این پژوهش، شاخص‌های نمونه‌های پیشین را مورد آزمون قرار دهیم و نمونه‌ای بومی جهت ورزشکاران ایرانی تبیین کنیم.

در این پژوهش، از "نظریه زمینه‌ای" (با توجه به دیدگاه اشتروس) - که رویکردی اکتشافی است - به واسطه عینی تر و عملی تر بودن و تناسب آن با کار پژوهشگر، بهره برداری شده است که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

روش شناسی پژوهش

روشی که در این مطالعه استفاده شده، نظریه زمینه‌ای است. نظریه زمینه‌ای که با نام‌های "نظریه داده بنیاد"، "نظریه برخاسته از داده‌ها" و "نظریه بنیادی" نیز شناخته می‌شود، یک روش تحقیق عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۶۷ توسط بارنی گلیزر و انسلم اشتراوس به وجود آمد - هرچند، نظریه داده بنیاد با الگوهای پیشین روش‌های تحقیق، مرتبط بوده و به صورت ناگهانی و بدون مقدمه به وجود نیامده است. (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۴۳)

نظریه زمینه‌ای (نظریه بنیادی)، یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام نماید. این نظریه‌ها و گزاره‌ها، به شکلی نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شود. واژه «زمینه‌ای» نشانگر آن است که هر نظریه و گزاره‌ای که بر اساس این روش تدوین می‌شود، بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی، بنیان نهاده شده است. در واقع این نظریه، روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که در گذشته در مورد آن‌ها تحقیق

جامع و عمده‌ای نشده است و دانش ما در آن زمینه محدود است. (روی، ۲۰۰۴: ۴۰)

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری تحقیق حاضر شامل ورزشکاران خاص حرفه‌ای و ملی پوشان کشور ایران است. ۱۱ نمونه از این جامعه به صورت هدفمند انتخاب شدند. (استفاده از واژه ورزشکاران خاص به این دلیل است که در این پژوهش از ورزشکاران جانباز و معلول، نابینا و کم بینا و بیماران خاص استفاده شده است) همان طور که استیک (۱۹۹۴) بیان کرده است، محقق برای فهم بهتر و دستیابی به احکام روشن تر با مقاصد کاربردی از یک چارچوب نمونه‌ای استفاده می‌کند که به عنوان چارچوبی هدفمند تعریف می‌شود. کم و کیف چارچوب نمونه، باید برای کار مناسب داشته باشد و نتایج آن برای محقق، ارزش کاربردی داشته و برای سایر محققان نیز قیاس پذیر و ترجمه پذیر باشد. چارچوب نمونه باید در برگیرنده نمونه‌های بارز و متناسب باهدف تحقیق و سؤال پژوهش باشد تا از طریق مطالعه آن‌ها بتوان به نتایج مورد انتظاری از یافته‌ها در حد اشباع دست یافت. به همین منظور بعد از مطالعات اولیه که درباره تعهد ورزشی انجام داده است، بر اساس مرور مقالات مربوطه و مشاوره با صاحب‌نظران، ورزشکارانی از جامعه آماری که به لحاظ موقعیت و مقام در کشور واجد ویژگی‌های لازم بودند، انتخاب شدند. البته لازم به ذکر است که در انتخاب نمونه، سعی شد که تنوع رشته‌های ورزشی، سطوح مسابقاتی و افتخارآفرینی ورزشکاران و رده‌های متفاوت سنی در نظر گرفته شود.

روش گردآوری اطلاعات: در پژوهش حاضر از مصاحبه عمیق، اکتشافی و نیمه ساختار یافته استفاده شده است. مصاحبه گر در این مصاحبه به جای پرسیدن یک سؤال و ثبت جواب ساده، پاسخ‌دهنده را تشویق به صحبت کرد. پرسش‌های تکمیلی پرسیده شد و از او خواسته شد جواب‌های خود را شرح دهد. بنابراین، نسبت به مصاحبه‌های مبتنی بر پرسشنامه، کمتر ساختار یافته است. بیشتر مصاحبه‌ها حدود ۴۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشید، البته گاهی هم با وجود ماه‌ها برنامه‌ریزی جهت مصاحبه، ورزشکار ناگهان به مسابقه یا اردویی اعزام می‌شد و تمام برنامه‌ریزی‌ها بی‌ثمر می‌ماند. به همین دلیل، فرایند مصاحبه با این افراد به طول انجامید. سپس مطالب ضبط‌شده، به صورت کلمه به کلمه رونوشت شد و از نکات کلیدی خلاصه‌برداری گردید. طراحی جدول مصاحبه: جهت تقویت اعتبار پژوهش، تصمیم گرفته شد که از یک جدول مصاحبه استاندارد برای اطمینان از اینکه تمامی شرکت‌کنندگان به سؤالات مشابهی در یک توالی یکسان پاسخ دهند، استفاده شود. جدول مصاحبه به وسیله اسکالنن، استین و راویزا طراحی شده است. (روی، ۲۰۰۴: ۴۶)

مراحل مصاحبه:

مرحله ۱: در این بخش درباره مقصد و ماهیت مطالعه به شرکت‌کنندگان اطلاع داده شد. شرکت‌کنندگان درباره محقق و دلایل در نظر گرفته‌شده برای مصاحبه، مطلع شدند و اطمینان یافتند که شرکت آن‌ها در مطالعه، محرمانه است و در جریان فرآیند و محتوای مصاحبه قرار گرفتند.

در ادامه به شرکت‌کنندگان دو دستورالعمل داده شد؛ اول: از آن‌ها خواسته شد که به تجربیات دوره ورزشی خود توجه نمایند و نه به دوره‌های دیگر زندگی‌شان. دوم: آن‌ها می‌بایست به کل تجربیات ورزشی خود توجه می‌کردند- به این معنی که در مورد تجربیات رقابتی و تجربیات تمرینی و هر چیزی که به فعالیت آن‌ها در ورزش مربوط می‌شود، نظر داشته باشند.

مرحله ۲: (منابع لذت): به شرکت‌کنندگان یک تعریف کاربردی از لذت که در پژوهش اسکالنن استفاده شده ارائه شد. سپس از آن‌ها خواسته شد که اگر پرسش‌ها را درک کردند، در مورد علت یا دلیل

اصلی لذت از فعالیت ورزشی، با توجه به تمام تجربیات ورزشی‌شان توضیح دهند.
مرحله ۳: (منابع تعهد): شبیه به فاز ۲ است، به جز اینکه از شرکت‌کنندگان در خواست شد درباره علت یا دلیل تعهد ورزشی، اظهار نظر نمایند.

مرحله ۴: (سؤالات راهنمای تعهد): از شرکت‌کنندگان در مورد مؤلفه‌های به دست آمده در نمونه اسکانلن سؤال شد، اما جهت تداوم با بخش ۳، سؤالاتی مرتبط با تعهد ورزشی از آنان پرسیده شد- این سؤالات بر مؤلفه‌های نمونه تعهد تاکید داشت.

مرحله ۵: شبیه به فاز ۴ است با این تفاوت که از شرکت‌کنندگان خواسته شد، سؤالات راهنما در مورد لذت ورزشی را پاسخ دهند. این پرسش‌ها بر اساس توصیف‌هایی که در پژوهش‌های اسکانلن و همکارانش گزارش شده و سؤالاتی که از نظرسنجی لذت ورزشی به دست آمده بود، تدوین گردید.

مرحله ۶: (نتیجه): از شرکت‌کنندگان خواسته شد که دیدگاه‌های خودشان در مورد لذت و تعهد ورزش را به اشتراک بگذارند. همچنین، از آن‌ها خواسته شد تا بازخوردی از این مصاحبه ارائه دهند.

بعد از انجام مصاحبه‌ها و ثبت یادداشت‌ها، تجزیه تحلیل خط به خط و جستجو برای کدها در هر خط انجام شد. در این مرحله، از کدگذاری غیرمتمرکز و باز استفاده شد. کدگذاری عبارت است از: عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. این همان فرایند اصلی است که طی آن، نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود. (روی، ۲۰۰۴: ۴۸)

بر اساس چنین نگرشی کدگذاری شامل مقایسه مستمر پدیده‌ها، موردها، مفاهیم و فرمول‌بندی پرسش‌هایی گردید که در برابر متن قرار داده شده‌اند. فرایند کدگذاری، از داده‌ها آغاز شد و طی فرایند انتزاع به تدوین نظریه منتهی گردید. مفاهیم یا کدها به داده‌هایی تجربی ضمیمه شدند، آن‌ها در ابتدا تا سر حد امکان نزدیک به متن فرمول‌بندی شدند و به تدریج، حالت انتزاعی تری پیدا کردند. بر اساس نظریه زمینه‌ای، سه نوع کدگذاری مورد استفاده قرار گرفت:

کدگذاری باز: کدگذاری باز قصد دارد تا داده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد. به این منظور، ابتدا داده‌ها از هم مجزا (تقطیع) می‌شوند. عبارت‌ها (کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه) بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند تا تعلیقات و مفاهیم (کدها) به آن‌ها ضمیمه شوند. گاهی در اثر کدگذاری باز، ده‌ها کد به دست می‌آید. (کوربین و اشتروس، ۲۰۰۸: ۱۲۸)

کدها بر اساس پدیده‌های کشف‌شده در داده‌ها که به طور مستقیم به پرسش تحقیق مربوط می‌شدند، دسته‌بندی گردیدند. مقوله‌های به دست آمده، به صورت مجدد به کدهایی مرتبط شدند که انتزاعی تر از کدهای مرحله اول بودند. کدها به شکل بارزی نمایانگر محتوای مقوله بودند و بالاتر از همه، به یادآوری مرجع مقوله کمک کردند.

می‌توان کدگذاری باز را با درجات مختلفی از دقت و توجه به جزئیات انجام داد. مهم‌ترین هدف کدگذاری، عبارت است از: خرد کردن و فهم متن و پیوند اجزای به دست آمده با یکدیگر و تدوین مقوله‌ها و منظم کردن آن‌ها بر اساس روند زمانی.

کدگذاری محوری: مرحله بعد عبارت است از: پالایش و تفکیک مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری باز. هر چه مقولات محوری با عبارت‌های بیشتری انطباق و تناسب داشته باشند، بر غنایشان افزوده می‌شود. از همه مهم تر این است که روابطی میان مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی‌شان برقرار و تشریح شود. کدگذاری

محوری، فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی تر را شامل می‌شود. این عمل، شامل فرایند پیچیده تفکر استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام می‌گیرد. این فرایند نیز، مانند کد گذاری باز از طریق انجام مقایسه و طرح پرسش انجام می‌شود. البته در کد گذاری محوری، استفاده از این روش‌ها متمرکزتر است و تلاش می‌شود تا مقولات بر اساس الگوی پارادایمی، ایجاد و کشف شوند. (کوربین و اشتروس، ۱۹۹۰: ۱۱)

در کد گذاری محوری آن دسته از مقولات را که با پرسش تحقیق، بیشترین ارتباط را داشتند از میان کدهای به وجود آمده و یادداشت‌های مربوط به کدها انتخاب گردیدند.

کد گذاری انتخابی: در این مرحله، شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح شدند. تحلیل گر باید میان دو پدیده اصلی دست به انتخاب می‌زد و به آن‌ها وزن می‌داد. در نتیجه آن مقوله محوری به همراه مقولات فرعی‌اش که به آن مربوط می‌شدند، شکل گرفت. دوباره ویژگی‌ها و ابعاد مقوله مرکزی، بسط داده شد و با استفاده از اجزاء و روابط پارادایم، کد گذاری به سایر مقولات مرتبط گردید. تحلیل و تدوین نظریه، توجه خود را صرف کشف الگوها در داده‌ها و نیز شرایطی می‌کند که این الگوها تحت آن پدیدار می‌شوند. بالأخره، نظریه به شکل مبسوط تری فرمول‌بندی و توسط داده‌ها کنترل شد. مرحله تفسیر داده‌ها، همانند افزودن داده‌های اضافی، در نقطه اشباع نظری پایان یافت. (یعنی کد گذاری بیشتر، افزودن به غنای مقولات، و جز این‌ها دیگر هیچ دانش جدیدی فراهم نمی‌کند یا امیدی به یافتن آن در آینده نیست). در عین حال این فرایند، به قدر کافی انعطاف‌پذیر است که محقق بتواند با پرسش پژوهشی متفاوت و هدف تدوین و فرمول‌بندی یک نظریه داده محور، برای موضوعی متفاوت دوباره وارد همان متون و همان کدهای باز بشود. (اووه، ۱۳۸۷: ۳۷۴)

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌ها به صورت جدول ارائه می‌شود. ردیف اول جدول به مؤلفه اختصاص دارد، در ردیف دوم نمونه‌ای از صحبت‌های ورزشکاران آورده شده و در ردیف بعدی، به تعریف مؤلفه پرداخته شده است. ردیف چهارم مربوط به رابطه مؤلفه با تعهد می‌شود. ردیف پنجم، سؤال مربوط به مؤلفه آمده است. در ردیف ششم، پاسخ‌های به دست آمده از پرسش و در ردیف آخر درصد اختصاصی هر پاسخ قرار گرفته است.

با توجه به اینکه در این پژوهش از رویکرد اکتشافی در بررسی عوامل موثر در تعهد ورزشی استفاده شده است، پس از اینکه پاسخ‌های ورزشکاران جمع‌آوری و دسته‌بندی شد، (جدول ۱)، عوامل زیر به دست آمد:

۱- اثبات توانایی ۲- کسب جایگاه ۳- لذت از ورزش

همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، دلایل تعهد ورزشی ورزشکاران خاص شامل: اثبات توانایی (۵۰ درصد)، کسب جایگاه (۲۵ درصد) و لذت ورزشی (۲۵ درصد) است.

جدول ۱: تعهد

تعهد			
می خوام به خودم و دیگران ثابت کنم که ما چیزی از بقیه کم نداریم می خوام خودم روتو جامعه بیشتر نشون بدم.			
تعریف	خواست، عادت و تمایل ورزشکار را جهت ادامه ورزش در بر می گیرد. / تمایل یا خواست ورزشکار جهت ادامه ورزش خود در طول زمان		
سؤال	دلیل یا عامل اصلی تعهد شما به ورزش چیست؟		
پاسخ	اثبات توانایی	کسب جایگاه	لذت ورزشی
درصد	۵۰	۲۵	۲۵

دومین پرسشی که ورزشکاران پاسخ دادند مربوط به دلیل لذت آنان از ورزش است، ورزشکاران دلیل اصلی خود را از لذت ورزش عوامل زیر به عنوان کردند:

۱- آرامش ۲- اهتزاز پرچم ۳- موقعیت اجتماعی ۴- علاقه به ورزش ۵- کسب جایگاه ۶- هیجان

جدول ۲: لذت

لذت ورزشی					
وقتی وارد زمین می شم تمام انرژی های منفرجه دفع می شه و یه آرامش خاصی می گیرم.					
تعریف	احساس مثبتی که شما ممکن است درباره فعالیت ورزشی داشته باشید مانند لذت، سرگرمی، علاقه یا تجربه دوست داشتن ورزش				
رابطه با تعهد	لذت تعهد را تقویت می کند				
سؤال	چه چیزی به عنوان دلیل یا منبع اصلی لذت شما از فعالیت ورزشی مطرح است؟				
پاسخ	آرامش	اهتزاز پرچم	موقعیت اجتماعی	علاقه به ورزش	کسب جایگاه
درصد	۳۷/۵	۱۸/۷۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۲/۵
	۶/۲۵				

همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می کنید، تمامی ورزشکاران عنوان کردند که جایگزینی برای فعالیت ورزشی خود ندارند.

جدول ۳: فعالیت های جایگزین

فعالیت های جایگزین	
حاضر نیستم ورزش را کنار بگذارم.	
تعریف	اولویت های دیگری که ممکن است شما در زندگی داشته باشید که فعالیت ورزشی انجام آن را مشکل یا غیرممکن سازد. / فعالیت های جایگزین به دسترسی و جذابیت دیگر فعالیت ها نسبت به فعالیت ورزشی برمی گردد.
رابطه با تعهد	فعالیت های جایگزین تاثیری بر تعهد ندارد.
سؤال	آیا فعالیت دیگری وجود دارد که شما بتوانید به جای ورزش در آن شرکت کنید؟ اگر هست چه برنامه ای و چگونه؟
پاسخ	جایگزین وجود ندارد
درصد	۱۰۰

همان طور که در جدول زیر مشاهده می‌کنید، ۸۲ درصد ورزشکاران عنوان کردند که سرمایه‌ها تأثیری در هدف آنان ندارد.

جدول ۴: سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری شخصی	
البته این هم می‌تونه در مقطع قهرمانی ملاک باشه اما به طور کلی نه. چون ورزش برای ما یک نیازه.	
تعریف	منابع شخصی که ممکن است شما آن را برای بازی در تیم گذاشته و اگر گروه را ترک کنید نمی‌توانید آن را بازیابی کرده یا برگردانید. / به تخصیص زمان، تلاش و پول بر می‌گردد که بعد از توقف فعالیت ورزشی نمی‌تواند جبران شود.
رابطه با تعهد	سرمایه‌گذاری شخصی تأثیری بر تعهد ندارد.
سؤال	خیلی از مردم در موقعیت شما زمان، تلاش و یا پول زیادی را صرف می‌کنند تا در ورزششان به جایی برسند. آیا شما فکر می‌کنید که تعهد شما به ورزش متأثر از همین موضوع می‌باشد؟
پاسخ	تأثیر ندارد
درصد	۸۲
	تلاش موثراست
	۱۸

داده‌های به دست آمده در مورد محدودیت اجتماعی، نشان می‌دهد که این عامل تأثیری در تعهد ورزشی ندارد. در پاسخ به پرسش مربوط به این مؤلفه، ۷۳ درصد از ورزشکاران عنوان کردند که هیچ اجبار بیرونی وجود ندارد.

جدول ۵: محدودیت اجتماعی

محدودیت‌های اجتماعی	
نه من مجبور نبودم به اختیار خودم بوده.	
تعریف	احساس اجبار جهت ماندن در تیم که به دلیل انتظارات دیگران احساس می‌کنید. محدودیت‌های اجتماعی به تأثیرات اجتماعی بر می‌گردد که ورزشکار را از خاتمه دادن به فعالیت ورزشی اش بازمی‌دارد یا نهی می‌کند.
رابطه با تعهد	بر تعهد تأثیری ندارد.
سؤال	آیا شما فکر می‌کنید که به هر طریقی مجبور به ادامه به فعالیت ورزشی خود هستید؟ اگر این‌گونه است لطفاً توضیح دهید.
پاسخ	اجبار وجود ندارد
درصد	۷۳
	اجبار دورنی وجود دارد
	۲۷

این مؤلفه نیز در پژوهش‌های پیشین جزء عوامل موثر در تعهد ذکر شده بود. در پاسخ به این داده عوامل زیر به دست آمد:

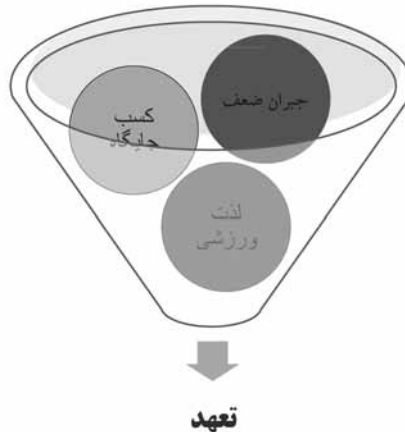
- ۱- آرامش
- ۲- سلامت
- ۳- شور و نشاط

جدول ۶: فرصت‌های اجتماعی

فرصت‌های موجود			
اگر ورزش رو به روزی کنار بگذاریم آرامش و سلامت روحمون رو از دست می‌دیم.			
تعریف	فرصت‌هایی که ممکن است اگر شما در تیم بازی نکنید آن را از دست دهید.		
رابطه با تعهد	فرصت‌های موجود تعهد را تقویت می‌کند.		
سؤال	شما در صورت توقف فعالیت ورزشی خود چه چیزی را از دست خواهید داد؟		
پاسخ	آرامش	سلامت	شور و نشاط
درصد	۴۶	۳۱	۲۳

بحث و نتیجه‌گیری

برای بررسی و تبیین یافته‌ها، ابتدا اطلاعات مربوط به عامل محوری و اصلی این پژوهش - که همان تعهد است - مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و سپس به بررسی عوامل به دست آمده از داده‌ها پرداخته می‌شود. سپس وجوه تشابه و افتراق یافته‌های پژوهش و مطالعات پیشین، تبیین می‌شود.



تعهد:

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، ۵۰ درصد از یافته‌ها را اثبات توانایی به خود اختصاص داده و ورزشکاران از ورزش به عنوان عاملی که تأثیر بسزایی در جبران ضعف آنان و اثبات توانایی‌شان به دیگران و جامعه دارد، نام می‌برند.

عامل دیگری که در تعهد ورزشکاران تأثیر داشته، رسیدن به هدف و کسب نتیجه است. منظور ورزشکاران از کسب هدف، رسیدن به بالاترین و برترین جایگاه ممکن در رشته ورزشی‌شان است. با توجه به همه کاستی‌ها و مشکلاتی که پیش روی ورزشکاران جوان ایرانی است، اما آن‌ها به دلیل انتخاب هدف در

رسیدن به جایگاه عالی ورزش، حاضر به ترک فعالیت ورزشی خود نبودند. البته آموزه‌های فرهنگی و دینی نیز می‌تواند تأثیر فراوانی در این خصوص داشته باشد. ورزشکارانی که در این بین از محیط‌های کوچک و با امکانات کم و زمینه‌های نامساعد به موفقیت‌های بزرگ دست یافته‌اند، این موضوع را به خوبی ثابت کرده‌اند که انتخاب هدف و ایمان به آن، می‌تواند انسان را به اوج برساند. لازم به ذکر است که این عامل، در هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین که بر روی این نمونه صورت گرفته، به دست نیامده است و اشاره‌ای به این مورد نگردیده است.

عامل بعدی، علاقه به ورزش و لذت ورزشی است. ورزشکاران یکی دیگر از دلایل عدم ترک ورزش را لذت از ورزش و علاقه به رشته ورزشی خود اعلام کردند، به طوری که تعداد بسیاری از ورزشکاران جهت ادامه ورزش خود حاضر هستند، مسافت زیادی را طی کرده تا با مربی مورد نظر خود تمرین کنند یا برخی از آنان ماه‌ها از خانواده و شهر خود دور بودند تا بتوانند، در جایی تمرین کنند که امکانات بیشتری را در اختیار داشته باشند. برخی از ورزشکاران حتی از عبارات اعتیاد در مورد ورزش خود استفاده می‌کردند و عنوان می‌کردند، به حدی به ورزش علاقه دارند که به صورت اعتیاد و عادت در آن‌ها شکل گرفته و حاضر به ترک آن نیستند. البته شایان ذکر است که در پژوهش‌های پیشین، عامل و دلیل اصلی تعهد ورزشکاران به ورزش «لذت» عنوان شده، اما در این پژوهش دومین عامل موثر در تعهد محسوب می‌شود.

لذت

این عامل در پژوهش‌های پیشین که از سال ۱۹۹۳ آغاز شد به عنوان مهم‌ترین عامل موثر در فعالیت ورزشی شناخته شده است، حتی در مورد تأثیر آن در تعهد هم باید اشاره نمود که در پژوهش‌های اسکالنن و همکاران (۲۰۰۳) و همچنین پژوهش روی (۲۰۰۴) بالاترین درصد را به خود اختصاص داده بود. در پژوهش حاضر وقتی از ورزشکاران خواسته شد که دلیل اصلی خود را از لذت ورزشی بیان نمایند، آن‌ها موارد زیر را به عنوان دلیل ارائه دادند:

۱- آرامش ۲- اهتزاز پرچم ۳- موقعیت اجتماعی ۴- علاقه به ورزش ۵- کسب جایگاه ۶- هیجان عاملی که در این پژوهش چشمگیر است و این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، آرامش است. ورزشکاران ایرانی، دلیل لذت خود را از ورزش، آرامش ذکر کردند. وقتی از آن پرسیده شد که دلیل و عامل اصلی لذت شما از ورزش چیست؟ حدود ۳۷/۵ درصد از ورزشکاران با اطمینان کامل پاسخ دادند: آرامش. منظور ورزشکاران از آرامش با معنی لغوی آرامش، هماهنگ است. آن‌ها از آرامش به عنوان حالتی همراه با آسودگی و ثبات (دهخدا، ۱۳۸۶: ۹۸) و نیز به معنای آرامش و سکون (ابن منظور، ۱۳۷۲: ۱۰۹۵) در برابر اضطراب و دلهره یادکردند. (دهخدا، ۱۳۸۶: ۹۸) آن‌ها اظهار می‌کردند که انسان به طور طبیعی در طول زندگی در اثر نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و ناآرامی‌های دنیای بیرون، بیش از پیش به احساس امنیت و آرامش نیازمند است و همیشه در پی یافتن راهی جهت رسیدن به آرامش است. (جیمز، ۱۳۵۶: ۱۷۸) ورزشکاران ایرانی ورزش و فعالیت ورزشی را عاملی جهت کسب آرامش و تخلیه تمام انرژی‌های منفی خود ذکر کردند که این موضوع، طبقه جدیدی در نمونه تعهد ورزشی را رقم می‌زند و یکی از وجوه تمایز با نمونه اسکالنن است. علاوه بر آن، هیچ اشاره‌ای به این عامل در پژوهش‌های پیشین نشده است. مکاتب روان‌درمانی، اهداف اصلی خود را رهایی از اضطراب و پدید آوردن احساس امنیت می‌دانند. (جیمز، ۱۳۵۶: ۱۷۸) از میان کوشش‌های فراوانی که برای پیش‌گیری از ابتلا به نگرانی و افسردگی به عمل

آمده، به برخی رویکردهای جدید در میان روانشناسان در مورد تأثیر آرامش در سلامت روان اشاره شده است. البته لازم به ذکر است که علاوه بر این مفاهیم در ورزش، فرهنگ پهلوانی، منش و اخلاق پهلوانی هم توسط مربیان به ورزشکار آموخته می‌شود و از آنان خواسته می‌شود، در برابر سختی‌ها و نامالایمات، آرامش را سر لوحه خود قرار دهند.

دلیل دیگری که به عنوان دلیل لذت از ورزش ذکر گردید، اهتزاز پرچم بود. ورزشکاران عنوان می‌کردند که لذت اهتزاز پرچم در میدان‌های ورزشی وقتی روی سکوی اول ایستاده‌ای، وصف‌ناشدنی است.

فعالیت جایگزین

این مؤلفه در پژوهش‌های پیشین، جزء عوامل موثر در تعهد ذکر شده بود، اما در پژوهش حاضر این عامل هیچ تأثیری در تعهد ندارد، زیرا ۱۰۰ درصد از ورزشکاران به اتفاق ذکر کردند که ورزش تنها فعالیتی است که به آنان آرامش می‌دهد و روی آن تمرکز دارند؛ به طوری که آن‌ها خیلی از لذت‌ها و تفریحات خود را به دلیل ورزش کنار گذاشتند و حاضر به جایگزینی آن نیستند.

سرمایه‌گذاری شخصی

این مؤلفه نیز در پژوهش‌های پیشین، جزء عوامل موثر در تعهد ذکر شده بود، ۸۲ درصد از افراد پاسخ دادند که این عوامل هیچ تأثیری در تعهد آنان به ورزش نداشته، زیرا ورزش عشق و علاقه آن‌ها بوده و این افراد به توانایی خود در نیل به موفقیت در عرصه ورزش ایمان داشتند و به همین دلیل، حاضر به ترک ورزش نبودند. البته ۱۸ درصد این افراد، تلاش و میزان زمان صرف شده را تا حدودی در ادامه فعالیت ورزشی‌شان مؤثر دانسته‌اند؛ اما ورزشکاران اعلام کردند که اگر با جدیت تلاش کنند و برای رسیدن به هدف، صحیح برنامه‌ریزی نمایند، به طور حتم به نتیجه می‌رسند و این یعنی، به درستی سرمایه‌گذاری کردند.

محدودیت اجتماعی

این مؤلفه نیز در پژوهش‌های پیشین، جزء عوامل موثر در تعهد ذکر شده بود. داده‌های به دست آمده در این مورد، نشان می‌دهد که این عامل تأثیری در تعهد ورزشی ندارد. طبق جدول ۵، ۷۳ درصد از ورزشکاران عنوان کردند که هیچ اجبار بیرونی وجود ندارد و هیچ چیز نمی‌تواند انسان را مجبور به انجام کاری کند. تنها چیزی که می‌تواند در این میان تأثیرگذار باشد، احساس مسئولیت و تعهد است که موجب می‌شود اجبار درونی ایجاد شود و انسان را مجبور کند که به هدف خود متعهد گردد.

فرصت‌های موجود

همان‌گونه که در جدول ۶ ملاحظه می‌کنید، در این پاسخ هم بیش‌ترین درصد را آرامش به خود اختصاص داده است. اکثر ورزشکاران عنوان کردند که به توقف فعالیت ورزشی خود فکر نمی‌کنند و اگر روزی فعالیت ورزشی آنان به هر دلیلی متوقف شود، آنان آرامش خود را از دست می‌دهند و این، بدان معناست که بزرگ‌ترین چیزی که با فعالیت ورزشی به دست آورده‌اند، آرامش بوده است. عامل بعدی که آنان عنوان کردند، سلامت است که به واسطه ورزش به دست آورده‌اند و در صورت توقف فعالیت ورزشی، آن را از دست خواهند داد.

منابع

- ابن منظور، لسان العرب (۱۳۷۲) لغت‌نامه. احمد فراهیدی. قم: انتشارات اسوه
- اووه ، فلیک (۱۳۸۷) در آمدی بر تحقیق کیفی. هادی خلیلی. نشر نی
- جیمز ، ویلیام (۱۳۵۶) دین و روان . مهدی قانن. تهران: نشر کتاب
- دهخدا (۱۳۷۷) لغت‌نامه
- زر، عبدالصالح (۱۳۸۶) «روانشناسی و تربیت مدارس». نشاط ورزش. شماره ۷.
- شعبانی بهار، غلامرضا (۱۳۸۸) اصول و مبانی تربیت بدنی. همدان: دانشگاه ابوعلی سینا
- Corbin J, Strauss A. (2008) **Basics Of Qualitative Research , Technique and Procedures for Developing Grounded Theory** . Thousand Oaks.
- Corbin, J. and Strauss, A. (1990) « **Grounded theory research: Procedures, canons and evaluative –criteria**». Qualitative Sociology. 13(1).
- Gluser, B.G. and Strauss A. (1967). **The Discovery of Grounded Theory Strategies For Qualitative research** .Mill Valley.CA: Sociology Press.
- Roy, R.J. (2004) «**A Grounded Theory Approach To Extension and Revision of Scanlan s Sport Commitment Model**». The Degree of Doctor . Simon Fraser University. Ottawa.
- Scanlan , T.K. and lewthwalte , R.(1986)« **Social psychological aspects of competition for male youth sport participants**» . Journal of sport psychology.
- Scanlan , T.K. and Stein , G.L. and Ravizza , K. (1998)« **An in-depth study of former figure skaters : II. Sources of enjoyment**» . Journal of sport & exercise psychology.
- Scanlan , T.K. and Carpenter , P.J. and Schmidt , G.W. and Simons , J.P. and Keeler , B. (1993)« **An introduction the sport commitment model**». Journal of sport & exercise psychology.
- Scanlan , T.K. and Russel , D.G. and Beals , K.P. (2003) «**Project on elite athlete commitment (Peak) : U. A direct test and expansion of the sport commitment model with elite amateur sportsmen**» . Journal of sport and exercise psychology.
- Scanlan, T.K. and Russel , D,G. and Wilson , N.C.« **Project on elite athlete commitment (Peak) : I. introduction and methodology**» . Journal of sport and exercise psychology.



تأثیر یک دوره ورزش درمانی در آب بر کیفیت سبک زندگی زنان مبتلا به استئوآرتریت زانو

شهرام آهانجان^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴

امروزه شرکت در فعالیت بدنی در پیش‌گیری از بیماری‌های مزمنی همچون استئوآرتریت پیشنهاد می‌شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر یک دوره ورزش درمانی در آب بر کیفیت زندگی زنان مبتلا به استئوآرتریت زانو بود.

برای این منظور، ۱۲ زن مبتلا به استئوآرتریت زانو با میانگین و انحراف استاندارد سن $58 \pm 4/70$ سال، قد $163/17 \pm 6/45$ سانتیمتر، وزن $67/83 \pm 6/69$ کیلوگرم به صورت در دسترس هدفمند، به عنوان آزمودنی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد و بومیسازی شده SF-36 استفاده شد. نمونه‌ها برنامه تمرینی ورزش در آب را به مدت ۸ هفته زیر نظر مربی آب درمانی انجام دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از Paired t در سطح معنیداری استفاده گردید ($P < 0/05$).

یافته‌های پژوهش نشان داد سلامت عمومی و عملکرد جسمی پس از اجرای پروتکل به میزان معنی‌داری بهبود یافته بود ($P < 0/05$)، در حالی که بین پیش تا پس آزمون میانگین عملکرد اجتماعی مشکلات جسمانی، مشکلات روحی، درد جسمانی، نشاط و سلامت روان تفاوت معنیداری وجود نداشت ($P > 0/05$). بدین ترتیب، بنا بر نتایج این پژوهش، برنامه تمرینی ورزش در آب می‌تواند به عنوان یک روش تمرینی ایمن و موثر در بهبود سلامت عمومی و عملکرد جسمانی زنان سالمند دارای استئوآرتریت زانو مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: استئوآرتریت، زانو، ورزش در آب، کیفیت زندگی و زنان

مقدمه

استئوآرتریت^۱ به عنوان آرتریت دژنراتیو شناخته می شود که شایعترین نوع آرتریت و بیماری مفصلی در انسان است و می تواند به درد مزمن و ناتوانی شدید بیمار منجر شود. (Jordan J.M. & et al, 1995: 242) استئوآرتریت، بویژه در زانو منجر به ناتوانی در افراد می شود. (Murphy L. & Helmick C.G., 2012: 85) با افزایش سن، اختلالاتی که در دستگاههای مختلف بدن مانند عصبی، اسکلتی-عضلانی، قلب و عروق و سایر دستگاهها ایجاد می شود، تا حدودی فعالیت های جسمانی افراد را تحت تأثیر قرار داده، استقلال در کارها و فعالیت زندگی را کاهش میدهد و در نتیجه وابستگی فرد به دیگران را در انجام کارها افزایش میدهد و بر کیفیت زندگی فرد تأثیر منفی می گذارد. (Newsom, J.T. & Schulz, R., 1996: 34) در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، میزان توجه به استئوآرتریت به عنوان یک علت مهم برای درد و ناتوانی رو به افزایش می باشد. (Lohmander, L.S. et al., 1996: 4231) در برخی از جوامع از جمله ایران نیز به علت عادات خاص که سبب فشار بیشتر به مفصل زانو می شود، استئوآرتریت زانو شایع تر است. (Bayat, N. & et al, 2006: 4) علاوه بر این آرتریت، بویژه در زانو، بیشتر در زنان و با افزایش سن رخ می دهد. (Sturmer, T., Gunther, K.P., Brenner, H., 2000: 307)

دردهای اسکلتی عضلانی مهم ترین دلیل غیبت از کار در دنیای غرب است که اغلب منجر به درد، از دست رفتن قابلیت حرکت و یک ناتوانی بلند مدت می شود. (Klussmann, A. & et al, 2010: 88) از سوی دیگر هزینه های ناشی از بیماری چه به صورت هزینه های مستقیم در رابطه با مراقبت های پزشکی و چه به صورت هزینه های غیر مستقیم حاصل از عدم بهره وری، به بار سنگین اقتصادی و بهداشتی آرتریت می افزاید. (Wang, G. & et al, 2001: 439) از طرفی حفظ عملکرد جسمی برای انجام فعالیت های خود مراقبتی در بیماران مبتلا به بیماری های مزمن از جمله استئوآرتریت الزامی است و در این راستا انجام مرتب ورزش با کامل نمودن قوای جسمانی می تواند بر کاهش درد و بهبود عملکرد جسمانی و در نتیجه، کیفیت زندگی بیمار موثر باشد. (Black, J.M. & et al, 2001)

”بنیاد ملی آرتروز“ برنامه ورزش در آب را برای جامعه بیماران مبتلا به آرتریت پیشنهاد کرده است. (Belza, B. & et al, 2002: 285) ورزش در آب مزیت های فراوانی دارد. با توجه به خواص آب در ایجاد مقاومت، سبک سازی و کم کردن فشار وارده بر مفاصل مبتلا، انجام ورزش با صدمه کمتر و یادگیری آسان تر صورت می گیرد. (Foley, A. & et al, 2003: 1162) ورزش در آب از طریق تقویت عضلات اطراف مفصل و کاهش فشار وارد بر آن، در کاهش درد و بهبود کیفیت زندگی این بیماران موثر است. (Hinman, R.S. & et al, 2007: 32) در کره جنوبی، برنامه های ورزش در آب به طور گسترده ای در سال های اخیر استفاده می شود. (Kang, H.S., 2008; 15: 350)

افزایش سطح فعالیت بدنی به عنوان زیر بنایی در ارتقای سلامت عمومی جوامع در جهت کاهش بیماری هایی مانند بیماری های قلبی عروقی و بیماری هایی مانند پوکی استخوان و غیره توصیه می شود. (Sturmer, T., Gunther, K.P., Brenner, H., 2000: 307)

نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است که بین فعالیت بدنی و خطر استئوآرتریت زانو ارتباط وجود دارد؛

بدین معنی که فعالیت بدنی ممکن است موجب افزایش و یا کاهش خطر بروز استئوآرتریت زانو شود. (Szoek, C. & et al, 2006: ۱۸۳۵) همچنین، ممکن است اثر گذار نباشد.

(Felson, D.T., 1990: 42 & Hootman, J.M. & et al, 2003: 636)

علاوه بر این ممکن است مفصل زانو را از تغییرات دژنراتیو حفظ کند. (Rogers, L.Q. & et al, 2002: 617) با توجه به اثرات ورزش در آب بر استئوآرتریت زانو، مطالعات نشان دادند که ورزش در آب اثرات کم تا متوسطی بر عملکرد و کیفیت زندگی و همچنین اثر جزئی بر درد بیماران مبتلا دارد. به نظر می‌رسد که ورزش در آب اثرات کوتاه مدتی بر استئوآرتریت زانوی سالمندان دارد. به هر حال مطالعات انجام شده در این زمینه، جهت نتیجه‌گیری قطعی بسیار کم است. (Wang, T.J. & et al, 2011: 2609)

همان گونه که در بررسی "تأثیر یک دوره تمرینی ورزش در آب در بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو" بیان شده، ورزش در آب پیشرفت معنیداری را در بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به استئوآرتریت زانو بهبود می‌آورد. (Wang, T.J. & et al, 2011: 2609 & Silva, L.E. & et al, 2008: 12)

لاند و همکاران، در بررسی تأثیر ورزش در آب و خشکی در بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو نشان دادند که ورزش در آب بهبود معنیداری را در کیفیت زندگی افراد مبتلا به استئوآرتریت زانو موجب نمی‌شود. (Lund, H. & et al, 2008: 137)

همان طور که از پیشینه تحقیقات بر می‌آید تا کنون مطالعات محدودی در مورد تأثیر ورزش در آب بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو انجام شده که یافته‌های متناقضی را بیان می‌کنند. همچنین، در ایران چنین مطالعه‌ای که به بررسی اجزای کیفیت زندگی بپردازد، انجام نشده است. بنابراین، در راستای کاهش هر چه بیشتر تعداد نفرات مبتلا به این بیماری و خسارات اقتصادی، اجتماعی ناشی از آن، به نظر می‌رسد که بررسی احتمال بروز یا تشدید بیماری استئوآرتریت زانو، امری لازم و ضروری است.

با توجه به نتایج مطالعات پیشین مبنی بر اثرات مثبت ورزش در خشکی و با تأکید بر فواید ورزش در آب در تقویت عضلات و کاهش صدمات احتمالی ناشی از انجام ورزش در خشکی بر مفاصل و همچنین افزایش مشارکت ایشان در امر خود مراقبتی، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر یک دوره تمرینی ورزش در آب بر سلامت عمومی، عملکرد جسمی، عملکرد اجتماعی، مشکلات جسمانی، مشکلات روحی، درد جسمانی، نشاط و سلامت روان زنان سالمند مبتلا به استئوآرتریت زانو انجام شد.

روش‌شناسی پژوهش

ماهیت تحقیق حاضر کاربردی و از نوع تحقیقات نیمه تجربی بود. جامعه آماری تحقیق حاضر را مراجعه‌کنندگان به مرکز پزشکی ورزشی دانشگاه امیرکبیر تشکیل می‌دادند که از بین آن‌ها ۴۰ نفر حاضر به همکاری شدند.

در ابتدا تأییدیه کمیته اخلاق دانشگاه اخذ گردید و تمامی نمونه‌ها رضایت نامه لازم (کتبی) برای انجام این پژوهش را امضا نمودند. سپس فرم جمع‌آوری اطلاعات که از طریق آن سن، وزن، قد، میزان فعالیت بدنی، سابقه بیماری یا داروهای مصرف شده، وجود آسیب، ضربه یا جراحی در مفصل زانوی افراد مشخص می‌گردید، توسط متخصصان طب ورزشی و ارتوپدی مورد تأیید قرار گرفت و توسط آزمونگر به صورت مصاحبه حضوری تکمیل شد و شرایط سلامتی یا بیماری و آسیب‌دیدگی این افراد کنترل گردید.

سپس نمونه‌ها توسط پزشک متخصص ارتوپدی معاینه و از زانوی هر کدام در دو نما (نمای قدامی- خلفی، نمای جانبی) رادیوگرافی به عمل آمد. تمامی رادیوگرافی‌ها توسط متخصص رادیولوژی مشاهده و بر اساس معیارهای Kellgren-Lawrenc (کاهش فضای مفصلی، تشکیل استئوفیت، اسکروز استخوان زیر غضروف) (۲۳) بررسی شدند و وضعیت هر یک از نماها گزارش شد. (Kellgren, J. & Lawrence, 1957: 494)

سپس علایم کلینیکی و رادیولوژیکی توسط پزشک متخصص بررسی و استئوآرتریت زانو به درجات زیر تقسیم بندی شد:

- ۱- هیچ علامت و یا یافته پاتولوژیکی مشهود نیست.
 - ۲- یافته‌ها نشانگر تغییرات دژنراتیو (استئوآرتریت) خفیف در زانو می‌باشد.
 - ۳- یافته‌ها نشانگر تغییرات دژنراتیو (استئوآرتریت) متوسط در زانو می‌باشد.
 - ۴- یافته‌ها نشانگر تغییرات دژنراتیو (استئوآرتریت) پیشرفته یا شدید در زانو می‌باشد.
- معیارهای ورود به مطالعه نمونه‌ها شامل زنان دارای درد زانو به مدت ۶ ماه یا بیشتر (داشتن درد مزمن و تشدید درد به صورت حاد)، قرار داشتن در سطح عملکردی II و III (بر اساس علایم کلینیکی و رادیولوژیکی)، نبودن در مرحله حاد بیماری، تمایل به شرکت در پژوهش و پیگیری ورزش در آب، سن ۴۵-۶۵ سال بود. همچنین، عدم مصرف داروی تزریقی داخل مفصلی از ۳ ماه قبل، عدم مصرف داروی خوراکی (ضد التهابی غیر استروئیدی) از یک هفته قبل از ورود به مطالعه، نداشتن سابقه ضربه، آسیب یا عمل جراحی و شکستگی در اندام تحتانی و BMI (Body mass index) کمتر از ۳۰ نیز کنترل شد.
- علاوه بر این، عدم سابقه بیماری‌های تهدید کننده مفصل (استئونکروز، دیابت، پوکی استخوان، آرتریت روماتوئید، بیماری عصبی عضلانی، سابقه هرگونه علائمی از بیماری کلاژن واسکولار، آرتریت پسوریازی، آرتریت های ناشی از نقرس و شبه نقرس)، عدم سابقه طولانی مصرف داروی موثر بر سیستم عضلانی-اسکلتی، عدم اعتیاد نیز توسط متخصص بررسی گردید. در ضمن کلیه آزمودنی‌ها از نظر عوامل تأثیرگذار بر عدم هم راستایی اندام تحتانی از جمله ناهنجاری زانوی ضربدری، پرنانزی و غیره که خود از علل استئوآرتریت زودهنگام می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفتند که از این لحاظ هیچ یک از موارد فوق دیده نشد.

معیارهای خروج نمونه‌ها از مطالعه نیز شامل عدم مراجعه منظم بیمار در جلسه تمرینی، تشدید علائم درد و عدم تمایل بیمار به ادامه درمان بوده است. (Ahadi, T. & et al, 2011 :12) در نهایت، بر اساس معیارهای ورود تعداد ۲۰ زن با میانگین و انحراف استاندارد سن $58 \pm 6/70$ سال، قد $163/17 \pm 6/45$ سانتیمتر، وزن $67/83 \pm 6/69$ کیلوگرم به صورت در دسترس هدفمند زیر نظر پزشک متخصص انتخاب شدند که از این تعداد هشت نفر بر اساس معیارهای خروج از مطالعه کنار گذاشته شدند و ۱۲ نفر برنامه تمرینی را به اتمام رساندند.

بعد از ارائه توضیح به آزمودنی‌ها در مورد هدف تحقیق، پرسشنامه استاندارد و بومی سازی شده SF-۳۶ استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۳۶ سوال در هشت بعد است که شامل ابعاد عملکرد جسمانی، محدودیت ناشی از مشکلات جسمانی، درد جسمانی، سلامت عمومی، احساس نشاط، سلامت روانی، محدودیت عملکرد با توجه به مسائل عاطفی و عملکرد اجتماعی می‌شود. به مجموع نمرات ابعاد

هشتگانه سلامت، نمرات صفر تا صد تعلق می گیرد که نمرات بالاتر وضعیت سلامت بهتر را نشان می دهد. (Montazeri, Ali & et al, 2005:875) پس از ارزیابی اولیه، نمونه‌ها برنامه تمرینی ورزش در آب را به مدت ۸ هفته زیر نظر مربی آب درمانی آغاز نمودند و در پایان ماه دوم ارزیابی نهایی صورت گرفت. برنامه تمرینی ورزش در آب سه جلسه در هفته و به مدت دو ماه انجام گردید.

تمرینات ورزش در آب شامل تمرینات قدرتی، استقامتی، تعادلی و کششی با شدت متوسط بود که توسط انجمن طب سالمندان آمریکا توصیه شده است. (J. Am Geriatr Soc, 2001: 808) مدت هر جلسه تمرینی ۵۰ دقیقه بود که ۱۰ دقیقه از زمان کلی هر جلسه به گرم کردن، ۲۰ دقیقه به تمرینات مقاومتی، ۱۰ دقیقه به تمرینات تعادلی، ۵ دقیقه به تمرینات کششی و ۵ دقیقه به سرد کردن اختصاص داشت. این تحقیق از جهت عدم ایجاد هر گونه خطرات جسمی و روان شناختی برای آزمودنی‌های تحقیق، مورد تایید متخصصان و کارشناسان طب ورزشی و ارتوپدی قرار گرفت. همچنین آزمودنی‌های تحقیق قبل از انجام این پژوهش هیچ دوره تمرینی ورزش در آب را تجربه نکرده بودند.

لازم به ذکر است که برای رعایت مسائل اخلاقی و همچنین کنترل مصرف مسکن و یکسان سازی گروه‌ها به بیماران ۱۰ عدد قرص استامینوفن داده شد تا در صورت درد شدید مصرف نمایند و در جلسه بعد مقدار داروی مصرفی را گزارش کنند.

بیماران از مصرف مسکن‌های دیگر منع شده بودند و در صورت مصرف اجباری از مطالعه حذف شدند. ورود به مطالعه کاملاً اختیاری بود و بیمار در هر زمان می‌توانست از مطالعه خارج شود. از آزمون t Paired برای مقایسه میانگین‌ها در دو مرحله قبل و بعد از آزمون، در سطح معناداری $P \geq 0.05$ استفاده گردید. تمامی تجزیه و تحلیل‌های آماری این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS 18 انجام شد.

یافته های پژوهش

نتایج نشان داد که سلامت عمومی و عملکرد جسمی به میزان معنی‌داری در ارزیابی آخر بهبود یافته بود. میانگین و انحراف استاندارد و همچنین نتایج آزمون t وابسته در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: تأثیر تمرین بر سلامت عمومی و عملکرد جسمی

متغیر	گروه	$\bar{X} \pm D$	t نمره	P نمره
سلامت عمومی	پیش آزمون	۵۴/۵۸ ± ۱۷/۹۲	۳-/۵۳	۰/۰۰۵
	پس آزمون	۶۸/۷۵ ± ۱۶/۱۱		
عملکرد جسمی	پیش آزمون	۴۷/۵۰ ± ۲۷/۳۴	۳-/۱۹	۰/۰۰۹
	پس آزمون	۶۸/۷۵ ± ۲۰/۱۲		

نتایج تفاوت معنیداری بین پیش تا پس آزمون میانگین عملکرد اجتماعی، مشکلات جسمانی، مشکلات روحی، درد جسمانی، نشاط و سلامت روان نشان نداد. میانگین و انحراف استاندارد و همچنین نتایج آزمون t وابسته در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: تأثیر تمرین بر عملکرد اجتماعی، مشکلات جسمانی، مشکلات روحی، درد جسمانی، نشاط و سلامت روان

متغیر	گروه	$\bar{X} \pm D$	t نمره	P نمره
عملکرد اجتماعی	پیش آزمون	$62/50 \pm 34/95$	۱-/۶۰	۰/۱۳۷
	پس آزمون	$72/91 \pm 19/82$		
مشکلات جسمانی	پیش آزمون	$54/16 \pm 43/73$	۱-/۶۲	۰/۱۳۳
	پس آزمون	$72/91 \pm 37/62$		
مشکلات روحی	پیش آزمون	$61/11 \pm 46/78$	۱-/۴۳	۰/۱۸۰
	پس آزمون	$72/91 \pm 31/20$		
درد جسمانی	پیش آزمون	$63/12 \pm 26/78$	۰-/۸۶	۰/۴۰۷
	پس آزمون	$67/91 \pm 20/66$		
نشاط	پیش آزمون	$60/00 \pm 25/40$	۱-/۶۰	۰/۱۳۶
	پس آزمون	$69/16 \pm 17/16$		
سلامت روان	پیش آزمون	$69/66 \pm 24/14$	۰/۷۵	۰/۹۴۲
	پس آزمون	$69/33 \pm 18/23$		

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق، نتایج نشان داد که سلامت عمومی و عملکرد جسمی پس از اجرای پروتکل به میزان معنی‌داری بهبود یافته بود، در حالی که بین پیش تا پس آزمون میانگین عملکرد اجتماعی، مشکلات جسمانی، مشکلات روحی، درد جسمانی، نشاط و سلامت روان تفاوت معنیداری وجود نداشت. نتایج نشان داد، برنامه تمرینی ورزش در آب به عنوان یک روش درمانی مناسب سبب بهبود عملکرد جسمی در زنان مبتلا به استئوآرتریت زانو می‌شود. فولی^۱ و همکاران در بررسی تأثیر تمرینات استقامتی در آب بر سلامت جسمی افراد مبتلا به استئوآرتریت زانو،^{۳۵} بیمار با دامنه سنی ۵۰ سال و بالاتر را با استفاده از پرسش‌نامه کیفیت زندگی SF-۱۲ مورد ارزیابی قرار دادند و در نهایت بهبود معنیداری را در سلامت جسمی بیماران نسبت به گروه کنترل مشاهده کردند، که با مطالعه حاضر هم‌خوانی دارد.

(Foley, A. & et al, 2003: 1162)

اما با مطالعه لیم^۱ و همکاران (۲۷) در بررسی یک دوره تمرینی ورزش در آب بر روی سلامت جسمی افراد دارای استئوآرتریت زانو با BMI بیش از ۲۵ کیلوگرم بر متر مربع با استفاده از پرسش نامه SF-۳۶ که بهبود معنیداری را در سلامت جسمی بیماران مشاهده نکردند، هم خوانی ندارد. (Lim, J.Y. & et al, 2010: 723) دلایل احتمالی تفاوت‌های به دست آمده در یافته‌های این تحقیق را می‌توان به متفاوت بودن ارزیابی پرسشنامه در تحقیق لیم و همکاران بیان کرد که مجموعه متغیرهای مربوط به سلامت جسمی از جمله عملکرد جسمی، درد جسمی و مشکلات جسمی را به عنوان یک متغیر بررسی کردند. مطالعات نشان داده‌اند که تولید سایتوکاین اضافی در بدن باعث از بین رفتن غضروف مفصلی و در نتیجه ایجاد بیماری‌های مفصلی از جمله استئوآرتریت می‌شود؛ فعالیت بدنی با کاهش تولید سایتوکاین‌ها موجب کاهش درد جسمانی و بهبود عملکرد جسمی می‌شود. (Valderrabano, V. & Steiger, C. 2011: 1)

همچنین از عوامل دیگری که سبب ایجاد درد جسمانی و کاهش عملکرد جسمی می‌شود، آتروفی عضله است که می‌تواند به دلیل عدم فعالیت باشد. مطالعات نشان داده‌اند که کاهش درد و بهبود عملکرد جسمی در بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو ظاهراً به دلیل بهبود عملکردهای عصبی-عضلانی مربوط به حرکت (افزایش قدرت، تون، و استقامت) عضلات اطراف زانو می‌باشد. (Valderrabano, V. & Steiger, C. 2011: 1, Bartels, E.M. & et al, 2007: 5523, Bosomworth, N.J. 2009: 871) بهبود عملکرد عضلات اطراف زانو توسط تمرینات ورزشی موجب ثبات بیشتر مفصل و جذب بیشتر نیروهای وارده به مفصل توسط عضلات و به موجب آن کاهش درد و افزایش عملکرد جسمی می‌شود، چرا که عدم جذب مناسب نیروهای وارده به مفصل در طی فعالیت‌های روزمره، ورزشی، تفریحی موجب شکستگی‌های ریز در بافت زیر غضروف می‌شود. این فرآیند خاصیت جذب ضربه بافت زیر غضروف را کاهش می‌دهد و موجب افزایش درد و کاهش عملکرد جسمی و کیفیت زندگی می‌شود. (Hinman, R.S. & et al, 2007: 32, Bosomworth, N.J. 2009: 871)

علاوه بر این فعالیت بدنی باعث آزاد شدن اندورفین و در نتیجه افزایش مقاومت به آسیب‌های اسکلتی-عضلانی و افزایش آستانه درد می‌گردد. (Bruce, B. & et al, 2005: 1263) در مجموع، بیان شده که ورزش در آب اثرات کم تا متوسطی بر عملکرد و کیفیت زندگی و همچنین اثر جزئی بر درد جسمانی بیماران مبتلا دارد. به نظر می‌رسد که ورزش در آب اثرات کوتاه مدتی بر استئوآرتریت زانوی سالمندان دارد. (Wang, T.J. & et al, 2011: 2609) همچنین، نتایج تحقیق حاضر نشان داد سلامت روان آزمودنی‌ها پس از اجرای پروتکل تمرینی بهبود نیافت که با یافته‌های مطالعه لیم و همکاران (Lim, J.Y. & et al, 2010: 723) در بررسی یک دوره تمرینی ورزش در آب بر روی سلامت روان افراد دارای استئوآرتریت زانو و مطالعه فولی و همکاران (Foley, A. & et al, 2003: 1162) که پس از اجرای پروتکل تمرینی آب درمانی بهبود سلامت روان را در افراد مبتلا به استئوآرتریت زانو مشاهده نکردند، هم خوانی دارد. در مجموع، بیشتر مطالعات انجام شده در مورد تاثیر ورزش در آب بر روی کیفیت زندگی بیماران مبتلا

به استئوآرتریت زانو به صورت کلی بوده و فقط تعداد اندکی از مطالعات به بررسی اجزای کیفیت زندگی پرداخته اند که آنها نیز فقط سلامت روان و سلامت جسمی مرتبط با کیفیت زندگی این بیماران را بررسی کرده اند.

تنها مطالعه ای که به بررسی تمامی متغیرها پرداخته است، پژوهش کوکران و همکاران (Cochrane, T. & et al, 2005: 80) در بررسی تاثیر شش ماه حرکت درمانی در آب بر استئوآرتریت اندام تحتانی زنان و مردان ۶۰ سال و بالاتر است که با استفاده از پرسشنامه SF-۳۶ بیان کرده اند که متغیرهای عملکرد اجتماعی و سلامت روان بهبودی معنیداری نسبت به گروه کنترل (تمرینات رایج) نداشتند و عملکرد جسمی بهبود معنیداری داشته است که با تحقیق حاضر همخوانی دارد.

همچنین کوکران نشان داد که مشکلات جسمانی، مشکلات روحی، درد جسمانی و نشاط پس از اجرای پروتکل بهبود معنیداری یافتند و سلامت عمومی نیز بهبود معنیداری نداشته است که با نتایج مطالعه حاضر همخوانی ندارد. از دلایل احتمالی تفاوت‌های به دست آمده در یافته‌های این تحقیق را می‌توان به متفاوت بودن روش تحقیق و یا بعضی از متغیرهای تحقیق همچون: نوع پروتکل تمرینی، مدت زمان تمرین، شدت تمرین و تعداد تکرار تمرینات در یک جلسه و حتی شدت بیماری آزمودنی‌های شرکت کننده در این دو تحقیق نسبت داد.

در بررسی مطالعات نزدیک به پژوهش حاضر، صحبتها و همکاران (Sohbatiha, et al, 2010: 99) تحقیقی را در جهت تأثیر تمرینات در آب بر کیفیت زندگی مردان سالمند سالم با استفاده از پرسشنامه SF-۳۶ انجام دادند و بیان کردند که برنامه تمرینی در آب بهبود معنیداری در سلامت عمومی و عملکرد جسمانی افراد ایجاد کرد که با مطالعه حاضر همخوانی دارد. اما در سایر متغیرها نیز بهبود معنیداری مشاهده شده بود که با مطالعه حاضر مغایرت دارد. از دلایل احتمالی تفاوت‌های به دست آمده در یافته‌های این مطالعه را می‌توان به متفاوت بودن آزمودنیها در این دو تحقیق نسبت داد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که انجام تمرینات ورزش در آب توسط بیماران مبتلا به استئوآرتریت به طور کامل امکان پذیر و راحت می‌باشد. از آنجا که این تمرینات کم هزینه اند و آثار جانبی منفی نیز از آنها دیده نشده است، بنابراین می‌توان گفت که احتمالاً تمرینات ورزش در آب، می‌تواند به عنوان یک روش تمرینی ایمن و موثر در بهبود سلامت عمومی و عملکرد جسمی زنان دارای استئوآرتریت زانو مورد توجه قرار گیرد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود متخصصین امر برای پیشرفت درمان بیماران مبتلا به استئوآرتریت برنامه ورزش در آب را نیز تجویز کنند. علاوه بر این توصیه می‌شود تأثیر تمرینات ورزش در آب بر کیفیت زندگی سایر بیماری‌های مزمن نیز بررسی شود.

منابع

- Ahadi, T., Saleki, M., Razi, M., Raeisi, Gh., Forough, B.(2011) "**Comparison of physical modality and knee isometric exercise training on symptom of knee osteoarthritis**". J Gorgan Uni Med Sci. 12 (4) :12-17
- Bartels, E.M., Lund, H., Hagen, K.B., Dagfinrud, H., Christensen, R. & Danneskiold-Samsoe, B. (2007) "**Aquatic exercise for the treatment of knee and hip osteoarthritis**". Cochrane Database of Systematic Reviews. 17: 5523.
- Bayat, N., Gharibdoost, F., Nasiri Afshar, F., Zamani, B. (2006) "**Correlation between lequesne's pain- function index and kellgren-Lawrence radiological classification in knee osteoarthritis**". Feyz; 10(1): 42-5. [In Persian].
- Belza, B., Topolski, T., Kinne, S., Patrick, D.L., Ramsey, S.D.(2002) "**Does adherence make a difference? Results from a community-based aquatic exercise program**". Nurs Res. 51: 285-291.
- Black, J.M., Hawks, J.H., Keene, A.M.(2001) **Medical surgical nursing**. Sixth edition. Philadelphia: WB Saunders
- Bosomworth, N.J. (2009) "**Exercise and knee osteoarthritis: benefit or hazard?**" Can Fam Physician. 55(9): 871-8.
- Bruce, B., Fries, J.F., Lubeck, D.P. (2005) "**Aerobic exercise and its impact on musculoskeletal pain in older adults: a 14 year prospective, longitudinal study**". Arthritis Res. Ther; 7: 1263-1270.
- Cochrane, T., Davey, R.C., Matthes Edwards, S.M. (2005) "**Randomised controlled trial of the cost-effectiveness of water-based therapy for lower limb osteoarthritis**". Health Technol Assess. 9(31): 1-114.
- Felson, D.T. (1990) "**The epidemiology of knee osteoarthritis: results from the Framingham Osteoarthritis Study**". Seminars in Arthritis Rheumatism. 20(3 Supplement 1): 42-50.
- Foley, A., Halbert, J., Hewitt, T., Crotty, M. (2003) "**Does hydrotherapy improve strength and physical function in patients with osteoarthritis: a randomised controlled trial comparing a gym based and a hydrotherapy based strengthening programme**". Ann Rheum Dis. 62: 1162-7.
- Hinman, R.S., Heywood, S.E., Day, A.R. (2007) "**Aquatic physical therapy for hip and knee osteoarthritis: results of a single-blind randomized controlled trial**". Phys Ther.87: 32-43.

- Hootman, J.M., Macera, C.A., Helmick, C.G., Blair, S.N. (2003) **"Influence of physical activity-related joint stress on the risk of self reported hip/knee osteoarthritis: a new method to quantify physical activity"**. Preventive Medicine. 36(5): 636-44.
- Kang, H.S. (2008) **"Factors influencing aquatic exercise adherence of patients with arthritis"**. J Korean Acad Fundam Nurs. 15: 350-9.
- Kellgren, J., Lawrence, J. (1957) **"Radiologic assessment of osteoarthritis"**. Ann Rheum Dis. 16(4): 494-501.
- Klusmann, A., Gebhardt, H, Nubling, M., Liebers, F., Quiros, P.E., Cordier, W., et al. (2010) **"Individual and occupational risk factors for knee osteoarthritis: results of a case-control study in Germany"**. Arthritis Res Ther; 12(3): R88.
- Lim, J.Y., Tchai, E., Jang, S.N. (2010) **"Effectiveness of Aquatic Exercise for obese patients with knee osteoarthritis: A randomized controlled trial"**. The American Academy of Physical Medicine and Rehabilitation. 2: 723-31.
- Lohmander, L.S., Dalen, N., Englund, G., Hamalainen, M., Jensen, E.M., Karlsson, K., et al. (1996) **"Intra-articular hyaluronan injections in the treatment of osteoarthritis of the knee: a randomised, double blind, placebo controlled multicentre trial"**. Hyaluronan Multicentre Trial Group. Ann Rheum Dis; 55(7): 4231-4.
- Lund, H., Weile, U., Christensen, R., Rostock, B., Downey, A., Bartels, E.M., et al. (2008) **"A Randomized controlled trial of aquatic and land-based exercise in patients with knee osteoarthritis"**. J Rehabil Med; 40: 137-144.
- Montazeri, Ali, Goshtasbi, Azita, Vahdaninia, M., Gandek, B. (2005) **"The short form health survey(SF-36): translation and validation study of the Iranian version"**. Quality of Life Research. 14:875-82.
- Murphy, L., Helmick, C.G.(2012) **"The impact of osteoarthritis in the United States a population-health perspective. A population-based review of the fourth most common cause of hospitalization in U.S. adults."** Orthop Nurs. 31(2):85-91.
- Newsom, J.T., Schulz, R.(1996) **"Social support as a mediator in the relation between functional status and quality of life in older adults"**. Psychol Aging. 11(1): 34-44.
- Rogers, L.Q., Macera, C.A., Hootman, J.M., Ainsworth, B.E., Blair, S.N.(2002) **"The association between joint stress from physical activity and self-reported osteoarthritis: an analysis of the Cooper Clinic data"**. Osteoarthritis Cartilage. 10(8): 617-22.

- Silva, L.E., Valim, V., Pessanha, A.P., et al.(2008) **“Hydrotherapy versus conventional land-based exercise for the management of patients with osteoarthritis of the knee: a randomized clinical trial”**. Phys Ther; 88: 12-21.
- Sohbatih, M., Rostamkhani, H., Abbasi, A., et al. (2010) **“The effect of an aquatic exercise program on the quality of life of healthy elderly males: A Comparative study”**. Journal of Research in Rehabilitation Sciences. 6(2): 99-107.
- Spector, T.D., Harris, P.A., Hart, D.J., Cicuttini, F.M., Nandra, D., Etherington, J., et al. (1996) **“Risk of osteoarthritis associated with long-term weight-bearing sports: a radiologic survey of the hips and knees in female ex-athletes and population controls”**. Arthritis Rheum. 39(6): 988-95.
- Sturmer, T., Gunther, K.P., Brenner, H.(2000) **“Obesity, overweight and patterns of osteoarthritis: the Ulm Osteoarthritis Study”**. J Clin Epidemiol. 53: 307-13.
- Szoek, C., Dennerstein, L., Guthrie, J., Clark, M., Cicuttini, F. (2006) **“The relationship between prospectively assessed body weight and physical activity and prevalence of radiological knee osteoarthritis in postmenopausal women”**. J Rheumatol. 33(9): 1835-40.
- Valderrabano, V., Steiger, C. (2011) **“Treatment and Prevention of Osteoarthritis through Exercise and Sports”**. J Aging Res. 1-6.
- Wang, T.J., Lee, S.C., Liang, S.Y., Tung, H.H., Wu SF, Lin, Y.P.(2011) **“Comparing the efficacy of aquatic exercises and land-based exercises for patients with knee osteoarthritis”**. J Clin Nurs.20: 2609-22.
- Wang, G., Helmick, C.G., Macera, C., Zhang, P., Pratt M.(2001) **“Inactivity-associated medical costs among US adults with arthritis”**. Arthritis Care Res. 45: 439-45.
- White, J.A., Wright, V., Hudson, A.M. (1993) **“Relationships between habitual physical activity and osteoarthritis in ageing women”**. Public Health. 107(6): 459-70.
- (2001) **Exercise prescription for older adults with osteoarthritis pain: consensus practice recommendations. A supplement to the AGS Clinical Practice Guidelines on the management of chronic pain in older adults**. J Am Geriatr Soc. 49(6): 808-23.



بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی جوانان عضو شبکه های اجتماعی مجازی

امراالله امانی کلاریجانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۴

این پژوهش به عنوان یک تحقیق کاربردی بر آن است تا یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی را در میان جوانان عضو شبکه های اجتماعی مجازی مورد بررسی قرار دهد. مدل بررسی بر اساس مدل ولمن است. ولمن سرمایه اجتماعی شبکه را در سه بعد ساختی، تعاملی و کارکردی مورد بحث قرار داده که هر بعد نیز از شاخص های خاصی تشکیل شده است. در انجام پژوهش از دو روش ترکیبی استفاده شده است. یعنی دو روش اسنادی و پیمایشی را تلفیق نموده ایم. در واقع در این پژوهش ادبیات تحقیق و مبانی نظری بر اساس روش اسنادی گردآوری شده است، اما ادامه مسیر یعنی جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس روش پیمایشی انجام شده است. با توجه به گستردگی تحقیق، در این مقاله تنها به بررسی یک بعد از ابعاد سرمایه اجتماعی پرداخته شد و آن بعد، بعد کارکردی سرمایه اجتماعی است. در بعد کارکردی نیز میزان انواع ششگانه ارایه و دریافت حمایت اجتماعی بررسی گردید که به تفکیک در قالب توزیع فراوانی در مقاله نشان داده می شود. نتایج نشان می دهد که جوانان عضو شبکه های اجتماعی مجازی عضو میزان حمایت اجتماعی متقابل را پایین می دانند؛ به طوری که حدود ۶۲/۸ درصد میزان حمایت را کم، ۱۹/۵ درصد متوسط و ۱۷/۸ درصد زیاد می دانند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، خصوصیات ساختی، خصوصیات تعاملی، خصوصیات کارکردی و حمایت اجتماعی

مقدمه

در سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به معنای این که مشارکت کردن در گروه و جامعه می‌تواند برای فرد منافع و کارکردهای مثبت داشته باشد، یکی از رایج‌ترین واژه‌هایی است که از علوم اجتماعی وارد ادبیات حوزه‌های دیگر علمی و حتی وارد زبان عمومی شده است. تأکید بر اهمیت اثرات مثبت روابط اجتماعی بر روی فرد و نگرانی و دغدغه نسبت به تنزل روابط اجتماعی معنادار در جوامع جدید، از مفاهیم و بحث‌های قدیمی جامعه‌شناسی می‌باشند و می‌توان گفت واژه سرمایه اجتماعی در این معنی، مفهوم نو و جدیدی نیست و به آرای پیشکسوتان جامعه‌شناسی مانند کارل ماکس، امیل دورکیم و یا گئورگ زمیل بر می‌گردد. به نظر امیل دورکیم، در شرایطی که انسجام اجتماعی کاهش یابد و سنت‌ها و هنجارهای جامعه فرد را در رفتار اجتماعی‌اش راهنمایی نکنند، فرد دچار بی‌هنجاری (آنومی) می‌شود و بسیاری از رفتارهای ناهنجار، از جمله خودکشی، افزایش خواهند یافت.

کارل مارکس در بحث معروف خود درباره «از خود بیگانگی» آثار منفی و مخرب تقسیم فزاینده کار بر روی انسان‌ها را مطرح نمود و گئورگ زمیل ادعا می‌کرد که شهرنشینی با بوجود آوردن عقلانیت ابزاری و تحریک شدید عصبی، باعث پیدایش دزدگی در روابط اجتماعی و همچنین بی‌تفاوتی انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌شود. سؤالاتی که اکنون می‌تواند مطرح شود این است که با توجه به مسبق به سابقه بودن مفاهیم انسجام اجتماعی، وحدت گروهی، ادغام بودن فرد در جامعه و مانند آن، اهمیت یافتن مفهوم سرمایه اجتماعی از چه قرار است؟

به طور کلی می‌توان گفت که تحقیقات معاصر درباره جامعه مدنی (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۵) به این نتیجه عام دست یافته‌اند که در نظام اجتماعی، سه عنصر مهم وجود دارند که بعضاً با یکدیگر متحاضم بوده و اگر بین آنها تعادل ایجاد نشود، جامعه با مشکل روبرو خواهد شد. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: بازار (اقتصاد)، اجتماع و دولت. تجربه کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که تسلط و قدرت بلامنزاع هر یک از این حوزه‌ها، می‌تواند آثار مخرب و آسیب‌های جدی برای جامعه به همراه داشته باشد. دولت بسیار قدرتمند و یکه تاز به استبداد و استالینیسیم منجر می‌شود، در صورتی که بازار افسار گسیخته و بدون نظارت به مافیاهای اقتصادی منجر می‌شود (مانند روسیه بعد از فروپاشی شوروی) و اجتماع به خود رها شده نیز (آنچنان که توماس هابز در قرن هیجده ادعا کرده بود) می‌تواند به منازعات قومی و جنگ داخلی ختم شود (مانند یوگسلاوی). (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۲۹۵) در چنین فضایی است که طرح سرمایه اجتماعی جذاب به نظر می‌رسد؛ یعنی در قرن حاضر، با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک و بخصوص فرآیند جهانی شدن، نیروهای اقتصادی رونق فراوانی یافته‌اند و حیطه اثرگذاری آنها بسیار وسیع شده است. همچنین، دولت‌ها با توجه به مسئولیت‌های هر چه بیشتری که به عهده می‌گیرند و نقش فعالی که در بسیاری از زمینه‌ها بازی می‌کنند، بسیار قدرتمند و بزرگ شده‌اند. در مقابل روابط اجتماعی و نقشی که آنها در جامعه بازی می‌کنند، آرام آرام تضعیف شده و در چین فضایی، صحبت کردن از اهمیت روابط اجتماعی و اینکه اینگونه روابط می‌تواند کارکردهای مثبت و منفی داشته باشند جلب توجه می‌کند. در واقع، واژه سرمایه اجتماعی که در اواسط سال‌های ۱۹۸۰ توسط افرادی چون کلمن و یا بورديو مطرح گردید، امروزه به یکی از مصطلح‌ترین مفاهیم علوم انسانی تبدیل شده است. درعین حال وجود کلمه سرمایه درواژه سرمایه اجتماعی، تأکید بر این دارد که سرمایه اجتماعی مثل سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی، مولد است؛ یعنی فرد می‌تواند از طریق سرمایه اجتماعی

ارزشی بوجود آورد، کاری انجام دهد، به هدفی نایل شود و آمورتی را به انجام برساند که در صورت فقدان سرمایه اجتماعی، آن اثر بوجود نمی‌آید.

بیان مساله

انسان به طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را بر طرف می‌سازد و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌ها، متقابل و نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیر ممکن می‌سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموعه عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی در برگیرنده مفاهیمی همچون: اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را به سوی دستیابی به هدف ارزشمند هدایت می‌کند. از این رو، شناخت سرمایه اجتماعی می‌تواند جوامع را در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نماید و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع گردد.

اگر توسعه را به معنای بهبود استاندارد های زندگی و ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی تر بدانیم، چه عواملی می‌توانند پیش برنده این خواسته در یک واحد ملی باشند؟ پاسخ گویی به این سوال، ادبیات غنی و پر دامنه ای را رقم زده است. تا قبل از دهه ۷۰، مطالعات توسعه بیشتر بر پارامترها تکیه و تاکید داشت، در این دهه توجهات بیشتر به سوی عوامل اجتماعی و فرهنگی معطوف گشته و در این چرخش نظری، بر مقوله (سرمایه اجتماعی) متمرکز شده است.

سرمایه اجتماعی اگر چه مفهومی نوین و نو پا در عرصه مطالعات اجتماعی است، اما ریشه در روابط نوع بشر دارد. امروزه این امر مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان شمول و بستر مناسب برای زیست اجتماعی، تنها با وجود سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی از طریق جریان های اطلاع رسانی مثل آموزش مربوط به مشاغل، تبادل عقاید، تبادل اطلاعات هنجارهای مربوط به معاملات در شبکه های اجتماعی، مشارکت های مردمی، گروه های خود یاری، روحیه جمع گرایی در برابر فرد گرایی و نوع دوستی شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی در بین گروه های دوستی، همسایگان، هم مسلکان، هم مدرسه ای ها، اعضای کلوپ های ورزشی و..... قابل مشاهده است. در کل می‌توان سرمایه اجتماعی را زیر بنا و زمینه ساز اصلی فرایند مدرنیزاسیون دانست. پس به دلیل قرار داشتن کشور ما در حالت گذار و ضرورت برنامه ریزی های همه جانبه به منظور دستیابی به توسعه پایدار و عبور از حالت گذار و رسیدن به یک ثبات نسبی و واقعی، شناخت میزان و نوع سرمایه اجتماعی و به کارگیری عواملی که سبب افزایش این متغیر اجتماعی می‌شود، لازم است. ما نیز در این مقاله بر آنیم تا به منظور روشن تر شدن ابعاد و فضای نظری مسئله، ضمن تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی، به بررسی مبانی و چارچوب نظری آن بپردازیم. در ادامه مطابق با نتایج یک تحقیق میدانی، وضعیت یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی را در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قیام دشت (تهران شرق) مورد بررسی قرار می‌دهیم - این بعد مهم، همان حمایت اجتماعی است که خود از خصوصیات کارکردی سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید. اکثر تحقیقاتی که با رویکرد شبکه، بحث حمایت اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، در کشورهای غربی انجام شده‌اند که موضوع خدمات تأمین اجتماعی و کمک های رسمی دولت در آنجا کاملاً جا افتاده

است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه شرایط تا حدی متفاوت است؛ بخش رسمی هنوز قابلیت و توانایی خدمات رسانی را ندارد و منابع بیرونی در یاری رسانی به افراد، معمولاً پیوندهای آنان با خویشاوندان، همسایگان و دوستان خواهد بود که البته هریک از انواع پیوندها، نوع خاصی از حمایت را فراهم می کنند و به نوعی پیوندها از نظر حمایتی که ارائه می دهند، شخصی شده اند. پیوندهای افراد با خویشاوندان، دوستان و همسایگان متفاوت است، اما اینکه تعداد هریک از این گروه پیوندها در شبکه افراد چقدر باشد، به ویژگی های فرهنگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بستگی دارد. (باستانی، ۱۳۹۱)

در نتیجه، ضرورت یک تحقیق میدانی با رویکرد جامعه شناختی (که حمایت اجتماعی را در قالب یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی می بیند) بیشتر احساس گردید.

تعریف سرمایه اجتماعی

رابرت پوتنام

رابرت پوتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از اعتماد، هنجارها و شبکه های پیوند می داند که همکاری را برای سود متقابل تسهیل می کند و نتیجه آن انواع متفاوتی از کنش های جمعی است. (ویتر، ۲۰۰۰: ۳) او سه شاخص برای سرمایه اجتماعی در نظر می گیرد: آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی.

جیمز کلمن

کلمن در تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک می گیرد و تعریف کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه می دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: اول، همه آنها شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند؛ دوم، کنش های معین افرادی که در درون یک ساختار قرار دارند را تسهیل می کنند. شکل معینی از سرمایه اجتماعی در تسهیل کنش معین ارزشمند بوده و ممکن است برای کنش های دیگر بی فایده یا کم فایده باشد. کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد.

او شاخص های زیر را برای سرمایه اجتماعی در نظر می گیرد:

- تعهدات ایجاد شده
- دسترسی اطلاعات
- هنجارهای اجتماعی
- اقتدار
- هویت

از نظر کلمن سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه انسانی به همراه دارد. (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۶۰)

پیر بوردیو

از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده تر، عضویت در گروه برای دستیابی به منابع آن گروه است. در واقع، پیوندهای شبکه ای باید از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی در نهایت می تواند سرمایه اقتصادی به همراه داشته باشد. (چلبی، ۱۳۷۵)

از دیدگاه بوردیو سرمایه اجتماعی دو شاخص اساسی دارد: (۱) اعتماد (۲) پیوند.

فرانسیس فوکویاما

از دید فوکویاما، سرمایه اجتماعی وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها و هنجارها ممکن است به هنجارها و ارزش‌هایی منتهی باشد.

فوکویاما در ارتباط با سرمایه اجتماعی بر دو نکته را تأکید می‌کند:

- ۱- سرمایه اجتماعی متعلق به گروه هاست نه افراد؛ به عبارت دیگر، هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارند که بیش از یک فرد در آن سهم باشند.
 - ۲- همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی (خواه بد و خواه خوب) ضروری است. پس ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی می‌تواند مثبت و منفی باشد. (علاقه‌بند، ۱۳۸۴)
- از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی دو بعد اصلی دارد: (۱) ارزش‌های غیر رسمی (۲) هنجارهای غیر رسمی.

حمایت اجتماعی

درباره حمایت اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده که لازم است به برخی از آنها اشاره می‌شود: هاوس (۱۹۸۱) حمایت اجتماعی را نوعی مبادله بین فردی تلقی می‌کند که پیوندهای عاطفی، کمک‌های موثر ابزاری، ارائه اطلاعات و اظهار نظر و ارزیابی دیگران را در بر می‌گیرد. حمایت عاطفی، تأمین‌کننده اعتماد، همدلی و عشق برای فرد است و بر دوست داشتن، مراقبت و توجه از وی دلالت دارد. رفتارهای کمک‌کننده متکی بر تأمین زمان، مهارت و منابع برای فرد، حمایت ابزاری به شمار می‌آیند. حمایت اطلاعاتی نیز به مشورت و راهنمایی ارجاع می‌شود، حال آنکه حمایت ارزیابی‌کننده بازخوردهای ارزیابی‌کننده عملکرد فرد را در بر می‌گیرد.

شافر، کوین و لازاروس (۱۹۸۱) با تأکید بر ادراکات ذهنی فرد، حمایت اجتماعی را ارزشیابی‌ها و ارزیابی‌های فرد از اینکه آیا و به راستی تا چه حد یک تعامل یا الگوی تعاملات یا روابط برای وی سودمند است، می‌دانند. (رستگار خالد، ۱۳۸۱: ۱۶۲ به نقل از اسپنجر، ۱۹۸۱: ۳۸۴)

ساراسون (۱۹۸۷) حمایت اجتماعی را ادراک فرد از اینکه مورد محبت، علاقه مندی و ارزشمندی برای دیگران است و به حضور افرادی که آمادگی همیاری و مساعدت به فرد را در موقعیت‌های فردی دارند، تعریف می‌کند. (لیوارجانی، ۱۳۷۱: ۳۱)

ساراسون ابعاد حمایت اجتماعی را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- حمایت هیجانی: مهارت در کسب کمک از دیگران به هنگام شدت یافتن فشار روانی را شامل می‌شود.
- ۲- حمایت شبکه اجتماعی: موجب کاهش فشار روانی از طریق دسترسی به عضویت در شبکه و کمک به فراموش کردن مشکلات می‌گردد.
- ۳- حمایت عزت نفس: به این معنا که دیگران به فرد بقبولانند که قابلیت‌های ویژه‌ای دارد.
- ۴- حمایت وسیله‌ای: عبارت است از دسترسی به منابع مالی و خدماتی به هنگام مواجهه با رویدادهای فشارزای روانی.

۵- حمایت اطلاعاتی: در بر دارنده آرایه اطلاعات برای درک رویدادهای فشارزای روانی است. (ساراسون، ۱۹۹۰)

کوهن و آتونیسمی (۱۹۸۰) حمایت اجتماعی را ترکیبی از سه عنصر عاطفه، تصدیق و یاری تعریف کرده اند. عاطفه شامل اظهار عشق و محبت، تصدیق آگاهی از رفتار و بازخوردهای مناسب و یاری شامل مساعدت مستقیم (مانند پول قرض دادن و یاری دادن در انجام کارها) است. (لیورجانی، ۱۳۷۱: ۳۱ به نقل از آبی ۱۹۸۵)

گانستر و ویکتور، حمایت اجتماعی را به دو نوع کارکردی و ساختاری طبقه بندی می کنند: حمایت اجتماعی ساختاری^۱ در بر گیرنده امور عینی و به خصوص روابط اجتماعی رسمی یا غیررسمی فرد با دیگران و تعداد نقش هایی است که او ایفا می کند و به همین دلیل، حمایت ساختاری ناظر به شبکه روابط اجتماعی با دیگران، به ویژه تعداد افرادی که با یکدیگر تعامل دارند، نوع و میزان ارتباطی است که مجموعه ای از افراد را در یک شبکه اجتماعی معین به هم پیوند می دهد. در حالی که حمایت اجتماعی کارکردی^۲ (کنشی) بعد کیفی روابط اجتماعی است که فرد برقرار می کند و تا حد زیادی به ویژگی ها و خصایص روابط اجتماعی مربوط می شود. اهمیت آن از این روست که روابط مذکور تا چه حد می تواند برای فرد در برخورد با فشارهای روانی و اجتماعی نقش محافظ و تعدیل کننده داشته باشد. به همین اعتبار این نوع حمایت ناظر بر آثار و نتایجی است که از روابط و تعاملات اجتماعی برای فرد حاصل می شود و چند شکل عمده دارد که عبارت اند از: حمایت اطلاعاتی از قبیل ارائه اطلاعات و راهنمایی برای رفع مشکل، حمایت ابزاری نظیر قرض دادن پول و خریداری اجناس و حمایت عاطفی نظیر تعامل صمیمانه یا روابط احترام آمیز و تقویت حرمت ذات فرد و حس ارزشمندی در او. (رستگار خالد، ۱۳۸۱: ۱۶۳ به نقل از اسپچفر، ۱۹۸۱: ۳۸۶)

تریدی (۱۹۸۵) معتقد است که رویکردهای مختلف محققان در بررسی حمایت اجتماعی عبارت است از: ۱- جهت^۳ حمایت: حمایت اجتماعی نوعی مبادله اجتماعی است که در آن حمایت هم داده و گرفته می شود- هر چند بیشتر تحقیقات بر حمایت گرفته شده تمرکز داشتند.

۲- ترتیب^۴ حمایت: برخی از تحقیقات بر حمایت در دسترس توجه کرده اند؛ یعنی، کیفیت و کمیت حمایتی که فرد به آنها دسترسی داشته باشد. حال آنکه برخی محققان بر حمایت به اجرا گذاشته شده تاکید داشته اند. بدین معنا که فرد تا چه حد عملاً از این منابع بهره برده است.

۳- توصیف^۵ یا ارزیابی^۶ حمایت: این دو مفهوم در بر گیرنده دو جنبه متمایز از حمایت اجتماعی هستند؛ از یک سو برخی از محققان بر رضایت فرد از حمایت اجتماعی ایبی که دریافت داشته است تاکید کرده اند، از سوی دیگر برخی از مطالعات صرفاً توصیف فرد از حمایت اجتماعی را مطرح کرده اند.

-
1. Structural Support
 2. Functional Support
 3. Direction
 4. Disposition
 5. Description
 6. Evaluation

۴- محتوای^۱ حمایت: محتوای حمایت از یک وضعیت به وضعیت دیگر تا حد زیادی تنوع می پذیرد.
 ۵- شبکه های حمایت: این بعد در برگیرنده ابعاد پیشین است و بر منابع اصلی حمایت اجتماعی نظیر خانواده، دوستان نزدیک، همسایگان، همکاران، متخصصان و اجتماع دلالت می کند. برخی مطالعات بر شبکه متمرکز بوده اند، در حالی که برخی مطالعات، خصایص افراد درون شبکه های حمایت را بررسی کرده اند. (تریدی، ۱۹۸۵: ۱۸۸)

مسعود چلپی نیز حمایت اجتماعی را این گونه تعریف می کند: روابط و مبادلات نامتقارن گرم و شئونات مختلف زندگی و ابعاد مختلف روابط امداد رسانی داوطلبانه که شامل بعد معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، بعد مادی (کمک های اقتصادی)، بعد عاطفی (ابراز همدردی) و بعد منزلتی (اعاده کرامت انسانی) می شود. (چلپی، ۱۳۷۵: ۱۵۸)

از نظر جامعه شناسان و روانشناسان منبع حمایت اجتماعی دو قسم دارد:

الف: در درون جامعه و روابط آن قرار دارد و به روابط، چگونگی و تعداد روابط با دیگران می پردازد.
 ب: در درون فرد و ادراک او وجود دارد. فرد احساس حمایت و در نتیجه آرامش و عزت نفس می کند، حتی اگر ارتباطات او کم باشد. (گل رضایی، ۱۳۷۵: ۳۸)

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی یک مفهوم نو و کارآمد در علوم اجتماعی است که از اقتصاد گرفته شده است و همان بار مفهومی را نیز دارد. به عبارت دیگر، همان احکام سرمایه های اقتصادی بر سرمایه اجتماعی نیز حاکم است و می توان سرمایه اجتماعی را همانند یک منبع قابل استفاده و کارآمد برای افراد اجتماع ایجاد کرد و روند و بستر افزایش یا کاهش آن را برنامه ریزی نمود. سرمایه اجتماعی را می توان همانند سرمایه های اقتصادی تقویت یا تضعیف نمود و یا در آن سرمایه گذاری کرد. برای سرمایه اجتماعی نیز می توان سازوکارهای افزایش یافته و یا کاهشنده را طراحی و با سیاست گذاری های متناسب، آن را ارتقا داد و یا از فرسایش آن جلوگیری کرد. آنچه که در سرمایه اجتماعی و مفهوم آن مطرح می شود، سرمایه گذاری در روابط اجتماعی و همچنین افزایش، گسترش و به اشتراک گذاشتن منابع در روابط اجتماعی و یا از طریق آن برای تسهیل کنش جمعی و گسترش اعتماد و بده و بستان در جامعه است. از این رو، روابط اجتماعی بستر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی محسوب می شود. (شجاعی باغینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵) در نتیجه سازوکارهای کنترل اجتماعی، مارپیچ های افزایش یافته و یا کاهشنده اعتماد بین سطوح مختلف جامعه و یا در آن، و همچنین میزان بده و بستان، تعاملات، همیاری، همکاری و سیستم های حمایت اجتماعی همگی تابعی از میزان و نوع سرمایه اجتماعی موجود در جامعه هستند و شدت و ضعف موارد فوق می تواند تعیین کننده وجود، گستره، روند و دامنه انواع بحران های اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه باشد. (همان: ۸)

در نتیجه می توان سرمایه اجتماعی را بین افراد جامعه به منزله یک شبکه اجتماعی از روابط دید که افراد در پناه آن ضمن ارتباط مستمر و مداوم می توانند به ارایه و دریافت انواع حمایت های اجتماعی از یکدیگر نایل گردند. چارچوب نظری این تحقیق و مقاله نیز بر مبنای تئوری هایی بنا گردید که سرمایه اجتماعی را

به عنوان یک شبکه ای از روابط بین افراد و گروه های مختلف جامعه می بینند. دیدگاه شبکه از مهمترین این دیدگاه هاست که جامعه شناسان مختلف در آن حضور دارند و نگاهشان به منطق و نگرش این مقاله نزدیک است. از بین این جامعه شناسان، ولمن از مهمترین و تاثیرگذارترین آنها می باشد که از نظریه او در مقاله استفاده می شود.

یکی از اعضای اصلی دیدگاه شبکه، ولمن است. ولمن معتقد است مساله اصلی در دیدگاه شبکه روابط است و واحدهای تشکیل دهنده ساخت جامعه، شبکه های تعاملی هستند. ساخت اجتماعی به عنوان یک شبکه، از «اعضای شبکه» و مجموعه ای از «پیوندها» که افراد، کنشگران و گروه ها را به هم متصل می سازد، تشکیل شده است. اعضای شبکه ها می توانند افراد، گروه ها، نهادها و موجودیت های حقوقی و یا سازمان ها و.... باشند. (ولمن، ۱۹۹۸ به نقل از باستانی و صالحی، ۱۳۸۶: ۴۹) بلوک های اصلی شبکه «ارتباط» هستند و دیدگاه شبکه با مطالعه روابط اجتماعی موجود بین مجموعه ای از افراد، به تحلیل ساخت اجتماعی می پردازد و ضمن اینکه به کل ساخت توجه می کند، الگوی روابط موجود در ساخت را نیز مورد توجه قرار می دهد. بنابراین نقطه تمرکز دیدگاه شبکه این است که به جای تاکید بر کنشگران و ویژگی های فردی شان به عنوان واحد تحلیل، به ساختار روابط کنشگران توجه می کند. (کارتوسی، ۲۰۰۴: ۱ به نقل از باستانی و صالحی، ۱۳۸۶: ۶۸) پیوندها و روابط که بحث اصلی دیدگاه شبکه است، به عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می شود. محققان دیدگاه شبکه خصوصیات شبکه را در سه بعد طبقه بندی می کند:

خصوصیات ساختی: اندازه، تراکم^۲ و ترکیب^۳

خصوصیات تعاملی: شیوه تماس، فراوانی تماس، دوام رابطه^۴ و صمیمیت^۵

خصوصیات کارکردی: انواع حمایت (باستانی و صالحی، ۱۳۸۶: ۶۸)

ولمن معتقد است بهترین روش برای مطالعه ساختار اجتماعی مطالعه روابط بین اعضای آن ساختار است. تحلیل گر ساختاری به دنبال شناسایی ساختارهای عمیق است. او می کوشد نشان دهد که چگونه ساختارهای شبکه ای، رفتارها را تحت تاثیر قرار می دهند. به همین جهت ولمن مدعی است که تحلیل شبکه یک ابزار فکری اساسی در مطالعه ساخت های اجتماعی است. (چلبی، ۱۳۸۵: ۶۰)

ولمن معتقد است الگوهای پیوند بین اعضای شبکه، هم نوعی فرصت است و هم نوعی محدودیت، زیرا این الگوها بر میزان دسترسی افراد به منابعی نظیر اطلاعات، ثروت و قدرت اثر دارند. از نظر او، نظام اجتماعی به صورت شبکه ای از روابط به هم وابسته است که در آن افراد دسترسی یکسانی به منابع کمیاب ندارند. از این رو، محقق اجتماعی باید در تبیین رفتار به توزیع فرصت ها توجه کند؛ یعنی دسترسی نابرابر به منابعی مثل اطلاعات، ثروت، نفوذ و دسترسی افراد به منابع. (شارع پور، ۱۳۸۸: ۱۷۰)

در مورد شبکه ها و روابط اجتماعی میان افراد و همچنین خصوصیات شبکه (ساخت، ترکیب و محتوا) تحقیقات بسیاری انجام گرفته است که این مطالعات به تاثیر ساختار، ترکیب و محتوای روابط اجتماعی،

1. Size
2. Density
3. Composition
4. Frequency
5. Intimacy
6. Durability

بر رفتار افرادی که با هم در کنش متقابل هستند پرداخته اند. در این تحقیقات، روابط و پیوندهای بین افراد و کیفیت و کمیت این روابط (سایز، تراکم، ترکیب، فراوانی و شیوه تماس، چندگانگی، تجانس و.....) و حمایت هایی که در این پیوندها بین کنشگران رد و بدل می شود، مورد توجه قرار گرفته است.

افراد حمایت های متنوعی را از اعضای شبکه خود دریافت می کنند. مطالعات گسترده در مورد حمایت اجتماعی نشان داده است که خویشاوندان (دور و نزدیک)، دوستان، همسایگان و همکاران منابع مهمی می باشند که می توان در صورت نیاز به آنان مراجعه کرد. پیوندهای گوناگون، حمایت های اجتماعی متنوعی را برای اعضای شبکه فراهم می سازد. به عبارت دیگر، با تنوع روابط، افراد به طیف وسیعی از حمایت های مختلف دست می یابند. حمایت های اجتماعی افراد را قادر می سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران های زندگی را داشته باشند. به نظر ولمن (۱۹۹۲) منبع حمایت و اینکه چه نوع پیوندهایی، چه نوع حمایتی را فراهم می کنند از اهمیت بسزایی برخوردار است.

حمایت اجتماعی انواع متفاوتی دارند که عبارتند از: حمایت مصاحبتی^۱، حمایت عاطفی^۲، حمایت خدمتاتی^۳، حمایت مالی^۴، حمایت اطلاعاتی^۵ و حمایت مشورتی^۶. (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۰ به نقل از باستانی و صالحی، ۱۳۸۶: ۶۸) فیشر^۷ بر سه نوع حمایت تاکید می کند: حمایت مشورتی، حمایت مصاحبتی و حمایت عملی^۸.

در مطالعه حمایت اجتماعی، عوامل موثر بر انواع حمایت ها مورد توجه قرار گرفته است که نتایج حاکی از آن است که انواع حمایت های فراهم شده، بیشتر تحت تاثیر خصوصیات روابط هستند تا ویژگی های فردی. به عبارت دیگر، ویژگی های شبکه مهمتر از ویژگی های فردی می باشند. بر این اساس، اندازه شبکه، ترکیب، تراکم و دیگر خصوصیات شبکه در ابعاد ساختی و تعاملی بر میزان و نوع حمایت دریافتی تاثیر می گذارند. (ولمن، ۱۹۹۹: ۲۵-۲۴ به نقل از باستانی و صالحی، ۱۳۸۶: ۶۹)

جدول ۱: شاخص های ابعاد سه گانه سرمایه اجتماعی شبکه

بعد ساختی	بعد تعاملی	بعد کاربردی
اندازه شبکه	شیوه تماس	حمایت مالی
تراکم شبکه	فراوانی تماس	حمایت عاطفی
ترکیب شبکه	دوام رابطه	حمایت مشورتی
	صمیمیت	حمایت مصاحبتی
		حمایت عملی
		حمایت اطلاعاتی

(ولمن: ۱۹۹۹: ۲۶)

1. Companionship
2. Emotional
3. Service
4. Financial
5. Informational
6. Advice
7. Fischer
8. Practical

سرمایه اجتماعی بر منابع ابزاری و حمایتی موجود در شبکه ها اطلاق می گردد که از طریق دستیابی به پیوندهای اجتماعی در دسترس فرد قرار می گیرد و از این طریق فرد می تواند به طیف وسیعی از حمایت های گوناگون دسترسی یابد. سرمایه اجتماعی در سه بعد ویژگی های ساختی، ویژگی های تعاملی و ویژگی های کارکردی مورد بررسی قرار می گیرد. در بعد ساختی سرمایه اجتماعی شبکه، اندازه شبکه و ترکیب شبکه مطرح می شود که شاخص های این بعد می باشد. منظور از اندازه شبکه، تعداد افرادی است که فرد به طور غیررسمی در شبکه روابط خود با آنها در تعامل و ارتباط است. منظور از ترکیب شبکه، نسبت های مختلف هر یک از اعضا در شبکه فردی می باشد که این متغیر از تعداد خویشاوندان دور و نزدیک، دوستان، همسایگان و همکاران ساخته شده است.

در بعد تعاملی سرمایه اجتماعی شبکه، فراوانی تماس افراد، شیوه تماس آنها با هم و صمیمیت در رابطه به عنوان شاخص ها و مولفه های این بعد مطرح می باشند. منظور از فراوانی تماس، دفعات ارتباطی است که افراد با هر یک از اعضای شبکه خود دارند و اینکه هر چند وقت یکبار با آنها در تماس و ارتباط می باشند. منظور از شیوه تماس، روش برقراری ارتباط با اعضای شبکه می باشد که شیوه های تماس مانند رودررو، حضوری، تلفنی، نامه و اینترنت می تواند باشد. البته در شبکه های اجتماعی مجازی شیوه های تماس به شکل ایمیل یا پیام، چت، کامنت یا دیدگاه، لایک یا دوست داشتن و نظردادن در وبلاگ ها می باشد. منظور از صمیمیت رابطه، احساس نزدیکی و خودمانی شدن با اعضای شبکه است.

در بعد کارکردی سرمایه اجتماعی شبکه، حمایت های دریافتی از اعضای شبکه و ارایه حمایت به آنها در قالب شش نوع حمایت شامل حمایت مالی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی، عملی و اطلاعاتی می باشد. در ادامه به منظور روشن تر شدن فضای نظری بحث حمایت اجتماعی، کمی در مورد تئوری ولمن، خصوصیات کارکردی و ارتباط آن با سایر ابعاد سرمایه اجتماعی بیشتر سخن می گوئیم.

۱- اندازه شبکه و حمایت اجتماعی

تعداد افرادی که در شبکه فرد وجود دارند و با فرد در ارتباط می باشند، اندازه شبکه را می سازند. شبکه های اجتماعی مرزهای مبهم و نامحدودی دارند. دوستان، همسایگان، همکاران، خویشاوندان و حتی خانواده در شبکه ها رفت و آمد دارند. وسیعترین شبکه فردی ممکن از روابط مستقیم، همه کسانی را که با فرد بر مبنای غیر رسمی در ارتباط می باشند را در بر می گیرد.

هر چه اندازه شبکه بزرگتر باشد امکان دسترسی فرد به منابع بیشتر می شود. شبکه های بزرگتر حمایت های بیشتری فراهم می کنند. همچنین، شبکه های بزرگتر، اجتماعی تر، معاشرتی تر، ارتباطی و از این رو حمایت کننده تر هستند. البته برخی مطالعات نشان می دهند که شبکه های بزرگتر به همان اندازه که حمایت بیشتری را فراهم می کنند، مشکلات بین فردی و اجتماعی بیشتری را نیز به بار می آورند. (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۰-۲۰۹)

۲- تراکم شبکه و حمایت اجتماعی

اینکه اعضای شبکه فرد چقدر با هم ارتباط دارند و همدیگر را می شناسند، برای بررسی تراکم شبکه مورد اندازه گیری قرار می گیرد. در اینجا با خود فرد سر و کار نداریم، بلکه اندازه گیری به کل شبکه مربوط می شود و میزان ارتباط اعضای شبکه مد نظر می باشد. تراکم شبکه نیز با میزان حمایت اجتماعی در ارتباط می باشد. دورکیم از جمله کسانی است که تحلیل روابط بین تراکم و حمایت به او بر می گردد.

(باستانی، ۲۰۰۱: ۱۰۶)

فرضیه متعارف در مورد رابطه تراکم با حمایت اجتماعی این است که پیوند با شبکه های متراکم، منجر به ارتباطات و مشارکت وسیعتری خواهد شد و در نتیجه حمایت اجتماعی بیشتر را فراهم می کند. به نظر ولمن آن چیزی که منتهی به حمایت می شود، تراکم نیست، بلکه ارتباط، پیوستگی و تماس است که موجب حمایت می شود؛ یعنی انواع ارتباطات یا پیوندها بین اعضای شبکه، تامین کننده حمایت بین اعضا می باشد. (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۱)

۳- قوت ارتباط و حمایت اجتماعی

سه خصوصیت ویژه پیوندهای قوی و مستحکم عبارت است از:

صمیمیت: داشتن یک رابطه صمیمی و ویژه با یک سرمایه گذاری داوطلبانه در پیوند و تمایل برای دوستی و همراهی با شریک پیوند.

تعدد رابطه: داشتن علاقه و تمایل به دارا بودن حتی الامکان کنش های متقابل متعدد، در زمینه های اجتماعی مختلف، در یک دوره زمانی طولانی که موجب ارتباط اعضای دو یا چند شبکه می شود.

متقابل بودن رابطه: آگاهی و حمایت از نیازهای شریک رابطه. (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۲-۲۱۱)

همانطور که مطرح شد صمیمیت، چندگانگی^۱، متقابل و داوطلبانه بودن رابطه در پیوند قوی اهمیت دارد، اما متأسفانه بیشتر مطالعات روانشناسی در مورد روابط صمیمی و نزدیک تنها بر یک مجموعه محدودی از پیوندهای قوی متمرکز می باشند- مثلاً علاقه و تمایلات بین همسران صمیمی و معشوقه ها، صمیمیت بین دوستان و خویشان در شبکه را مورد تحلیل قرار نداده اند. تحلیل های جامعه شناسانه از دوستی، بر پیوندهای غیر احساسی غیر تخیلی بین افراد عاقل و بالغ متمرکز می باشد. تحلیلگران شبکه همچنین معتقدند که چندگانگی از خصوصیات ویژه و مهم پیوند قوی می باشد. آنها بحث می کنند که اعضای شبکه با پیوندهای چندگانه شان، پیوندهای قوی تر و حمایت آمیزتری خواهند داشت (چندگانگی به معنی داشتن رابطه در زمینه های مختلف به طور همزمان) تنها مخالف این نظر، گونونوتر است و عقیده مخالف او این است که پیوند ضعیف (صمیمیت و چندگانگی کمتر) ارتباط های بهتری را با محیط های اجتماعی و فرهنگی متفاوت فراهم می سازد، زیرا امکان تماس با افراد متفاوتی را از نظر اجتماعی به وجود می آورد. از این رو، چنین پیوندهایی همانند پل هایی هستند که دستیابی به اطلاعات و خدمات حمایتی را بیشتر ممکن می سازند. (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۲)

۴- تجانس^۲ و حمایت اجتماعی

تجانس و تشابه یکی دیگر از ویژگی های شبکه روابط می باشد. تجانس به این معناست که اعضای شبکه تا چه حد با پاسخگو مشابهت دارند که این تشابه از نظر شغلی، سنی، جنسی و..... می باشد. افراد تمایل دارند که با افرادی که از جنبه های مختلف یا حداقل یک جنبه با آنها شبیه هستند در ارتباط باشند. مثلاً افرادی که همسن هستند یا افراد همجنس و یا افرادی از یک قوم و نژاد، بیشتر احتمال دارد که با هم ارتباط برقرار نمایند. با این حال، هر چه عدم تجانس، بین اعضای شبکه بیشتر باشد، برای فرد بهتر است و موجب می شود که به منابع بیشتری از طریق افراد متفاوت و متنوع دسترسی یابد. پیوند با افراد متفاوت

1. Multiplexity

2. Homogeneity

و عدم تجانس در ویژگی ها و خصوصیات، دسترسی به منابع متفاوتی را موجب می شود و از این طریق خدمات و حمایت های گوناگونی در اختیار افراد قرار می گیرد. (ولمن، ۱۹۹۹: ۶۵)

۵- مجاورت، تماس و حمایت اجتماعی

عنصر تماس، سطح کنش متقابل در یک اجتماعی فردی را اندازه گیری می کند و اینکه اعضای اجتماع چگونه با یکدیگر تماس و ارتباط برقرار می کنند و آنها واقعاً تا چه اندازه با یکدیگر در تماس هستند. اکثر افراد، حداقل چند بار در هفته با برخی اعضای شبکه شان در تماس می باشند و این فراوانی های تماس ها برای شناخت و ویژگی های رابطه اهمیت دارد.

هومنز (۱۹۵۰ و ۱۹۸۱) نشان داد که تماس های مکرر، پیوندهای حمایتی و قوی را فراهم می سازد. تحقیقات دیگر نیز در موافقت با این نظر، نشان دادند که تماس های مکرر با پیوندهای قوی است که حمایت را به وجود می آورد. (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۲۰)

ترکیب شبکه های فردی

شبکه های فردی ترکیبی از دوستان، خویشاوندان، همکاران و همسایگان می باشد. اعضای این شبکه ها، از منابع مختلف حمایتی و خدماتی برخوردار بوده و هر یک از این اعضا نوع خاصی از حمایت ها را برای اعضای دیگر شبکه فراهم می سازد. تنوع روابط امتیاز مهمی برای فرد محسوب می گردد و مهمترین اشکال تنوع آنها هستند که دستیابی به منابع متنوع و گوناگون را فراهم می کنند، بنابراین، وجود نسبت های مختلف و متنوعی از دوستان، خویشاوندان، همسایگان و همکاران در شبکه، حمایت های اجتماعی متنوعی را برای افراد شبکه فراهم می سازد. (باستانی، ۲۰۰۱: ۲۰۵-۲۰۰)

اما همانطوری که قبلاً مطرح شد، ولمن معتقد است که بیشتر پیوندهای اجتماع فردی در دوران معاصر، تخصصی شده اند و اعضای شبکه، هر یک از حمایت های مورد نیاز خود را از پیوندهای خاص دریافت می دارند. تامین تخصصی حمایت در اجتماعات به این معناست که افراد نمی توانند تنوعی از منابع و حمایت را تنها از یک منبع دریافت دارند، بلکه پیوندهای گوناگون حمایت های گوناگونی را تامین می کنند. بنابر این افراد پیوندهای غیر خویشاوندی زیادی را حفظ و گسترش می دهند تا در صورت لزوم از آنها استفاده نمایند.

بطور کلی، شبکه روابط افراد از ترکیب های متفاوتی برخوردار می باشد و عمده ترین اعضای شبکه های فردی عبارت اند از: خویشاوندان- دور و نزدیک-، دوستان، همکاران و همسایگان.

خویشاوندان: اغلب خویشاوندان، اعضای مفید و سودمند شبکه های فردی می باشند و به عنوان قویترین روابطی که در تعریف یک شبکه به کار می رود، در صد بالایی از اعضای شبکه را تشکیل می دهند. به طور کلی، از کل روابط فعال موجود در شبکه، درصد روابط خویشاوندی از روابط غیر خویشاوندی بیشتر است. اکثر روابط خویشاوندی فعال، از خویشاوندان نزدیک (والدین، خواهر، برادر، همسر و فرزندان که همان خانواده است) ناشی می شود و بیشتر خویشاوندان نزدیک، دوستان صمیمی هم می باشند و بیشتر دوستان صمیمی فرد خویشاوندان نزدیک او هستند: مثل افراد همسن خانواده و خواهران و برادران. مطالعات نشان داده که خویشاوندان از نظر اجتماعی معمولاً "صمیمی ترین و نزدیک ترین عضو یک شبکه می باشند. در

مقایسه، خویشاوندان دور اعضای فعال غیر صمیمی هستند و حتی پیوندهای ضعیفتری دارند. در مطالعه یورک شرقی در تورنتو، تنها ۶ درصد کل افراد صمیمی را خویشاوندان دور تشکیل می دادند. بنابراین با وجودی که افراد، مجموعه های وسیعی از خویشاوندان را در اختیار دارند، اما الگوی معمول حفظ روابط قوی، تنها با مجموعه کوچکی از خویشاوندان نزدیک می باشد و روابط با خویشاوندان دورتر، تنها برای مواقع خاص و در صورت لزوم مثل مهاجرت همچنان حفظ می شود. (Wellman, 1992: 213-214) فیشر در مطالعه خود در کالیفرنای شمالی نشان داد که افراد متاهل بیشتر از افراد مجرد، بیوه و مطلقه، و همچنین زنان بیشتر از مردان و افراد با درآمد متوسط بیشتر از افراد مرفه و فقیر، با خویشاوندان خود رفت و آمد و ارتباط دارند. (Fischer, 1982: 80) ولمن معتقد است ارتباطات درونی خویشاوندی، از یک طرف کنش متقابل را افزایش و از طرفی محدود می کند. محدودیت های ناشی از تعداد محدود و کم خویشاوندان در دسترس برای اعضای شبکه می باشد، اما از طرفی پیوندهای خویشاوندی، تماس های مکرری را با بسیاری از افرادی که شخص به صورت دیگری نمی توانست با آنها ارتباط و ملاقات متقابل داشته باشد افزایش می دهد. (Wellman, 1992: 214)

خویشاوندان روابط منسجم، مفید و سودمندی برای همکاری، حمایت یا نظارت فراهم می آورند. چنین همکاری و تشریک مساعی زمانی موثر خواهد بود که خویشاوندان با دوستان و همسایگان برای تامین حمایت همراه و همگام باشند. در مطالعه یورک شرقی، ولمن و همکاران نشان دادند که خویشاوندان در مقایسه با غیر خویشاوندان، نقش های حمایتی متفاوتی در زمینه های احساسی، خدمتاتی، ارتباطی، مادی، شغلی و اطلاعاتی و ... در شبکه های اجتماع فردی ایفا می کنند و به این نتیجه رسیدند که خویشاوندان در الگوهای حمایت با غیر خویشاوندان متفاوت هستند. آنها همچنین نشان دادند که رابطه بین والدین و فرزندان ارشد، دلسوزانه ترین و حمایت کننده ترین پیوندهای فعال و صمیمی است که بالاترین سطوح حمایت عاطفی و مادی را فراهم می کند. (Ibid: 215) خواهران و برادران نیز حمایت های زیادی به یکدیگر می دهند، ولی نه به اندازه والدین و فرزندان ارشد، با این حال در روابط خواهران و برادرانی تنوع حمایتی بیشتری وجود دارد. همچنین آنها به دلیل علائق و سرگذشت و زندگی تقریباً مشترک و مشابه، بیشتر همانند دو دوست رفتار می کنند و کارها را با همکاری هم انجام و حمایت عاطفی و خدمتاتی فراوانی به یکدیگر می دهند. مطالعه اهوجن^۱ (۱۹۹۰) نشان داده که پیوندهای خواهر و برادری نسبت به پیوندهای دوستی تا حدودی ابزاری و موثر هستند و در عوض پیوندهای دوستی از نظر احساسی و عاطفی حمایت کننده تر و همراهی کننده تر می باشند. در مقایسه با خویشاوندان نزدیک (والدین، خواهر و برادر و فرزندان) خویشاوندان دور نقش هایی دارند که آنها را از دیگر خویشاوندان و دوستان متمایز می سازد. نسبت پایین خویشاوندان دور (پدر و مادر بزرگ، عمه، عمو، خاله، دایی و فرزندان هر یک) در شبکه فعال، نشان دهنده این است که خویشاوندان دور یک منبع کم اهمیت کمک و حمایت در مواقع مشکلات جدی یا بحرانی به حساب می آیند. اما صرف نظر از عدم حمایت خویشاوندان دور، آنها اغلب در موقعیت هایی مثل یافتن کار به عنوان پیوند ضعیف، مهاجرت و ... به علت پراکندگی فضایی و مکانی یک امتیاز مهم محسوب می شوند. (Ibid: 216-217)

دوستان: دوستان تقریباً نیمی از شبکه های فعال و صمیمی افراد را تشکیل می دهند و معمولاً نیمی از

پیوندهایی هستند که انواع حمایت ها را فراهم می سازند. اگرچه بیشتر پیوندهای دوستانه، نسبت به رابطه والدین و فرزندان ارشد، حمایت های کمتری را ارائه می دهند (از نظر کیفیت)، اما از نظر کمیت و تنوع حمایت ها همانند پیوند خواهر برادری عمل می کنند. در بسیاری موارد افرادی که پیوندهای خویشاوندی فعال ندارند یک یا دو دوست صمیمی دارند که همانند خویشاوندان صمیمی برای آنها عمل می کنند و دامنه وسیعی از حمایت های اجتماعی را برایشان فراهم می سازند. دوستان به علت خصوصیات و ارزش های مشترک با اعضای شبکه، منبع مهم و برجسته مصاحبت و همراهی با آنها در رسیدگی به وظایف غیر تکنیکی می باشند و منبع متمایزی از کمک ابزاری موثر و عاطفی هستند. علاوه بر این پیوندهای دوستانه، بیشتر داوطلبانه و نا پیوسته هستند و این موجب می شود که دریافت کنندگان حمایت احساس کنند که نظارت اندکی روی روابط دارند و حمایت را به عنوان هدیه دریافت می دارند. به هر حال دوستی نسبت به خویشاوندی شکننده تر و آسیب پذیر تر است. دوستی معمولاً یک رابطه منسجم به طور پراکنده و نا متراکم می باشد بدون اینکه تعهدی برای حمایت گروه داشته باشد. ماهیت داوطلبانه بودنش نیز که آن را از سایر شبکه ها متمایز می سازد، به معنی آن است که باید همواره حفظ شود و حمایت ها را برای طرفین، متقابل سازد. از این رو، وقتی که این پیوندهای دوستانه سودمند و حمایت بخش نباشند، اغلب به خاطر فقدان حمایت گروهی خود به خود پایان می پذیرند. (Wellman, 1992: 217)

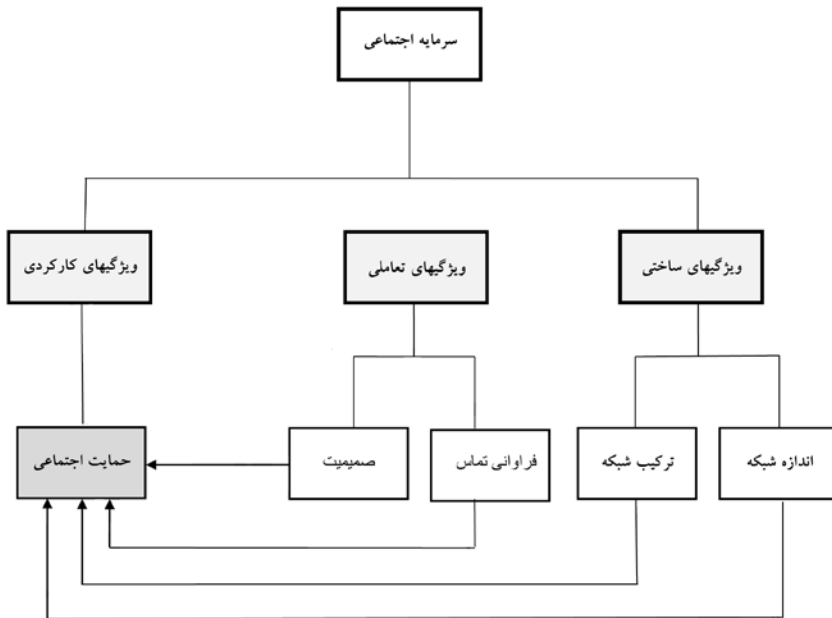
همسایگان: علیرغم اینکه امروزه، مسئله روابط فرا مرزی و اختلاف مکانی مطرح می شود، اما مجاورت و همسایگی هنوز از اهمیت بر خوردار می باشند. در حالی که بیشتر پیوندهای شهرنشینان با اقوام نزدیک و دوستان صمیمی می باشد، اما پیوندهای همسایگی نیز در شبکه روابط فردی نقش مهمی را ایفا می نماید. بر خلاف پیوندهای دوستانه که داوطلبانه و اردی هستند، پیوندهای همسایگی کمتر ارادی می باشد و همسایگان در زندگی روزمره نقش فعالی را بازی نمی کنند. مجاورت و نزدیکی مکانی با همسایه، تماس مکرر و ارتباطات منسجم انبوه، آگاهی متقابل از مشکلات و نیازها و کمک کردن را ایجاب می کند. تحقیقات نشان داده است که زنان به دلیل مسئولیت اصلی شان در خانه داری، بیشتر از مردان، تمایل دارند تا با همسایگان شان در ارتباط باشند. همسایگان منبع اصلی و مهم دوستی، مصاحبت، همراهی، کمک برای نگهداری و مراقبت از بچه و خانه هستند. آنها تامین کنندگان اصلی حداقل کالا و خدمات، مصاحبت، امنیت، کسب اطلاعات، حمایت عاطفی و گاهی مالی می باشند. (Wellman, 1992: 218)

فیشر معتقد است که موقعیت ساختاری فرد در جامعه، ارتباطات او را در زمینه ای تقویت می کند و در برخی مواقع موجب کاهش ارتباطات او در زمینه دیگری می شود. در زندگی مدرن امروزه، ارتباط با گروه های خویشاوندی و همسایگی کمتر شده است و فقدان ارتباط با همسایگان به عنوان مشخصه زندگی شهری مطرح می شود. در شهرها، همسایگان آشنایی مبهم و ضعیفی با هم دارند و به ندرت هم را می شناسند و این مسئله حمایت مادی، اجتماعی و احساسی را کاهش می دهد. به عقیده فیشر، در شهرها به علت گسترش شبکه های مختلف دیگر مثل انجمن ها و کلوپ ها و مکان های تفریحی، افراد کمتر با همسایه ارتباط پیدا می کنند. (Fischer, 1982: 97)

همکاران: همکاران معمولاً در صد کمی از پیوندهای موجود در شبکه های فردی را تشکیل می دهند و تعداد آنها کمتر از خویشاوندان، دوستان و همسایگان است. همکاران تامین کنندگان حمایت در زمینه شغلی، کسب اطلاعات در زمینه تسهیلات و امکانات شغل،

حمایت مالی و مصاحبتی بویژه برای مردان می باشند. روابط با همکار، نه تنها محدود به ساعات کار نمی باشد، بلکه در بیشتر مواقع پیوندهای همکاران به بعد از ساعات کار و حتی رفت و آمدهای خانوادگی نیز منتهی می گردد. همچنین، همکاران به دلیل داشتن کار مشترک، اهداف و منافع مشترک، بهتر می توانند نیازها و مشکلات یکدیگر را رفع نمایند و انواع مختلف حمایت ها را برای یکدیگر فراهم نمایند. (باستانی، ۲۰۰۱: ۱۰۴ و ۱۷۶)

نمودار ۱: مدل نظری سرمایه اجتماعی در تحقیق



در مدل نظری تحقیق ابتدا سرمایه اجتماعی به سه بعد اساسی تقسیم شده است که هر بعد دارای چند شاخص اصلی و اساسی می باشد. نکته قابل توجه این است که شاخص های ابعاد ساختی و تعاملی سرمایه اجتماعی بر روی بعد کارکردی آن تاثیر می گذارند و همچنین بین شاخص های این ابعاد نیز رابطه و همبستگی وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر با روش کتابخانه ای- پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق، کلیه اعضای جوان شبکه های اجتماعی مجازی است. در این پژوهش، روش نمونه گیری روش غیراحتمالی گلوله برفی^۱ است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه گردیده و ۴۰۰ نفر انتخاب

۱. نمونه گیری گلوله برفی وقتی مطلوب است که یافتن محل اعضای یک جمعیت ویژه دشوار باشد. این روش به این صورت است که محل معدودی از جمعیت هدف را پیدا کرد و سپس از آنان می خواهید که اگر اطلاعات لازم را درباره محل اعضای دیگر آن جمعیت دارند در اختیار شما قرار دهند. یعنی وقتی یک آزمودنی را یافتید، او آزمودنی های دیگر را به شما معرفی می کند. (بی، ۱۳۸۱: ۴۰۶)

شده است. تجزیه و تحلیل آماری آن از طریق نرم افزار spss انجام گرفته است و در قالب تجزیه و تحلیل آماری مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته های پژوهش الف: ویژگی های جمعیتی ۱- سن پاسخگویان

جدول ۱: توزیع فراوانی بر اساس سن پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمع
۱۸-۲۰	۱۱۴	۲۸/۵	۲۸/۵
۲۱-۲۵	۱۹۶	۴۹	۷۷/۵
۲۶-۳۰	۹۰	۲۲/۵	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲- جنس پاسخگویان

جدول ۲: توزیع فراوانی بر اساس جنسیت پاسخگویان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمع
مرد	۲۱۷	۵۴/۳	۵۴/۳	۵۴/۳
زن	۱۸۳	۴۵/۸	۴۵/۸	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰	-

۳- عضویت در نوع شبکه اجتماعی مجازی

جدول ۳: توزیع فراوانی بر اساس عضویت در نوع شبکه های اجتماعی مجازی پاسخگویان

نوع شبکه اجتماعی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمع
فیس بوک	۲۶۰	۶۵/۱	۶۵/۱
تویتر	۲۶	۶/۵	۶۹/۳
ایرانویچ	۸۶	۲۱/۵	۹۰/۸
کلوپ	۲۸	۷	۹۷/۸
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

ب: حمایت اجتماعی

در بعد کارکردی سرمایه اجتماعی شبکه، حمایت های دریافتی از اعضای شبکه و ارایه حمایت به آنها در قالب شش نوع حمایت شامل حمایت مالی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی، عملی و اطلاعاتی می باشد.

حمایت های دریافتی

افراد حمایت های متنوعی را از اعضای شبکه خود دریافت می کنند. مطالعات گسترده در مورد حمایت اجتماعی نشان داده است که خویشاوندان (دور و نزدیک)، دوستان، همسایگان و همکاران منابع مهمی می باشند که می توان در صورت نیاز به آنان مراجعه کرد.

۱- دریافت انواع حمایت اجتماعی

۱-۱ حمایت مالی

این متغیر را با این گویه سنجیده ایم که تا چه اندازه در شبکه اجتماعی از اعضای شبکه درخواست کمک مالی می کنید. در پاسخ به این گویه و دریافت حمایت های مالی از اعضای شبکه پاسخی حاصل شد که در ادامه به آن می پردازیم.

جدول ۴: توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت مالی اعضای شبکه اجتماعی

میزان دریافت حمایت مالی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۳۱۷	۷۹/۳	۷۹/۳
متوسط	۴۱	۱۰/۳	۸۹/۵
زیاد	۴۲	۱۰/۵	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲-۱ حمایت عاطفی

توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت عاطفی از اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۵) نشان داده شده است:

جدول ۵: توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت عاطفی از اعضای شبکه اجتماعی

میزان دریافت حمایت عاطفی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۲۲۷	۵۶/۸	۵۶/۸
متوسط	۱۰۰	۲۵	۸۱/۸
زیاد	۷۳	۱۸/۲	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۳-۱ حمایت مشورتی

توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت مشورتی از اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۶) نشان داده شده است:

جدول ۶: توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت مشورتی از اعضای شبکه اجتماعی

میزان دریافت حمایت مشورتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۲۵۷	۶۴/۳	۶۴/۳
متوسط	۸۸	۲۲	۸۶/۳
زیاد	۵۶	۱۳/۷	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۴-۱ حمایت مصاحبتی

توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت مصاحبتی از اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۷) نشان داده شده است:

جدول ۷: توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت مصاحبتی از اعضای شبکه اجتماعی

میزان دریافت حمایت مصاحبتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۱۵۰	۳۷/۵	۳۷/۵
متوسط	۱۳۴	۳۳/۵	۷۱
زیاد	۱۱۶	۲۹	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۵-۱ حمایت اطلاعاتی

توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت اطلاعاتی از اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۸) نشان داده شده است:

جدول ۸: توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت اطلاعاتی از اعضای شبکه اجتماعی

میزان دریافت حمایت اطلاعاتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۱۲۷	۳۱/۸	۳۱/۸
متوسط	۱۱۲	۲۸	۵۹/۸
زیاد	۱۶۱	۴۰/۳	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۶-۱ دریافت حمایت عملی

توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت عملی از اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۷) نشان داده شده است:

جدول ۹: توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت عملی از اعضای شبکه اجتماعی

میزان دریافت حمایت عملی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
یک گروه	۲۱۰	۵۲/۵	۵۲/۵
دو گروه	۱۱۰	۲۷/۵	۸۰
سه گروه	۵۹	۱۴/۸	۹۴/۸
چهار گروه	۱۵	۳/۸	۹۸/۵
پنج گروه	۶	۱/۵	۱۰۰
شش گروه	-	-	-
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

همان طور که در جدول (۹) ملاحظه می شود، پاسخگویان مورد بررسی در این تحقیق، در پاسخ به این سؤال که تا چه حد از اعضای شبکه خود درخواست حمایت عملی می کنید، (تا چه اندازه افراد گروه های ششگانه در شبکه اجتماعی از شما حمایت کرده و به شما کمک می کنند) با توجه به حضور گروه های ششگانه در این قسمت و در وهله اول تعداد گروه هایی که فرد انتخاب می کند مهم است. پاسخی که افراد داده اند به شرحی است که در ادامه می بینید. حدود ۵۲/۵ درصد پاسخگویان بیان داشتند که یک گروه در مسایل مختلف در شبکه های اجتماعی از آنها حمایت می کنند، ۲۷/۵ درصد دو گروه، ۱۴/۸ درصد سه گروه، ۳/۸ درصد چهار گروه، ۱/۵ درصد پنج گروه را انتخاب کردند که از آنها حمایت می کنند.

۷-۱ حمایت عملی از گروه ها

توزیع فراوانی بر اساس دریافت حمایت عملی از گروه های ششگانه شبکه های اجتماعی مجازی فارسی زبان که در جدول (۱۰) نشان داده شده است:

جدول ۱۰: توزیع فراوانی بر اساس دریافت حمایت عملی از گروه های حمایت کننده

گروه های حمایت کننده عملی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر
خانواده	۱۰۹	۲۷/۲	۲۷/۲
خویشاوندان دور	۱۰۰	۲۵	۲۴/۷
همسایگان	۳۱	۷/۷	۷/۷
دوستان	۲۶۵	۶۶/۲	۶۶/۲
همکاران	۶۳	۱۵/۷	۱۵/۷
غریبه ها	۸۴	۲۱	۲۱
تعداد کل	۶۵۲	-	-

همان طور که در جدول (۸) ملاحظه می شود، پاسخگویان مورد بررسی در این تحقیق، در پاسخ به این سؤال که تا چه حد از اعضای شبکه خود درخواست حمایت عملی می کنید، (تا چه اندازه افراد گروه های ششگانه در شبکه اجتماعی از شما حمایت کرده و به شما کمک می کنند) با توجه به حضور گروه های ششگانه در این قسمت و در وهله دوم این مساله مهم است که چه گروه هایی را فرد انتخاب می کند و معتقد است که از او حمایت عملی می کنند. طبق این گویه به ترتیب حدود ۶۶/۲ درصد پاسخگویان بیان داشتند که دوستان در مسایل مختلف در شبکه های اجتماعی مجازی از آنها حمایت عملی می کنند، ۲۷/۲ درصد خانواده را انتخاب می کنند، ۲۵ درصد خویشاوندان دور، ۲۱ درصد غریبه ها، ۱۵/۷ درصد همکاران و ۷/۷ درصد همسایگان را انتخاب کردند که از آنها در شبکه های اجتماعی مجازی حمایت عملی می کنند. (نکته قابل توجه آن است که به دلیل انتخاب بیش از یک گزینه در این گویه، تعداد کل و درصد فراوانی از میزان عادی حجم نمونه فراتر می رود.)

۸-۱ دریافت حمایت از شبکه های اجتماعی

توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت و کمک در مواقع گوناگون و ضروری از اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۱) نشان داده شده است:

جدول ۱۱: توزیع فراوانی بر اساس میزان دریافت حمایت و کمک از اعضای شبکه اجتماعی

میزان دریافت حمایت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۲۳۸	۵۹/۵	۵۹/۵
متوسط	۱۰۲	۲۵/۵	۸۵
زیاد	۶۰	۱۵/۱	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲-ارایه حمایت به دیگران

در بعد کارکردی سرمایه اجتماعی شبکه، حمایت های دریافتی از اعضای شبکه و ارایه حمایت به آنها در قالب شش نوع حمایت شامل حمایت مالی، عاطفی، مشورتی، مصاحبتی، عملی و اطلاعاتی می باشد.

۲-۱-ارایه حمایت مالی

این متغیر را با این گویه سنجیده ایم که تا چه اندازه در شبکه اجتماعی، اعضای شبکه از شما درخواست کمک مالی می کنند. در پاسخ به این گویه و ارایه حمایت های مالی به اعضای شبکه پاسخ هایی حاصل شد که در ادامه به آن می پردازیم.

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت مالی به اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۲) نشان داده شده است:

جدول ۱۲: توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت مالی به اعضای شبکه اجتماعی

میزان ارایه حمایت مالی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۲۸۳	۷۰/۸	۷۰/۸
متوسط	۶۹	۱۷/۳	۸۸
زیاد	۴۸	۱۲/۱	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲-۲- ارایه حمایت عاطفی

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت عاطفی به اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۳) نشان داده شده است:

جدول ۱۳: توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت عاطفی به اعضای شبکه اجتماعی

میزان ارایه حمایت عاطفی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۱۸۲	۴۵/۵	۴۵/۵
متوسط	۱۲۷	۳۱/۸	۷۷/۳
زیاد	۹۱	۲۲/۸	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲-۳- ارایه حمایت مشورتی

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت مشورتی به اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۴) نشان داده شده است:

جدول ۱۴: توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت مشورتی به اعضای شبکه اجتماعی

میزان ارایه حمایت مشورتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۱۸۸	۴۷	۴۷
متوسط	۱۳۰	۳۲/۵	۷۹/۵
زیاد	۸۲	۲۰/۶	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲-۴- ارایه حمایت مصاحبتی

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت مصاحبتی به اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۵) نشان داده شده است:

جدول ۱۵: توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت مصاحبتی به اعضای شبکه اجتماعی

میزان ارایه حمایت مصاحبتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۱۴۴	۳۶	۳۶/۳
متوسط	۱۳۴	۳۳/۵	۷۰
زیاد	۱۰۱	۳۰/۵	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲-۵- ارایه حمایت اطلاعاتی

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت اطلاعاتی به اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۶) نشان داده شده است:

جدول ۱۶: توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت اطلاعاتی به اعضای شبکه اجتماعی

میزان ارایه حمایت اطلاعاتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۱۲۵	۳۱/۳	۳۱/۳
متوسط	۱۵۰	۳۷/۵	۶۸/۸
زیاد	۱۲۵	۳۱/۳	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۲-۶- ارایه حمایت عملی

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت عملی به اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۷) نشان داده شده است:

جدول ۱۷: توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت عملی به اعضای شبکه اجتماعی

میزان ارایه حمایت عملی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
یک گروه	۲۰۱	۵۰/۳	۵۰/۳
دو گروه	۹۷	۲۴/۳	۷۴/۵
سه گروه	۷۷	۱۹/۳	۹۳/۸
چهار گروه	۱۹	۴/۸	۹۸/۵
پنج گروه	۴	۱	۹۹/۵
شش گروه	۲	۰/۵	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

همان طور که در جدول (۱۵) ملاحظه می شود، پاسخگویان مورد بررسی در این تحقیق، در پاسخ به این سؤال که تا چه حد اعضای شبکه مجازی از آنها درخواست حمایت عملی می کنند، (تا چه اندازه افراد گروه های ششگانه در شبکه اجتماعی از شما درخواست کمک و حمایت کرده و از شما حمایت و کمک عملی می خواهند) با توجه به حضور گروه های ششگانه در این قسمت و در وهله اول تعداد گروه هایی که فرد انتخاب می کند، پاسخ هایی داده اند که در ادامه می بینید. حدود ۵۰/۳ درصد پاسخگویان بیان داشتند که یک گروه در مسایل مختلف در شبکه های اجتماعی مجازی از آنها طلب حمایت می کنند، ۲۴/۳ درصد دو گروه، ۱۹/۳ درصد سه گروه، ۴/۸ درصد چهار گروه، ۱ درصد پنج گروه و ۰/۵ درصد شش گروه را انتخاب کردند که از آنها طلب کمک و حمایت می کنند.

۲-۷- ارایه حمایت عملی به گروه ها

توزیع فراوانی بر اساس ارایه حمایت های عملی به اعضای گروه های ششگانه حمایت کننده در شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۸) نشان داده شده است:

جدول ۱۸: توزیع فراوانی بر اساس ارایه حمایت عملی به گروه های حمایت کننده

گروه های حمایت کننده عملی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر
خانواده	۱۲۲	۳۰/۵	۳۰/۵
خویشاوندان دور	۱۱۰	۲۷/۵	۲۷/۵
همسایگان	۲۰	۵	۵
دوستان	۲۶۷	۶۶/۷	۶۶/۷
همکاران	۶۶	۱۶/۵	۱۶/۵
غریبه ها	۶۷	۱۶/۷	۱۶/۷
تعداد کل	۶۵۲	-	-

همان طور که در جدول (۱۸) ملاحظه می شود، پاسخگویان مورد بررسی در این تحقیق، در پاسخ به این سؤال که تا چه حد از اعضای شبکه خود درخواست حمایت عملی می کنید، (تا چه اندازه افراد گروه های ششگانه در شبکه اجتماعی از شما حمایت کرده و به شما کمک می کنند) با توجه به حضور گروه های ششگانه در این قسمت و در وهله دوم، این مساله مهم است که چه گروه هایی را فرد انتخاب می کند و معتقد است که از او حمایت عملی می کنند. طبق این گویه به ترتیب حدود ۶۶/۷ درصد پاسخگویان بیان داشتند که دوستان در مسایل مختلف در شبکه های اجتماعی مجازی از آنها طلب حمایت و کمک عملی می کنند، ۳۰/۵ درصد خانواده را انتخاب می کنند، ۲۷/۵ درصد خویشاوندان دور، ۱۶/۷ درصد غریبه ها، ۱۶/۵ درصد همکاران و ۵ درصد همسایگان را انتخاب کردند که از آنها در شبکه های اجتماعی مجازی درخواست کمک و حمایت عملی می کنند.

(نکته قابل توجه آن است که به دلیل انتخاب بیش از یک گزینه در این گویه، تعداد کل و درصد فراوانی از میزان عادی حجم نمونه فراتر می رود).

۲-۸- ارایه حمایت به اعضای شبکه های اجتماعی

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت و کمک در مواقع گوناگون و ضروری به اعضای شبکه های اجتماعی که در جدول (۱۹) نشان داده شده است:

جدول ۱۹: توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه حمایت و کمک به اعضای شبکه اجتماعی

میزان ارایه حمایت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۱۸۲	۴۵/۵	۴۵/۵
متوسط	۱۶۴	۴۱	۸۶/۵
زیاد	۵۴	۱۳/۶	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

۳- میزان حمایت در شبکه های اجتماعی دانشجویان

توزیع فراوانی بر اساس میزان ارایه و دریافت حمایت و کمک در مواقع گوناگون و ضروری در شبکه های اجتماعی که در جدول (۲۰) نشان داده شده است:

جدول ۲۰: توزیع فراوانی بر اساس میزان حمایت و کمک اعضای شبکه اجتماعی به یکدیگر

میزان حمایت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۲۵۱	۶۲/۸	۶۲/۸
متوسط	۷۸	۱۹/۵	۸۲/۳
زیاد	۷۱	۱۷/۸	۱۰۰
تعداد کل	۴۰۰	۱۰۰	-

بحث و نتیجه گیری

این مقاله در صدد آن بود تا دریابد وضعیت سرمایه اجتماعی در میان جوانان عضو شبکه های اجتماعی مجازی چگونه است. با توجه به تاکید چارچوب نظری بر شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی، می توان گفت که شبکه روابط و تعاملات فرد با سایر اعضای شبکه و منابع ابزاری و حمایت هایی که از طریق دستیابی به این پیوندها در دسترس فرد قرار می گیرد، سرمایه ای است که تنها در صورت تعامل کنشگران و کم و کیف روابط آنها با هم و میزان قوت و صمیمیت رابطه محقق می گردد.

در این پژوهش با توجه به الگوی نظری شبکه روابط، به تبیین نظری مساله پرداخته شد و ویژگی های ساختی (اندازه و ترکیب شبکه)، ویژگی های تعاملی (فراوانی تماس، شیوه های تماس و صمیمیت رابطه) و ویژگی های کارکردی (حمایت ها و منابع ابزاری متقابل) مورد بررسی قرار گرفتند و تاثیر و تاثر آنها بر یکدیگر نیز مورد بحث واقع گردیدند- اما در این مقاله تاکید بیشتر بر خصوصیات کارکردی (حمایت ها)

می باشد. چارچوب نظری تحقیق در بعد کارکردی انواع حمایت اجتماعی را مطرح می کند. ولمن حمایت اجتماعی را به دو قسمت تقسیم می کند: ارایه حمایت به دیگران و دریافت حمایت از دیگران. از طرف دیگر، با توجه به چارچوب نظری تحقیق، تلاش نموده ایم که اعضای شبکه های اجتماعی مجازی را در قالب یک شبکه اجتماعی ببینیم. به همین دلیل از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده نمودیم. در واقع بعد از مصاحبه با هر فرد، از او می خواستیم که ۵ نفر از دوستان خود که با آنها مراد و ارتباط نزدیک و دوستانه دارد و سعی دارد در کنش های روزانه مسایل خود را با آنها در میان بگذارد را به محقق معرفی نماید. این روند تا رسیدن تعداد نمونه ها به ۴۰۰ نفر ادامه پیدا کرده است. با این روش شبکه اجتماعی نیز مصداق یافته است.

در ادامه ارایه و دریافت حمایت اجتماعی در قالب شش نوع حمایت شامل حمایت مصاحبتی، حمایت عاطفی، حمایت خدماتی یا عملی، حمایت مالی، حمایت اطلاعاتی و حمایت مشورتی مورد بررسی قرار گرفته است و هر یک به تفکیک مورد سوال و مصاحبه قرار گرفته است.

در مجموع از نظر ارایه حمایت اجتماعی به اعضای شبکه اجتماعی خود، حدود ۴۵/۵ درصد میزان آن را کم، ۴۱ درصد متوسط و ۱۳/۶ درصد آن را زیاد دانسته اند. این میزان شامل همه انواع ششگانه حمایت ها می شود. از نظر دریافت حمایت های اجتماعی از دیگر اعضای شبکه اجتماعی، حدود ۵۹/۵ درصد آن را کم، ۲۵/۵ درصد آن را متوسط، ۱۵/۱ درصد آن را زیاد دانسته اند. اگر یک مقایسه ساده بین میزان ارایه و دریافت حمایت انجام دهیم، در می یابیم که افراد میزان ارایه حمایت خود به دیگران را بیشتر از میزان دریافت حمایت از دیگران می دانند. ولی در مجموع سطح ارایه حمایت اجتماعی، که از شاخص های مهم سرمایه اجتماعی می باشد، پایین بوده و فقدان این عامل به سایر ابعاد سرمایه اجتماعی ضربه وارد خواهد کرد؛ چرا که مطابق با مدل نظری تحقیق ابعاد سرمایه اجتماعی بیشتر در جهت رسیدن به انواع حمایت اجتماعی می باشد و طراحان و برنامه ریزان جامعه باید در جهت فراهم نمودن بسترها و شرایط لازم برای ارتقای حمایت اجتماعی و بالطبع سرمایه اجتماعی، سیاست ها و برنامه ریزی های لازم تلاش کنند و این بستر و شرایط را به منظور رسیدن به مشارکت اجتماعی اعضای جامعه و همچنین قرار گرفتن در مسیر توسعه ایجاد نمایند. عدم تحقق کامل اهداف برنامه های توسعه در مناطق شهری و روستایی کشورها در چند دهه گذشته که الگوهای مبتنی بر رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی را مورد توجه قرار داده بودند، صاحب نظران توسعه را بر آن داشت تا در رویکرد خود، برنامه ریزی های متمرکز و از بالا به پایین را در فرایند توسعه یابی کنار بگذارند و برای عناصر و منابع بومی در قالب سرمایه انسانی و اجتماعی اهمیت بیشتری قائل شوند. الگوی توسعه از پایین با رویکرد توسعه مشارکتی که در آن مشارکت هم به صورت غایی و هم به صورت ابزاری ایفای نقش می نماید با مواردی چون: افزایش تولید و بهره وری، تحقق فرصت های برابر، دسترسی به منابع قدرت، دسترسی به خدمات و نهادهای تولید، اشتغال سودمند، تقویت و اعتلاء، اعتماد به نفس و خود اتکایی و ... قرابت دارد. همه این مسایل نشان دهنده اهمیت سرمایه اجتماعی در جریان توسعه است و از ضرورت تاکید بر حمایت اجتماعی به عنوان مهمترین شاخصه و بعد سرمایه اجتماعی حکایت دارد.

منابع

- ازکیا، م و غفاری، غ (۱۳۸۳) توسعه روستایی. تهران: نشر نی
- افروز، محمد (۱۳۸۳) "سرمایه اجتماعی، کلید جادویی دموکراسی". کتاب ماه علوم اجتماعی. سال هشتم، شماره ۵.
- الوانی، مهدی (۱۳۸۱) "سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه ها". فصلنامه مدیریت. شماره ۳۴-۳۳.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۳) "سرمایه اجتماعی اصل محوری توسعه". نشریه تدبیر. شماره ۱۲۰.
- ایمانی، حسین (۱۳۸۱) "سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری". فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۷.
- باستانی، سوسن و کمالی، افسانه و صالحی، مریم (۱۳۸۶) "سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی". مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال ۱۶، شماره ۶۱.
- بوردیو، پیتر (۱۳۸۰) نظریه کنش. مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش نگار
- پوتنام، رابرت (۱۳۷۷) دموکراسی و سنت های مدنی. محمد دلفروز. تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی. افشین خاکباز و حسن پویا. تهران: نشر شیرازه
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. تهران: انتشارات سمت
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴) "مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریات کلاسیک و جدید". نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۶.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴) "تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح کلان و خرد". مجله جامعه شناسی. دوره ششم، شماره ۲.
- حسینی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی
- دواس، دی.ای (۱۳۸۱) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نایی. تهران: انتشارات نی
- ساعی، علی (۱۳۷۷) آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم افزار Spss/PC در پژوهش های اجتماعی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- شارع پور، محمود (۱۳۸۰) "فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامد های آن". نامه انجمن جامعه شناسی تهران: نشر کلمه
- شارع پور، محمود (۱۳۸۸) "نقش شبکه های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی". فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۹۱.
- علاقه بند، مهدی (۱۳۸۴) در آمدی بر سرمایه اجتماعی. مجله جامعه شناسی معرفت. شماره ۴۲.
- فوکو یاما. فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم. غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان
- کامران، فریدون و ارشادی، خدیجه (۱۳۸۸) "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه و سلامت روان". فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال دوم، شماره ۳.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیاد های نظریه های جامعه شناسی. تهران: نشر نی

- Kartosi, Z. (2004) **Aspect of gender in social network, social identity, information and markets**. Proceeding of faculty of economics and business Administration.
- Lin, N. (1999) **“Social capital”: a theory of social structure and action**. Cambridge university press.
- Wellman, B. (1992) **“Network into the global village”**. Boulder, Co: Westwood.
- Wellman, B. (1992) **“Which type of ties and network of social support”**. Advances in group processes. 207-235.
- Wellman, B. (1999) **“Network in global village”**. Boulder, Co: Westwood.
- Wellman, B. (1992) **“Which type of ties and network provide what kind of social support?”** advances in group processes. Vol:9.
- Winter, Ian (2000) **Toward a theorized understanding of family life and social capital**.

الگوهای تفسیر قواعد فرهنگی: ارزیابی هنجارهای رسمی و غیررسمی پوشش جوانان

سوسن باستانی^۱
محسن گودرزی^۲
نصیبه عرب^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۱۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

مقاله حاضر با هدف ارزیابی هنجارهای رسمی و غیررسمی پوشش جوانان، و به روش نظریه مبنایی انجام شده است. جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق با بیست و دو نفر از جوانان دختر و پسر ۱۸-۲۹ شهر تهران و با استفاده از روش کدگذاری نظری تحلیل شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مقوله حجاب دالی نیست که تنها به مدلول مورد نظر سیستم سیاسی توجه کند، بلکه مدلول آن امر وسیع اخلاقی است. بدین ترتیب هر یک از کنش‌گران مفهوم اخلاقی بودن را بر حسب موقعیت و زمینه اجتماعی خود با تفسیر مجدد بکار می‌گیرند. در مجموع می‌توان گفت، حجاب از سوی جوانان مصاحبه شونده به مثابه هنجاری درونی پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی: هنجارها، پوشش، جوانان، نظریه مبنایی و درونی شدن حجاب

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)
۲. دکترای جامعه‌شناسی، پژوهش‌گر و مدرس دانشگاه
۳. کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)

مقدمه و طرح مسئله

امروزه تنوع در سبک‌های پوشش جوانان به صورت واقعیتی عینی دیده می‌شود. این تنوع در انتخاب به گونه‌ای خود به خودی در تقابل با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی و سنتی پوشش قرار می‌گیرد. بدین معنا که تعریف رسمی از حجاب کمتر مورد قبول جوانان قرار گرفته است. آن‌ها الگوی پوشش ترویج شده را رسمی و متعلق به نظام می‌دانند و از پذیرش آن سر بازمی‌زنند. در مقابل حکومت نیز الگوهای پوشش جدید را غربی، وارداتی و متعارض با فرهنگ دینی می‌داند.

همچنین فرهنگ رسمی^۱ در زمینه تغییرات پوشش جوانان تا اندازه‌ای انعطاف از خود نشان داده است. اما از سوی دیگر شاهد آن هستیم که برخی از جوانان سبک‌های پوششی را برای خود برمی‌گزینند که از نظر قانون گرایش به ناهمخوانی دارد، با معیارها و هنجارهای رسمی و غیررسمی پذیرفته شده جامعه مطابقت نداشته و جامعه را دچار تعارض می‌نماید. در چند سال اخیر نیز شاهد آن هستیم که حکومت برای مقابله با رواج بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه دست به کنترل‌های رسمی در قالب گشت ارشاد زده است. جهانی شدن، تبادل فرهنگی، فرایند مدرنیته و به تبع آن رشد فردگرایی بر عرصه‌های مختلف از جمله عرصه‌های فرهنگی و سیاسی جوامع تأثیری عمیق برجا گذاشته است. که در عرصه فرهنگی می‌توان از بروز سبک‌های جدید پوشش و گوناگونی در انواع آن، نقش تصمیم‌گیری افراد در مصرف یا خلق محتوا، در بازتعریف هویت نوین (مدرن) و کسب تمایز و در سیاست به انواع تقابل بین دولت‌ها و شهروندان اشاره کرد (مجمع، ۱۳۸۶: ۲). علاوه بر این بخشی از پژوهش‌های مورد بررسی موید این ادعاست که شیوه تفسیر افراد از قواعد فرهنگی علاوه بر قرار گرفتن در چارچوب‌های شخصی، در چارچوب اجتماعی نیز قرار می‌گیرد. در واقع در ورای تقابل بین حکومت و جوانان تصور بر این است که افراد با میراث و زمینه‌های اجتماعی درباره پوشش خود فکر می‌کنند. و تعاریف شخصی بسته به فرهنگ و عرف اجتماعی هر جامعه تعریف محدود می‌گردد. بنابراین پوشش و رعایت هنجارهای مربوط به آن و یا هنجارشکنی ناشی از رعایت نکردن آن به عنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح در جامعه می‌باشد، که علاوه بر کنترل از سوی هنجارهای رسمی، هنجارهای غیررسمی نیز بر این پدیده نفوذ و کنترل خود را اعمال می‌کند. در واقع مجادلاتی که در ادوار مختلف و به گونه‌های متفاوت درباره این موضوع وجود دارد، حاکی از حساسیت و جلب توجه اشخاص به آن است.

در این پژوهش سعی محقق بر آن است تا نشان دهد که جوانان در فرایند ارجحیت عنصر ترجیح و انتخاب و به تبع آن تنوع در سبک‌های پوشش، چگونه برای حل این تعارض دست به تفسیر قواعد فرهنگی می‌زنند و در خلال این تفسیر، ارائه الگوهای ذهنی و معنایی پوشش از سوی آنها، با توجه به میراث و زمینه‌های اجتماعی، چگونه صورت می‌گیرد.

پیشینه تجربی

طی مرور ادبیات تحقیق کمتر به پژوهشی خواهیم خورد که با روش کیفی به مسئله حجاب و پوشش جوانان پرداخته باشد. همچنین پژوهش حاضر به لحاظ موضوعی و محتوایی در رده پژوهش‌های اجتماعی

قرار می‌گیرد که کمتر بدان پرداخته شده است و با اندکی تسامح می‌توان گفت پژوهش از حیث موضوعی، پژوهشی نو می‌باشد.

عزیززاده (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «سنجش نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران به پوشش و حجاب»، دو رویکرد در تعریف حجاب و پوشش مطرح می‌کند؛ تعریفی که مبتنی بر اصول و عقاید دینی تعبدی و دسته دوم که تاکید بر ارزش‌های عرفی و استنباط‌های شخصی دارد.

چهار مقوله حاصل از نگرش دانشجویان به حجاب مقوله‌های اعتقادی و گرایش‌های دینی

دانشجویان حجاب حداکثری را عفاف در رفتار، اخلاق و گفتار دانسته و تاکید می‌کردند که لزوم تعامل عفاف میان دو جنس ضرورت دارد.

مقوله‌های مربوط به حاکمیت سیاسی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی

دانشجویان بر تاثیر منفی اجبار متفق القول بودند و تاکید بیشتر بر فرهنگ‌سازی در رابطه با مسئله حجاب داشتند.

مقوله‌های روان‌شناسی اجتماعی

دانشجویان بر این عقیده‌اند که رنگ سیاه برای پوشش مناسب نیست و حد طبیعی از حجاب اثر مثبت‌تری در بعد روانی دارد.

مقوله‌های جامعه‌شناختی

دانشجویان در رابطه با تاثیر فضای اجتماعی شهرهای کوچک و شهرستان‌ها با شهرهای بزرگ ذیل ارتباط حجاب با نحوه جامعه‌پذیری تاکید‌های فراوانی داشتند؛ از جمله فرهنگ کلان شهرها و دامنه گسترده طیف‌هایی از حجاب و تفاوت‌هایی که در عرف پوشش خرده‌فرهنگ‌ها و سنت‌های خانوادگی جریان دارد. آزاده، باستانی و کمالی (۱۳۸۶) نیز در طرحی با عنوان «پیمایش ملی بررسی وضعیت، نگرش و مسائل و مشکلات جوانان، یکی از محورهای مطالعه خود را به موضوع جوانان اختصاص داده‌اند. نگرش جوانان نسبت به حجاب در قالب سه رویکرد فقهی، انتظامی و فردی بحث شده است. نتایج در مورد گویه‌های رویکرد فقهی به مساله حجاب نشان داد که بالاترین میانگین، مربوط به گویه «حجاب سبب وقار و امنیت زنان است»، می‌شود. در مورد گویه‌های رویکرد انتظامی بالاترین میانگین مربوط به گویه «کنترل انتظامی» و پایین‌ترین آن به صورتی مشترک مربوط به گویه‌های «مداخله انتظامی و تصویب قانونی» می‌باشد. به طور کلی نتایج نشان‌گر موافقت بالای پاسخگویان با رویکرد فقهی به مساله حجاب و میانگین بدست آمده نشانگر سطحی متوسط از موافقت با رویکرد قانونی به حجاب است و در مورد رویکرد فردی نیز پاسخگویان موافقت پایینی را در مورد گویه‌های مزبور نشان دادند.

بیات (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نگرش زنان به حجاب در شهر تهران»، به دنبال تحلیلی از فرایند تناسب یا تناقض نگرش و رفتار کسانی است که به عنوان بدحجاب در جامعه ظاهر می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۵۵ درصد از پاسخگویان با حجاب به عنوان یک تکلیف قانونی و نزدیک به ۶۷ درصد با جنبه اجباری بودن آن موافقت نشان داده‌اند. همچنین ۷۱ درصد پاسخگویان با این نظر که حجاب مانع پیشرفت زنان و نزدیک به ۶۱ درصد نیز با این ایده که حجاب امری دست و پاگیر است، مخالفت نشان داده‌اند. در خصوص کارکردهای رعایت حجاب در جامعه، بیشترین میزان موافقت با حجاب

عامل کاهش انحرافات، کارکرد حفاظت اجتماعی حجاب، سلامت خانواده، متانت و وقاربخشی حجاب به زن و ارتقای امنیت روانی و اجتماعی آن در جامعه می‌باشد.

از یافته‌های تحقیق چنین برمی‌آید که در شرایط حاضر در حوزه ناهنجاری‌های پوشش بین نگرش و رفتار کنش‌گران ناهماهنگی وجود دارد. تجزیه و تحلیل نگرش پاسخگویان به مسئله حجاب نشان داد که در حوزه نگرش آنها نوعی فردگرایی در حال شکل‌گیری است. در حقیقت این افراد از یک سو به حجاب به عنوان امری شخصی نگاه می‌کنند و از سوی دیگر، حجاب به عنوان یک تکلیف دینی نیز نگریسته می‌شود و این مسئله بدین مفهوم است که در حوزه باورها و ارزش‌ها، اعتقادهای دینی نفوذ و گستره خود را دارند، ولی در حوزه رفتار با اختلال مواجه شده‌اند. در مورد کارکردهای مثبت حجاب، میزان موافقت نسبت به میزان مخالفت بسیار قابل توجه است، به ویژه این‌که میزان موافقت از جانب کسانی بیان شده است که در عمل نسبت به رعایت حجاب التزامی نشان نداده‌اند.

یافته‌های طرح فرجی و حمیدی (۱۳۸۴) حاکی از آن است که بیشتر زنان تهرانی به پوشش عرفی و حجاب اسلامی مقید بوده و بدان عمل می‌کردند و تنها رقم ناچیزی در حدود ۳٫۷ درصد بدان مقید نبودند. همچنین میزان موافقت با پوشش‌های رسمی در حدود سه پنجم کل پاسخ‌هاست (اکثریت موافق، زنان چادری می‌باشند)، اما پوشش‌های رسمی مخالفان جدی هم دارد. در حقیقت با بالا رفتن میزان حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی (تحصیلات بیشتر و اشتغال)، آنها اهمیت بیشتری برای راحت بودن پوشش‌های مورد استفاده خود قائل می‌شوند و نگرش نسبت به پوشش رسمی یا کنترل پوشش زنانه منفی‌تر می‌شود. نتایج پژوهشی توسط نیروی انتظامی (۱۳۸۶) بر روی نمونه ۴۶۰ نفری از زنان و دختران تهرانی ۱۶ تا ۴۰ سال که در پوشش خود معیارهای حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کردند، حاکی از آن است که ۹۱٫۳ درصد پاسخگویان از اجرای طرح مبارزه با بدحجابی آگاه بوده‌اند.

از بین معیارهای حجاب اسلامی مورد نظر پاسخگویان می‌توان به داشتن چادر، درون پاک و سالم (حجاب درونی)، پوشش کامل، مناسب و معمول جامعه، همچنین مانتو و روسری، جلب توجه نکردن پوشش، پوشش بدن و برجستگی‌های آن و پوشانیدن بدن (بدون پوشش مو) اشاره کرد. همچنین از میان چهار معرف مطرح شده به عنوان ملاک بدحجابی ۱- استفاده از مانتوهای تنگ، کوتاه و چسبان ۲- استفاده از شال و روسری کوتاه ۳- استفاده از شلوار کوتاه و برهنگی ساق پا ۴- آرایش تند و غلیظ، بیشترین میزان موافقت متعلق به موارد استفاده از شلوار کوتاه و برهنگی ساق پا و استفاده از مانتوهای تنگ و چسبان به عنوان ملاک بدحجابی است، هر چند لازم به ذکر است که بیش از نیمی از پاسخگویان به این عوامل به عنوان ملاک‌های بدحجابی معتقد نیستند و ۶۹ درصد نیز خود را ملزم به عدم استفاده از این معیارها نمی‌دانند. ۲۵٫۴ درصد از پاسخگویان به سابقه دریافت تذکر از مامورین نیروی انتظامی بدلیل بدحجابی اشاره نموده‌اند، که از این میان ۶۹٫۴ درصد اظهار داشته‌اند که پس از آن تغییری در نوع پوشش خود ایجاد نکرده‌اند. به عقیده ۴۹٫۷ درصد از پاسخگویان وضعیت حجاب در جامعه فعلی ما با معیارهای اسلامی چندان متناسب نیست. همچنین به عقیده ۸۹٫۷ درصد حجاب یک امر کاملاً شخصی است. ۲۹٫۸ درصد از افراد نمونه میزان تاثیر برخورد مستقیم نیروی انتظامی با افراد بدحجاب را جهت جلوگیری از گسترش این پدیده در جامعه کم ارزیابی نموده‌اند، علاوه بر این ۵۵٫۸ درصد نیز این برخوردها را در راستای هدف فوق اصلاً موثر ارزیابی نکرده‌اند.

نتایج پژوهش مجمع (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی الگوی پوشش جوانان (سبک زندگی یا مقاومت؟)» بر روی نمونه ۳۰۰ نفری از دانشجویان دختر دانشگاه تهران نشان داد که هر چه قدر گرایش به گفتمان سنتی افزایش یابد، الگوی پوشش هم‌نوا با هنجارهای رسمی بیشتر نمایان می‌گردد. علاوه بر این، رابطه بین ابعاد مختلف باورها و نگرش‌های دینی پاسخگویان (با دو بعد گفتمان مدرن و سنتی دین) با الگوهای پوشش بیانگر این نکته است که هر چقدر پای‌بندی به اعمال فردی و جمعی دین کمتر و میزان اعتقاد به دین خصوصی و برخورد گزینشی با دین بیشتر باشد، الگوی پوشش بیشتر به سمت ناهمنوایی گرایش دارد. مسئله‌ی اساسی کارکرد الگوی پوشش ناهمنوا بود که در این الگو نوعی مقاومت با نظام هنجاری مسلط وجود دارد. بر اساس نتایج این پژوهش زمانی الگوی پوشش معنای مقاومت به خود می‌گیرد که مراجع رسمی بر این پدیده نظارت و برخورد الزام‌آور داشته باشد. همچنین شایان ذکر است کسانی که گرایش به الگوی پوشش هم‌نوا با هنجارهای رسمی دارند، نوع پوشش افرادی را که در مغایرت با هنجارهای رسمی و سنتی در عرصه عمومی ظاهر می‌شوند، به عنوان مقاومت تلقی می‌کنند، اما به اعتقاد کسانی که الگوی پوشش ناهمنوا دارند، این گروه از این الگو کمتر به منظور مقاومت در برابر سنت‌ها و قوانین استفاده می‌کنند.

نتایج پیمایشی که در سال ۱۳۸۸ توسط هادی بهرامی انجام شد، نشان داد که داشتن نگرش مدرن، رفتارهای پوشش را به سمت «وضعیت نابهنجار» سوق می‌دهد و در مقابل نگرش اسلامی سنتی و میزان آشنایی با احکام حجاب با پوشش بهتر در تمام موقعیت‌ها در رابطه است. به طور کلی موافقت با نظام، رفتار پوششی مناسب‌تر و حجاب بیشتر و نارضایتی از نظام نیز به الگوهای ناهنجارتر پوششی وابسته است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که رضایت از نظام با احتمال بیشتر، تخصیص افراد به گروه باحجاب و نارضایتی از نظام احتمال تخصیص افراد به گروه بدحجاب را توجیه می‌کند. حداقل ۱۶ درصد و حداکثر ۲۸ درصد از تغییرات ایجاد شده در انواع سبک‌های پوشش ناشی از نگرش نسبت به نظام است، ولیکن مخالفت کامل با نظام نقش قابل توجهی در تخصیص افراد به گروه‌های با پوشش نامناسب ایفا نمی‌کند. در مجموع نتایج بدست آمده نشان داد که زنان و دختران بدحجاب از تفسیری عمدتاً فردی از الگوی نگرشی مدرن و غیرسنتی در انتخاب نوع پوشش برخوردار بوده و با نگرش اسلامی درباره نوع پوشش چندان موافق نبوده، درباره نظام سیاسی نگرش انتقادی‌تری داشته و گرایش‌های مذهبی کمتری را از خود نشان می‌دهند.

مروری بر ادبیات نظری

آرای پیتر برگر و توماس لاکمن؛ برساخت اجتماعی واقعیت

جامعه‌شناسی شناخت برای برگر و لاکمن با ساختمان اجتماعی واقعیت سر و کار دارد. از منظر آن‌ها افراد هستند که جامعه را می‌سازند و جامعه یک واقعیت عینی پیدا می‌کند و به نوبه خود افراد را خلق می‌کند. علاوه بر این، رابطه دوسویه‌ای میان واقعیت‌های بیرونی و ساخت‌های ذهنی - شناختی وجود دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از آن کنار بکشد.

از منظر برگر و لاکمن در میان واقعیت‌های کثیر تنها واقعیت زندگی روزمره است که به صورت واقعیتی تمام عیار جلوه‌گر می‌شود. واقعیت زندگی روزمره شامل طرح‌هایی برای سنخ‌بندی است که دیگران در

برخوردهای چهره به چهره بر حسب آن‌ها ادراک می‌شوند و بر طبق این طرح‌ها با آن‌ها رفتار می‌گردد. (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۴۹) در واقع ساختار اجتماعی عنصر اصلی واقعیت زندگی روزمره به شمار می‌رود. (همان: ۵۲)

فرایند نهادسازی

برگر و لاکمن (۱۹۶۷) اعتقاد دارند که نهادی شدن فرایندی است که سبب جاودانه ساختن تشکلهای اجتماعی به شکل پایدار می‌شود. این فرایند طی سه مرحله بیرونی سازی، عینی- سازی و درونی سازی انجام می‌شود.

بیرونی سازی^۱: نظم اجتماعی محصولی است انسانی. آدمی در جریان بیرونی سازی مستمر خویش آن را به وجود می‌آورد (همان: ۷۹-۷۵). البته به این نکته مهم باید توجه داشت که عمل ساخت جهان، عملی جمعی است، هستی فرهنگی انسان به بقای ترتیبات اجتماعی خاصی وابسته است و از طریق بیرونی سازی مستمر، فعالیت‌های ذهنی و جسمی انسان‌ها حاصل می‌شود. (برگر، به نقل از یوسف زاده، ۱۳۸۹)

عینی سازی^۲: عینی سازی عبارت است از: نیل فرآورده‌های بیرونی شده (جسمی و ذهنی) انسان به سطحی از واقعیت که در برابر مولد خود ایستادگی می‌کنند. بدین ترتیب، فرهنگ شکل می‌گیرد. گرچه همه فرهنگ ریشه در آگاهی ذهنی دارد، اما وقتی شکل گرفت، دیگر نمی‌توان آن را طبق میل به آگاهی جذب کرد. (همان)

درونی سازی: درونی سازی عبارت است از: پذیرش همان واقعیت‌های عینیت یافته و انتقال مجدد آن از ساخت‌های جهان عینی به ساخت‌های آگاهی ذهنی. به بیان دیگر، جامعه به مثابه عامل تشکیل دهنده آگاهی فرد عمل می‌کند.

همراه با تاریخی شدن و عینیت یافتن نهادها، توسعه سازوکارهای خاص کنترل‌های اجتماعی نیز ضروری می‌شود. انحراف از طبقه‌های رفتاری که از لحاظ نهادی یا عرفی برنامه‌ریزی شده‌اند، هنگامی محتمل می‌شود که نهادها به واقعیت‌هایی تبدیل شده باشند که پیوندشان را از زمینه ارتباطی اصلی خود در فرایندهای اجتماعی مشخصی که از آن‌ها پدید آمده‌اند، گسیخته باشند. نهادها باید بر فرد، مستقل از معانی ذهنی‌ای که او ممکن است به هر موقعیت خاصی نسبت دهد، ادعای حاکمیت داشته باشند و ادعای حاکمیت هم دارند. هر قدر رفتار بیشتر به صورت نهادی درآید، بیشتر قابل پیش‌بینی و بنابراین بیشتر قابل کنترل می‌شود. همچنین بسیاری از حوزه‌های رفتار فقط با تیپ‌های معینی تناسب خواهند داشت. مورد اخیر تمایزی مقدماتی را دست کم در نحوه تخصیص دادن معنی تقریباً ثابتی به این تیپ‌ها ایجاد می‌کند. (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۹۴-۹۲) دانش ابتدایی درباره نظام نهادی دانشی است در سطح ماقبل نظری. از آنجا که این دانش از لحاظ اجتماعی به عنوان دانش، یعنی به منزله مجموعه‌ای از حقایق کلی معتبر درباره واقعیت، عینیت خارجی دارد، هرگونه انحراف اساسی از نظام نهادی انحراف از واقعیت به نظر می‌آید. (همان: ۹۶)

این دانشی است که در جریان اجتماعی شدن فراگرفته می‌شود و موجب می‌گردد که ساختارهای عینیت‌یافته دنیای اجتماعی در آگاهی فردی به صورت درونی درآیند. دانش، در این معنی در بطن دیالکتیک بنیادی جامعه قرار دارد و مجراهایی را تعبیه می‌کند که از طریق آن‌ها بیرونی‌سازی باعث ایجاد جهانی عینی می‌شود. (همان: ۹۸-۹۷)

اجتماعی شدن در فرایند درونی‌سازی دارای اهمیت بسیار فراوان است. درک بی‌واسطه یا تعبیر و تفسیر رویدادی عینی که بیان‌کننده معنایی باشد، یعنی مبین جلوه‌ای از فرایندهای ذهنی دیگران که از این راه برای فرد از لحاظ ذهنی بامعنی شود. جریان تکامل فردی‌ای که این امر به واسطه آن میسر می‌شود، پرورش اجتماعی ۱ است (همان: ۱۷۹) در حقیقت، هویت را از لحاظ عینی، واقع بودن در جایی در جهانی خاص تعریف کرده‌اند و از لحاظ ذهنی فقط همراه با آن جهان می‌توان صاحب آن شد. تصاحب ذهنی هویت و تصاحب ذهنی جهان اجتماعی چیزی نیستند؛ جز جنبه‌های مختلف فرایند درونی‌گردانیدن، که صاحبان نفوذ و مربیانی واحد در آن پا در میانی می‌کنند. (همان: ۱۸۱)

هنگامی که دیگری تعمیم‌یافته ۲ در آگاهی تبلور یافته باشد، رابطه مقارنی میان واقعیت عینی و ذهنی برقرار می‌گردد. واقعیت عینی همیشه بیشتر از آن در دسترس است که عملاً در آگاهی فردی به صورت درونی درآید، هیچ فردی تمامی آنچه را به عنوان واقعیت در جامعه‌اش عینیت می‌یابد به صورت درونی در نمی‌آورد. فرایند درونی‌سازی مستلزم همذات‌شدن ذهنی با نقش و هنجارهای متناسب با آن است. (همان: ۱۸۳)

واقعیت زندگی روزمره با ریخته شدن به قالب امور جاری، که ماهیت نهادسازی است، خود را حفظ می‌کند. اما علاوه بر این، واقعیت زندگی روزمره در برهمکنش فرد با دیگران پیوسته از نو تائید می‌شود. واقعیت، درست همان‌گونه که در اصل از طریق فرایندی اجتماعی به صورت درونی درمی‌آید، به وسیله فرایندهای اجتماعی در آگاهی جایگزین می‌گردد. این فرایندهای اخیر تفاوت اساسی و چشمگیری با فرایندهای مربوط به درونی‌سازی آغازین ندارند. (همان: ۲۰۳-۲۰۱)

روش پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر؛ روش کیفی با تکیه بر نظریه مبنایی است. نظریه مبنایی ۳ به مثابه یک روش تحقیق کیفی مجموعه‌ای سیستماتیک از روش‌های جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به گونه‌ای استقرائی به منظور استنتاج و تدوین یک تئوری از دل داده‌ها بکار می‌گیرد. (استراس و کوربین، ۱۳۸۵) سوال در نظریه مبنایی، معمولاً پرسشی گسترده و باز است که به فراخور تمایل مشارکت‌کننده و نیاز پرسش‌گر محدودتر و عمیق‌تر می‌گردد. (برن و گراو، ۱۹۹۵: ۳۹۸) در این روش نه تنها مفاهیم و رابطه بین آنها ایجاد می‌شود، بلکه آنها به طور موقت مورد آزمایش نیز قرار می‌گیرند. (همان: ۲۴-۲۳) همچنین محقق به جای آزمون روابط بین متغیرها، به کشف مقولات^۴ مربوط و روابط بین آنها پرداخته و آن مقوله‌ها

1. Socialization
2. Generalized Other
3. Grounded Theory
4. Categories

را به شکلی جدید به هم مربوط می‌سازد. در تحقیقات نظریه‌مبنایی، پدیده در سایه چارچوب نظری که در ضمن خود تحقیق پدید می‌آید، توضیح داده می‌شود. (همان: ۴۷)

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه هدف پژوهش، جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر تهران با تیپ‌های مختلف پوشش می‌باشد. اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق با بیست و دو نفر از جوانان، متشکل از یازده دختر و یازده پسر با تیپ‌های مختلف پوشش حاصل شده است. در این پژوهش، انتخاب افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف می‌باشد. و در مرحله تحلیل داده‌ها، برای نمونه‌گیری از داده‌ها، از روش نمونه‌گیری نظری^۱ استفاده شده است. تحقیق میدانی و کار نظریه‌سازی زمانی کامل می‌شود که اشباع نظری حاصل شده باشد و ارزش نهایی داده‌های (نمونه‌های) جدید در حداقل سطح خود باشد.

در این پژوهش، از راهنمای مصاحبه محقق ساخته برای گردآوری اطلاعات و تمرکز بیشتر بر روند هدایت مصاحبه برای رسیدن به اهداف پژوهش، استفاده شده است. و با استفاده از مصاحبه نیمه ساخته شده به گردآوری اطلاعات پرداخته شده است. همچنین برای تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، از روش کدگذاری نظری^۲ که شامل سه مرحله کدگذاری باز^۳، کدگذاری محوری^۴ و کدگذاری انتخابی^۵ است، استفاده شده است. فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرایند تحلیل، کدگذاری گزینشی بیش‌تر مطرح می‌شود. (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۲۹)

یافته‌های پژوهش

پس از کدگذاری باز، در مرحله «کدگذاری محوری» پس از مقایسه مفاهیم با یکدیگر و کنار هم گذاشتن آنان بر اساس اشتراکات و هم‌پوشی معنایی، مقولات محوری پژوهش به ۵ مقوله عمده انتزاع یافتند که در جدول ۱ آمده است. در ادامه به شرح و بسط هر کدام از مقولات با توجه به مفاهیم تشکیل دهنده آنان خواهیم پرداخت.

جدول ۱: مقولات مربوط به ارزیابی هنجارهای رسمی و غیررسمی پوشش

طیف بندی تیپ‌های مختلف پوشش
طبقه بندی پوشش بر حسب گرایش‌های رسمی و غیررسمی
مبنای اخلاقی طبقه بندی‌های پوشش
ناممکن بودن نظارت رسمی
معیارهای مشروعیت نظارت رسمی

1. Theoretical Sampling
2. Theoretical Coding
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding

در این پژوهش بر اساس متن مصاحبه‌ها ده تیپ پوشش از یکدیگر متمایز گردید که همگی ذیل مقوله «طیف بندی تیپ‌های مختلف پوشش» آمده‌اند.

طیف بندی تیپ‌های مختلف پوشش

بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن است که مصاحبه‌شوندگان، تیپ‌های مختلف پوشش را در قالب‌هایی که شرح آن بدین ترتیب خواهد آمد، طیف بندی کرده‌اند.

تیپ پوشش چادر

مصاحبه‌شوندگان افراد چادری را به دو دسته؛ کسانی که حجاب ظاهری کامل دارند و کسانی که علی‌رغم پوشش چادر، حجاب کامل را رعایت نمی‌کنند، تقسیم نموده‌اند.

رعایت حجاب کامل با تیپ پوشش چادر

بخشی از مصاحبه‌شوندگان بر این عقیده‌اند که این دسته نیز به دو دسته فرعی، کسانی که به معیارهای زیباشناسی اهمیت می‌دهند و در مقابل کسانی که اهمیت چندانی به معیارهای زیبایی‌شناسی و آراستگی نمی‌دهند، تقسیم می‌شود.

بعضی از این چادری‌ها نظافت فردی شونو زیاد رعایت نمی‌کنند، کثیفن. (شالر، ۲۸ ساله، تیپ پوشش مانتویی)

عدم رعایت حجاب کامل با تیپ پوشش چادر

در مورد دسته دوم اکثریت مصاحبه‌شوندگان بر این عقیده‌اند؛ کسانی که با وجود داشتن حجاب چادر، حجاب سر را رعایت نمی‌کنند و از آرایش‌های تند و زننده استفاده می‌کنند، شخصیت آن‌ها به دلایلی از قبیل اجبار خانواده، عادت و عرف محیط زندگی در تضاد با حجاب چادر است، که این امر علاوه بر جلب توجه بیشتر با این سبک پوشش، سبب شکسته شدن حرمت حجاب و زیرسوال بردن چادری‌های دسته‌ی اول می‌گردد. به بیان دیگر، به عقیده مصاحبه‌شوندگان، این دسته اعتقاد درونی کافی به حجاب چادر نداشته و به دلیل مواجه نشدن با اجبار و کنترل خانوادگی و اجتماعی مبادرت به استفاده از چادر می‌کنند. فک کنم الکی واسه خانواده می‌پوشن. من دختر داییم اجبار داییم چادر سر می‌کنه. ولی یکی دو بار با من میاد بیرون چادرش رو در میاره، باز می‌خواد بره سمت خونه چادرش رو می‌پوشه. (کامران، ۲۰ ساله)

تیپ پوشش حزب‌اللهی

این عنوان از سوی مصاحبه‌شوندگان برای مردانی با سبک پوشش؛ یقه‌آخوندی، بسته بودن دکمه‌های سرآستین، شلوار پارچه‌ای گشاد، پیراهن روی شلوار، مدل مو مثبت و ریش داشتن بکار برده شده است. بخشی از مصاحبه‌شوندگان، این تیپ پوشش را در مقابل تیپ معمولی قرار داده‌اند.

بعضی پسرها منطق‌شون اینه که لباس جین نباید پوشید، دکمه سر آستین باید بسته باشه، لباس آستین کوتاه نباشه! نه من یه تیپ معمولی دارم. لباس معمولی؛ لباسی که رو عرف باشه نه بیشتر. یه مقدار امروزی باشه. کسی که یه دست لباس خاصی حتما تیپ پارچه‌ای بزنم، فلان لباس رو قدغن کنم بپوشم نه! من اهل این چیزها نیستم. (محسن، ۲۰ ساله)

تیپ پوشش آراسته

آرایش خوب و ملایم داشتن، تمیز بودن و برانگیخته شدن حس احترام متقابل از ویژگی‌های تیپ پوشش آراسته برشمرده شده است. در تیپ پوشش آراسته بر جلب توجه مثبت با سبک پوشش تاکید شده است.

آدم آراسته مشخصه، رژ لب هم داره، تمیزه، آرایش ملایم و خوب داره. وقتی آراسته به جایی بری حتی مذهبی‌هاشم احترام بیشتری واسه آدم قائل می‌شن، با آراسته لباس پوشیدن به دیگران احترام می‌ذاریم (شلر، ۲۸ ساله، تیپ پوشش مانتویی).

تیپ پوشش امروزی

تیپ پوشش امروزی لزوماً به معنای پیروی از مد نمی‌باشد. مصاحبه‌شوندگان در تعریف تیپ- پوشش امروزی غالباً توجه به تناسب با هنجارهای امروزی پوشش از جمله دمدمه نبودن و حدی از زیبایی، به بیان دیگر، رعایت کردن جانب اعتدال، که مانع از جلب توجه منفی است، را در تیپ پوشش متناسب با شرایط زمانه مد نظر قرار داده‌اند.

من به مدل لباسی می‌پوشم که جلب توجه نکنه. اهل لباس پوشیدنی که فلان کس بگه به موهاش نگاه کن، بگه چه موهایی داره! به تی شرت بپوشم تی شرتش اینطوری نه، زیاد اهل لباس پوشیدنی که جلب توجه کنه نیستم. دوست دارم به مدلی به مد نزدیک باشه به مقدار امروزی باشه (محسن، ۲۰ ساله).

تیپ پوشش شیک و ساده

شیک و سادگی در اکثریت موارد ملازم با یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند. ملاک‌های تیپ پوشش شیک و ساده به طور ضمنی با تاکید بر صفت جلب توجه مثبت، بر مقبولیت این صفت از سوی جامعه تاکید دارد. کسی که شیک، شیک هم توش حتماً سادگی هست. تپی رو یادم نیامد که خیلی تو چشم باشه ولی شیک هم باشه. تو شیک سادگی هم هست. تو کفشش، تو روسری، تو مانتوش، تو مقنعه‌ش. زیباست واقعا (پردیس، ۲۹ ساله، تیپ پوشش مانتویی).

تیپ پوشش شیک و معمولی

تنگ نبودن لباس، مانتوی تا حدی کوتاه و ساده با رنگ ساده، شلوار جین، بیرون بودن قسمتی از مو، آرایش ملایم صورت، استفاده از لاک‌های ملایم، جلب توجه به لحاظ سادگی توام با شیک پوشی نه به قصد خودنمایی، معادل با تیپ پوشش شیک و معمولی تعریف شده است.

این تیپ پوشش بیشتر بر حسب تعریف افراد از تیپ پوشش خود و با در نظر گرفتن سبک پوشش آن‌ها در زمان مصاحبه تعریف شده است.

فوکول نداشتم بذارم بیرون معمولی بود (ضحی، ۱۸ ساله، تیپ پوشش مانتویی).

تیپ پوشش اهل مد

به عقیده بخشی از مصاحبه‌شوندگان، تیپ پوشش اهل مد، به معنای پیروی از جدید بودن سبک پوشش، بدون توجه به معیارهای زیبایی‌شناسی شخصی است.

چن سال پیش بیشتر دوس داشتم رو مد باشم. الان تقریباً هر چی خوشم بیاد. اون موقع که مد بود می‌رفتم طرفش، کم بود چیزی که خودم خوشم بیاد. اون موقع که مد بود یا حتماً مارک باشه الان به چیز ایرانی باشه کفش ایرانی باشه قشنگ باشه برام اهمیت نداره می‌خرم (حسام، ۲۸ ساله).

تیپ پوشش فشن

در بین مصاحبه‌شوندگان دو تعبیر از تیپ پوشش فشن وجود دارد؛ بخشی از افراد حدی از فشن بودن را با صفاتی از قبیل خوش تیپ بودن و اهمیت به معیارهای امروزی بودن تعریف کرده‌اند، اما حالت افراطی آن با صفاتی از قبیل جلف، فجیع و خفن توصیف شده است.

فشن من فشن یه جورى باشى كه خوش تىپ باشى تو چشم بیای خوش تىپ باشى ولى جلف نباشى ديگه. همین كه موهاشو خیلی می‌ده بالا، خیلی آرایش فجیع می‌كنه، نمى‌دونم ده قلم آرایش بكنه، مثلا مانتوى خیلی کوتاه و تنگ می‌پوشن ديگه مشخصه چجورى وضعیتشون (ركسانا، ۲۳ ساله، تىپ پوشش مانتویی).

تىپ پوشش جلف

صفاتى از قبیل تابلو و ضایع از جمله صفاتى است كه در توصیف تىپ پوشش جلف عنوان شده است. همچنین واژه «جلف» در موارد بسیارى به عنوان صفتى برای تىپ پوشش فشن ذكر شده است. مدل موهاى فشن، آرایش افراطى صورت و مو به گونه‌اى بد و زننده، ناخن مصنوعى، پوشیدن لباس‌هاى کوتاه، تنگ و بدن‌نما، عدم تفكيك مكان عمومى و خصوصى، سوراخ كردن لب و گوش و جلب توجه بیش از حد با زندگى؛ (پوشش به قصد تبرج)، از مصادیق تىپ پوشش جلف است. آدم جلف مدل موهاى فشن داره، رژلب‌هاى بد و زننده، ناخن مصنوعى‌هاى آن چنانى، نگین‌هاى بىنى و چونه كه مناسب دانشگاه و بیرون نیست، مناسب مهمونى و عروسیه (شلر، ۲۸ ساله، تىپ پوشش مانتویی).

تىپ پوشش جیغ

در تعریف تىپ پوشش جیغ، كه در مواردى به عنوان صفت برای تىپ پوشش جلف بكار برده شده است، رنگ‌ها نقش مهمى دارند. به عنوان مثال رنگ‌هاىی از قبیل قرمز، نارنجى، زرد، بنفش، آبی و صورتى به عنوان رنگ‌هاىی می‌باشند كه در مواردى عدم رواج آن بسته به مكان معادل با ناهنجارى تلقى شده است. فرق حالا كسى كه لاك خیلی ملايم می‌زنه با كسى كه رنگ قرمز جیغ می‌زنه این دو تا خیلی با هم فرق دارن. من انتظارم این بود به یه رنگ جیغ تذكر بدن نه چیزى كه ملايم كه طرف نبینه طرف لاك داره. من دوس ندارم یه رنگ قرمز جیغ بزنم برم بیرون (ضحى، ۱۸ ساله، تىپ پوشش مانتویی).

طبقه بندى پوشش بر حسب گرایش‌هاى رسمى و غیررسمى طبقه بندى پوشش مبتنى بر عقاید دینى

گرایش مصاحبه‌شوندگانى كه در طیف بندى از پوشش، از سوى مصاحبه‌شوندگان در طیف پوشش چادرى (محجبه) و حزب‌اللهى قرار گرفته‌اند، به گرایش‌هاى رسمى نزدیک‌تر بوده، و افراد را بر اساس پوشش به دو مقوله باحجاب و بی‌حجاب تقسیم می‌کنند. این دسته در مورد معیار حجاب، وضوح بیشتری داشته و قضاوت صریح‌تری می‌کنند.

خوب یه سرى چیزهاى ثابت هست كه تو اسلام مشخصه كه مثلا كجای بدن خانم باید مشخص باشه چجورى باشه اینها می‌شه اصلش ولى تو همینم می‌شه بدحجاب بود. مثلا شما یه لباس تنگ بپوشى لباس نمى‌دونم رنگش یه جورى باشه كه خیلی جلب توجه كنه یا مثلا آرایش داشته باشى اینها می‌شه مصداق بدحجابی. بگذریم يكی كه هیچ قید و بندى نداره و راحت اینكه مشخصا بدحجابیه از اون سمت با رعایت یه سرى محدودیت‌ها باز هم می‌شه بدحجاب بود. مشخصه چیزهاىی كه اسلام دین‌مون گفته باید رعایت كنیم. خیلی سخت هم نیست شفاف و گنگ هم نیست، به غیر از این‌ها باشه باز هم می‌شه بدحجابی (محمد، ۲۷ ساله، تىپ پوشش مذهبی).

طبقه بندی پوشش مبتنی بر ارزش های عرفی و استنباط های شخصی

در مقابل بخش زیادی از مصاحبه شونده‌گان، تعاریف شخصی از حجاب ظاهری ارائه داده‌اند، اما در عین حال بر این عقیده‌اند که تعاریف شخصی بسته به فرهنگ و عرف اجتماعی جامعه تعریف و محدود می‌گردد. همچنین این دسته که گرایش رسمی آنان کم‌رنگ‌تر است، نمی‌توانند معیار صریحی برای طبقه‌بندی افراد بر حسب حجاب یا بدحجابی ارائه کنند، در نتیجه پوشش از منظر آن‌ها به طبقات متعددی تقسیم شده است. در واقع، هر جا که امر فردی به میان می‌آید، ابهام و شخصی شدن سبب می‌گردد تا با تنوع و پراکندگی روبرو باشیم. تنوع طبقه‌بندی به نوعی دلالت بر پذیرش خواست‌های فردی دارد. در نتیجه می‌توان گفت: این نوعی استراتژی فردی برای گریز از قواعد محدود کننده ساختی برای کنش‌گران است. به این ترتیب، می‌توان گفت این تعریف درصد نفی حجاب نیست، بلکه حجاب به مثابه هنجاری درونی و پذیرفته شده است، اما با ارائه تعاریفی متفاوت و متنوع، سعی در فاصله‌گذاری دارد.

بخوام به منطقه برم که به خورده پائین شهر اسم بگیره به خورده آگه بخوام برم پائین شهر پوششم رو رعایت می‌کنم به چیز دیگه می‌پوشم به چیز غیر اون که بالا شهر اونو می‌پوشم رو می‌پوشم. مثلا ماتتویی که کوتاه برا بالا شهر یکم کوتاه واسه پائین شهر یکم بلندتر شو می‌پوشم. برم بالا شهر شال سر کنم واسه پائین شهر مقنعه سر می‌کنم. نوع آرایشم بالا شهر برم یکم زیاد باشه واسه پائین شهر کم کم کمش می‌کنم. چون آرایشم اونقدم زیاد نیست. فک می‌کنم جلب توجه می‌کنه. من آگه بخوام بالا شهر پوتین بلند بپوشم واسه پائین شهر پوتین کوتاه می‌پوشم و می‌رم که جلب توجه نکنه (رکسانا، ۲۳ ساله، تیپ پوشش ماتتویی).

مبنای اخلاقی طبقه بندی های پوشش

از آنجایی که این طبقه‌بندی‌ها، طبقه‌بندی‌های منفعلانه‌ای نیست و همراه با باری از عواطف و احساسات است، بدین ترتیب افراد دیگری خود را مشخص می‌کنند. هر نوع طبقه‌بندی «دیگری» خلق می‌کند و این «دیگری» کسی است که بر حسب تعریف آن‌ها، از معیارهای اخلاقی و نجابت دور است. آن دسته از افراد که طبقه بندی متنوعی بر حسب پوشش ارائه می‌دهند، در عین حال بر اساس معیارهای اخلاقی دست به «دگرسازی» می‌زنند. در حقیقت افراد در حین آن فاصله‌ای که با دسته‌بندی‌های متناظر سیاسی بیرونی ایجاد می‌کنند، در عین حال در ارزیابی‌های خود از مفاهیمی استفاده می‌کنند که این مفاهیم در نظام رسمی وجود دارد؛ یعنی حجاب را در چارچوب اخلاق تعریف می‌کنند. به عبارتی درباره پوشش دو نوع قضاوت متفاوت انجام می‌شود، که این خود سرچشمه پریشانی‌ها و تنش‌های درونی و چندپاره- شدن وجود افراد است، که نمود آن در تضاد بین باورها و اعتقادات با اعمال و رفتارهای فردی قابل مشاهده است.

برای آن دسته از افراد که گرایش‌های رسمی کمتری دارند و یا مخالف با آن می‌باشند، «دیگری» کسی است که در طبقه‌بندی‌های متنوع پوشش، آن‌ها را در بیرون از طبقه خود تعریف کرده و با اختصاص صفات ارزشی و اخلاقی به آنها به ایجاد فاصله‌گذاری پرداخته‌اند.

اکثریت مصاحبه شونده‌گانی که تعریف غیررسمی از حجاب دارند، با ارائه قضاوت منفی نسبت به افرادی که با عدم رعایت هنجارها و معیارهای حجاب ظاهری سبب جلب توجه منفی و به تبع آن داوری منفی درباره حجاب رفتاری خود از سوی هنجارهای غیررسمی می‌شوند، سعی در فاصله‌گذاری از این تیپ‌های پوشش دارند. در واقع افراد، با برشمردن ویژگی‌های متنوعی که ملاک بدحجابی از سوی آن‌ها تعریف

می‌شود، خود را در بیرون از این طبقه‌بندی‌ها تعریف کرده‌اند.

ایجاد «دیگری» بر اساس عدم رعایت معیارهای اخلاقی

از جمله داوری‌های منفی با رابطه عدم تناسب سبک پوشش با هنجارهای غیررسمی و تمایل به روابط جنسی در ارتباط است. نکته مهم در این داوری‌ها کاربرد واژه «این کاره یا اون کاره» است. در واقع امر اخلاقی و تعریف حجاب در چارچوب مفاهیم نظام رسمی مانع از اشاره مستقیم گردیده است و از آنجایی که سخن گفتن درباره روابط جنسی در فرهنگ ما تابو محسوب می‌شود، این واژه‌ها امکانی برای افراد است تا معنای مورد نظر را بدون آنکه واژه معین یا تابویی را بکار برند، منتقل کنند.

بعضیا اوتقد بد آرایش می‌کنن و لباس می‌پوشن که آدم فکر می‌کنه اون کاره هستن. تو اروپا هم اینقدر تنگ و بدن‌نما نمی‌پوشن، درست که شلوار جین دارن با یه بلوز ولی یک مانتوی تنگ بیشتر جلب توجه می‌کنه تا خانمی که بلوز شلوار پوشیده و موهاش بازه. تو کشورهای غربی فقط زن‌های روسپی اینجوری آرایش دارن. خوب اون‌ها اون کاره هستن، یکی رو دیدم وحشتناک. اون خانم شلوار برمودا پوشیده بود و موهاشو یه جور عجیبی گذاشته بود بیرون، با آرایش عجیب و غریب. به نظر من مردم متوجه می‌شن که کی چکاره‌ست کسی که دنبال این برنامه‌ها باشه. ما هر چقد هم آرایش کنیم کسی این فکر نمی‌کنه (شلم، ۲۸ ساله، تیپ پوشش مانتویی).

محسن نیز پوشش پسرانی را که ابرو نازک می‌کنند، آرایش می‌کنند و یا گوشواره می‌پوشند، را خارج از معیارهای اخلاقی جامعه تعریف کرده و بدین ترتیب با انتقاد از آن‌ها سعی در فاصله‌گذاری دارد.

خیلی از پسرها هستن حالت دخترونه پیدا می‌کنن. نمی‌گم از نظر مرتب کردن ابرو خیلی چیز خوبیه یکی پریش ابروهاش. خیلی‌ها عرف شده که نازک می‌کنن یه مدل این. بعد از نظر آرایش پوست و گوشواره انداختن رو در شخصیت یه مرد فک کنم نباشه. رنج شو حفظ کنه از اصول و قانون مردونگی نزنه بیرون. در شان یه مرد نیست مث یه دختر جلوی موهاشو رنگ کنه و ماژیک مو بکشه هر چی روال خودش. اگه پسری یه اصولی داره چرا گوشش رو سوراخ کنه یا لب‌شو. این‌ها تقلید می‌کنن اکثر جوان‌های ما از نظر گروه موسیقی اون وری درست می‌کنن خودشونو. من خودم دوست ندارم نه از اون و تقلید کنم نه اون چیزی که، از نظر اخلاقی درست باشه دوست دارم اونجوری باشم (محسن، ۲۰ ساله).

ناممکن بودن نظارت رسمی

این استراتژی فردی راه‌گریز از قواعد محدودکننده ساختی را برای کنش‌گران هموار می‌کند. افراد با تعریف حجاب به منزله امری شخصی، تلاش می‌کنند تا از تعریف رسمی حجاب فاصله بگیرند. این روش با متنوع‌کردن طبقه‌بندی‌ها، همچنین تعلیق قضاوت به موقعیت (موقعیت‌مند کردن پوشش) عملاً قضاوت‌های رسمی درباره پوشش را ناممکن می‌سازند.

گرایش‌های غیررسمی یا مخالف برای امکان پذیر کردن کنترل آن را به معیار درونی موکول می‌کنند. باطن نیز در دسترس افراد نیست و اساساً نشانه‌های ظاهری در تعارض با باطن است، به این ترتیب بر اساس ظاهر نمی‌توان قضاوت کرد و گمراه‌کننده است.

تاکید بخش زیادی از صاحب‌ه‌شوندگان بر ملاک اهمیت باطن در قضاوت، دلیل امکان ناپذیر کردن نظارت‌های رسمی است، بدین صورت که باطن در تعارض با ظاهر است و ظاهر ملاک نادرست قضاوت

درباره باطن افراد است. بدین ترتیب عملاً نظارت بر اساس ظاهر ناممکن می‌شود.

سبک پوشش؛ ملاک نادرست نظارت

بخشی از مصاحبه‌شوندگان با تاکید بر نقش خانواده (مسئله نبودن سبک پوشش فرزندان از سوی خانواده‌ها یا از سوی دیگر اجبار خانواده‌ها بر سبک پوشش چادر)، همچنین با تلقی حجاب به عنوان امری شخصی، نظارت بر اساس ظاهر را ناممکن کرده‌اند.

اصلاً درست نیست به کسی ربطی نداشته هر کسی به تیبی می‌زنه واسه خودش الکی گیر بدن بهش چی بگن اصلاً طرف خانواده‌دار دنیا دیده‌ست خارج رفته‌ست اون جور تیب می‌زنه به کسی ربطی نداشته (علیرضا، ۲۲ ساله).

حقیقتش نمی‌دونم پوشش رو، حجابم بدم میاد بگم، یه چیز کاملاً شخصی می‌دونم این روسری هم که به زور سرمون کردن هیچ اعتقادی بهش ندارم چون هنجار جامعه است سعی می‌کنم رعایت کنم (پردیس، ۲۹ ساله، تیب پوشش مانتویی).

ملاک تیب نیست طرف به خاطر خونوادش مجبوره چادری باشه مثلاً فرزند یه آیت الله‌ست نمی‌تونه تیب بدجور بزنه. مجبوره چادری باشه مجبوره ولی تو همون چادر هزاران هزار تا کار می‌کنه. من دیدم به چشم (حسام، ۲۸ ساله).

حجاب درونی؛ معیار نظارت

بخش زیادی از مصاحبه‌شوندگان با تاکید بر حجاب درونی به عنوان ملاک قضاوت و با انتقاد از نیروی انتظامی، به فکر امنیت جامعه نبودن و چشم‌چرانی مامورین مرد، مخالفت خود را با نظارت رسمی بیان کرده‌اند.

گشت ارشادی‌ها آگه واقعا به فکر امنیت جامعه‌اند، می‌دونن این‌ها بیشتر ۹ شب به بعد میان بیرون، گشت ارشاد هم که ۹ شب به بعد نیس (شلر، ۲۸ ساله، تیب پوشش مانتویی).

من که با خانمم می‌رم بیرون میاد گیر می‌ده، ذوم می‌کنه تو چرا برمودا پوشیدی؟ تو خودت داری چشم چرونی می‌کنی! تو خودت پای خانم من رو دید می‌زنی! به نظر من خودش چش چرون‌تره، بالا تا پائین رو اسکن می‌کنی تا گیری بده. تو خودت داری دید می‌زنی که گیر می‌دی (مهران، ۲۶ ساله).

معیارهای مشروعیت نظارت رسمی

تفسیر هنجارهای رسمی از سوی افراد با گرایش‌های مختلف رسمی و غیررسمی، متفاوت از یکدیگر می‌باشد. افراد با گرایش‌های رسمی یا نزدیک به آن معیارهای بیرونی و غیرفردی را مبنای نظارت بر سبک پوشش افراد بدحجاب قرار می‌دهند. در واقع، در جایی که معیار روشن است، کنترل هم ساده‌تر است، زیرا می‌توان از افراد خواست که بر اساس این معیار عمل کنند. این شیوه تفسیر درون خود سازگار است، ولی با واقعیت متنوع اجتماعی ناسازگار است.

- بدحجابی (ظاهری)؛ معیار نظارت رسمی

به نظر من آگه ما یه قانونی داشته باشیم و پوشش یه پشتوانه قانونی داشته باشه. قانون سفت و سخت و درست حسابی نه نداریم. مثلاً تعریف بشه که الزام قانونی داشته باشه اون موقع برخورد باهاش برخورد با متخلفان قانون نه برخورد با برخورد مذهبی تلقی نمی‌شه برخورد با متخلف قانون. همون جور که با یکی

که علائم راهنمایی رانندگی رو رعایت نمی‌کنه بر خورد می‌شه، همون جور با کسی که مال کسی رو می‌دزده بر خورد می‌شه. ولی خوب خشونت رو نمی‌پسندم (پریسا، ۲۳ ساله، تیپ پوشش چادری). از سوی دیگر کسانی که گرایش‌های آن‌ها به گرایش‌های غیررسمی نزدیک است، خود را با واقعیت متنوع مطابق می‌سازند. این تفسیر در چارچوب خواست‌های فردی و اجتماعی قرار دارد. افراد با شیوه تفسیر قواعد ساختی آنها را منعطف و فردی و در نتیجه متنوع می‌سازند و جایی برای نقش کنشگر مهیا می‌کنند. این شیوه تفسیر هم قضاوت را ناممکن می‌سازد و هم در عین حال خود بر اساس معیارهای اخلاقی، دست به قضاوت می‌زند. در نتیجه، درون خود ناسازگار است.

دلایل عدم تبعیت از هنجارهای رسمی

عدم هماهنگی میان قوانین فعلی برخورد با بدحجابی با عرف جامعه در این مورد افراد بر رعایت پوشش متناسب با هنجارهای غیررسمی (معادل عرف) تاکید دارند و بدین ترتیب هنجارهای رسمی را در تقابل با آن قرار می‌دهند. پردیس بر این عقیده است که مانتوی فیروزه‌ای که سبب بازداشت او توسط گشت‌ارشاد گردیده است، سبک پوشش مورد تایید جامعه بوده است.

مثلا من چه خودنمایی می‌خواستم بکنم. من داشتم با یکی از دوستای همکلاسی دوره دبیرستانم می‌رفتم سینما. با یه رفتار بد ماتومم اصلا چیز بدی نبود الانم فقط یه خاطره بدی تو ذهنم مونده که ترجیح می‌دم نپوشم، اونو مانتویی که جامعه تأییدش نکنه نمی‌دونم (پردیس، ۲۹ ساله، تیپ پوشش مانتویی). عدم تعریف معیارهای واحد از سوی کارگزاران نظارت رسمی (ابهام و سلیقه‌ای بودن) از دیگر خصوصیات نظارت رسمی برخوردهای سلیقه‌ای می‌باشد، که از جمله آن می‌توان به نداشتن معیارهای واحد در تعریف مصادیق حجاب و بدحجابی اشاره کرد، که در نتیجه احساس سردرگمی، تبعیت از آن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

دانشگاه به خاطر نپوشیدن جوراب بهم تذکر دادن. من صندل پوشیده بودم، صندلمم کاملا پوشیده بود فقط ناخن‌هام بیرون بود. خانم داخل اتاقک نگهبانی با لبخند گفت جوراب نپوشیدی‌ها، منم گفتم باشه. وقتی رفتم دانشگاه دیدم بچه‌ها با چه سرو وضعی داخل دانشگاه هستن اونوقت به من تذکر دادن. گاهی شده با یه سر و وضع بدتر می‌ریم بیرون هیچی نمی‌گن (شلر، ۲۸ ساله، تیپ پوشش مانتویی).

برخورد نامناسب مامورین گشت ارشاد و عدم تربیت افراد متخصص من با برخورد زبانی هم کاملا موافق نیستم اون فردی که تذکر می‌ده باید بدون چجوری تذکر بده صرفا یه آدمی که تو بحث‌های فرهنگی و اجتماعی مطالعه‌ای نداره مدرکی نداره صرفا اومده تو کار حالا با معیارهای دیگه‌یی اومده تو بحث بیاد به یه نفر دیگه بگه چیز کن هیچ وقت موفق نمی‌شه نتیجه نمی‌ده که معکوس نتیجه می‌ده چیزی که به نظر می‌رسه این که عمده‌شون خیلی تخصص خاصی ندارن بلد نیستن چجوری تذکر بدن تذکر راه و روش داره (حمید، ۲۴ ساله).

نظارت محدود مکانی و زمانی

جوون بدبخت مثلا اون مسیری که گشت ارشاد نمی‌ره می‌گه یه دور از اون ور بزنم (علیرضا، ۲۲ ساله).

دلایل تبعیت از هنجارهای رسمی

تمکین به دلیل اجبار

فقط مواقعی که مجبور باشم به جای دولتی برم سعی می‌کنم عین چارچوبی که اون‌ها تعریف کردن برم. به اداره‌ای برای کار بخوام برم قطعاً رعایت می‌کنم، این تیپ خودم نمی‌رم. مانتوی بلندتر می‌خرم فقط واسه سر کار، مو که قطعاً تو. بعد من کلاً خیلی نه اهل آرایشم نه خیلی اینکه موهامو درست کنم. همینی که هست به مقدارم موهام جلوش همیشه پیداست نه اصراری دارم بپوشونم نه اصراری دارم که بندازم بیرون. همین عقب جلویی که روسری می‌شه وگرنه اینکه واسه بیرون رفتن موهام رو درست کنم نه اصلاً این نیست (پردیس، ۲۹ ساله، تیپ پوشش مانتویی).

تمکین به دلیل ترس

سر لباس حراست دانشگاه بهم گیر داده بود که اینجوری نیا دفعه بعد درست کن بهتر می‌پوشیدم مناسب‌تر می‌پوشیدم. به خاطر ترسی که از حراست داشتم مجبور بودم لباسم رو تو دانشگاه پوشیده بپوشم و بیرون دانشگاه هر جور که دوست دارم بپوشم (حسام، ۲۸ ساله). این دسته از افراد در عین حال که خود را ملزم به تبعیت از هنجارهای رسمی نمی‌دانند، اما از سوی دیگر بر اساس معیارهای اخلاقی بر ضرورت نظارت رسمی تاکید دارند.

معیارهای اخلاقی؛ معیار ضرورت نظارت رسمی

گشت ارشاد فک می‌کنم به جاهایی شاید حق داشته باشه. بعضیا اونقد بد آرایش می‌کنن و لباس می‌پوشن که آدم فکر می‌کنه اون کاره هستن. تو اروپا هم اینقدر تنگ و بدن نما نمی‌پوشن، درست که شلوار جین دارن با یه بلوز ولی یک مانتوی تنگ بیشتر جلب توجه می‌کنه تا خانمی که بلوز شلوار پوشیده و موهاش بازه. من فکر می‌کنم زن‌های جامعه ما به این خاطر آرایش می‌کنن و موهاشونو بیرون می‌ریزن که فقط زیبایی شونو تو صورت می‌تونن نشون بدن. تو کشورهای غربی فقط زن‌های روسپی اینجوری آرایش دارن (شهر، ۲۸ ساله، تیپ پوشش مانتویی).

خیلی هاشم ممکنه درست باشه وقتی جامعه‌ات اسلامیه نباید مانتویی بپوشی بالای باسنت باشه، باسنت بیافته بیرون این خودنمایی. حالا تذکر درسته ولی اینکه دختری می‌کشن رو زمین می‌زنن می‌ندان تو ماشین شخصیت اون دختره رو خرد نمی‌کنن شخصیت جامعه رو می‌کوبون یعنی جامعه ما جامعه خشنی (مهران، ۲۶ ساله).

درونی شدن حجاب

در کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی تر ادامه یافته و تحلیل از سطح توصیفی فراتر رفته است. پدیده اصلی که در این پژوهش مقوله‌های حاصل از کدگذاری محوری حول آن قرار دارند، «پدیده درونی شدن حجاب» است.

بحث و نتیجه گیری

آنچه یافته‌های تحقیق موید آن است، تنوع طبقه‌بندی‌ها بر حسب پوشش است که این طیف‌بندی متنوع و وسیع از تیپ‌های پوشش به صورت واقعیت اجتماعی و عینی خود را در جامعه نشان می‌دهد. در واقع، افراد بر حسب سبک پوشش خود که نشان‌گر تمایلات و اعتقادات مذهبی آن‌ها نیز می‌باشد، دست به طبقه‌بندی افراد بر حسب سبک پوشش می‌زنند. آن دسته از افراد که گرایش‌های آن‌ها به گرایش‌های رسمی

نزدیک است، افراد را بر حسب پوشش به دو دسته باحجاب و بی حجاب تقسیم می‌کنند. همچنین این طبقه برای امکان‌پذیر کردن کنترل رسمی؛ معیارهای بیرونی، قابل مشاهده و غیر فردی را مبنای نظارت بر سبک پوشش افراد بدحجاب قرار می‌دهند. در واقع، در جایی که معیار روشن است، کنترل هم ساده‌تر است، زیرا می‌توان از افراد خواست که بر اساس این معیار عمل کنند. این شیوه تفسیر از قواعد فرهنگی درون خود سازگار است، ولی با واقعیت متنوع و متکثر اجتماعی ناسازگار است. دسته دیگر شامل کسانی است که افراد را بر حسب پوشش به طیف وسیع و متنوعی از تیپ‌های پوشش طبقه‌بندی می‌کنند. این دسته که گرایش‌های آن‌ها به گرایش‌های غیررسمی نزدیک است، خود را با واقعیت متنوع مطابق می‌سازند. این تفسیر در چارچوب خواست‌های فردی و اجتماعی قرار دارد. علاوه بر این، این دسته برخلاف دسته اول نمی‌توانند معیار صریحی برای طبقه‌بندی افراد بر حسب حجاب یا بدحجابی ارائه کنند و معیار هر یک با توجه به سبک پوشش خود متغیر است. همچنین این دسته با تعریف حجاب به منزله امری شخصی، تلاش می‌کنند تا از تعریف رسمی حجاب فاصله بگیرند. این استراتژی فردی راه‌گریز از قواعد محدودکننده ساختی را برای کنش‌گران هموار می‌کند. در واقع، هر جا که امر فردی به میان می‌آید، ابهام و شخصی شدن سبب می‌گردد تا با تنوع و پراکندگی روبرو باشیم. ایجاد فضای آزادی فردی در عمل منجر به واکنش مبهم و دوگانه به حجاب گردیده است. این تنوع و همچنین تعلیق قضاوت به موقعیت و تاکید بر ملاک‌های باطنی به جای تاکید بر ظاهر عملاً امکان قضاوت و کنترل‌های رسمی را ناممکن کرده است. اما در عین حال خود بر اساس معیارهای اخلاقی، دست به قضاوت می‌زند. در نتیجه، درون خود ناسازگار است. افراد با شیوه تفسیر قواعد ساختی آن‌ها را معطف، فردی و در نتیجه متنوع می‌سازند و جایی برای نقش کنش‌گر فراهم می‌آورند.

نکته قابل تامل اینکه این دسته از مصاحبه‌شوندگان ذیل مفهوم حجاب به مثابه امری اخلاقی اشتراک نظر دارند. بدین معنا که این دسته، افرادی را که با فاصله از هنجارهای غیررسمی سبب قضاوت‌های منفی درباره خود می‌شوند را مورد انتقاد قرار داده‌اند. بدین ترتیب، به ایجاد دیگری برای خود پرداخته‌اند. مفهوم دیگرسازی، تداعی‌گر مفهوم نظارت و کنترل اجتماعی است. در واقع همان‌گونه که سیاست‌های کنترلی به طور کلی یا گشت ارشاد در مقیاس خردتر، معیارهایی را برای حجاب تعیین می‌کند و عده‌ای از افراد را در بیرون از مقیاس خود قرار می‌دهند، افراد نیز بر اساس مقیاس‌های خود دست به نظارت و کنترل اجتماعی می‌زنند. وجه مشترک کنترل‌های سیاسی و اجتماعی در این است که هر دو بر سر اینکه معیار و مقیاسی باشد که بنا بر آن عده‌ای از افراد بیرون از تعریف آنها قرار می‌گیرد و باید بر روی آنها کنترل وجود داشته باشد اتفاق نظر دارند. همچنین در نگاه اول قضاوت‌ها حاکی از آن است که عملکرد حکومت در نظارت‌های رسمی که در پیش گرفته است، موفقیت آمیز نبوده است و عدم تاثیر نظارت‌های رسمی گشت ارشاد در بهبود پدیده بدحجابی مبین آن است که در صورت عدم اجبار، بدحجابی به میزان فعلی افزایش می‌یافت، ولیکن با اندکی تامل می‌توان دریافت که حکومت با سیاست‌های کنترلی که در پیش گرفته است، موفق به پیوند و همنوایی حجاب با نظام اخلاقی گردیده است، بدین ترتیب، حجاب از یک امر بیرونی به یک امر درونی تبدیل شده است و این فرایند حتی در گروه مخالفین با تعریف رسمی از حجاب نیز، رخ داده است. بنابراین ما شاهد نقش سیاست‌های کنترلی در تغییر مفهوم حجاب که سبب همنوایی و پیوند این مفهوم با نظام اخلاقی گردیده است، می‌باشیم. قوی‌تر بودن بار کنترل‌های اجتماعی در مقایسه با کنترل‌های

رسمی، مبین آن است که حجاب بیش از آنکه به مثابه امری سیاسی مطرح باشد، امری است فرهنگی. بدین ترتیب، حتی کسانی که حجاب را امری شخصی تعریف می‌کنند، قائل به نظارت و کنترل اجتماعی‌اند. در حقیقت مقوله حجاب دالی نیست که تنها به مدلول مورد نظر سیستم سیاسی توجه کند، بلکه مدلول آن امر وسیع اخلاقی است که هر یک از کنش‌گران مفهوم اخلاقی بودن را بر حسب موقعیت و زمینه اجتماعی خود با تفسیر مجدد بکار می‌گیرند. همچنین حتی مخالفان با تعریف رسمی از حجاب نیز آن را زیرمجموعه امری اخلاقی تعریف کرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت حجاب از سوی جوانان مصاحبه‌شونده به مثابه هنجاری درونی و پذیرفته شده است. به بیان کلی‌تر می‌توان این‌گونه استدلال نمود که از آنجایی که نظام سیاسی برخاسته از درون افراد جامعه است، نظام جمهوری اسلامی در جا انداختن (درونی کردن) گفتمان حجاب دستاورد مثبت داشته است.

منابع

- آزاده، منصوره اعظم، باستانی، سوسن و کمالی، افسانه (۱۳۸۶) **پیمایش ملی بررسی وضعیت، نگرش و مسائل و مشکلات جوانان** (با تاکید بر دختران و زنان جوان). مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵) **اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها**. بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اووه، فلیک (۱۳۸۸) **درآمدی بر تحقیق کیفی**. هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- برگر، پترل و لوکمان، توماس (۱۳۷۵) **ساخت اجتماعی واقعیت**. فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- چاووشیان تبریزی، حسن (۱۳۸۱) **"سبک زندگی و هویت اجتماعی (مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته)"**. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۱) **"نظریه و روش در تحقیقات کیفی"**. فصل‌نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۷.
- عزیززاده، گیتی (۱۳۸۹) **سنبش نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران به پوشش و حجاب**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- فرجی، مهدی و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۴) **"بررسی نگرش زنان نسبت به انواع پوشش‌های رایج"**. تهران: گروه پژوهشی مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مجمع، شهره (۱۳۸۷) **"بررسی الگوی پوشش جوانان (سبک زندگی یا مقاومت؟) (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه تهران)"**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء (س).
- معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان (۱۳۸۶) **نظرسنجی طرح امنیت اجتماعی (مبارزه با بدحجابی)**. نیروی انتظامی از گروه هدف.
- هادی بهرامی، احسان (۱۳۸۸) **بررسی الگوی اکتشافی سبک‌های پوشش (حجاب) در زنان و دختران تهرانی**. معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان.
- یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۹) **"نگاهی انتقادی بر رویکرد پدیدارشناسانه پیتر برگر درباره دین و نظم اجتماعی"**. فصل‌نامه معرفت اجتماعی فرهنگی. سال اول، شماره دوم.
- Burne N., and Grove S. (1995) **Understanding Nursing Research** W.B. Sanders Co, printed U.S.A.



جهت گیری ارزشی و سلامت اجتماعی جوانان

مریم قاضی نژاد^۱
فریده وحیدفاضل^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳

امروزه سلامت اجتماعی از ابعاد مهم سلامت فردی محسوب می شود و به عنوان ملاک و معیار توسعه انسانی و اجتماعی، یکی از محورهای اصلی بحث و گفتگو در مجامع و محافل علمی و سیاست گذاری جهانی می باشد. هرچند پژوهشی مستقل در زمینه سلامت اجتماعی قشر جوان در جامعه ایران انجام نشده است، اما محدوده تحقیقات مرتبط با موضوع، به طور ضمنی نشان می دهند که جوانان ایرانی از مؤلفه های سلامت اجتماعی تعریف شده، در حد لازم برخوردار نیستند و با وضعیت مطلوب فاصله دارند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان سلامت اجتماعی جوانان و شناخت علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن به انجام رسیده است. این پژوهش، بر روی نمونه معتبر آماری به حجم ۳۵۰ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران با روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه انجام شده است.

برای سنجش سلامت اجتماعی، از مدل مفهومی کیز (مدل استاندارد فعلی) استفاده شده است. کیز بر مبنای رویکرد سلامت محور و در یک تحلیل عاملی گسترده، پنج بعد از سلامت اجتماعی را که در سطح فردی عملیاتی می شوند، ارائه داده است. در تکمیل چارچوب مفهومی کیز، از نظرات آهوویا نیز برای تبیین موضوع مورد مطالعه، استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سلامت اجتماعی ۱۱,۹ درصد افراد نمونه، در حد کم، ۴۰,۸ درصد، در سطح متوسط و ۴۷,۴ درصد آنان نیز، در حد زیاد بوده است. میانگین این شاخص (در بازه ۰-۱۰۰) ۵۸,۱۱ بوده است. همچنین از میان عوامل مختلف مورد بررسی، متغیر جمع گرایی با ضریب رگرسیونی ۰,۳۲۰، دارای بیشترین سهم در پیش بینی سلامت اجتماعی جوانان می باشد و این بدان معناست که هرچه جوانان جمع گراتر باشند، از سلامت اجتماعی بالاتری برخوردار خواهند بود.

واژگان کلیدی: سلامت اجتماعی، سلامت فردی، جوانان و مقیاس کیز

۱. عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)

۲. کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه الزهراء(س) (نویسنده مسئول)

مقدمه

امروزه رفاه و سلامت انسان به عنوان ملاک و معیار پیشرفت و توسعه انسانی، یکی از مهمترین محورهای بحث و گفتگو در مجامع و محافل علمی بین‌المللی و سیاست‌گذاری جهانی و سلامت‌آحاد مردم دغدغه صریح دولت‌ها، متولیان امور جمعی و کارگزاران اجتماعی است. در نتیجه، وظیفه هر جامعه و نظامی است تا سلامت عموم اعضای خود را مورد توجه مستمر و بررسی‌های دقیق علمی قرار دهد و بر این مبنا، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات لازم را در جهت ارتقای سلامت آن‌ها و در نهایت، توسعه و رفاه عمومی و ملی، به انجام برساند.

به عنوان نمونه، یکی از محورهای مهم در بحث امنیت انسانی که در دهه‌های اخیر به عنوان نیازی اساسی و مؤلفه‌ای مهم از توسعه و رفاه عمومی، وارد مباحث و رویکردهای توسعه انسانی و اجتماعی شده است، امنیت سلامت است.

آمار تیا سن، برنده نوبل اقتصادی ۱۹۹۸ که با مشارکت در تدوین شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد، برای رده‌بندی میزان پیشرفت کشورهای مختلف، سهم زیادی در مطالعات توسعه داشته است، تعریف توسعه را فراتر از عوامل اقتصادی گسترش داده و متغیرهایی در زمینه آموزش و سلامت را نیز در آن لحاظ کرده است. وی معتقد است که شاخص‌های اقتصادی به خودی خود دلیل کافی برای رفاه انسان نیست. بنابراین، یکی از محورهای اصلی بحث آمار تیا سن نیز، توجه به مفهوم سلامت است.

در همین رابطه، کمیسیون سنجش عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی که توسط دولت فرانسه در سال ۲۰۰۸ به ریاست جوزف استیگلیتز ۱، آمارتیا سن ۲ و ژان پل فیتوسی ۳ تشکیل شد، تغییر رویکرد، از سیستم متمرکز بر ملاک‌های اقتصادی به سمت نظامی متمرکز بر رفاه و نسل‌های کنونی و آینده را مورد تأکید قرار داده است. این تأکید به معنای حرکت به سمت ملاک‌های گسترده‌تر توسعه پیشرفت بشری است. (گریگور و دنه‌آلین، ۲۰۱۰: ۵۰۲)

طرح مسأله

زمانی تصور می‌شد که سلامت انسان مقوله‌ای جسمانی یا روانی است و صرفاً در نتیجه توجه به امر درمان و از طریق بهبود شرایط ارائه خدمات درمانی و تربیت پزشکان تأمین می‌شود، اما امروزه، همراه با تحولات اقتصادی و فرهنگی، جهان به اهمیت و نقش فزاینده ابعاد اجتماعی در تأمین و ارتقای سلامت افراد جامعه پی برده است و دولت‌ها و مردم برای ارتقای شرایط سلامت و بهداشت جامعه، به مجموعه عواملی که صرفاً جنبه‌ی پزشکی یا درمانی نداشته، بلکه طیف عظیمی از عوامل اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد، توجه نشان می‌دهند.

امروزه علاوه بر ابعاد جسمانی و روانی سلامت، به بعد اجتماعی آن نیز توجه روز افزون می‌شود. البته مفهوم سلامت اجتماعی نسبت به سلامت جسمانی یا روانی، کمتر شناخته شده و ولی در عین حال همراه با

1. Joseph Stiglitz
2. Amartya Sen
3. Jean Paul Fitoussi
4. wellbeing

سلامت روانی و جسمانی یکی از سه ستون مهم تعریف سلامت را تشکیل می دهد. بعد متأخر سلامت یعنی سلامت اجتماعی^۱، به طور رسمی در سال ۱۹۴۷ در تعریف سازمان بهداشت جهانی^۲ از سلامت گنجانیده شده که طی آن، سلامت به عنوان رفاه کامل فرد از نظر جسمانی، روانی و اجتماعی^۳ و نه فقط فقدان بیماری و معلولیت، تعریف گردیده است. (لویس و برونر، ۲۰۰۵: ۷۴۵)

منظور از سلامت اجتماعی در سطح فردی، آن بعد از رفاه^۴ یا بهزیستی فرد می باشد که مربوط است به اینکه وی چگونه با سایر افراد جامعه ارتباط برقرار می کند، دیگران چگونه با او برخورد کرده یا واکنش نشان می دهند و تعامل او با نهادهای اجتماعی و اخلاق جمعی چگونه است. به بیان دیگر، این بعد سلامت را می توان بر حسب میزان هماهنگی فرد با جامعه و نحوه ایفای نقش های معمول در جامعه تعریف کرد. سلامت اجتماعی در این معنا، جنبه اجتماعی سلامت فرد را در کنار جنبه های جسمانی و روانی آن مورد توجه قرار می دهد.

البته سلامت اجتماعی فرد، از جهاتی مهمتر و حساس تر از جنبه های جسمانی و روانی سلامت فرد است، زیرا عواملی که سلامت جسمانی فرد را به خطر می اندازند، آثار و تبعات محدودی دارند؛ اما عواملی که سلامت اجتماعی فرد را تهدید می کنند، بطور مستمر بر روابط او با دیگران تأثیر می گذارند و همواره بیش از یک نفر را دچار اختلال می نمایند. آنچه مسئله را پیچیده تر و حساس تر می سازد آن است که سلامت اجتماعی بسی پنهان تر و مخفی تر از ظهور بیماری جسمی و روانی است، زیرا در گستره فراخ دامنه روابط اجتماعی تحقق می پذیرد که به آسانی نمی تواند تحت نظر یا کنترل قرار گیرد. (هاشمی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۴)

کییز^۵ در سال ۲۰۰۴ در یک تحلیل عاملی گسترده، یک مدل پنج بعدی قابل سنجش از سلامت اجتماعی ارائه داده است. وی سلامت اجتماعی را به عنوان تلقی افراد از کیفیت رابطه آن ها با دیگران، هموعان و اجتماع اطراف تعریف می کند. از نظر کییز سلامت اجتماعی بعدی از سلامت ذهنی محسوب می شود و سلامت ذهنی در زیر مجموعه متون علمی موجود درباره سلامت فردی قرار می گیرد. همچنین با توجه به تعریف وی، سلامت اجتماعی می تواند به عنوان شاخص اجتماعی سنجش کیفیت زندگی افراد در نظر گرفته شود، زیرا کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم ذهنی، مبتنی بر ارزش ها و تمایلات فردی در ارتباط با میزان رضایتمندی از زندگی تعریف شده است. به بیان دیگر، "رضایت از زندگی" به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می گیرد و در این خصوص، چهار نوع رضایت از زندگی وجود دارد که بعد اجتماعی آن عبارت از رضایت ناشی از ارتباط است که معطوف به روابط اجتماعی می باشد. (غفاری، ۱۳۸۸: ۴) در نهایت، کییز بر مبنای رویکرد سلامت محور، پنج بعد از سلامت اجتماعی را که در سطح فردی عملیاتی شده اند پیشنهاد می دهد که عبارت اند از: انسجام اجتماعی^۶، مشارکت اجتماعی^۷،

1. Social Health
2. World Health Organization
3. Social Wellbeing
4. Wellbeing
5. keys
6. Social Integration
7. Social Contribution

پیوستگی اجتماعی^۱، پذیرش اجتماعی^۲ و تحقق اجتماعی^۳. (کبیز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۲-۷)

حال با توجه به جایگاه و اهمیت مقوله سلامت اجتماعی در سطح خرد (فردی) و شاخص‌ها و معیارهای آن، سؤال مهم مطرح این خواهد بود که برخورداری از سلامت اجتماعی برای کدام قشر از اقشار جامعه حائز اهمیت بیشتری است و چرا؟

به نظر می‌رسد اگرچه برخورداری از سلامت اجتماعی برای همه اقشار جامعه دارای اهمیت است، اما برای قشر جوان هر جامعه اهمیت بیشتری دارد و این به علت جایگاه و نقش محوری جوانان به عنوان حامل و نیز محمل جریان‌های رشد و توسعه ملی و تحقق اهداف کمی و کیفی آن می‌باشد. در واقع، می‌توان گفت برخورداری جوانان از سلامت اجتماعی، موجب به حداکثر رساندن کارایی و تحقق منافع، کارکردها و پیامدهای مثبت اجتماعی نظیر مشارکت‌های سیاسی، اقتصادی و مدنی آنان می‌شود و برعکس، عدم برخورداری آنان از سلامت اجتماعی، در سطوح مختلف آسیب‌ها و پیامدهای منفی بسیاری به همراه خواهد داشت.

براین اساس و با توجه به شواهد پژوهشی موجود می‌توان گفت آنچه در مطالعات جهانی بر روی مسائل جوانان از قبیل افزایش بی‌تفاوتی سیاسی، خودکشی، خشونت و ابتلا به ایدز گزارش شده، به نوعی متأثر از مسئله عام سلامت جوانان و بویژه ناشی از عدم برخورداری این گروه از سلامت اجتماعی می‌باشد که تا کنون در جهان نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در این زمینه، همسو و همصدا با محققان مسائل جوانان در دنیا می‌توان خاطر نشان ساخت سلامت اجتماعی جوانان و پیامدهای آن برای جامعه ایران با توجه به جوان بودن شدید جمعیت و حجم عظیم گروه سنی جوان، دارای اهمیتی مضاعف می‌باشد. با این حال و علیرغم اهمیت موضوع، اولاً، مطالعه دقیق و جامعی در خصوص سلامت اجتماعی جوانان، در ایران انجام نشده است و ثانیاً، پاره‌ای از بررسی‌های انجام شده در ایران، بطور ضمنی و غیر مستقیم نشان می‌دهد که جوانان ایرانی بر حسب معیارها و شاخص‌های تعریف شده برای سلامت اجتماعی از قبیل پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ... از سلامت اجتماعی بالایی برخوردار نیستند.

آمارهای مربوط به افزایش آسیب‌های اجتماعی جوانان طی سال‌های اخیر که توسط سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۵ با عنوان "گزارش ملی جوانان؛ بررسی وضعیت آسیب‌های اجتماعی جوانان" منتشر شده است، شهادی بر کاهش سلامت اجتماعی جوانان در سال‌های اخیر می‌باشد. بعنوان نمونه، میزان اقدام به خودکشی جوانان تهران از ۳,۶ در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۶,۱ در سال ۱۳۸۴ رسیده است. همچنین، میزان اعتیاد جوانان تهران از ۲۷۲,۴ در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۵۶۵,۱ در سال ۱۳۸۴ رسیده است.

بر حسب نتایج پژوهش دیگری که توسط سازمان ملی جوانان، در سال ۱۳۸۶ به اجرا درآمده است نیز میزان سرمایه اجتماعی جوانان در ایران از لحاظ تعداد قابل توجهی از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به ویژه روابط انجمنی، اعتماد به مسئولان، اعتماد به ناآشنایان، احساس تعلق به دیگران و میزان پذیرش اجتماعی پائین

1. Social Coherence
2. Social Acceptance
3. Social Actualization

است، اما در برخی ابعاد نظیر احساس بر خورداری از حمایت اجتماعی و مدارای قومی و مذهبی بالاست. بنابراین می توان گفت جز در مواردی خاص که مربوط به برخی جنبه های سنتی و درون گروهی است، وضعیت سرمایه اجتماعی جوانان در اغلب موارد به ویژه در بعد روابط مدرن و برون گروهی چندان مطلوب نیست. نکته قابل تأمل آن است که در ایران به ویژه در مورد جوانان، برخی ابعاد سرمایه اجتماعی قدیم دچار فرسایش شده، در صورتی که سرمایه اجتماعی جدید هنوز شکل نگرفته است. در این شرایط، نابسامانی اجتماعی در سطوح مختلف ایجاد خواهد شد که معرف گسست های اجتماعی و منبع افزایش انواع مسائل و آسیب های اجتماعی است.

در مجموع، با توجه به آمارها و شواهد موجود و نیز تأملات نظری و مباحث ملی و جهانی مطروحه در زمینه اهمیت سلامت اجتماعی، بعنوان بعدی اساسی و متأخر در مثلث سلامت، بویژه برای گروه های جوان دارای جایگاه اصلی در برنامه های توسعه و رفاه ملی و همچنین خلأ مطالعاتی موجود در این زمینه در جامعه ما، بررسی و کندوکاو علمی در خصوص میزان و گستره سلامت اجتماعی جوانان و شناسایی عوامل دخیل در آن ضروری بنظر می رسد.

به زعم آهوویا، یکی از عوامل مهم اثرگذار در سلامت ذهنی و به تبع آن سلامت اجتماعی، جهت گیری ارزشی (فردگرا و یا جمع گرا) می باشد. نظریه وی به بررسی و حل معمای رابطه بین مصرف و سلامت ذهنی می پردازد. پژوهش ها از طرفی نشان می دهند که به طور متوسط، مردم کشورهای غنی، سلامت ذهنی بالاتری (به طور معنادار) نسبت به مردم کشورهای فقیرتر دارند و از طرف دیگر، وقتی افراد درون آن کشورها مقایسه می شوند، درآمد دارای رابطه خفیفی با سلامت ذهنی در سطح بالای رفح نیازهای اساسی می باشد که این نشان می دهد سطوح بالاتر مصرف با سطوح بالاتر سلامت ذهنی پیوندی ندارد. آهوویا به عنوان یک راه حل برای این معما اظهار می کند که توسعه اقتصادی منجر به سطح بالاتری از میانگین سلامت ذهنی می شود، اما نه از طریق افزایش میزان مصرف، بلکه از طریق ایجاد فرهنگ فردگرایانه ای که در آن افراد به پیگیری شادمانی فردی شان به دور از تشریفات و التزامات اجتماعی، ترغیب و تشویق می شوند. به طور کلی، فردگرایی را می توان به عنوان یک جهان بینی مفهوم پردازی کرد که اهداف شخصی و منافع شخصی را در هسته خود قرار داده است و جامعه را در اولویت دوم قرار می دهد.

به عقیده او یکی از دلایل همبسته بودن جمع گرایی با کشورهای فقیر نیز وجود یک مکانیسم بقای فرهنگی زائیده شده از ضرورت انسجام گروه می باشد. نتایج تحقیقات نشان داده اند که اگر تنها به زیر مجموعه کشورهای فقیر نگاه شود، جمع گرایی به عنوان یک مکانیسم بقا دارای رابطه ای مثبت با بهزیستی ذهنی می باشد.

حال با توجه به اهمیت مسئله و ضرورت موضوع و در چارچوب رویکرد سلامت محور به مسئله سلامت اجتماعی، مقاله حاضر با دو هدف زیر به نگارش در آمده است:

بررسی میزان سلامت اجتماعی و نحوه توزیع ابعاد آن در میان جمعیت جوان

بررسی تأثیر جهت گیری های ارزشی و سازوکارهای علی آن در ایجاد سلامت اجتماعی جوانان

چارچوب نظری

جامع ترین مدلی که درباره مفهوم سلامت اجتماعی وجود دارد، متعلق به کوری کبیز است. کبیز معتقد است که اگرچه سلامت اجتماعی از سال ۱۹۴۸ و توسط سازمان بهداشت جهانی به عنوان یکی از چند جنبه سلامت کلی فرد مورد توجه قرار گرفت، با این حال این مفهوم غالباً معادل با معرف های اجتماعی سطح کلان، مثل ملاک های اقتصادی (تولید ناخالص ملی، نرخ فقر) فرض می شود. لکن وی سلامت اجتماعی را به عنوان تلقی افراد از کیفیت رابطه شان با دیگران، هموعانشان و اجتماع اطراف تعریف می کند و آن را بعدی از سلامت ذهنی می داند. او معتقد است که اگرچه موضوع سلامت ذهنی یک پشتوانه ی سی و چند ساله از مطالعات تجربی دارد، اما در این مدت تنها ابعاد عاطفی آن که شامل شادی، رضایت از زندگی اظهار شده توسط فرد و تعادل میان اثرات مثبت و منفی، مورد توجه بوده است- در حالی که افراد ممکن است بعد اجتماعی کیفیت زندگی خود را نیز مورد ارزیابی قرار دهند. بنابراین تاکنون بعد اجتماعی سلامت ذهنی مورد توجه قرار نگرفته است. از نظر وی این بعد نشان می دهد که آیا فرد در زندگی اجتماعی، کارکرد مناسب دارد؟ (و تا چه اندازه؟) بنا براین سلامت اجتماعی می تواند شاخص مهمی برای سنجش کیفیت زندگی افراد باشد. همچنین به لحاظ نظری این مفهوم ریشه در ادبیات جامعه شناسی ناهنجاری و بیگانگی دارد. اما مطابق با رویکرد سلامت محور (رویکردی که سلامت را برخوردار از سطح بالای وضعیت مساعد و نه فقط فقدان بیماری تلقی می کند). فقدان ناهنجاری و بیگانگی دلیل کافی بر وجود سلامت اجتماعی فرد نیست. کبیز بر مبنای رویکرد سلامت محور و در یک تحلیل عاملی گسترده پنج بعد از سلامت اجتماعی را که در سطح فردی عملیاتی می شوند پیشنهاد می دهد که عبارتند از: انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، تحقق اجتماعی، پذیرش اجتماعی. طبق این ابعاد، فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و دارای نیروهای بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند، احساس کند که متعلق به گروه های اجتماعی است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن شریک بداند. محتوای این مقیاس طیف مثبتی از ارزیابی تجارب فرد در جامعه است.

به علاوه این مقیاس جدید با مقیاس های سلامت اجتماعی بین فردی (مثل پرخاشگری و حمایت اجتماعی) و سلامت اجتماعی سطح جامعه (مثل فقر) تفاوت دارد. (کبیز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۲-۷)

علیرغم اینکه مدل کبیز در زمینه ی سلامت اجتماعی کاملترین مدل موجود می باشد، اما پژوهش او در این باره بیشتر یک پژوهش توصیفی بوده که به چگونگی توزیع سلامت اجتماعی در جامعه آمریکا و همچنین رابطه ی آن با متغیرهای سن، جنسیت، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی-اجتماعی پرداخته و به علت یابی عمیق تر در این زمینه توجه چندانی نداشته است. بنابراین در مقاله حاضر برای تبیین سلامت اجتماعی از نظریه آهوویا، در تکمیل چارچوب مفهومی کبیز استفاده کرده ایم.

نظریه آهوویا به بررسی و حل معمای رابطه بین مصرف و سلامت ذهنی می پردازد. پژوهش ها از طرفی نشان می دهند که به طور متوسط، مردم کشورهای غنی، سلامت ذهنی بالاتری (به طور معنادار) نسبت به مردم کشورهای فقیرتر دارند و از طرف دیگر وقتی افراد درون آن کشورها مقایسه می شوند، درآمد دارای

رابطه خفیفی با سلامت ذهنی در سطح بالای رفع نیازهای اساسی می باشد که این اشاره دارد به اینکه سطوح بالاتر مصرف با سطوح بالاتر سلامت ذهنی پیوندی ندارد. آهوویا به عنوان یک راه حل این معما اظهار می کند که توسعه اقتصادی منجر به سطح بالاتری از میانگین سلامت ذهنی می شود، اما نه از طریق افزایش میزان مصرف بلکه از طریق ایجاد فرهنگ فردگرایانه ای که در آن افراد به پیگیری شادمانی فردی شان به دور از تشریفات و التزامات اجتماعی، ترغیب و تشویق می شوند. به طور کلی، فردگرایی را می توان به عنوان یک جهان بینی مفهوم پردازی کرد که اهداف شخصی و منافع شخصی را در هسته خود قرار داده است و جامعه را در اولویت دوم قرار می دهد. (Ahuvia, 2002: 24) به نقل از موسوی بفرولی، (۱۳۸۷: ۸۲)

به نظر آهوویا بخشی از رابطه مثبت بین ثروت ملی و میانگین سلامت ذهنی، به خاطر حذف شکل های مفرط فقر و محرومیت است. اما این استدلال کفایت نمی کند. اخیراً شاینز با رویکردی چند سطحی سعی در تحلیل همزمان داده های سطح ملی و سطح فردی در یک مدل ساده کرده است. شاینز دریافت که زندگی در یک کشور غنی، بیشتر از افزایش درآمد فردی، دارای اثرات مثبت بر سلامت ذهنی افراد است. به زعم آهوویا، سلامت ذهنی به واسطه ایجاد یک فضای فرهنگی که در آن افراد، به انتخاب و بهینه سازی شادمانی شان بیشتر از انجام تعهدات و التزامات اجتماعی اهمیت می دهند، بخشی از یک دگردیسی گسترده ای است که در حال فاصله گرفتن از جمع گرایی و نزدیک شدن به سمت ارزش های فردگرایانه می باشد. یافته های اخیر نشان می دهند که در کشورهای فقیر، فرد گرایی دارای پیوند منفی با شادمانی بود در حالی که در بین کشورهای ثروتمند، فردگرایی پیوند مثبتی با شادمانی داشت. این نتایج نشان می دهند که رشد اقتصادی بخشی از نظام پیچیده مدرنیسایون است که باید در کلیت آن درک شود. (همان)

البته باید توجه داشت که یافته های بین فرهنگی ممکن است صرفاً محصول مصنوعات روش شناختی باشد. بخصوص اینکه فرهنگ های جمع گرا ممکن است به خاطر مشکلات ترجمه ای و همچنین روش هایی که پاسخگویان جمع گرا باید به مقیاس های چند درجه ای لیکرت پاسخ گویند و اینکه ارزش های فرهنگی نظیر فروتنی و شکسته نفسی بر آنها حاکم است، میزان کمتری از سلامت ذهنی را گزارش کنند. در این راستا کار کیسر و همکارانش نیز به ما کمک می کند برای درک اینکه چرا مردم فرهنگ های فردگرا به طور متوسط شادتر از مردم کشورهای جمع گرا هستند. کیسر بین اهداف درونی^۱ و بیرونی^۲ تمایز قائل می شود. اهداف درونی نظیر رشد شخصیت مستقیماً مربوط به آن چیزی می شود که کیسر آن را نیازهای روان شناختی بشر می داند. در مقابل، اهداف بیرونی نظیر ثروت اندوزی و یا داشتن جذابیت بدنی به عنوان حوزه ای از تمایلات افراد به افزایش شهرت و احترام از نگاه دیگران به شمار می رود. به نظر آهوویا تغییر به سمت فردیت، روابط اجتماعی را به سمت حوزه درونی برده و به مردم اجازه می دهد انرژی شان را بر روابط سودمند بیشتری متمرکز کنند. از طرف دیگر باید توجه داشت که جمع گرایی بر مبنای یک نوع دوستی جهانی و فراگیر نیست بلکه مبنای آن ایفای نقش های اجتماعی و انجام مسئولیت ها و تعهدات درون گروه است. جمع گرایی حول محور ظاهر، عزت و آبروی اجتماعی می گردد. نقطه اتکای جوامع جمع گرا اغلب بر اضطراب و اجبار اجتماعی بواسطه پاداش و تهدید به منظور حفظ عزت و آبرو و متقاعد ساختن افراد به اطاعت از هنجارهای گروه است. این فشارهای جبری و قهری دقیقاً همان انگیزه های

1. intrinsic

2. extrinsic

بیرونی هستند که کیسر و همکارانش آن را ریشه درجات پایین خوشبختی ذهنی جوامع جمع‌گرا می‌دانند. یکی از دلایل همبسته بودن جمع‌گرایی با کشورهای فقیر نیز وجود یک مکانیسم بقای فرهنگی زائیده شده از ضرورت انسجام گروه می‌باشد. نتایج تحقیقات نشان داده‌اند که اگر تنها به زیرمجموعه کشورهای فقیر نگاه شود، جمع‌گرایی به عنوان یک مکانیسم بقا دارای رابطه‌ای مثبت با بهزیستی ذهنی می‌باشد. (Ahuvia, 2002: 29) به نقل از موسوی بفرولی، (۱۳۸۷: ۸۳)

آهوویا در نقد فردگرایی چند موضوع را متذکر می‌شود:

نسبیت فرهنگی در خصوص ارزش‌ها

تفاوت بین شکل‌های گوناگون فردگرایی

برای بسیاری از افراد، خوشبختی ذهنی مقیاس‌نهایی موفقیت یک فرهنگ نیست. شادمانی فردی تنها یکی از خواسته‌های متعدد ممکن است که مبنای کنش بشر است. پژوهش‌های بین‌فرهنگی نشان می‌دهند که ارزش‌هایی نظیر داشتن یک زندگی لذت‌بخش و یا یک زندگی مهیج و ماجراجویانه در جوامع فردگرا قوی‌تر است، در حالی که هویت و بازشناسی اجتماعی، حفظ یک پنداره جمعی از گروه و عزت و احترام بزرگترها در جوامع جمع‌گرا قوی‌تر است. این ادعا که تمام نظام‌های فرهنگی، خالق پی آمدها و نتایج یکسانی هستند، یک درک پیشرفته فرهنگی نیست.

فردگرایی به معنی آزادی یا رها شدن از فشارهای اجتماعی، متفاوت است با فردگرایی به معنای جستجوی نفع شخصی و رقابت اجتماعی؛ بسیاری از فرهنگ‌های فردگرا هستند که تمایل به ترکیب حس مسئولیت و انسجام با سطح بالای آزادی برای مردمشان بوسیله پیگیری اهداف درونی دارند، در مجموع می‌توان گفت که آهوویا مدلی را ارائه می‌دهد که در آن توسعه اقتصادی، مردم را از شبکه‌های التزام اجتماعی رها می‌سازد و در این مسیر، او بیشتر از اینکه بر نقش لذت و خوشایندی ناشی از مصرف تأکید کند، بر تمایل فرهنگ‌های فردگرا به تشویق و ترغیب مردمانشان در جهت پیگیری شادمانی‌شان، پای می‌فشارد. (همان: ۸۴)

فرضیات پژوهش

بر مبنای رویکردهای نظری چارچوب پژوهش، فرضیه اصلی بررسی حاضر چنین است:
به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری ارزشی و سلامت اجتماعی جوانان رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیات فرعی

- به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری ارزشی و انسجام اجتماعی جوانان رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری ارزشی و پذیرش اجتماعی جوانان رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری ارزشی و مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری ارزشی و تحقق اجتماعی جوانان رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری ارزشی و پیوستگی اجتماعی جوانان رابطه معنادار وجود دارد.

روش شناسی پژوهش تعریف نظری مفاهیم اصلی

سلامت اجتماعی: کیز در سال ۲۰۰۴، سلامت اجتماعی را به عنوان تلقی افراد از کیفیت رابطه‌شان با دیگران، همنوعانشان و اجتماع اطراف تعریف می‌کند. طبق تعریف وی، فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه‌ی معنادار، قابل فهم و دارای نیروهای بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند، احساس کند که متعلق به گروه‌های اجتماعی است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن شریک بداند. بر حسب رویکرد اثباتی سلامت محور، محتوای مقیاس سلامت اجتماعی شامل طیفی از ارزیابی تجارب مثبت فرد در جامعه است. (کیز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۲-۷)

فردگرایی: به طور کلی فردگرایی را می‌توان به عنوان یک جهان بینی مفهوم پردازی کرد که اهداف شخصی و منافع شخصی را در هسته خود قرار داده است و جامعه را در اولویت دوم قرار می‌دهد. (Ahu- 2002: 24، به نقل از موسوی بفرولی، ۱۳۸۷: ۸۲)

تعریف عملیاتی مفاهیم

سلامت اجتماعی: در بررسی حاضر، مفهوم سلامت اجتماعی از پنج بعد انسجام اجتماعی (شامل چهار مؤلفه: احساس حمایت، احساس تعلق به جامعه، احساس تعلق به محله و احساس تعلق به خانواده)، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تحقق اجتماعی و پیوستگی اجتماعی تشکیل شده است. همچنین برای ارزش گذاری این مفهوم از طیف لیکرت استفاده شده است.

جهت گیری ارزشی: براساس نظریه شوارتز، ده بعد انگیزشی ارزش ها عبارتند از خیرخواهی^۱، سنت گرایی^۲، همنوایی^۳، امنیت گرایی^۴، قدرت^۵، موفقیت^۶، برانگیختگی^۷، لذت طلبی^۸، خود اتکایی^۹ و عام گرایی^{۱۰} که با توجه به تحقیقات انجام شده شوارتز در تمام فرهنگ ها وجود داشته و نسبتاً دارای معانی یکسانی است.

شوارتز پیش بینی می‌کند که این ده گونه ارزشی را می‌توان در ساختاری مرکب از چهار حوزه ارزشی جای داد که در این ساختار پیگیری ارزش های مجاور هم امکانپذیر است، اما پیگیری ارزش های روبروی هم ناسازگاری و تعارض تولید می‌کند. (برنارد^{۱۱} و همکارانش، ۲۰۰۶: ۷۹)

به عبارت دیگر، بعد تمایل برای تغییر شامل نوع های ارزشی خوداتکایی، برانگیختگی و لذت گرایی است. ارزش های قدرت گرایی، موفقیت و لذت طلبی، نمایانگر بعد پیشبرد اهداف شخصی است و

- 1 Benevolence
- 2 Tradition
- 3 Conformity
- 4 Security
- 5 Power
- 6 Achievement
- 7 Simulation
- 8 Hedonism
- 9 Self direction
- 10 Universalism
- 11 . Bernard

ارزش های سنت گرای، همنوایی و امنیت گرای بیانگر بعد محافظه کاری است و در نهایت عام گرای و خیرخواهی بعد دیگرخواهی یا توجه به ماورای خود را نمایان می سازد. همچنین انواع ارزشی دهگانه در مجموع به دو بعد ارزش های جمع گرایانه و ارزش های فردگرایانه به شیوه ی زیر تقسیم می شوند:

(الف) ارزش های جمع گرایانه شامل: خیرخواهی، عام گرای، سنت گرای، امنیت گرای و همنوایی.

(ب) ارزش های فردگرایانه شامل: قدرت، خوداتکایی، لذت طلبی، برانگیختگی و موفقیت است.

جدول ۱: ساختار ارزشی شوارتز

مؤلفه	بعد	مفهوم
محافظه کاری	جمع گرای	ارزش
دیگر خواهی		
پیشبرد اهداف شخصی	فرد گرای	
تمایل به تغییر		

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه است که در آن برای سنجش متغیرهای مربوطه از سؤالهای بسته و تعدادی سؤال باز استفاده شده است.

روش و تکنیک های آماری مورد استفاده

دراین تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. پس از گردآوری اطلاعات با استفاده از نرم افزار spss16 مراحل پردازش و تحلیل داده ها انجام گرفته است و باتوجه به سطح سنجش هر متغیر برای تحلیل داده ها از روش های آماری مناسب در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح توصیفی از توزیع فراوانی و از شاخص های مرکزی میانه، میانگین و مد و همچنین شاخص پراکندگی انحراف معیار و در سطح استنباطی باتوجه به ماهیت متغیرها و سطح سنجش آنها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t، تحلیل واریانس یک طرفه و ضرایب مربوطه بهره گرفته شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری، جامعه ای است که محقق، نتایج تحقیق خود را به آن تعمیم می دهد. جامعه آماری مطالعه حاضر، جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ی شهر تهران می باشند. تعداد جوانان شهر تهران، در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۲۷۰۵۶۱۶ نفر برآورد شده است.

تعیین حجم نمونه

براساس توصیه‌ی دواس (۱۳۸۴: ۷۹)، حجم نمونه در مطالعه‌ی حاضر پس از انجام آزمون مقدماتی، برحسب دقت و همگنی جمعیت در شاخص اصلی پژوهش یعنی سلامت اجتماعی، ۳۵۰ نفر تعیین شد. این تعداد نمونه براساس درصد جمعیتی که انتظار می‌رود پاسخ خاصی ارائه دهند، ۳۵ تا ۶۵ درصد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵ درصد تعیین شده است.

شیوه نمونه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک تصادفی، مبتنی بر نقشه‌های موجود در این زمینه در شهرداری تهران صورت گرفته است. به اعتقاد صاحب‌نظران، محله از جمله واحدهای اجتماعی است که دارای هویت و سابقه تاریخی است از اینرو محلات تهران را می‌توان به عنوان واحدهای جمعی در نظر گرفت که واجد اشتراک‌هایی هستند و می‌توانند مبنای تحدید جمعیت آماری و نمونه‌گیری قرار گیرند. اگر محلات به عنوان واحد مطالعاتی و جمعیت آماری در نظر گرفته شوند طبعاً نمونه آماری باید به گونه‌ای باشد که نتایج حاصل از آن به جمعیت آماری یا هر محله تعمیم‌پذیر باشد و در عین حال به لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه باشد برای اجرای این هدف روشهای مختلفی وجود دارد.

ما در این مطالعه در مرحله اول با استفاده از نقشه تهران و سه قسمت کردن آن بر طبق مناطق واقع در بخش شمالی، مرکزی و جنوبی و بر حسب تقسیمات شهرداری به طور تصادفی سه منطقه را برگزیده ایم که این مناطق عبارتند از: مناطق ۳، ۶، ۱۹.

در مرحله دوم با استفاده از نرم افزار نمونه‌گیری سیستماتیک تصادفی موجود در شهرداری تهران در این سه منطقه دست به نمونه‌گیری تصادفی زده و به طور کاملاً تصادفی ۳ محله از هر منطقه به این روش انتخاب شد که در هر محله ۴۰ نمونه انتخاب شد و در واقع از هر منطقه ۱۲۰ نمونه به صورت تصادفی انتخاب شد که این تعداد بر طبق حجم کلی نمونه ما بوده است. این ۳ محله که به صورت تصادفی از هر منطقه انتخاب شدند، هرکدام دارای یک نقشه می‌باشند و هر نقشه، شامل یک بلوک است و هر بلوک یک محله را شامل می‌شود.

پس از ورود به محله مورد نظر، نحوه انتخاب نمونه بدین صورت بوده است: از یک نقطه مورد نظر که در بلوک تعیین شده است، موافق جهت عقربه‌های ساعت حرکت می‌کنیم. برای انتخاب واحد‌های مسکونی، عددی قراردادی (مثلاً عدد ۶) را در نظر می‌گیریم و بر طبق آن واحد مسکونی ششم را انتخاب می‌کنیم. (منظور از واحد مسکونی ششم، واحد آپارتمانی است: مثلاً اگر اولین ساختمان آپارتمانی ۱۰ واحدی باشد، این شمارش باید بر حسب هر واحد آپارتمان انجام شود و در مورد واحدهای عادی تعداد زنگها ملاک است). درانتها، هنگامی که به درب منازل مراجعه می‌شد، فرد جوان خانواده دعوت به مصاحبه شده و به پرسشنامه پاسخ می‌داد و در صورتیکه خانواده عضو جوان نداشت، بر اساس ترتیبی که توضیح آن آمد، پرسشگر به منزل بعدی مراجعه می‌نمود.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

بر اساس نتایج توصیفی در خصوص ویژگی های فردی پاسخگویان، ۶۶٫۹ درصد جوانان مورد مطالعه مرد و ۳۳٫۱ درصد زن می باشند. میانگین سن آن ها ۲۲٫۳۲ و اکثر آنها مجرد (۸۱٫۱ درصد) بوده اند. بیشترین فراوانی به لحاظ میزان تحصیلات، متعلق به افرادی با تحصیلات لیسانس می باشد. از نظر وضع فعالیت، ۳۱٫۱ درصد پاسخگویان، شاغل، ۱۰٫۴ درصد بیکار و ۵۰٫۱ درصد، محصل و دانشجو بوده اند. مذهب ۹۶٫۵ درصد آنان، شیعه و به لحاظ قومیت، ۵۱٫۷ درصد، فارس و ۴۱٫۷ درصد، ترک و بقیه متعلق به سایر قومیت ها هستند.

میانگین درآمد سرپرست خانوار های پاسخگویان، ۱۴۸۰۷۸۶ تومان در ماه و میانگین هزینه ی خانوارهای آن ها ۱۴۲۷۳۵۵ تومان در ماه بوده است. همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۷۲ درصد از سرپرستان خانوارها، پایین، ۲۱ درصد متوسط و ۷ درصد بالا بوده است.

یافته های توصیفی پژوهش در خصوص متغیر وابسته

جدول ۲: توزیع نسبی و توصیف آماری متغیر سلامت اجتماعی

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار
سلامت اجتماعی	۲	۹٫۹	۴۰٫۸	۴۰٫۵	۶٫۹	۵۸٫۱۱	۵۸٫۰۶	۵۳٫۷۶	۱۶٫۰۹

جدول فوق، بیانگر توزیع درصد معتبر و توصیف آماری شاخص کلی سلامت اجتماعی بعنوان متغیر هدف و اصلی ترین متغیر پژوهش حاضر می باشد. متغیر سلامت اجتماعی از ترکیب پنج بعد انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تحقق اجتماعی و پیوستگی اجتماعی ساخته شده است. بر مبنای داده های این جدول، سلامت اجتماعی ۱۱/۹ درصد افراد نمونه در حد خیلی کم و کم، ۴۰/۸ درصد آنان متوسط و ۴۷/۴ درصد زیاد و خیلی زیاد است. چنان که ملاحظه می گردد، بیشترین درصد فراوانی به افرادی با سلامت اجتماعی زیاد و خیلی زیاد اختصاص یافته است. میانگین این متغیر رقم ۵۸/۱۱ است که از حد متوسط کمی بالاتر می باشد و نشان می دهد که جوانان مورد مطالعه از سلامت اجتماعی متوسط تا کمی بالاتر برخوردارند.

یافته های توصیفی پژوهش در خصوص متغیر مستقل

جدول ۳: توزیع نسبی و توصیف آماری بعد جمع گرایی ارزشی

بعد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار
جمع گرایی	۰٫۳	۰٫۶	۵٫۵	۳۹٫۲	۵۴٫۴	۷۸٫۸۹	۸۰٫۹۰	۸۷٫۱۵	۱۲٫۱۴

جدول بالا چگونگی توزیع نسبی و توصیف آماری بعد جمع گرایی ارزشی را به نمایش گذاشته است. بعد جمع گرایی از ترکیب دو مؤلفه ی دیگرخواهی و محافظه کاری به دست آمده است. داده های این جدول نشان می دهد، ۰/۹ درصد از افراد نمونه، اهمیت خیلی کم و کم، ۵/۵ درصد اهمیت متوسط و ۹۳/۶ درصد اهمیت زیاد و خیلی زیادی به این بعد ارزشی داده اند.

جدول ۴. چگونگی توزیع نسبی و توصیف آماری بعد فرد گرایی ارزشی

بعد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار
فردگرایی	۰	۰,۶	۶,۴	۳۷,۲	۵۵,۸	۷۹,۷۵	۸۱,۸۶	۷۸,۹۴	۱۲,۲۱

جدول فوق چگونگی توزیع نسبی و توصیف آماری بعد فردگرایی را به تصویر کشیده است. این بعد ارزشی از ترکیب دو مؤلفه ی پیشبرد اهداف شخصی و تمایل به تغییرات به دست آمده است. همانطور که در جدول نیز قابل مشاهده است ۰/۶ درصد جوانان مورد مطالعه اهمیت این بعد ارزشی را برای خودشان خیلی کم و کم، ۶/۴ درصد متوسط و ۹۳ درصد زیاد و خیلی زیاد دانسته اند.

بررسی فرضیات تحقیق

در این بخش از پژوهش قصد داریم تا با توجه به داده های گردآوری شده به بررسی و آزمون فرضیات تحقیق پردازیم و میزان همبستگی متغیر مستقل و وابسته را مورد سنجش قرار دهیم. لازم به ذکر است که آزمون های این بخش با فرض پارامتری بودن داده ها انجام شده است. هم چنین، برای بررسی فرضیات، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۵: نتایج و ابعاد آن آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای جمع گرایی ارزشی و سلامت اجتماعی ها

سلامت اجتماعی	جمع گرایی	خیرخواهی	دیگرخواهی	هنوایی	سنت گرایی	امنیت گرایی	محافظه کاری	جمع گرایی
احساس حمایت سطح معنی داری	۰,۱۷۷** ۰,۰۰۱	۰,۲۹۴** ۰,۰۰۰	۰,۲۷۱** ۰,۰۰۰	۰,۳۰۴** ۰,۰۰۰	۰,۱۹۷** ۰,۰۰۰	۰,۱۹۴** ۰,۰۰۰	۰,۳۲۸** ۰,۰۰۰	۰,۳۴۴** ۰,۰۰۰
احساس تعلق به جامعه سطح معنی داری	۰,۱۳۷** ۰,۰۱۳	۰,۱۸۷** ۰,۰۰۱	۰,۱۸۷** ۰,۰۰۱	۰,۲۱۸** ۰,۰۰۰	۰,۴۱۷** ۰,۰۰۰	۰,۲۲۶** ۰,۰۰۰	۰,۴۳۱** ۰,۰۰۰	۰,۳۵۵** ۰,۰۰۰
احساس تعلق به خانواده سطح معنی داری	۰,۰۰۶ ۰,۹۱۰	۰,۱۷۶** ۰,۰۰۱	۰,۰۹۶ ۰,۰۸۰	۰,۱۰۹* ۰,۰۴۵	۰,۰۳۳ ۰,۵۴۵	۰,۱۶۸** ۰,۰۰۲	۰,۱۳۸* ۰,۰۱۱	۰,۱۴۵* ۰,۰۰۹
احساس تعلق به محله سطح معنی داری	۰,۰۸۷ ۰,۱۱۱	۰,۱۳۹* ۰,۰۱۰	۰,۱۱۸* ۰,۰۳۲	۰,۱۲۲* ۰,۰۲۵	۰,۱۱۰* ۰,۰۴۱	۰,۱۶۶** ۰,۰۰۲	۰,۱۷۳** ۰,۰۰۱	۰,۱۶۱** ۰,۰۰۴

۰,۳۲۲** ۰,۰۰۰	۰,۳۶۱** ۰,۰۰۰	۰,۲۸۵** ۰,۰۰۰	۰,۲۶۹** ۰,۰۰۰	۰,۲۱۱** ۰,۰۰۰	۰,۱۹۳** ۰,۰۰۱	۰,۲۴۲** ۰,۰۰۰	۰,۱۰۸ ۰,۰۵۳	احساس تعلق سطح معنی داری
۰,۳۹۶** ۰,۰۰۰	۰,۴۰۹** ۰,۰۰۰	۰,۲۸۱** ۰,۰۰۰	۰,۲۷۷** ۰,۰۰۰	۰,۳۰۶** ۰,۰۰۰	۰,۲۷۳** ۰,۰۰۰	۰,۳۱۳** ۰,۰۰۰	۰,۱۶۵** ۰,۰۰۳	انسجام اجتماعی سطح معنی داری
۰,۲۳۷** ۰,۰۰۰	۰,۲۵۱** ۰,۰۰۰	۰,۰۵۲ ۰,۳۴۱	۰,۲۶۱** ۰,۰۰۰	۰,۱۷۲** ۰,۰۰۲	۰,۱۷۳** ۰,۰۰۲	۰,۲۰۹** ۰,۰۰۰	۰,۱۰۶ ۰,۰۵۶	پذیرش اجتماعی سطح معنی داری
۰,۲۶۰** ۰,۰۰۰	۰,۱۹۵** ۰,۰۰۰	۰,۰۸۷ ۰,۱۰۸	۰,۰۷۹ ۰,۱۴۹	۰,۲۶۸** ۰,۰۰۰	۰,۲۷۸** ۰,۰۰۰	۰,۲۵۸** ۰,۰۰۰	۰,۲۲۰** ۰,۰۰۰	مشارکت اجتماعی سطح معنی داری
۰,۲۳۷** ۰,۰۰۰	۰,۲۸۱** ۰,۰۰۰	۰,۰۸۱ ۰,۱۳۴	۰,۳۴۶** ۰,۰۰۰	۰,۱۰۳ ۰,۰۵۸	۰,۱۳۰* ۰,۱۸	۰,۱۰۴ ۰,۰۵۶	۰,۱۱۵* ۰,۰۳۴	تحقق اجتماعی سطح معنی داری
۰,۰۸۵ ۰,۱۲۷	۰,۱۱۶* ۰,۰۳۴	۰,۰۲۵ ۰,۶۵۰	۰,۱۳۴* ۰,۰۱۳	۰,۰۶۵ ۰,۲۳۵	۰,۰۵۷ ۰,۳۰۱	۰,۰۴۵ ۰,۴۰۷	۰,۰۴۹ ۰,۳۶۷	پیوستگی اجتماعی سطح معنی داری
۰,۴۱۶** ۰,۰۰۰	۰,۴۴۴** ۰,۰۰۰	۰,۲۲۰** ۰,۰۰۰	۰,۳۷۲** ۰,۰۰۰	۰,۳۱۱** ۰,۰۰۰	۰,۲۸۰** ۰,۰۰۰	۰,۲۹۰** ۰,۰۰۰	۰,۱۹۳** ۰,۰۰۱	سلامت اجتماعی سطح معنی داری

جدول ۵ مربوط به بررسی رابطه بعد ارزشی جمع گرایی با سلامت اجتماعی و ابعاد آنها می باشد. همانطور که در جدول نیز ملاحظه می گردد، رابطه متغیر جمع گرایی ارزشی و سلامت اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۴۱۶ و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است، جمع گرایی رابطه مستقیم و متوسط با سلامت اجتماعی دارد؛ یعنی هرچه جوانان جمع گراتر باشند، سلامت اجتماعی آنان نیز بالاتر خواهد بود. همچنین بین جمع گرایی با اکثر ابعاد سلامت اجتماعی به جز پیوستگی اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فردگرایی و سلامت اجتماعی و ابعاد آن ها

فردگرایی	تمایل به تغییر	برانگیختگی	لذت طلبی	استقلال	پیشبرد اهداف شخصی	موفقیت	قدرت	فردگرایی / سلامت اجتماعی
۰,۰۹۲ ۰,۱۰۱	۰,۰۵۷ ۰,۳۱۱	-۰,۰۳۹ ۰,۴۸۰	۰,۱۱۱* ۰,۰۴۳	۰,۰۷۹ ۰,۱۵۴	۰,۱۲۷* ۰,۰۲۲	۰,۱۴۴** ۰,۰۰۸	۰,۰۸۶ ۰,۱۱۷	احساس حمایت سطح معنی داری
-۰,۰۰۴ ۰,۹۴۹	-۰,۱۰۱ ۰,۰۷۰	-۰,۰۶۶ ۰,۲۳۳	-۰,۰۶۸ ۰,۲۱۸	-۰,۰۳۰ ۰,۰۵۹	۰,۱۲۹* ۰,۰۲۰	۰,۰۶۹ ۰,۲۰۷	۰,۱۹۰** ۰,۰۰۱	احساس تعلق به جامعه سطح معنی داری
۰,۰۹۴ ۰,۰۸۹	۰,۰۸۹ ۰,۱۰۵	۰,۱۱۷* ۰,۰۳۰	۰,۰۴۹ ۰,۳۶۶	۰,۱۰۳ ۰,۰۶۱	۰,۰۷۴ ۰,۱۷۵	۰,۱۴۰** ۰,۰۱۰	۰,۰۲۲ ۰,۶۸۷	احساس تعلق به خانواده سطح معنی داری
۰,۱۵۱** ۰,۰۰۷	۰,۱۴۱* ۰,۰۱۱	۰,۱۰۶* ۰,۰۵۰	۰,۰۷۸ ۰,۱۴۹	۰,۱۶۴** ۰,۰۰۳	۰,۱۳۴* ۰,۰۱۴	۰,۰۸۴ ۰,۱۲۳	۰,۱۶۰** ۰,۰۰۳	احساس تعلق به محله سطح معنی داری

۰,۱۲۸*	۰,۰۷۲	۰,۰۷۹	۰,۰۳۹	۰,۱۲۴*	۰,۱۷۵**	۰,۱۴۹**	۰,۱۹۲**	احساس تعلق سطح معنی داری
۰,۰۲۴	۰,۲۰۴	۰,۱۵۳	۰,۴۸۷	۰,۰۲۶	۰,۰۰۲	۰,۰۰۷	۰,۰۰۱	
۰,۱۲۷*	۰,۰۸۵	۰,۰۳۱	۰,۱۰۶	۰,۱۱۱*	۰,۱۶۳**	۰,۱۵۸**	۰,۱۵۵**	انسجام اجتماعی سطح معنی داری
۰,۰۲۶	۰,۱۳۶	۰,۵۷۶	۰,۰۵۸	۰,۰۵۰	۰,۰۰۴	۰,۰۰۵	۰,۰۰۶	
-۰,۰۴۲	-۰,۰۷۸	-۰,۰۷۹	-۰,۰۴۷	-۰,۰۶۸	۰,۰۱۷	-۰,۰۱۳	۰,۰۸۰	پذیرش اجتماعی سطح معنی داری
۰,۴۶۰	۰,۱۶۴	۰,۱۵۰	۰,۳۹۱	۰,۲۲۱	۰,۷۶۷	۰,۸۱۰	۰,۱۴۶	
۰,۰۲۴	-۰,۰۴۱	۰,۰۰۸	-۰,۰۷۱	۰,۰۵۱	۰,۰۹۹	۰,۱۴۲**	۰,۰۸۱	مشارکت اجتماعی سطح معنی داری
۰,۶۷۳	۰,۴۵۷	۰,۸۸۱	۰,۱۹۶	۰,۳۵۷	۰,۰۷۴	۰,۰۰۹	۰,۱۴۳	
-۰,۰۸۹	-۰,۱۵۲**	-۰,۱۵۰**	-۰,۰۹۱	-۰,۰۶۷	۰,۰۲۰	-۰,۰۰۸	۰,۰۸۴	تحقق اجتماعی سطح معنی داری
۰,۱۰۹	۰,۰۰۶	۰,۰۰۵	۰,۰۹۴	۰,۲۲۰	۰,۷۱۳	۰,۸۸۷	۰,۱۲۴	
-۰,۱۱۲*	-۰,۱۵۸**	-۰,۱۳۷*	-۰,۱۳۱*	-۰,۰۸۷	-۰,۰۲۹	-۰,۰۳۹	۰,۰۱۳	پیوستگی اجتماعی سطح معنی داری
۰,۰۴۴	۰,۰۰۴	۰,۰۱۲	۰,۰۱۵	۰,۱۱۲	۰,۵۹۷	۰,۴۷۴	۰,۸۱۶	
۰,۰۲۴	-۰,۰۵۷	-۰,۰۵۶	-۰,۰۲۰	-۰,۰۰۹	۰,۱۳۳*	۰,۰۹۳	۰,۱۸۱**	سلامت اجتماعی سطح معنی داری
۰,۶۸۰	۰,۳۳۰	۰,۳۳۶	۰,۷۳۳	۰,۸۷۷	۰,۰۲۲	۰,۱۰۷	۰,۰۰۲	

جدول شماره ۶، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین بعد ارزشی فردگرایی و سلامت اجتماعی را به تصویر کشیده است. همانطور که مشاهده می گردد، بین فردگرایی ارزشی و سلامت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود ندارد. قوی ترین روابطی که در جدول وجود دارد، رابطه بین قدرت با احساس تعلق، احساس تعلق به جامعه و سلامت اجتماعی است؛ بدین معنا که هرچه فرد برای ارزش قدرت (که شامل شاخص های ثروت، اقتدار و حفظ اعتبار و وجهه اجتماعی می باشد) اهمیت بیشتری قائل باشد، احساس تعلق او به جامعه و سلامت اجتماعی او نیز بیشتر خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش، سنجش میزان سلامت اجتماعی جوانان شهر تهران و بررسی تأثیر جهت گیری های ارزشی بر آن بوده است. برای سنجش سلامت اجتماعی، از مدل مفهومی کیز استفاده شده است. کیز بر مبنای رویکرد سلامت محور و در یک تحلیل عاملی گسترده، پنج بعد از سلامت اجتماعی را که در سطح فردی عملیاتی می شوند، ارائه داده است. این پنج بعد عبارتند از: انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، تحقق اجتماعی و پذیرش اجتماعی.

طبق این ابعاد، فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و دارای نیروهای بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند، احساس کند که متعلق به گروه های اجتماعی است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن شریک بداند. در واقع محتوای مقیاس سلامت اجتماعی، طیفی از ارزیابی تجارب مثبت فرد در جامعه است.

اگرچه مدل کیز در تعریف و عملیاتی کردن مفهوم سلامت اجتماعی فرد، مدل موفقی به نظر می رسد، اما این مدل توجه چندانی به علت یابی در زمینه سلامت اجتماعی نداشته است. بنابراین، در این تحقیق

جهت تکمیل مدل، از نظریه آهوویا برای تبیین موضوع مورد مطالعه، بهره گرفته ایم. بر مبنای این نظریه، جهت گیری ارزشی به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده و ارتباط آن با سلامت اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بر اساس نتایج توصیفی در خصوص ویژگی های فردی پاسخگویان، ۶۶٫۹ درصد جوانان مورد مطالعه مرد و ۳۳٫۱ درصد زن می باشند. میانگین سن آن ها ۲۲٫۳۲ و اکثر آنها مجرد (۸۱٫۱ درصد) بوده اند. بیشترین فراوانی به لحاظ میزان تحصیلات، متعلق به افرادی با تحصیلات لیسانس می باشد. از نظر وضع فعالیت، ۳۱٫۱ درصد پاسخگویان، شاغل، ۱۰٫۴ درصد بیکار و ۵۰٫۱ درصد، محصل و دانشجو بوده اند. مذهب ۹۶٫۵ درصد آنان، شیعه و به لحاظ قومیت، ۵۱٫۷ درصد، فارس و ۴۱٫۷ درصد، ترک و بقیه متعلق به سایر قومیت ها هستند.

یافته های توصیفی پژوهش حاضر در خصوص متغیر وابسته، یعنی سلامت اجتماعی و ابعاد آن حاکی از آن است که انسجام اجتماعی ۶٫۵ درصد از پاسخگویان، کم، ۳۳٫۹ درصد متوسط و ۵۹٫۶ درصد زیاد بوده است. پذیرش اجتماعی ۴۳٫۳ درصد آن ها، کم، ۳۷٫۹ درصد متوسط و ۲۸٫۷ درصد زیاد است. مشارکت اجتماعی ۱۹٫۴ درصد از افراد مورد مطالعه، کم، ۲۸٫۸ درصد متوسط و ۵۱٫۸ درصد زیاد است.

تحقق اجتماعی ۵۳٫۸ درصد، در حد کم، ۲۲٫۷ درصد، متوسط و ۱۸٫۵ درصد زیاد است. پیوستگی اجتماعی ۴۳٫۹ درصد پاسخگویان نیز، کم، ۳۴٫۱ درصد، متوسط و ۲۲ درصد زیاد است. بنابراین، در میان ابعاد سلامت اجتماعی، دو بعد تحقق اجتماعی و انسجام اجتماعی جوانان به ترتیب، ضعیف ترین و قوی ترین ابعاد شاخص مذکور بوده اند. اما در مورد شاخص کلی سلامت اجتماعی، نتایج نشان می دهد که سلامت اجتماعی ۱۱٫۹ درصد افراد نمونه، در حد کم، ۴۰٫۸ درصد، در سطح متوسط و ۴۷٫۴ درصد آنان نیز، در حد زیاد بوده است. میانگین این شاخص (در بازه ۰-۱۰۰) ۵۸٫۱۱ بوده است.

یافته های توصیفی تحقیق، در خصوص متغیر مستقل، به طور خلاصه به این شرح می باشد: ۰٫۹ درصد از افراد نمونه، اهمیت خیلی کم و کم، ۵/۵ درصد اهمیت متوسط و ۹۳/۶ درصد اهمیت زیاد و خیلی زیادی به بعد ارزشی جمع گرایی داده اند.

در بعد فردگرایی ۰/۶ درصد جوانان مورد مطالعه اهمیت این بعد ارزشی را برای خودشان خیلی کم و کم، ۶/۴ درصد متوسط و ۹۳ درصد زیاد و خیلی زیاد دانسته اند.

نتایج آزمون های آماری دو متغیره حاکی از آنست که رابطه متغیر جمع گرایی ارزشی و سلامت اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۴۱۶ و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است، جمع گرایی رابطه مستقیم و متوسط با سلامت اجتماعی دارد یعنی هرچه جوانان جمع گراتر باشند، سلامت اجتماعی آنان نیز بالاتر خواهد بود. این در حالی است که بین فردگرایی ارزشی و سلامت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود ندارد.

می توان علت این امر را در نظریه آهوویا جستجو کرد. وی بر اساس نتایج تحقیقات علمی در این زمینه، نشان داده است که در زیر مجموعه کشورهای فقیر، جمع گرایی به عنوان یک مکانیسم بقا دارای رابطه ای مثبت با سلامت ذهنی می باشد. یکی از دلایل همبسته بودن جمع گرایی با کشورهای فقیر، وجود مکانیسم بقا فرهنگی ناشی از ضرورت انسجام گروهی می باشد. این در حالی است که در کشورهای ثروتمند، توسعه اقتصادی از طریق ایجاد فرهنگ فردگرایانه ای که در آن افراد به پی گیری شادمانی فردی خود به

دور از تشریفات و التزامات اجتماعی، ترغیب و تشویق می شوند، به سلامت ذهنی بالاتر منجر می شود. در مجموع، آهوویا مدلی را ارائه می دهد که در آن توسعه اقتصادی، مردم را از شبکه های التزام اجتماعی رها می سازد و در این مسیر، بیشتر از اینکه بر نقش لذت و خوشنودی ناشی از مصرف تأکید کند، بر تمایلات فرهنگ های فردگرا به تشویق و ترغیب مردمانشان در جهت شادمانی شخصی، پای می فشارد.

پیشنهادات

از آنجا که پژوهش حاضر، به بررسی سلامت اجتماعی نسل جوان پرداخته است، پیشنهاد می شود مدل نظری این پژوهش در میان گروه های سنی دیگر نیز مورد آزمون قرار گیرد و نتایج با یکدیگر مقایسه شود. همچنین پیشنهاد می شود که پژوهش های آتی به بررسی و مطالعه ارتباط میان ابعاد سه گانه سلامت فردی (جسمانی، روانی و اجتماعی) در گروه های سنی، جنسی و منطقه ای بپردازند.

بر اساس یافته های این پژوهش به نظر می رسد که عوامل فرهنگی نظیر گرایشات ارزشی جمع گرایانه نقش بسیار مؤثری در افزایش سلامت اجتماعی جوانان ایفا می کنند. لذا آژانس های جامعه پذیری از قبیل خانواده، مدرسه و... می توانند با اجرای برنامه های تربیتی کارآمد به ارتقای سلامت اجتماعی این نسل یاری رسانند.

منابع

- آقامحمدی، علی () "بررسی تأثیر گرایش های ارزشی جوانان بر نگرش به رفاه اجتماعی در شهر تهران". مجله سیاسی - اقتصادی. شماره ۲۱۹ و ۲۲۰.
- تباردرزی، هادی، کلدی، علیرضا، محقق، سید حسین، آمنه، کمال، فروزان، ستاره و صالحی، مسعود (۱۳۸۷) "بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نایی. تهران: نشر نی
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۸) کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه اجتماعی. تهران: شیرازه
- گزارش ملی جوانان (۱۳۷۵-۱۳۸۴) بررسی وضعیت آسیب های اجتماعی جوانان. سازمان ملی جوانان
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) "سلامت اجتماعی چیست؟". نشریه همشهری. (۷۹/۰۱/۲۴).
- مشتاقیان، مرضیه (۱۳۹۰) "ناهماهنگی فرهنگی، طرد و کیفیت زندگی دختران دانشجو در بازگشت به مبدأ مهاجرت". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- موحدی، امین (۱۳۸۹) "بررسی تأثیر سلامت اجتماعی بر میزان کیفیت زندگی کارکنان بانک ملی ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- موسوی بفرئی، محسن (۱۳۸۷) "بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان". پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هاشمی اصفهانی، شهلا (۱۳۸۱) "تأملی در سلامت اجتماعی". حدیث زندگی. شماره ۷.
- Bernad, M. M., Gebauer, J. E. and Maio, G. R. (2006) **Cultural Estrangement: the role of personal and so cietal value discrepancies.** pers soc psychlo Bull,32:78-92.
- Deneulin, S. and MCGregor, J. A. (2010) **The capability approach and the politics of a social conception of well being.** European Journal of soxial Thery. 13: 501- 519.
- Keyes, C.M&Shapiro, A. (2004) **Social well being in the U.S.** Adescriptive Epidemiology. university of chicagopress.
- Levin, B. W. and Browner, C.H. (2005) **The social production of Health: critical camtributions from evolutionary , biological, and cultural anth ropology, social science& Medicine.** 61:745 -750.

بررسی میزان مهارت مدیریت زمان در بین نوجوانان و جوانان

اسماعیل سعدی پور^۱
 هادی بهرامی^۲
 احمد مصطفایی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۵/۱۶

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که هدفش شناسایی میزان مهارت مدیریت زمان نوجوانان و جوانان است. روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی و ابزار سنجش، پرسشنامه محقق ساخته مدیریت زمان می باشد. جامعه آماری را نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله و جوانان ۱۹-۳۰ ساله مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تشکیل می دهند. بدین منظور نمونه مورد مطالعه ۸۵۶ نفر از نوجوانان و جوانان (نوجوانان ۴۳۶ نفر و جوانان ۴۲۰ نفر) و (۴۲۷ نفر پسر و ۴۲۹ نفر دختر)، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی تدوین شده است. در بخش توصیفی از شاخص‌های آمار توصیفی و در بخش استنباطی از آزمون‌های آماری T مستقل برای متغیر جنسیت، سن و آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای تعیین تفاوت بین متغیرهای سن، تحصیلات و طبقه اقتصادی - اجتماعی با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان داد بیشتر جوانان از مهارت مدیریت زمان و تعداد کمی از نوجوانان از این مهارت بهره می‌گیرند. بین مهارت مدیریت زمان در شاخص هدفگذاری از نظر جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، ولی در شاخص‌های اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی بین جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بین سن و تحصیلات با مهارت مدیریت زمان تفاوت معنی‌داری وجود دارد، اما بین مهارت مدیریت زمان با پایگاه اقتصادی - اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در مجموع، دختران نسبت به پسران در مدیریت کردن زمان موفق‌تر می‌باشند.

واژگان کلیدی: مهارت، مدیریت زمان، نوجوانان و جوانان

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۲. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۳. پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما (نویسنده مسئول)

مقدمه

زمان منبع بی‌مانندی است که اگر از دست برود جایگزین نخواهد داشت. توجه به وقت و اهمیت دادن به آن و استفاده بهینه از زمان پیشینه‌ای دیرینه دارد. در جوامع غربی حرکت ماه و خورشید مبنای درک زمان بود و هرچه جوامع تکامل بیشتری پیدا کردند، مفهوم زمان پیچیده‌تر شد. در دنیای موجودات زنده، تنها انسان است که به زمان توجه دارد و سعی می‌کند آن را کنترل کند. ادراک مفهوم زمان تحت تاثیر فرهنگ ما قرار دارد. این تاثیرپذیری از آنجا ناشی می‌شود که زمان مفهومی ذهنی است نه یک واقعیت مادی. (لوتار، ۲۰۰۲: ۳۶)

در جامعه ما الگوی صرف وقت به میزان قابل توجهی مخدوش است. با وجود آنکه همه به یک میزان زمان در اختیار داریم، ولی بر طبق بررسی‌های آماری، جوامع و افرادی موفق‌تر هستند که از وقت خود بهتر استفاده می‌کنند. این امر نیز وابسته به الگوهای رفتاری می‌باشد که باید با آموزش و پرورش صحیح در افراد ایجاد نمود تا نحوه استفاده موثر از زمان و گذر عمر را فراگیرند؛ چراکه تنها منبعی را که نمی‌توان ذخیره کرد زمان است و تنها کاری که در این مورد می‌توان انجام داد آن است که باید نهایت استفاده از زمان را برد. بنابراین زمان کمیاب‌ترین منبعی است که افراد در اختیار دارند و هرگز نباید هدر رود. از آنجا که مهمترین و گرانبهارترین دارایی یک جامعه، منابع انسانی بخصوص نوجوانان و جوانان هستند و گرانبهارترین دارایی این افراد نیز زمان بسیار کوتاهی است که در طول زندگی در اختیار دارند، بنابراین زمان جزء نادرترین منابعی است که چنانچه بدرستی مورد استفاده قرار گیرند تغییرات و تحولات به موقع را در تمام ابعاد زندگی افراد و به تبع آن در جامعه بوجود می‌آورد. (خاکی، ۱۳۸۹: ۳۲)

نیاز به مدیریت و رهبری در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی، امری محسوس و حیاتی است. منابع انسانی و مادی بدون هدایت و رهبری لایق رو به کاهش و نابودی می‌رود، مادر این میان نوجوانان و جوانان بعنوان اداره‌کنندگان یا مسولان آینده سازمان‌ها و واحدهای مختلف جامعه هستند و چون این قشر از جامعه در هر جامعه‌ای از مهمترین افراد آن جامعه می‌باشند، جایگاه مهمی در بهسازی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی جامعه دارند. مدیریت زمان یا در واقع، استفاده اثر بخش از زمان، در جهان امروز لازمه پیشرفت و ارتقا است. یکی از عواملی که باعث پیشرفت افراد می‌شود، زمان است. استفاده صحیح و اثر بخش از زمان باعث می‌شود انسان به اجرای فعالیت‌هایی بپردازد که موجب دستیابی به اهداف فردی می‌شوند. چگونگی استفاده از زمان بعنوان یک منبع شاخص برای کارآمدی افراد یک جامعه است. (کامرون، ۲۰۰۲: ۸۲)

بیان مسئله

در حال حاضر، بیشتر نوجوانان و جوانان بدون داشتن هدف مشخص به ادامه تحصیل و امورات زندگی می‌پردازند و اکثر آن‌ها نه برنامه‌ای برای آینده در نظر گرفته‌اند و نه تصویری از آینده خود دارند. بنابراین جهت دار نیستند. زمان یکی از منابع کمیاب و بی‌ظنیری است که استفاده موثر و اثر بخش از آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای موفقیت در کار و زندگی محسوب می‌شود. استروتون (۱۹۹۳) اعتقاد دارد کسانی که قدرت زمان و چگونگی سازماندهی و استفاده از آن را می‌دانند، بسیار موفق‌تر و جلوتر از افرادی هستند که همیشه از تنگی وقت می‌نالند. به همان نسبت که اختیار ما در انتخاب وظایف و تصمیم‌گیری افزایش

می یابد، اختیار مان برای سازمان دهی وقت خودمان نیز زیادتر و بتدریج رویه معمول ما می شود. در هر صورت، مدیریت زمان از موضوعات فوق العاده مهمی است که در دنیای پر رقابت امروز باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. نوجوانان و جوانان موفق، آن هایی هستند که قادرند به طور واضح و روشن تعریف دقیقی از اهداف خود را بیان کنند و همچنین راهکارهای لازم برای رسیدن به این اهداف را ارائه کنند. اهداف، آن چیز هایی هستند که قادرند افراد را به سوی عمل مناسب هدایت و جلب نمایند. مدیریت بر مبنای اهداف نه تنها برای سازمان ها و شرکت ها موثر است، بلکه برای افراد، بخصوص نوجوانان و جوانان فایده های بسیاری نیز دارد. اساس موفقیت در زندگی باید بر یک تصویر کلی و خوب از زندگی استوار باشد و اهداف روشن و دقیق برای هر دوره از مراحل مختلف زندگی بر اساس آن (هدف) مشخص گردد. این تنها راه برقراری حلقه ارتباطی بین وظایف مختلف و کارهای امروزی و موفقیت های فردا و رضایتمندی شما است. (موریسی، ۱۳۶۸)

برای مدیریت زمان هروظیفه یا فعالیتی را که دربرنامه ریزی زمانی خود وارد می کنید، فهرست وظایف و فعالیت های خود را رتبه بندی کنید و آن ها را اولویت بندی کنید. یکی از روش های تجزیه و تحلیل اهداف برای اولویت بندی، استفاده از روش ABC می باشد: طبقه بندی فعالیت های بسیار مهم (A) و فعالیت هایی که از درجه اهمیت کمتری برخوردارند (B) و فعالیت هایی که از نظر اهمیت دارای کمترین درجه هستند (C). نظم ایجاد شده توسط آدمی در زندگی همواره در معرض آشفتگی است. لذا باید پیوسته برای منظم بودن تلاش کرد. همیشه در توجیه آنچه باید انجام می دادیم و آنچه نباید انجام می دادیم ادعا کرده ایم "وقت کافی نداشتیم"، در حالی که کاملاً زمان در اختیار ما بوده، اما مهارت های لازم برای تنظیم آن را نداشتیم.

برنامه و هماهنگی از مهمترین طرح ها، نقطه نظر ها و فعالیت ها در یک روش نظام مند و هدفمند هستند (برنامه ریزی). درابتدا استفاده از برنامه ریزی نیاز به مقداری خود انضباطی دارد، ولی درنهایت خواهید دید که تمام فعالیت ها به نتایج با ارزشی منجر می گردد. (خاکی، ۱۳۸۹: ۸۱)

مدیریت زمان و بهره وری از وقت به ما امکان می دهد که خلاقیت نوجوانان و جوانان را به خدمت بگیریم تا ضمن نجات از استرس های کسالت بار روزمره، مدیریتی موفق اعمال کنیم. در گذشته، زمان به این درجه اهمیت نداشته است، اما امروزه هر لحظه از زمان آستان حوادث و تحولات شگرف است. پس برای همگام و همراه بودن با تحولات باید روی لحظه لحظه زمان، مدیریت داشته باشیم تا به اهدافمان نائل شویم. کارهای مهمتری انجام دهیم، ارزش ها را بشناسیم، تعادل را حفظ کنیم، استرس را کاهش دهیم و به جای کار بیشتر، دقیق تر کار کنیم تا زمان را تحت کنترل خود درآوریم و با کارایی بالاتری عمل نماییم. (فرنر، ۱۳۸۱: ۴۱)

مدیریت موفق زمان روش های نوینی را به ما نشان می دهد تا ۱- دیدگاه بهتری در مورد کارهای وابسته به یکدیگر و اولویت ها به دست آوریم. ۲- فرصت های بیشتری برای پرورش خلاقیت خود و دیگران داشته باشیم. ۳- با فشارهای روانی و استرس دسته و پنجه نرم کنیم و آن را کاهش دهیم. ۴- اوقات فراغت بیشتری به دست آوریم و بتوانیم کارهای اساسی و مهم را انجام دهیم تا سریع تر به اهدافمان برسیم. (حقیقی و علیمردانی، ۱۳۸۰: ۱۱)

هدف از انجام پژوهش حاضر، یافتن پاسخ برای این پرسش است که میزان مهارت مدیریت زمان در

نوجوانان و جوانان تهرانی تا چه حد است و آیا بین میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان تهرانی تفاوت وجود دارد؟

چارچوب نظری

دربخش مبانی نظری تحقیق با توجه به متغیر اصلی (مدیریت زمان) از نظریه های گوناگون استفاده شده است که به اختصار به آن ها اشاره می شود.

عرفا و فلاسفه هریک تعریفی از زمان مطرح کرده اند که امروزه روی یک تعریف از زمان کار می کنند. طبق این تعریف، زمان عبارت است از وسیله اندازه گیری فعالیت. (رحیمی، ۱۳۸۱: ۶۳)

وقت موهبتی است که در این کره خاکی به هریک از ما به رایگان عطا شده است و میزان آن برای همه یکسان است. موفقیت هر شخصی در زمینه تحقق اهداف و آرمان هایش به مقدار قابل توجهی تابع استفاده موثر از وقت است. (نصراصفهانی، ۱۳۸۱: ۸۱)

عرفا به واسطه ماهیت ابزار شناختی خود، یعنی دل، از زبان نمادین استفاده می کنند و زمان را دارای جنبه درونی می دانند و از آن با اصطلاحاتی مانند وقت، آن دم، یاد می کنند. عرفا وقت خوش عارفانه را همانا نوعی بی دقتی و رها شدن از سیطره زمان و مکان می دانند. (روبرتا، ۱۳۸۳: ۶۱)

ولتر، فیلسوف و متفکر بزرگ فرانسوی در یکی از کتاب های خود از زبان دو تن از شخصیت هایش به موضوع قابل تاملی اشاره می کند. یکی از شخصیت ها از دیگری می پرسد: از تمام چیزهایی که در دنیا وجود دارد، چه چیزی سریع ترین و کندترین است؟ چه چیز بلند ترین و کوتاه ترین است؟ چه چیز بخش پذیر ترین و گسترده ترین است؟ چه چیز حد اعلای ندامت را به همراه می آورد، ولی بیش از هر چیز دیگری مورد بی توجهی قرار می گیرد؟ چه چیز است که بدون آن، هیچ کاری صورت نمی پذیرد، کوچکترین چیزها را می بلعد و به بزرگترین ها حیات می بخشد؟ و پاسخ می شنود: "زمان". (هیندل، ۱۳۸۳: ۹۱)

دین اسلام نیز اهمیت زمان را مورد تایید قرار داده است؛ چنان که امام صادق (ع) می فرماید: "من استوی یوماه فهو مغبون" باید هر روز نسبت به روز قبل بهتر باشیم. (رضایی مقدم و بخشی جهرمی، ۱۳۷۵، به نقل از کرمی مقدم، ۱۳۷۷)

درفرنگ و ادب ایران نیز به اهمیت زمان و نحوه استفاده درست از آن اشاره شده است. خیام زمان را به پرنده ای که بر سر شاخه ای نشسته اند، تشبیه می کند. (شیخ نظامی، به نقل از کرمی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۲۹) مکنزی می گوید: ارزش واقعی مدیریت زمان عبارت است از ارتقای تمامی ابعاد زندگی ما. به تعبیر دیگر، ارمان مدیریت زمان برای ما زمان بیشتر نیست، بلکه زندگی بهتر است. (نجف بیگی، ۱۳۸۱)

میلر (۱۹۸۵) و دیلون (۱۹۸۱) بیان می کنند که زمان تنها منبعی است که به محض دستیابی به آن می باید مصرف شود و آهنگ مصرف آن هم ثابت است. بعضی محققان در نوشته های خود برای افزایش اوقات از نظر کمی، روش هایی ارائه کرده اند، ولی آنچه که بیش از همه مورد نیاز است، استفاده موثر از مقدار زمانی است که در دسترس می باشد. برای این امر، برنامه ریزی و سازماندهی کافی مورد نیاز است. درغیر این صورت زمان بیشتر به هدر می رود. (دیلون ۱۹۸۱ و میلر ۱۹۸۵، به نقل از کرمی مقدم، ۱۳۷۷)

روانشناختی مدیریت زمان

بشر از دیر باز به مفهوم مدیریت زمان توجه داشته است. تلاش انسان در راه تعیین زمان طلوع و غروب

آفتاب و پدید آمدن فصول سال به هزاران سال پیش بر می گردد. پس از تنظیم وقت تقویم های اولیه از چندین قرن پیش، روند تکامل ساعت برای تعیین گذر زمان از شتاب بیشتری برخوردار شد؛ به طوری که ساعت های امروزی گذر فیزیکی زمان را با دقیق ترین شیوه ثبت می کنند و نشان می دهند. زمان مهمترین سرمایه بشر است و از این رو گذر زمان مورد توجه همگان است. ولی آیا برداشتی که ما از مفهوم زمان داریم در همه ما یکسان است؟ آیا افراد در هنگام دلتنگی گذر زمان را به همان صورتی ادراک می کند که شاد و با نشاط هستند؟

برداشت ما از سپری شدن زمان نسبی است. از این رو، به لحاظ روانشناختی برداشت یک فرد از سپری شدن زمان ممکن است در شرایط و زمینه های متفاوت دستخوش تغییر گردد. نقطه آغاز برتری در مدیریت زمان، میل و اراده است. کلید انگیزش، انگیزه و محرک است. برای اینکه میل کافی برای توسعه مدیریت زمان داشته باشید، باید منافع و مزایایی که احساس می کنید از آن بهره مند خواهید شد، به شما انگیزه لازم را بدهد. باید به اندازه ای خواستار دستیابی به نتایج باشید تا برای دلایل طبیعی که باعث می شود کارها را با روش های قدیمی انجام دهید، غلبه کنید. وقتی از اهرم مدیریت زمان استفاده کنید، کنترل بیشتری بر کار و زندگی شخصی تان خواهید یافت. احساس خواهید کرد بر سرنوشت خود تسلط کامل دارید و قدرتی را در زندگی خود حس خواهید کرد. در تمام بخش های زندگی خود، احساس مثبت و قدرتمندی خواهید داشت. اگر همه مردم قبول دارند که مدیریت زمان، مهارت مطلوبی است، پس چرا تنها عده کمی از آن ها می توانند "سازمان یافته، کارآمد و موثر" عمل کنند؟

روانشناسان سه مانع ذهنی را در مقابل مدیریت زمان مطرح کرده اند:

نگرانی درباره کاهش حالت طبیعی و خود انگیختگی: اولین اسطوره یا باور منفی از مدیریت زمان این است که اگر خیلی در زمان، سازمان یافته باشید، فردی سرد، حساسگر و بی احساس خواهید بود. برخی از مردم گمان می کنند که اگر خیلی موثر و خود کارآمد باشند، آزادی و سادگی خود را از دست خواهند داد و فکر می کنند که مدیریت درست زمان، انسان را انعطاف ناپذیر و سر سخت می کند.

برنامه ریزی ذهنی منفی: مانع ذهنی دوم برای توسعه مهارت های عالی مدیریتی زمان، برنامه ریزی منفی است که اغلب ما در دوران رشد و بلوغ خود از والدین و همچنین از افراد با نفوذ و موثر بر شخصیتمان، کسب می کنیم. اگر والدین یا دیگر افراد به شما بگویند که خیلی نا منظم هستید یا همیشه دیر می کنید یا هیچ وقت کاری را که شروع می کنید به اتمام نمی رسانید، باز به صورت ناخودآگاه طوری عمل می کنید که از فرامین قبلی آن ها پیروی نمایید.

باورهای خود محدود کننده: مانع ذهنی سوم در مقابل مهارت های مدیریت زمان، خود انگاره منفی یا باورهای خود محدود کننده است. بسیاری از مردم گمان می کنند که توانایی مدیریت درست زمان خود را ندارند و این قبیل افراد اغلب فکر می کنند این باور بخش ذاتی و فطری زندگی یا میراث آن هاست. (تریسی، ۲۲: ۱۹۹۴-۲۴)

روش هایی که برای برنامه ریزی ضمیر ناخود آگاه برای رسیدن به اوج عملکرد وجود دارد عبارت اند از:

روش اول: صحبت های مثبت با خود یا تایید های مثبت: این ها فرامینی هستند که از ذهن خودآگاه به ضمیر ناخودآگاه افراد می آیند.

روش دوم: تصور خود به عنوان فردی با کارایی بالا: در روانشناسی خوش بینی، درآینده به همان فردی تبدیل خواهید شد که اکنون در ذهن خود می بینید و سعی کنید خود را فردی منظم، کارآمد و موثر تصور نمایید.

روش سوم: ایفای نقش یک فرد بسیار کارآمد: باید نقش فردی را بازی کنید که در همه امور بسیار منظم است.

روش چهارم: الگوپذیری: در این روش باید زندگی خود را بر اساس رفتار افرادی برنامه ریزی کنید که از وقت شان به خوبی استفاده می کنند و چنین افرادی را معیار و الگوی خود قرار دهید.

روش پنجم: تصور این که از امروز به مدت یکسال قرار است واحدی را در مدیریت زمان تدریس کنید. این روش نتیجه یافته های کسب شده از یادگیری سریع است. طبق یافته های روانشناسان، چنانچه ضمن یادگیری، به این فکر کنید که چطور این مطلب را آموزش خواهید داد، می توانید آن را بسیار سریع تر از زمانی که مطلبی را صرفاً آموخته و برای خود به کار می برید، در ذهن خود نهادینه کنید.

روش ششم: الگوی اصلی دیگران شوید. یعنی تصور کنید دیگران شما را فردی نمونه و برجسته در مدیریت زمان می دانند.

سه عامل اصلی روانشناسی مدیریت زمان

ابتدا ارزش های خود را تعیین کنید و سپس تصمیم بگیرید زندگی تان را با آن ارزش ها هماهنگ کنید. دوم، سعی می کنید به تسلط دست یابید تا در کارهایتان ممتاز باشید.

سوم، اطمینان یابید که فعالیت ها و اهدافتان با ارزش ها و عقایدتان سازگار و موافق است. مدیریت زمان، رسیدن به کارایی شخصی، عزت نفس، احترام به نفس، بازدهی شخصی و در نتیجه خوشبختی است. با استفاده از مدیریت زمان می توانید بر هر مانعی غلبه کنید و به هر هدفی دست یابید. با مهارت های مدیریت زمان می توانید بر کل زندگی و آینده تان کنترل کامل داشته باشید. مدیریت زمان، راه رسیدن به موفقیت نهایی است.

فرضیه های پژوهش

بین میزان مهارت مدیریت زمان نوجوانان با جوانان تفاوت معناداری وجود دارد.
میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان با میزان تماشای برنامه های تلویزیون رابطه معنی داری دارد.

میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان دختر بیشتر از پسران است.

بین میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان با تحصیلات رابطه معنی داری وجود دارد.
میان میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی و از نوع پیمایشی بوده است و محقق به مطالعه متغیرهای مدیریت زمان در بین نوجوانان و جوانان می پردازد.

جامعه آماری ، نمونه و روش نمونه گیری پژوهش

یکی از گام‌های اساسی در انجام هر تحقیق تعیین و تعریف دقیق جامعه‌ای است که نمونه تحقیق از آن جامعه انتخاب می‌شود و قرار بر این است که یافته‌های تحقیق به آن جامعه خاص قابل تعمیم باشد. جامعه آماری این تحقیق را نوجوانان و جوانان ۱۲ تا ۳۰ سال شهر تهران تشکیل داده‌اند. به منظور برآورد حداقل حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد.

نمونه آماری این تحقیق را ۸۵۶ نفر از نوجوانان و جوانان دختر و پسر ۱۲ تا ۳۰ سال شهر تهران تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند: در مرحله نخست تعدادی از بلوک‌های شهر تهران انتخاب شدند. سپس در مرحله دوم انتخاب خانوارها در بلوک نمونه و در مرحله سوم انتخاب افراد نمونه در خانوارهای انتخاب شده.

ابزار پژوهش

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، "پرسشنامه مدیریت زمان" بود که محقق با همکاری تنی چند از اساتید دانشگاه علامه و کارشناسان حیطه روانشناسی نوجوانان و جوانان آن را نهایی کرد. ابتدا به صورت پایلوت روی نمونه ۵۰ نفری انجام شد و بعد از جمع‌آوری اطلاعات، این پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۷ به دست آمد و بعد از اصلاحات اندکی، پرسشنامه نهایی شد و اجرا گردید. این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال از نوع مقیاس لیکرت می‌باشد؛ چنان که سؤال‌های (۳۶-۲۹-۲۵-۲۴-۲۱-۱۸-۱۷-۱۲-۸-۷) شاخص برنامه‌ریزی، سؤال‌های (۳۵-۳۳-۳۱-۲۷-۲۰-۱۹-۱۵-۱۴-۱۳-۱۱-۱۰) شاخص هدف‌گذاری و سؤال‌های (۳۴-۳۲-۳۰-۲۸-۲۶-۲۳-۲۲-۱۶-۹) شاخص اولویت‌گذاری را اندازه‌گیری می‌کنند.

یافته‌های پژوهش

برای تعیین متغیرها در بخش توصیفی از شاخص‌های آمار توصیفی و در بخش استنباطی با توجه به حجم نمونه و متغیرهای پژوهش، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. برای نمره دادن خرده مقیاس‌های مدیریت زمان، مطابق جدول زیر عمل شده است.

جدول ۱: شاخص‌های مدیریت زمان به تفکیک سوالات، دامنه نمرات و میانگین شاخص‌ها

شاخص‌های مدیریت زمان	تعداد سؤال	دامنه نمرات شاخص	میانگین شاخص
هدف‌گذاری	۱۱	۱۱-۵۵	۳۳
اولویت‌بندی	۹	۹-۴۵	۲۷
برنامه‌ریزی	۱۰	۱۰-۵۰	۳۲/۵

با توجه به موارد ذکر شده، میانگین نمرات پاسخگویان در شاخص‌های مدیریت زمان به قرار زیر می‌باشد: شاخص هدفگذاری با میانگین ۳۷/۵۰، شاخص اولویت بندی ۳۰/۱۷ و شاخص برنامه ریزی با میانگین ۳۲/۸۸ می‌باشد. (جدول ۲)

جدول ۲: میانگین نمرات پاسخگویان در شاخص‌های مدیریت زمان

میانگین	شاخص
۳۷/۵۰	هدفگذاری
۳۰/۱۷	اولویت بندی
۳۲/۸۸	برنامه ریزی

فرضیه اول: در بررسی تفاوت نمره شاخص‌های مدیریت زمان با سن پاسخگویان، میزان میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد آن مشخص شد. (جدول ۳)

جدول ۳: میانگین نمره شاخص‌های مدیریت زمان برحسب سن پاسخگویان

N	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	خرده مقیاس‌ها	گروه‌های سنی
۴۳۶	۰/۲۴	۴/۹۲	۳۷/۶۲	هدف گذاری	۱۲-۱۸ نوجوانان
	۰/۱۶	۳/۳۳	۳۰/۱۷	اولویت بندی	
	۰/۲۲	۴/۶۸	۳۲/۳۲	برنامه ریزی	
۴۲۰	۰/۲۳	۴/۸۶	۴۷/۳۸	هدف گذاری	۱۹-۳۰ جوانان
	۰/۱۷	۳/۴۲	۳۹/۱۶	اولویت بندی	
	۰/۲۰	۴/۱۴	۴۶/۴۷	برنامه ریزی	

برای مقایسه میانگین نمره خرده مقیاس‌های مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد: بین میانگین نمره خرده مقیاس هدف گذاری در نوجوانان (۳۷/۶۲) و جوانان (۴۷/۳۸) با میزان ۹۵ درصد

اطمینان تفاوت معنی داری وجود دارد. بین میانگین نمره خرده مقیاس اولویت بندی در نوجوانان (۳۰/۱۷) و جوانان (۳۹/۱۶) با میزان ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی داری وجود دارد. بین میانگین نمره خرده مقیاس برنامه ریزی در نوجوانان (۳۲/۳۲) و جوانان (۴۶/۴۷) با میزان ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی داری وجود دارد. میانگین نمره پاسخگویان نوجوانان و جوانان در مدیریت زمان و خرده مقیاس های آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است. بررسی مقایسه میانگین نمره پاسخگویان در خرده مقیاس های مدیریت زمان بر حسب سن (تحلیل واریانس) برای مقایسه میانگین نمره پاسخگویان در خرده مقیاس های مدیریت زمان (هدفگذاری، اولویت بندی و برنامه ریزی) در نوجوانان و جوانان از طریق تحلیل واریانس مشخص شد. (جدول ۴)

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره خرده مقیاس های مدیریت زمان بر حسب سن پاسخگویان

خرده مقیاس ها	گروه های سنی	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری (Sig)
هدفگذاری	بین گروهی	۱۶/۳۲	۱	۳۲/۱۶	۱/۳۲	۰/۰۴۱
	درون گروهی	۲۰۷۲۵/۸۴	۸۵۴	۲۴/۲۷		
	کل	۲۷۳۸	۸۵۵			
اولویت بندی	بین گروهی	۲۶/۳۶	۱	۲۶/۳۶	۲/۳۱	۰/۰۲۵
	درون گروهی	۹۷۳۹/۷۴	۸۵۴	۱۱/۴۰		
	کل	۹۷۳۹/۷۸	۸۵۵			
برنامه ریزی	بین گروهی	۲۸۴/۲۱	۱	۲۸۴/۲۱	۱۴/۵۲	۰/۰۰
	درون گروهی	۱۶۷۱۷/۳۴	۸۵۴	۱۹/۵۸		
	کل	۱۷۰۰۱/۵۵	۸۵۵			

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود، میانگین خرده مقیاس های هدفگذاری، اولویت بندی و برنامه ریزی در سطح متوسط و بالای متوسط قرار دارد و مقایسه میانگین نمره های خرده مقیاس های مدیریت زمان در گروه های سنی مختلف با استفاده از آزمون تحلیل واریانس در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که در سنین بالاتر مدیریت زمان بیشتر انجام می شود. به عبارت دیگر، جوانان در برنامه ریزی و هدفگذاری برنامه ها بیشتر استفاده می کنند و با افزایش سن استفاده از مدیریت زمان بیشتر می شود.

فرضیه دوم: میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان با میزان تماشای برنامه های تلویزیون رابطه معنی داری وجود دارد.

همانطور که جدول شماره ۵ نشان می دهد، با مقدار آزمون ضریب همبستگی و سطح معنی داری حاصل از آن با ۹۵ درصد اطمینان، می توان گفت بین میزان تماشای تلویزیون و مدیریت زمان از سوی پاسخگویان رابطه همبستگی منفی (معکوس) وجود داشته است؛ به طوری که با افزایش میزان تماشای تلویزیون، مدیریت کردن زمان در زندگی کاهش یافته است. در واقع، هر چقدر فرد بیشتر تلویزیون نگاه کند، از کارها و برنامه های دیگر خود عقب می ماند. در نتیجه در برنامه ریزی دچار اختلال می شود.

جدول ۵: رابطه همبستگی بین میزان تماشای تلویزیون و مدیریت زمان

میزان	آماري
۲۸-	ضریب همبستگی اسپیرس
۰/۰۰۱	سطح معنی داری (Sig)
۸۵۶	حجم نمونه

فرضیه سوم: در بررسی تفاوت نمره خرده مقیاس های مدیریت زمان با جنس پاسخگویان، میزان میانگین، انحراف استاندارد و خطای معیار میانگین آن مشخص شد. (جدول ۶)

برای مقایسه میانگین نمره خرده مقیاس های مدیریت زمان در مردان و زنان مورد مطالعه، از آزمون t برای گروه های مستقل استفاده شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد:

بین میانگین نمره خرده مقیاس هدف گذاری در مردان (۳۷/۵۴) و زنان (۳۷/۵۰) با میزان ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بین میانگین نمره خرده مقیاس اولویت بندی در مردان (۳۰/۱۶) و زنان (۳۴/۱۷) با میزان ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی داری وجود دارد.

بین میانگین نمره خرده مقیاس برنامه ریزی در مردان (۳۲/۳۰) و زنان (۳۸/۴۶) با میزان ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معنی داری وجود دارد.

میانگین نمرات پاسخگویان مرد و زن در مدیریت زمان و خرده مقیاس های آن در جدول (شماره ۶) ارائه شده است.

جدول ۶: میانگین نمره پاسخگویان به خرده مقیاس های مدیریت زمان به تفکیک جنس

خرده مقیاس ها	جنسیت	میانگین Mean	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین	N
هدف گذاری	مرد	۳۷/۵۴	۴/۹۲	۰/۲۴	۴۲۷
	زن	۳۷/۵۰	۴/۹۴	۰/۲۴	۴۲۹

۴۲۷	۰/۱۶	۳/۳۸	۳۰/۱۶	مرد	اولویت بندی
۴۲۹	۰/۱۶	۳/۳۸	۳۴/۱۷	زن	
۴۲۷	۰/۲۳	۴/۷۴	۳۲/۳۰	مرد	برنامه ریزی
۴۲۹	۰/۲۰	۴/۰۹	۳۸/۴۶	زن	

فرضیه چهارم: در بررسی تفاوت نمره خرده مقیاس های مهارت مدیریت زمان با تحصیلات پاسخگویان، میزان میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد آن مشخص شد. (جدول ۷)

جدول ۷: میانگین نمره خرده مقیاس های مدیریت زمان بر حسب تحصیلات پاسخگویان

N	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	خرده مقیاس ها	گروه های تحصیلی
۳۹	۰/۷۹	۴/۹۶	۳۸/۷۷	هدف گذاری	ابتدایی
۳۹	۰/۵۴	۳/۳۷	۲۹/۶۲	اولویت بندی	
۳۹	۰/۶۲	۳/۸۷	۳۳/۸۵	برنامه ریزی	
۲۳۰	۰/۷۹	۴/۹۶	۳۹/۸۳	هدف گذاری	راهنمایی
۲۳۰	۰/۲۲	۳/۳۰	۳۰/۴۵	اولویت بندی	
۲۳۰	۰/۳۱	۴/۷۴	۳۵/۵۱	برنامه ریزی	
۱۶۹	۰/۴۲	۵/۵۰	۴۰/۵۴	هدف گذاری	دبیرستان
۱۶۹	۰/۲۶	۳/۳۸	۳۲/۰۴	اولویت بندی	
۱۶۹	۰/۳۶	۴/۶۴	۳۷/۵۱	برنامه ریزی	
۱۶۹	۰/۳۶	۴/۶۳	۴۷/۲۲	هدف گذاری	دیپلم
۱۶۸	۰/۲۵	۳/۲۴	۳۴/۱۵	اولویت بندی	
۱۶۸	۰/۳۳	۴/۲۹	۳۹/۲۷	برنامه ریزی	
۲۱۴	۰/۳۲	۴/۷۱	۴۹/۵۲	هدف گذاری	فوق دیپلم و لیسانس
۲۱۴	۰/۲۳	۳/۴۱	۳۸/۲۹	اولویت بندی	
۲۱۴	۰/۲۷	۳/۹۹	۴۳/۵۹	برنامه ریزی	

۳۲	۰/۸۴	۴/۷۳	۵۲/۸۴	هدف‌گذاری	فوق لیسانس
۳۲	۰/۶۵	۳/۷۱	۴۲/۵۰	اولویت‌بندی	
۳۲	۰/۷۲	۴/۱۰	۴۵/۴۱	برنامه‌ریزی	
۳	۶/۵۶	۱۱/۳۷	۵۴/۳۳	هدف‌گذاری	دکتری
۳	۴/۰۴	۷	۴۳/۱۶	اولویت‌بندی	
۳	۲/۱۹	۲/۷۹	۴۷/۶۷	برنامه‌ریزی	

همانطور که جدول ۷ نشان می‌دهد، تحصیلات، تأثیر در مدیریت کردن زمان دارد؛ یعنی، هر چه تحصیلات بالاتر باشد فرد بهتر بر وقت خود مدیریت می‌کند و توانایی درک از مدیریت زمان را پیدا می‌کند. در واقع، در مقطع ابتدایی، میانگین هدف‌گذاری ۳۸/۷۷ و در دکترا ۵۴/۳۳ می‌باشد و در مقطع ابتدایی میانگین اولویت‌بندی ۲۹/۶۲ و در مقطع دکترا میانگین اولویت‌بندی ۴۳/۱۶ است. همچنین، در مقطع ابتدایی میانگین برنامه‌ریزی ۳۳/۸۵ و در مقطع دکترا ۴۷/۶۷ می‌باشد.

برای مقایسه میانگین نمره خرده مقیاس‌های مدیریت زمان برحسب تحصیلات از طریق آزمون تحلیل واریانس انجام می‌گیرد.

جدول ۸: مقایسه میانگین نمره خرده مقیاس‌های مدیریت زمان برحسب تحصیلات پاسخگویان از طریق آزمون تحلیل واریانس

خرده مقیاس‌ها	گروه‌های تحصیلی	مجموع مجذورات	درجه آزادی (sf)	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری (Sig)
هدف‌گذاری	بین گروهی	۳۹۸/۸۰	۶	۶۶/۴۷	۲/۷۸	۰/۰۱۱
	درون گروهی	۲۰۲۹۶/۸۹	۸۴۸	۲۳/۹۳		
	کل	۲۰۶۹۵/۷۰	۸۵۴			
اولویت‌بندی	بین گروهی	۱۳۵/۱۷	۶	۲۲/۵۳	۱/۹۹	۰/۰۳۴
	درون گروهی	۹۵۸۹/۹۰	۸۴۸	۱۱/۳۱		
	کل	۹۷۲۵/۰۷	۸۵۴			
برنامه‌ریزی	بین گروهی	۶۱۷/۱۲	۶	۱۰۲/۸۵	۵/۳۴	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۶۳۳۳/۷۴	۸۴۸	۱۹/۲۶		
	کل	۱۶۹۵۰/۸۶	۸۵۴			

همانطور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، میانگین خرده مقیاس هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطح متوسط و بالای متوسط است. مقایسه میانگین نمره خرده مقیاس‌های مدیریت زمان در گروه‌های مختلف تحصیلی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که در سطوح مختلف تحصیلات هر چه تحصیلات بالاتر می‌رود از لحاظ مهارت مدیریت زمان تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، تحصیل کرده‌ها نسبت به تحصیلات کمتر از مدیریت زمان، بهتر استفاده می‌کنند و افزایش سطوح تحصیلات، تأثیری در مهارت مدیریت زمان ایجاد می‌کند. (جدول ۸)

فرضیه پنجم: در بررسی تفاوت نمره خرده مقیاس‌های مدیریت زمان با طبقه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان میزان میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد آن مشخص شد. (جدول ۹)

جدول ۹: میانگین خرده مقیاس‌های مدیریت زمان با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان

N	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	خرده مقیاس‌ها
۹۳	۰/۵۲	۴/۹۸	۳۸/۵۹	خیلی بالا	هدف‌گذاری
۱۸۸	۰/۳۶	۵/۰۲	۳۷/۵۱	بالا	
۲۹۴	۰/۳۱	۵/۲۴	۳۷/۴۰	متوسط	
۱۷۸	۰/۳۵	۴/۶۱	۳۷/۲۸	پایین	
۱۰۳	۰/۴۱	۴/۱۸	۳۷/۶	خیلی پایین	
۹۳	۰/۳۷	۳/۵۸	۳۰/۲۹	خیلی بالا	اولویت‌بندی
۱۸۸	۰/۲۶	۳/۵۸	۳۰/۲۸	بالا	
۲۹۴	۰/۱۹	۳/۲۸	۳۰/۱۷	متوسط	
۱۷۸	۰/۲۵	۳/۴۰	۲۹/۹۱	پایین	
۱۰۳	۰/۱۲	۳/۳۸	۳۰/۲۹	خیلی پایین	
۹۳	۰/۵۲	۴/۹۸	۳۳/۰۸	خیلی بالا	برنامه‌ریزی
۱۸۸	۰/۳۶	۴/۹۴	۳۲/۴۴	بالا	
۲۹۴	۰/۲۶	۴/۴۸	۳۳/۱۶	متوسط	
۱۷۸	۰/۲۹	۳/۸۸	۳۳/۰۴	پایین	
۱۰۳	۰/۱۵	۴/۴۶	۳۲/۴۷	خیلی پایین	

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، بین میانگین خرده مقیاس‌های مدیریت زمان در طبقات اقتصادی - اجتماعی بالا و خیلی بالا با میانگین خرده مقیاس‌های مدیریت زمان در طبقات اقتصادی - اجتماعی متوسط به پایین تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

مقایسه میانگین نمره خرده مقیاس‌های مدیریت زمان در طبقات مختلف اقتصادی - اجتماعی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که در سطوح طبقات اقتصادی - اجتماعی از لحاظ مهارت مدیریت زمان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و افزایش طبقات اقتصادی - اجتماعی در مهارت مدیریت زمان تأثیر نمی‌گذارد. (جدول ۱۰)

جدول ۱۰: میانگین نمره خرده مقیاس‌های مدیریت زمان برحسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی از طریق آزمون تحلیل واریانس

خرده مقیاس‌ها	طبقه اقتصادی - اجتماعی	مجموع مجزورات	درجه آزادی (sf)	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری (Sig)
هدف‌گذاری	بین گروهی	۱۳۴/۲۳	۴	۳۳/۵۶	۱/۳۹	۰/۲۴
	درون گروهی	۲۰۶۰۳/۷۷	۸۵۱	۲۴/۲۱		
	کل	۲۰۷۳۸	۸۵۵			
اولویت‌بندی	بین گروهی	۱۷/۰۲	۴	۴/۲۶	۰/۳۷	۰/۸۳
	درون گروهی	۹۷۲۲/۷۶	۸۵۱	۱۱/۴۲		
	کل	۹۷۳۹/۷۸	۸۵۵			
برنامه‌ریزی	بین گروهی	۸۶/۰۸	۴	۲۱/۵۲	۱/۰۸	۰/۳۶
	درون گروهی	۱۶۹۱۵/۴۶	۸۵۱	۱۹/۸۸		
	کل	۱۷۰۰۱/۵۵	۸۵۵			

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اصلی این تحقیق به بررسی میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان می‌پردازد و سؤال اصلی این تحقیق آن است که «میزان مهارت مدیریت زمان در نوجوانان و جوانان تهرانی چه مقدار است؟» نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نوجوانان در شاخص هدف‌گذاری (میانگین نمره ۳۷/۶۲) و نیز در شاخص اولویت‌بندی (میانگین نمره ۳۰/۱۷) و در شاخص برنامه‌ریزی (میانگین نمره ۳۲/۳۲) و جوانان در شاخص هدف‌گذاری (میانگین نمره ۴۷/۳۸) و شاخص اولویت‌بندی (میانگین نمره ۳۹/۱۶) و در شاخص برنامه‌ریزی (میانگین نمره ۴۶/۴۷) بوده است. این نتیجه را می‌توان اینگونه تعبیر و تفسیر کرد که همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، نوجوانان در این دوره حساس و مهم با مسائل و مشکلات خاص سن خود مواجه‌اند

که این موضوع ممکن است منجر به بروز تعارض و اختلال در رفتار نوجوانان شود. همچنین، شاید این امر سبب می‌شود تا نوجوانان نتوانند از زمان در اختیار به نحو احسن استفاده کنند و آن را مدیریت کنند؛ اما جوانان چون از این مرحله بحرانی و آشفته بیرون آمده‌اند، با آرامش بیشتری می‌توانند از وقت خود استفاده بهینه و آن را مدیریت کنند. در واقع، جوانان توانایی‌های خود را بیشتر درک می‌کنند و در کارها و برنامه‌های خود هدفگذاری، اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی بهتری نسبت به نوجوانان انجام می‌دهند. به عنوان مثال، فروغی (۱۳۸۲) در تحقیقی دریافت که مدیریت زمان و برنامه‌ریزی، امری اجتناب‌ناپذیر است و موفقیت سلامت جسمی و روانی بطور قابل توجهی به مدیریت زمان بستگی دارد. با وجود اینکه نوجوانان با مشکلات متنوعی روبرو هستند، ولی نتایج نشان می‌دهد که آنان تا حدودی در مورد مدیریت زمان و استفاده بهینه از وقت آگاهی دارند و تمایل دارند در کارها از مدیریت زمان استفاده کنند.

فرضیه دیگر که جزو فرضیه‌های فرعی می‌باشد این است که بین میزان مهارت مدیریت زمان نوجوانان و جوانان تفاوت وجود دارد. همانگونه که گفته شد آزمون t مستقل نشان داد بین جوانان در مدیریت کردن زمان و نوجوانان تفاوت معنی‌داری وجود دارند.

اسمی (۱۳۸۴) در تحقیق خود نشان داد که با افزایش سن در واقع از نوجوانی به جوانی، شاخص برنامه‌ریزی و نظم که یکی از شاخص‌های مدیریت زمان می‌باشد، افزایش می‌یابد.

از دیگر نتایج حاصله این که بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیون با مدیریت زمان از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن، رابطه همبستگی معکوس وجود دارد؛ به عبارتی، با افزایش میزان تماشای تلویزیون، میزان برنامه‌ریزی و زمان بندی در انجام دادن کارها و فعالیت‌های روزمره کاهش می‌یابد و هر چه فرد بیشتر تلویزیون تماشا کند از کارهای دیگر خود باز می‌ماند و زمان را از دست خواهد داد که این نتیجه‌ای است که رضا اسمی (۱۳۸۴) نیز در تحقیقات خود به دست آورد.

نتایج حاصل از بررسی مهارت مدیریت زمان با جنس از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون t مستقل نشان داد، در مهارت مدیریت زمان تفاوت بین دختران و پسران وجود دارد و دختران در مدیریت کردن زمان خود بهتر از پسران می‌باشند - این نتیجه‌ای است که ترومن و هارتلی (۱۹۹۶) و رضا اسمی (۱۳۸۲) نیز در تحقیقات خود به دست آوردند.

نتایج حاصل از بررسی رابطه مهارت مدیریت زمان با تحصیلات پاسخگویان از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد که رابطه معنی‌داری بین افزایش سطح تحصیلات با مهارت مدیریت زمان وجود دارد و با بالا رفتن تحصیلات سطح بهره‌گیری از مهارت مدیریت زمان افزایش می‌یابد. یافته‌های تحقیق رضا اسمی (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیلات، میزان رضایت آنها از نحوه گذراندن اوقاتشان کاهش یافته است. به نظر می‌رسد زمان در بین افراد تحصیل‌کرده از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است و از دست دادن آن بیشتر موجب نگرانی و نارضایتی آنها می‌شود.

نتایج حاصل از بررسی رابطه مهارت مدیریت زمان با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس (f) نشان داد که بین سطوح طبقات اقتصادی - اجتماعی از لحاظ مدیریت زمان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و افزایش طبقات اقتصادی - اجتماعی در مهارت مدیریت زمان تأثیر نخواهد داشت.

با توجه به یافته‌های فوق و نتایج مطالعات منطبق با نتایج این مطالعه می‌توان اظهار داشت که جوانانی

موفق‌ترند که با اصول مدیریت زمان آشنایی لازم را داشته باشند و وقت خود را به نحو احسن مدیریت کنند.

پیشنهادات

متناسب با نتایج به دست آمده، می‌توان پیشنهاد داد:

همانگونه که در محدودیت‌های تحقیق نیز به آن اشاره شد، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقمند به این حوزه، با هم‌افزایی هر چه بیشتر نسبت به طراحی پرسشنامه‌ای بومی و هنجار شده که مطابق فرهنگ ایرانی باشد اقدام کنند تا از این طریق نتایج عینی‌تر و ملموس‌تری به دست آید. همانطور که گفته شد، عوامل متعددی در مهارت مدیریت زمان مؤثر و دخیلند؛ از جمله: مزاحمت‌های تلفنی، کنترل زمان جلسات، نه گفتن به خواسته‌های دیگران و غیره. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران علاقمند در این زمینه هم به تحقیق بپردازند تا میزان سنجش این عوامل را بر روی مدیریت زمان نوجوانان و جوانان به دست آورند.

منابع

- اسمی، رضا (۱۳۸۴) شناخت میزان برنامه‌ریزی، نظم و مدیریت زمان در زندگی روزمره مردم تهران : مرکز تحقیقات صداوسیما.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۹) مدیریت زمان . تهران: انتشارات بازتاب
- رحیمی، شهرام (۱۳۸۱) "مدیریت زمان". کارآفرین. شماره ۱۴.
- روبرتا، روش (۱۳۸۳) مدیریت زمان. مژده شیرازی‌منش و دیگران. تهران: خدمات فرهنگی رسا
- فروغی، علیرضا (۱۳۸۲) مدیریت زمان. کیفیت در خودرو. شماره ۵.
- فرنر، جک دی (۱۳۸۱) مدیریت کاربردی وقت و عملکرد. ناصر جواهری‌زاده. چاپ اول، تهران: پژوهش
- کرمی مقدم، فردین (۱۳۷۷) بررسی رابطه مهارت فردی مدیریت زمان و مهارت‌های سازمانی در بین مدیران دبیرستان‌های دولتی شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- حقیقی، م و علیمردانی، م (۱۳۸۰) الگویی برای تنظیم وقت مدیریت به همراه توصیه های کاربردی مدیریت، تهران، نشر عالم، ص ۱۱.
- لوتارسی، ورت (۱۳۸۱) مدیریت زمان، ترجمه غلامرضا خاکی، تهران: سازمان بهره‌وری بصیر.
- نجف بیگی، رضا (۱۳۸۱) سازمان و مدیریت، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- نصر اصفهانی، علی (۱۳۸۱) فنون مدیریت زمان، مدیریت توسعه، شماره ۱۴، ص ۸۱
- هیندل، تیم (۱۳۸۳) مدیریت زمان، ترجمه شفیع الهی، تهران: سارگل.
- هیندل، تیم (۱۹۹۴) مدیریت زمان، ترجمه جعفری مقدم، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات سارگل.
- موریسی، جورج (۱۳۶۸) "مدیریت بر مبنای هدف و نتیجه در بخش دولتی". مهدی الوانی و فریده معتمدی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
- Camron,s.(2002) **Five time management mistakes.**

وزارت ورزش و جوانان

فراخوان مقاله فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

در سال ۱۳۹۳

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان بر آن است که با توجه به کسب اعتبار علمی-پژوهشی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دوره جدید فعالیت خود، آخرین دستاوردهای علمی و پژوهشی موجود را که در راستای کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان، ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود، بررسی معضلات و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور و ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها، انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور و ... به رشته تحریر درآمده اند، تدوین و در اختیار سیاست گذاران، برنامه ریزان، صاحب نظران، کارشناسان، مربیان، جوانان و کلیه علاقمندان قرار دهد. از این رو، از تمامی محققان و پژوهشگران فعال در دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می شود مقالات علمی- پژوهشی روزآمد و کاربردی خود پیرامون محورهای زیر را به نشانی الکترونیکی strategic.studies@msy.gov.ir ارسال نمایند.

اولویت های موضوعی حوزه ورزش

مدیریت ورزش، پزشکی ورزشی، روانشناسی ورزشی، پیکرشناسی ورزشی، استعدادیابی ورزشی، فیزیولوژی تمرین، جامعه شناسی ورزشی و سایر زمینه های علوم ورزشی

اولویت های موضوعی حوزه جوانان

ازدواج و طلاق، هویت، اوقات فراغت، سلامت، حقوق و مشارکت سیاسی، خانواده و دختران و زنان جوان، جمعیت و توسعه، اشتغال و بیکاری، مسکن، رفاه، رسانه ها و فناوری اطلاعات، مهاجرت، نظام وظیفه، آموزش و گروه های خاص جوانان

شرایط چاپ مقالات

- ۱- مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
- ۲- مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تایید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
- ۳- فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.

راهنمای تنظیم مقالات

- ۱- مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.

۲- حجم مقاله ها باید بین ۲۰ تا ۲۵ صفحه 4A (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت 7002 word به بالا تایپ شده باشد.

۳- ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:

صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.

چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.

مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، و نتایج، بحث و و منابع به صورت کامل ارائه گردد.

روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است. یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد. **بحث و نتیجه گیری:** ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد.

منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند. ۴- ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد:

(نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)- چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۵- معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کومه نوشت ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶- هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷- فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

- الف. کتاب: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) **عنوان کتاب**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر
- ب. مقاله: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) **"عنوان مقاله"**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) **"عنوان مقاله"**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی: نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) **"عنوان رساله"**. مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) **"عنوان مقاله"**. نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

فرم ارسال مقاله برای فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از تمامی محققان، پژوهشگران، استادان و فعالان دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می‌شود که مقاله های علمی - پژوهشی خود را به همراه فرم تکمیل شده زیر، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

مشخصات مقاله

عنوان مقاله: نوع مقاله:

مشخصات نویسنده مسئول

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی کامل پستی:

مشخصات سایر نویسندگان

نام و نام خانوادگی: نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات: میزان تحصیلات:

شغل: شغل:

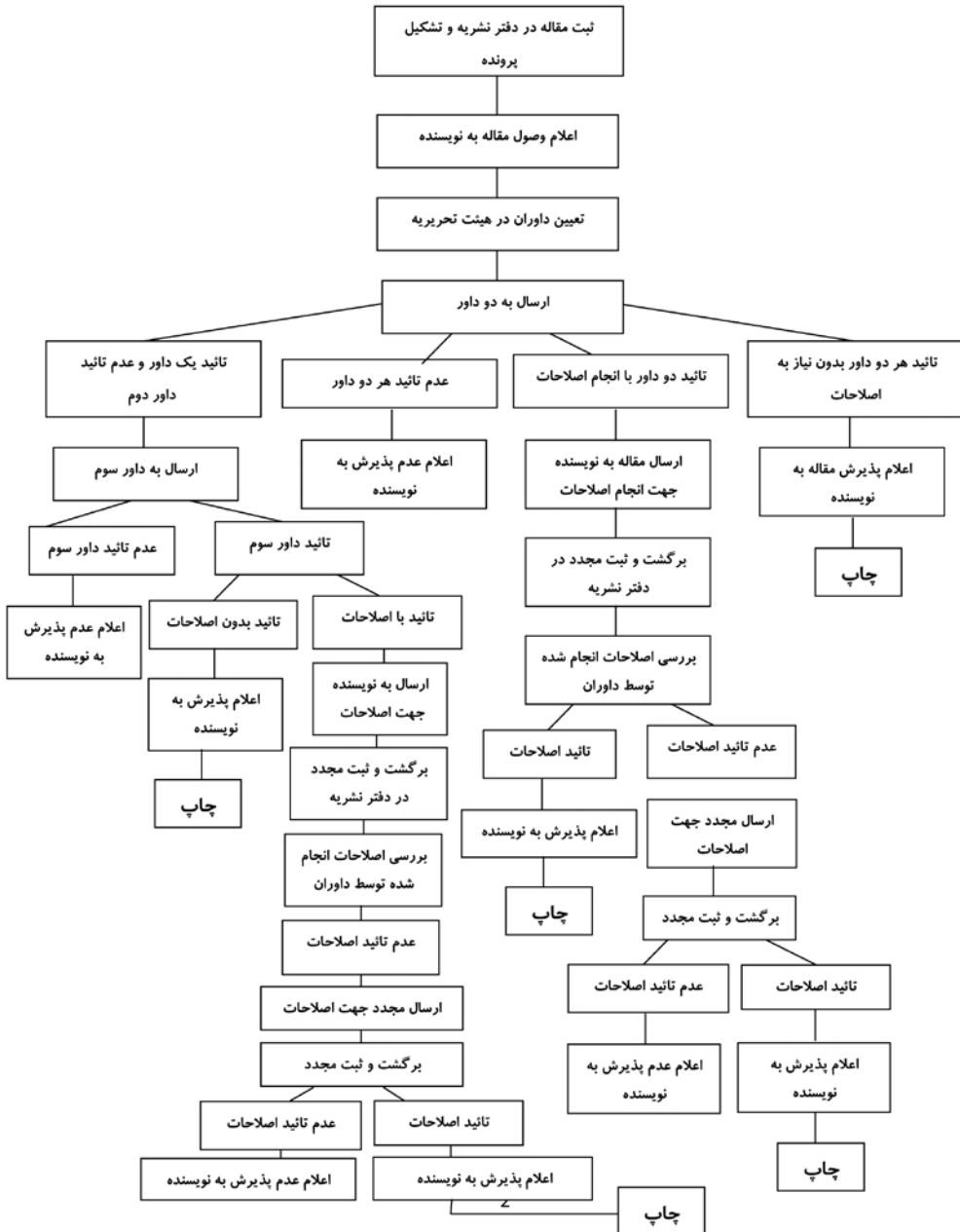
خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی: خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس همراه:

پست الکترونیک: پست الکترونیک:

تاریخ ارسال مقاله: امضای نویسنده مسئول:

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



راهنمای اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می‌شود که فرم اشتراک زیر را پس از تکمیل، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

تهران- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی
دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

فرم اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

مشخصات متقاضی حقیقی

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " " مرد " "
میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:
شغل: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):
تلفن همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):
نشانی:
کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:
امضای متقاضی:

مشخصات متقاضی حقوقی:

نام موسسه / اداره / سازمان / کتابخانه:
واحد درخواست کننده: کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:
تلفن ثابت (با ذکر کد شهر): نامبر (با ذکر کد شهر):
امضای مسئول و مهر مؤسسه:

Examining the Amount of Time Management Skill among Tehrani Adolescents and Youth

Ismail Saadipoor

Ph.D. Academic Member, University of Allame

Hadi Bahrami

Ph.D. Academic Member, University of Allame

Ahmad Mostafayi

Researcher in Research Center of IRIB

Received: 29 May. 2013

Accepted: 7 Aug. 2013

This article is derived from a research that aimed at determining the amount of time management skill among youth and adolescents. The research method is survey and the measurement tool is researcher-made questionnaire of time management. The statistical population includes Tehrani adolescents (12-18 years old) and youth (19-30 years old) in 22 districts of Tehran. Hence 856 respondents (436 adolescents and 420 young adults of which 427 were boys and 429 were girls) were selected by three-staged cluster sampling. The results have been compiled in two sections: descriptive and inferential. In the descriptive section, indexes of descriptive statistics and in the inferential section, independent T tests have been analyzed for gender and age, and variance analysis test has been used for determining the difference between the variables of age, education and socio-economic class by SPSS. The results show that most of young adults and a few numbers of adolescents use time management skills. There is not a significant difference in terms of gender in targeting index for time management skill but there is a significant difference in terms of gender in prioritizing and programming indexes. Also there is a significant difference in terms of age and education regarding time management skill. There is not any significant difference in terms of socio-economic class regarding time management skill. Also girls are more successful than boys regarding time management.

Keywords: Time management skill, Adolescents and Youth

Youth Value Orientation and Social Wellbeing

Maryam Ghazinejad

Ph.D. Academic Member of the Social Sciences Dept., Alzahra University

Farideh Vahid Fazel

Master degree in Sociology, Alzahra University

Received: 16 Feb. 2014

Accepted: 4 Mar. 2014

Today, social wellbeing is regarded as one of the important foundations in individual health and as a criterion of human and social development is one of the major elements for arguing in scientific assemblies and forums and in the world policy making. Social wellbeing defines as the assessment of the one's relationship with others, fellows and his/her community around and as such it can be considered as an important measure of life quality. Lacking an instinctive research of this in Iran, and considering the results of some related studies which have shown that Iranian youth are not socially health, the present study has been done in order to evaluate the aspects and causes of youth social health and identify the effective social factors in this regard.

This study has been done according to a valid statistical sample consists of 350 Tehrani participants in the range of 15- 29 years old by using survey as the research method and the questionnaire as the technique.

In order to evaluate social wellbeing, we have used Keyes concept model which considers five aspects of social health that are operated in personal level and are based on a health oriented approach in a broad factor analysis. In completing Keyes conceptual model and explaining our intended issue, we have used Ahuvia ideas.

As a conclusion, there was an inverse significant relation between one's values with his/her community about and his/her social wellbeing.

Keywords: Social wellbeing, Individual health, Youth and Keyes model

The Models of Analysing Cultural Norms: Assessment of Formal and Informal Norms of Youth Clothing

Soosan Bastani

Ph.D. Associate Professor in Social Sciences, Alzahra University

Mohsen Goodarzi

Ph.D. in Sociology, Researcher

Nasibe Arab

Master degree in Women's Studies, Alzahra University

Received: 10 Dec. 2013

Accepted: 15 Feb. 2014

This research was to evaluate formal and informal norms of youth clothing youths and it was done on the base of Grounded Theory. Data collection was done through deep interview with 22 male and female youths (18-29 years old) in Tehran city. Data were analyzed using theoretical coding method.

Findings suggest veiling category is a signifier which considers only signified regarded by political system, rather the signified is a wide ethical issue. Thus, actors utilize concept of being ethical in terms of their social context and situation by reinterpretation. Over all, it can be said veil has been accepted and internalized as an “internalized norm” by interviewed youth.

Key Words: Norms, Clothing, Youth, Grounded Theory and Internalization of veil

Analysis of social capital dimensions in the virtual social network

Amrollah Amani kolarijani

Ph.D. Associate Professor, Islamic Azad University, Tehran Branch

Received: 1 Jan. 2014

Accepted: 23 Feb. 2014

The present research aims at studying the social capital in virtual social networks (Virtual social capital). Its theoretical bases are related to the theories discussed by classic as well as contemporary sociologists. The research's theoretical framework is Wolman's theory of the social capital network. He has provided three models: missed society; leaved society and preserved society; and considered the network's social capital in three dimensions: structural dimension (the network's size and configuration), interactive dimension (contact frequency, the relation and intimacy severity) and functional dimension (supports); and assumes them as this research's bases. The research has been conducted using a combination of survey and documentary methods. In fact, the literature and theoretical bases have been collected using documentary method; however data collection and their analysis have been performed using survey method. Statistical population consists of all Farsi language virtual social networks in which Iranian users have been members and have continuous interactions. The sample volume was predicted as 400 people based on the amended Cochran's formula. Sampling method was snowball method. Of course, since data were collected in a theoretical space, interviews were conducted in the form of questionnaires sent through e-mail; the answering system was as self-responding. Respondents answered the items and questions in the virtual space. In the statistical analysis various methods have been applied including one-variable (descriptive statistics), two-variable (different statistical tests) and multi-variable (regression and route analysis).

KeyWords: Network social capital, Virtual social network, Social communication network and Social support

Effects of Aquatic Exercise on Quality of Life in Women with Knee Osteoarthritis

Shahram Ahanjan

Ph.D. Associate Professor, Amirkabir University of Technology

Received: 19 Feb.2014

Accepted: 5 Mar. 2014

The advantages of participating in physical activities are so well proved that many statements recommend them in preventing chronic diseases such as osteoarthritis. The purpose of this study was to examine the effects of Aquatic exercises on quality of life in women with knee osteoarthritis.

The study group consisted of twelve women who had OA with mean age (years) 58 ± 4.70 , mean height (cm) 163.17 ± 6.45 , and mean weight (kg) 67.83 ± 6.69 . The standard sf-36 questionnaire was used for data collection. Aquatic exercises were carried out under the supervision of Aquatic exercises trainer for eight weeks. Obtained data were statistically analyzed through Paired t test at significance level of $P \leq 0.05$.

General health and Physical functioning were significantly improved subsequent to the termination of the training program ($P < 0.05$). However, no significant difference was observed between pre- and post-test conditions concerning Social functioning, Role limitations due to physical health, Role limitations due emotional problems, Pain, Energy/fatigue, Emotional well being ($P > 0.05$).

The results showed that Aquatic exercises, as a safe and effective exercise method, should be considered in improving general health and physical functioning of women with knee osteoarthritis.

Keywords: Osteoarthritis, Knee, Aquatic exercises, Quality of life and Women

Explaining the Effective Dimensions of Sport Commitment in Especial Athletes

Mohammad Hossein Kamani

P.h.D. Assistant Professor of Management Department, Payam-e- Noor University

Fariba Tabea Bordbar

P.h.D. Assistant Professor of Management Department, Payam-e- Noor University

Mahboobeh Sheibani

M.A student in Human Resources Management

Received: 8 Feb.2014

Accepted: 8 Mar. 2014

The main objective of this study is to investigate the concept of “sport commitment” and identify the factors that make it up through the application of exploratory nature of grounded theory. Eleven athletes in shooting, track and field, swimming, football, badminton, and Ping-Pong who were selected for Paralympic and world competition participated in semi-structured interviews for 30-60 minutes. Then, the interviews were transcribed to analyze data.

Open, axial, and selective coding led to the classification of factors and concepts. Analyzing data showed that three factors led to sport commitment including sport enjoyment, get a higher sport ranking, and desire to make up disability. New classification of factors and omission of some effective factors over sport commitment which were found in previous studies make it necessary to pay attention to environmental and Cultural variables as well as native models (patterns).

Keywords: Sport commitment, Especial athletes, Sport enjoyment, Obtaining sport ranking and Making up disability

A Study on Relationship between Organizational Culture, Knowledge Management and Organizational Effectiveness in Iranian Ministry of Sport and Youth

Mehrzad Hamidi

Ph.D. Associated Professor in Sport Management, University of Tehran

Akbar Afarinesh Khaki

Ph.D. Assistant Professor in Sport Management, Islamic Azad University, Tehran Branch

Reza Naghipoore Asl

Master degree in Sport Management, Islamic Azad University, Tehran Branch

Received: 29 Jan. 2014

Accepted: 4 Mar. 2014

The purpose of this study was to study the relationship between organizational culture, knowledge management and organizational effectiveness in Iranian Ministry of Sport and Youth. Statistical population of the study was 290 experts of this Ministry. The statistical sample was 165 individuals by using Murgan Table, and 150 questionnaires were returned correctly. Research tool was 4 questionnaires including demographic, organizational culture, knowledge management and organizational effectiveness questionnaires that their validity and reliability were confirmed. Descriptive statistics (frequency, percent, mean and standard deviation) and inferential statistics (multiple Regressions) were used for analyzing data. Results showed that all of organizational culture factors expect adaption were significant predictors for knowledge management. Also, organizational culture factors expect mission were significant predictors for organizational effectiveness. Two knowledge management factors including knowledge usage and knowledge sharing were significant predictors for organizational effectiveness. So, results suggested that top managers of Iranian Ministry of Sport and Youth increase their organization effectiveness by developing organizational culture and knowledge management.

Keywords: Organizational culture, Knowledge management, Organizational effectiveness and Iranian Ministry of Sport and Youth

Investigating Privatization Goal Approach in Sport Private Equities

Sara keshkar

Ph.D. Assistant Professor of University of Allameh

Vagiheh Naghavi

Master degree in Physical Education, Islamic Azad University, Tehran Branch

Received: 6 Jan. 2014

Accepted: 9 Feb. 2014

Privatization is an economical decision making and legal and financial operations are as the result of it. The main objective of this research is to investigate privatization goals approach after applying privatization programs in sport clubs. The sample was 90 executive managers who were directly involved in privatization program. Methodology of this research was descriptive – surveying which was done as field study. The research tool was a questionnaire which was made by researchers and after being assured of the proper validity and credit was used. The result showed that among nine variables which in this research were investigated, six of them had improved and the other three showed no meaningful differences.

Keywords: Privatization, Private equities and Goals

The Role and Importance of Ethics in Olympic Games

Seyyed Mohammad Hossein Razavi

Ph.D. Assistant Professor of Mazandaran University

Seyyed mohammad Niazi

Ph.D. student, Shomal University

Received: 27 Nov.2013

Accepted: 4 Jan. 2014

The purpose of this study was investigation of the role and importance of ethics in Olympic Games and their main goals and the effect of these universal grate events on intellectual and social attitude in human societies. Olympic Games are inheritance of human B.C. Natural tendency of human nature on moral attitudes in all fields and ages cause human creative symbol in order to reject of human nature to morality as their polish manifestation. With spend of ages, sometimes these attitudes faraway from main idea of their creators and cause problem for societies. Therefore, in each ages investigator can provide the field of effective investigation of morality and Olympic Games with study and analyses of goals of this attitude with moral circumstances in same age and with reliance on natural tendency of human nature to moral attitude. Olympic game and sport is complete school of education that we can thereby transition deferent educational goals to young men. Humility and curtesy in sport, fare play and heroic qualities show good sport behavior in grate events such as Olympic Games. These realms provide suitable situation for development of sense of humidity and participant in Olympic Games gathering in order to obtain of social experience with deferent colors, races and opinion and created natural interest for development of these values.

Keyword: Ethics, Olympic Games and Sport

Effects of Aquatic Exercise on Quality of Life in Women with Knee Osteoarthritis

Shahram Ahanjan / Ph.D. Associate Professor, Amirkabir University of Technology

..... 12

Analysis of social capital dimensions in the virtual social network

Amrollah Amani kolarijani / Ph.D. Associate Professor, Islamic Azad University, Tehran Branch

..... 13

The Models of Analysing Cultural Norms: Assessment of Formal and Informal Norms of Youth Clothing

Soosan Bastani / Ph.D. Associate Professor in Social Sciences, Alzahra University

Mohsen Goodarzi / Ph.D. in Sociology, Researcher

Nasibe Arab / Master degree in Women's Studies, Alzahra University

..... 14

Youth Value Orientation and Social Wellbeing

Maryam Ghazinejad / Ph.D. Academic Member of the Social Sciences Dept., Alzahra University

Farideh Vahid Fazel / Master degree in Sociology, Alzahra University

..... 15

Examining the Amount of Time Management Skill among Tehrani Adolescents and Youth

Ismail Saadipoor / Ph.D. Academic Member, University of Allame

Hadi Bahrami / Ph.D. Academic Member, University of Allame

Ahmad Mostafayi / Researcher in Research Center of IRIB

..... 16

CONTENTS

The Role and Importance of Ethics in Olympic Games

Seyyed Mohammad Hossein Razavi / Ph.D. Assistant Professor of Mazandaran University

Seyyed mohammad Niazi / Ph.D. student, Shomal University

..... 8

Investigating Privatization Goal Approach in Sport Private Equities

Sara keshkar / Ph.D. Assistant Professor of University of Allameh

Vagihah Naghavi / Master degree in Physical Education, Islamic Azad University, Tehran Branch

..... 9

A Study on Relationship between Organizational Culture, Knowledge Management and Organizational Effectiveness in Iranian Ministry of Sport and Youth

Mehrzad Hamidi / Ph.D. Associated Professor in Sport Management, University of Tehran

Akbar Afarinesh Khaki / Ph.D. Assistant Professor in Sport Management, Islamic Azad University, Tehran Branch

Reza Naghipoore Asl / Master degree in Sport Management, Islamic Azad University, Tehran Branch

..... 10

Explaining the Effective Dimensions of Sport Commitment in Especial Athletes

Mohammad Hossein Kamani / P.h.D. Assistant Professor of Management Department, Payam-e- Noor University

Fariba Tabea Bordbar / P.h.D. Assistant Professor of Management Department, Payam-e- Noor University

Mahboobeh Sheibani / M.A student in Human Resources Management

..... 11

Editorial Board:

Kiumarsh Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Assistant Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Physical Education Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Assistant Professor of Political Science Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Human Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Assistant Professor of Physical Education Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Quarterly of

STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

No.22.Winter 2014

Concessionaire:

Ministry Of Sports and Youth

Director:

Mohammad Taghi Hassanzade

Editor-in-Chief:

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Editorial Secretary:

Mohammad Reza Fazli

Office Manager:

Zahra Kamalian

Typist:

Pardis vahebzadeh

Publication:

Tehran University of Art Press

**Ministry Of Sports And Youth
Strategic Studies And Research Center**

Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran

Tel:+98(21)22662267

Fax: +98(21)22662260

E- mail: strategic.studies@msy.gov.ir

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*